اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE, INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

مدیریت اقتصادی کشور در شرایط تحریم

(چالش‌ها و راهبردها)

مسئول پروژه
دکتر عبدالرسول قاسمی

ناظر علمی
دکتر ابراهیم بهادرانی



شناسنامه

عنوان پروژه : îüpd0È¼pyokoõzÞÿkß¿PÚ¼ Qüpülì

úÏuõ0 kß¿PÚ¼ óBøôtK ûlñü@QÞpy :ûsôpKÿpXì

:دکترعبدالرسول قاسمی(هیات‌علمی ûsôpKëõEvì

îýø¼pG¼pPÞk :þíéÎpÊBð (þüBHÆBHÆúì ç ÎûBãzð¼k

úè¼ QXc,o¼qBì JpÎ þéÎpPÞk ¦ó¼oBßíø/þð¼okBùG

òývc,ÿlüõð lìBc,ÿpãvÎ þéÎ ¼oBu ,þü¼qpýì

óBýðByBÞ ¼pøq ,òýì¼þñývc ûpøq ûlýu ,þíýévQ

ناظرفنی : حسن‌آقایی‌زاده / **چاپ :** واحد انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن وکشاورزی تهران

طراح : لیلا عروجی / **:** þü¼pW¼oõì¼ ÿlídì¼oBu

,Ðüßñ¾ ,þðßâoqßG ÝB0¼ úG pS¼ ò ü¼ pzð ÝõÛc úýéÞ

.ko¼k ÜéÏQ ó¼pù0 ÿqoôBzÞô ókßÏì

به نام خدا

پیشگفتار

بدون شک تصمیم گیری همواره یکی از کلیدی‌ترین مسائل پیش روی بنگاه‌های اقتصادی است. هرچند در شرایط رقابتی و با گردش آزادانه اطلاعات، انتظار می‌رود تا با کاهش عدم قطعیت‌های حاکم بر فضای تصمیم گیری، نتایج اتخاذ راهبردهای مختلف از درجه پیش بینی پذیری بیشتری برخوردار باشد اما زمانی که تنها قطعیت حاکم بر فضای تصمیم گیری، عدم قطعیت باشد، نقش نهادهای برنامه ریز و سیاستگزار، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

هرچند وجود این پدیده در کشورهای در حال توسعه به واقعیتی انکار ناپذیر در برنامه های توسعه ملی، بخشی، منطقه‌ای و حتی بنگاهی بدل گشته است، اما این شرایط در کشور جمهوری اسلامی ایران به مراتب، حادتر است و از اینروی فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیری نیز بسیار پیچیده‌تر و دشوارتر می‌نماید. شاید عوامل متعددی را بتوان در افزایش این عدم قطعیت‌ها و تأثیر نامطلوبشان بر اقتصاد ایران، برشمرد، اما بی‌شک نقش تحریم های اقتصادی که پس از انقلاب شکوهمند انقلاب اسلامی به بیت الغزل غرب علیه ایران، تبدیل شده است را نباید از نظر دور نگه داشت و در این میان ضعف مدیریت اقتصاد در شرایط تحریم دیرزمانی است که مورد توجه ویژه قرار نگرفته است.

با توجه به جایگاه اتاق بازرگانی، صنعت، معدن و کشاورزی تهران در اقتصاد ملی و پیشتازی این سازمان در انجام پژوهش های کاربردی مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی، موضوع "مدیریت اقتصاد در شرایط تحریم" به عنوان پروژه‌ای تحقیقاتی در سطح راهبردی مورد توجه قرار گرفت.

بر این اساس چالش‌های پیش روی اقتصاد در سه حوزه راهبردی "انرژی، بازرگانی، پول، بانک و بازار مالی" تعیین و با توجه به سناریونگاری‌های صورت گرفته و بررسی جذابیت راهبردها در فضای سناریویی، راهبردهایی ارائه گردیده است.

راهبردهای ارائه شده در این پژوهش به تفکیک حوزه‌های راهبردی مختلف، هرچند در سطح کلان قابل طبقه بندی است اما با توجه به نقش تأثیرگذار و بی‌بدیل آن بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، مورد توجه این اتاق قرار گرفته است. امید است با همت پژوهشگرانی که همواره دست یاری این اتاق را در انجام پژوهش‌های کاربردی فشرده‌اند، راهبردهایی نیز در سطوح بخشی و بنگاهی تدوین گردد.

در شناخت چالش‌ها و راهبردها از مشاورت ارزنده اساتید فرزانه‌ای بهره‌مند شده‌اند که سپاس خود را صمیمانه تقدیمشان می‌کنم. آقایان:

سید غلامحسین حسن تاش، مهندس علی خالقی، دکتر داود دانش جعفری، محمدرضا داورپناه، علی دینی ترکمانی، دکتر علی رحمانی، دکتر محسن رنانی، دکتر محمد ستاری فر، حسن سبکی، دکتر عباس شاکری، فتح‌اله شعبانی، دکتر علی عرب‌مازار یزدی، دکتر مسعود کرباسیان، دکتر فرشاد مؤمنی، حجت‌اله میرزایی

دکتر یحیی آل اسحاق

رئیس

فهرست مطالب

دیباچه ۱
فهرست ۵

فصل اول: کلیات تحقیق ۲۱
۱-۱-تعریف مسئله و ضرورت انجام تحقیق: ۲۱
۱-۲-اهداف تحقیق: ۲۳
۱-۳-سؤالات اساسی تحقیق: ۲۴
۱-۴-جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه: ۲۴
۱-۵-روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها: ۲۴
۱-۶-تعیین حوزههای راهبردی: ۲۵
۱-۷- تنگناهای اجرای پژوهش: ۲۶
۱-۸- ساختار نگارش تحقیق: ۲۷
۱-۹- تعریف واژه ها و مفاهیم: ۲۷

فصل دوم: مروری بر ادبیات تحریم های اقتصادی ۳۱

مقدمه ۳۱

۲-۱- تعریف تحریم اقتصادی: ۳۳

۲-۲- اهداف تحریم های اقتصادی از دیدگاه تحریم کنندگان: ۳۶

۲-۳- انواع تحریم های اقتصادی: ۳۹

۲-۴- روشهای اعمال تحریم های اقتصادی: ۴۰

۲-۵-هزینه های اقتصادی تحریم: ۴۳

۲-۶- اثربخشی تحریم های اقتصادی: ۴۶

۲-۷- تحلیل عوامل مؤثر بر اثربخشی تحریم های اقتصادی: ۴۹

فصل سوم: بررسی روند تحریم ها در اقتصاد ایران ۶۱

مقدمه ۶۱

۳-۱- تحریم های ایالات متحده علیه ایران: ۶۴

۳-۱-۱- تحریم صنایع نفت و گاز ایران: ۶۴

۳-۱-۲- منع فروش بنزین و تجهیزات مرتبط با آن به ایران: ۶۶

۳-۱-۳- منع خرید نفت خام و محصولات پتروشیمی از ایران: ۶۶

۳-۱-۴- تحریم های منتج از لایحه کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه: ۶۷

۳-۱-۵- جرایم مترتب بر نقض لایحه تحریم ایران: (ISA) ۶۸

۳-۱-۶- تحریم های پولی: منع انتقال درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت به بانک مرکزی ایران ۶۹

۳-۱-۷- تحریم های مالی: نحوه مواجهه مالی با بانک مرکزی ایران: ۶۹

۳-۲-تحریم های اتحادیه اروپا علیه ایران: ۷۱

۳-۳-تحریم های سازمان ملل علیه ایران: ۷۲

۳-۴-وضعیت بازار فروش نفت ایران پیش و پس از اعمال تحریم ها: ۷۳

۳-۵- گستره پذیرش تحریم ها از سوی کشورهای منتخب: ۷۵

۳-۶- خروج شرکتهای خارجی از بازار ایران: ۸۰

۳-۷- تفاوت تحریم های کنونی با دوره های قبل: ۸۱
۳-۸- تحریم های آتی: ۸۲
جمع بندی و نتیجه گیری: ۸۴

فصل چهارم: آینده پژوهی تحریم ها و جذابیت راهبردها ۹۵
مقدمه ۹۵
۴-۱- سناریوسازی ۹۶
۴-۱-۱- تعیین پیشرانهای استراتژیک و اولویت بندی آنها ۹۷
۴-۱-۲- کاربرد روش اسمیک پروب – اکسپر در طراحی سناریوها ۹۹
۴-۲- تبیین سناریوی منتخب در حوزه های راهبردی ۱۰۵

فصل پنجم: چالش ها و راهبردهای حوزه بازرگانی ۱۱۱
مقدمه ۱۱۱
۵-۱- بررسی و تحلیل روندها و وضعیت موجود ۱۱۲
۵-۱-۱- بررسی روندهای تاریخی متغیرهای بخش بازرگانی کشور ۱۱۲
۵-۱-۲-روند میزان صادرات نفت خام ایران ۱۱۲
۵-۱-۳- روند ارزش و رشد صادرات گمرکی ۱۱۴
۵-۱-۴- روند ارزش و رشد واردات گمرکی ایران ۱۱۷
۵-۱-۵- رابطه بین درآمدهای نفتی و واردات کالا در ایران ۱۱۸
۵-۱-۶- ترکیب صادرکنندگان عمده کالا به ایران ۱۲۱
۵-۱-۷- ترکیب واردکنندگان عمده کالا از ایران ۱۲۳
۵-۱-۸- سهم واردکنندگان نفت ایران در طی زمان ۱۲۵
۵-۱-۹- سهم قاره‌های مختلف دنیا از واردات ایران در طی زمان ۱۲۷
۵-۱-۱۰- ارتباط بین سهم واردکنندگان نفت ایران و صادرکنندگان کالا به ایران ۱۳۰
۵-۱-۱۱- سهم ایالات متحده و کشورهای اروپایی در تجارت با ایران در طی زمان ۱۳۱
۵-۱-۱۲- مقایسه میان میزان تجارت برخی کشورهای آسیایی با ایران و با کشور ایالات متحده و اتحادیه اروپا ۱۳۵

۵-۱-۱۳- تاریخچه تحریم های حوزه بازرگانی و شدت تحریم در طی زمان.....۱۳۷
۵-۲-تحلیل و مقایسه آمار تجارت خارجی ایران در سال‌های ۱۳۹۰و۱۳۹۱ ...۱۴۱
۵-۳- چالش‌های (غیرساختاری) ناشی از تحریم‌ها (راهبردهای کوتاه‌مدت)....۱۴۶
۵-۳-۱- تحدید واردات و تولید داخلی.....۱۴۶
۵-۳-۲- افزایش آسیب پذیری زنجیره تأمین کالاهای اساسی.....۱۴۹
۵-۳-۳- تشدید تحریم ناوگان حمل و نقل دریایی و بنادر.....۱۵۰
۵-۳-۴- افزایش قیمت کالاهای وارداتی.....۱۵۳
۵-۳-۵- افزایش هزینه مبادله بازرگانی شرکت های بورسی.....۱۵۶
۵-۴- ارزیابی جذابیت استراتژی ها در فضای سناریویی ۱۵۶
۵-۵- چالش‌های (ساختاری) بسترساز اثربخشی تحریم‌ها (راهبردهای میان‌مدت و بلندمدت - کاهش نااطمینانی).....۱۶۰
۵-۵-۱-ضعف تدوین و اجرای قوانین و مقررات بخش بازرگانی کشور.....۱۶۳
۵-۵-۲- ضعف شبکه توزیع کالاها در داخل کشور.....۱۶۴
۵-۵-۳- وجود انحصارات دولتی و غیردولتی در عرصه بازرگانی کشور.....۱۶۵
۵-۵-۴- ضعف نظام آمار بازرگانی.....۱۶۶
۵-۵-۵- وجود حجم بالای کالای قاچاق در اقتصاد کشور.....۱۶۷
۵-۵-۶- ناکارایی بازارچه‌های مرزی.....۱۶۸
۵-۵-۷- فقدان نظام جامع حمایت از حقوق مصرف‌کننده.....۱۶۸
۵-۵-۸- عدم استفاده از ظرفیت‌های موجود در بازارهای منطقه‌ای.....۱۶۹
۵-۵- ۹- نامتنوع بودن سبد صادراتی و وارداتی کشور.....۱۶۹
۵-۵-۱۰- وجود مشکلات دیوان‌سالارانه در بنادر، گمرکات و فرودگاه‌ها.....۱۷۱
۵-۵-۱۱- بی‌ثباتی سیاست‌های بازرگانی.....۱۷۱
۵-۵-۱۲- بی توجهی به مزیت رقابتی در حوزه بازرگانی.....۱۷۲
۵-۵-۱۳- ضعف در نظام قیمت‌گذاری و ساختار تشکیلاتی و اجرایی سیاست قیمت تضمینی.....۱۷۳
۵-۵-۱۴- عدم انسجام سیاست‌های بخش بازرگانی در حوزه برنامه‌ریزی.....۱۷۴
۵-۵-۱۵- افتراق سیاستگذاریهای خرد و کلان اقتصادی در کشور.....۱۷۵
۵-۵-۱۶- نامناسب بودن فضای کسب وکار تجاری.....۱۷۶

۵-۵-۱۷- سهم اندک کشور از اقتصاد بین‌الملل و تجارت جهانی..... ۱۷۶
۵-۵-۱۸- کیفیت پایین محصولات تولیدی، وارداتی و صادراتی..... ۱۷۸
۵-۵-۱۹- ضعف زیرساخت‌ها در حوزه بازرگانی..... ۱۷۸
۵-۵-۲۰- عدم استفاده از ظرفیت بیمه‌های تجاری..... ۱۷۹
۵-۵-۲۱- ضعف فرهنگ بازرگانی..... ۱۸۰
۵-۵-۲۲- کم توجهی به حقوق مالکیت معنوی در حوزه بازرگانی..... ۱۸۱
۵-۵-۲۳- پایین بودن بهره‌وری عوامل در حوزه بازرگانی..... ۱۸۱
جمع بندی و نتیجه گیری ۱۸۳

فصل ششم: چالش ها و راهبردهای حوزه نفت و انرژی ۱۸۷

مقدمه ۱۸۹
۶-۱- مروری بر تحریم های نفتی علیه ایران ۱۹۱
۶-۲- تحریم های سرمایه‌گذاری نفتی ایران ۱۹۴
۶-۳- منع فروش بنزین و تجهیزات مرتبط با آن به ایران ۲۰۵
۶-۴- روندهای صنعت نفت ۲۰۹
۶-۵- پیشبینی بازار نفت در سال ۲۰۱۳ ..... ۲۱۴
۶-۶- صادرات غیرنفتی ۲۱۶
۶-۷- اثرات تحریم بر تولید و صادرات نفت و گاز ایران ۲۱۷
۶-۸- چالش‌های (غیرساختاری) ناشی از تحریم‌ها (راهبردهای کوتاه‌مدت)... ۲۲۲
۶-۸-۱- چالش صادرات و واردات مواد نفتی (خاص شرایط تحریم و محدود شدن تجارت خارجی)..... ۲۲۲
۶-۸-۲- کاهش سرمایه گذاری خارجی در بخش صنعت نفت..... ۲۲۵
۶-۸-۳- ارزیابی جذابیت استراتژی ها در فضای سناریویی ۲۲۷
۶-۹- چالش‌های (ساختاری) بسترساز اثربخشی تحریم‌ها (راهبردهای میان‌مدت و بلندمدت - کاهش نااطمینانی) ۲۳۱
۶-۹-۱- ضعف مدیریت و ساختار صنعت نفت..... ۲۳۱

۶-۹-۲- ناکافی بودن نیروی متخصص..... ۲۳۴
۶-۹-۳- عدم اولویت‌بندی در توسعه میادین..... ۲۳۵
۶-۹-۴- مصرف بی رویه انرژی..... ۲۳۸
۶-۹-۵- پایین بودن کارایی صنعت پتروشیمی و عدم تکمیل زنجیره ارزش..... ۲۴۲
۶-۹-۶- بومی‌نبودن صنعت نفت..... ۲۴۴
۶-۹-۷- ضعف سازمان قراردادهای توسعه میادین نفتی..... ۲۴۵
۶-۹-۸- فرسودگی تجهیزات و تأسیسات صنعت نفت ۲۴۶

فصل هفتم: چالش ها و راهبردهای حوزه پول، بانک و بازار مالی ۲۴۹
مقدمه ۲۴۹
۷-۱- اهمیت و جایگاه بخش مالی ۲۵۰
۷-۲- مروری بر تحریم های مالی علیه ایران ۲۵۴
۷-۲-۱- تحریم های مالی آمریکا علیه ایران..... ۲۵۴
۷-۲-۲- تحریم های مالی سازمان ملل علیه ایران..... ۲۵۷
۷-۲-۳- تحریم های مالی اتحادیه اروپا علیه ایران..... ۲۵۸
۷-۳- اندازه گیری آثار تحریم های بخش مالی ۲۶۰
۷-۳-۱- شاخص قیمتها..... ۲۶۰
۷-۳-۲- نرخ برابری ریال و دلار..... ۲۶۶
۷-۳-۳- اثر درآمدهای نفتی بر نرخ تورم..... ۲۷۲
۷-۴- چالش‌های غیرساختاری ناشی از تحریم (راهبردهای کوتاه مدت) ۲۷۳
۷-۴-۱-کاهش درآمدهای ارزی دولت..... ۲۷۳
۷-۴-۲- افزایش ریسک اعتباری مراودات با ایران..... ۲۹۶
۷-۴-۳- افزایش هزینه های مبادله و تأثیر آن بر هزینه تولید و واردات..... ۲۹۹
۷-۴-۴- محدود شدن تولیدکنندگان در تأمین نیازهای وارداتی و گشایش اعتبارات اسنادی:..... ۳۰۰
۷-۴-۵-کاهش سرمایه در گردش تولیدکنندگان..... ۳۰۳
۷-۴-۶- بلاتکلیفی کالاهای گشایش اعتبار شده از محل حساب ذخیره ارزی:..... ۳۰۳
۷-۴-۷- سردرگمی در خصوص نحوه تسویه تسهیلات ارزی..... ۳۰۶

۷-۴-۸- افزایش ریسک صنعت بیمه..... ۳۰۶
۷-۵- ارزیابی جذابیت استراتژیها در فضای سناریویی ۳۰۸
۷-۶- چالش‌های (ساختاری) بسترساز اثربخشی تحریم‌ها (راهبردهای میان مدت و بلند مدت کاهش نااطمینانی) ۳۱۱
۷-۶-۱- سیاستهای پولی و ارزی ناکارآمد..... ۳۱۱
۷-۶-۲- فقدان ارتباطات مؤثر مالی بین المللی..... ۳۱۶
۷-۶-۳- افزایش مطالبات بانکی..... ۳۱۷
۷-۶-۴- کاهش اعتماد فروشندگان بین المللی به سیستم بانکی:..... ۳۱۹
۷-۶-۵- بالا بودن ریسک سرمایه گذاری برای سرمایه گذاران خارجی:..... ۳۲۰
۷-۶-۸- کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی:..... ۳۲۲
جمع بندی و نتیجه گیری ۳۲۵
منابع و ماخذ ۳۲۷

فهرست جداول

جدول ۲-۱:درصد موفقیت با توجه به نوع تحریم ها ۴۶
جدول ۲-۲:عوامل مؤثر بر تأثیرگذاری تحریم های اقتصادی از دیدگاه پژوهشگران مختلف ۵۵
جدول ۳-۱:عمده ترین خریداران نفت از ایران (بشکه در روز) ۷۴
جدول۳-۲: مقایسه تطبیقی تحریم‌ها در سه مدار ایالات متحده، سازمان ملل و اتحادیه اروپا ۸۵
جدول ۴-۱: میزان تأثیر احتمالی ۹۸
جدول ۴-۲: تعیین درجه تأثیرگذاری و میزان عدم قطعیت پیشران های حوزه تحریم ۹۸
جدول ۴-۳: برآورد احتمال رویدادها ۱۰۰
جدول ۴-۴: برآورد احتمال شرطی رویدادها در محیط دور به شرط بهبود انسجام سیاسی داخلی ۱۰۲
جدول ۴-۵: برآورد احتمال شرطی رویدادها در محیط دور به شرط بهبود انسجام سیاسی داخلی ۱۰۳
جدول ۴-۶: برآورد احتمال شرطی رویدادها در محیط دور به شرط کاهش انسجام سیاسی داخلی ۱۰۴
جدول ۴-۷: برآورد احتمال شرطی رویدادها در محیط دور به شرط کاهش انسجام سیاسی داخلی ۱۰۵
جدول۵-۱: تحلیل همبستگی میان واردات و درآمد نفتی در ایران ۱۲۰
جدول۵-۲: رابطه بلندمدت میان واردات و درآمد نفتی در ایران (بر اساس رهیافت یوهانسن*) ۱۲۰
جدول۵-۳: ارزش تجارت ایران با برخی کشورهای منتخب در سال ۱۳۹۱..... ۱۳۵

جدول۵-۴: ارزش تجارت ایالات متحده با برخی کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۲ ..... ۱۳۵
جدول۵-۵: نسبت ارزش تجارت ایالات متحده به ارزش تجارت ایران با برخی کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۲ ..... ۱۳۶
جدول۵-۶: ارزش تجارت اتحادیه اروپا با برخی کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۲ ..... ۱۳۶
جدول۵-۷: نسبت ارزش تجارت اتحادیه اروپا به ارزش تجارت ایران با برخی کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۲ ..... ۱۳۶
جدول۵-۸: تاریخچه تحریم های ایالات متحده علیه ایران در حوزه‌های مرتبط با بازرگانی ۱۳۷
جدول ۵-۹: آمار صادرات کشور در سالهای ۹۰ و ۹۱ ..... ۱۴۲
جدول ۵-۱۰: آمار صادرات کشور به تفکیک بخشهای مختلف در سالهای ۹۰ و ۹۱ ..... ۱۴۲
جدول ۵-۱۱: آمار واردات کشور در سالهای ۹۰ و ۹۱ ..... ۱۴۳
جدول ۵-۱۲: سهم کالاهای سرمایهای از کل واردات (درصد) ۱۵۲
جدول ۵-۱۳: سهم کالاهای مصرفی و واسطهای طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۴ (میلیون دلار) ۱۵۳
جدول ۵-۱۴: شرح سناریوهای منتخب و بدیل ۱۵۶
جدول ۵-۱۵: اولویت راهبردهای مرتبط با چالشهای غیرساختاری در سناریوهای منتخب و بدیل ۱۵۷
جدول ۵-۱۶: اولویتبندی چالشهای ساختاری حوزه بازرگانی ۱۶۰
جدول ۶-۱: خریداران عمده انرژی از ایران و کاهش کنونی خرید آنها (مقدار به بشکه در روز، bpd) ۱۹۳
جدول ۶-۲: سرمایه گذاری‌های و طرح‌های توسعه عمده در بخش انرژی ایران ۱۹۷

جدول ۶-۳: توقف فعالیت شرکتهای انرژی با ایران طی سالهای ۲۰۱۲-۲۰۰۹ ..... ۲۰۳
جدول ۶-۴: تولید، صادرات، سوآپ و خوراک پالایشگاه نفت خام (میلیون بشکه معادل نفت خام) ۲۰۸
جدول ۶-۵: برآورد متوسط صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران در سالهای ۲۰۱۱و ۲۰۱۲ (میلیون بشکه در روز) ۲۰۹
جدول ۶-۶: مقایسه وزنی فرآوردههای نفتی صادرشده در دو ماه سال ۱۳۹۱ نسبت به زمان مشابه در سال ۱۳۹۰ ..... ۲۱۷
جدول ۶-۷: مقایسه وزنی فرآوردههای پتروشیمی صادرشده در دو ماه سال ۱۳۹۱ نسبت به زمان مشابه در سال ۱۳۹۰ ..... ۲۱۷
جدول ۶-۸:برآورد ماهانه و متوسط سالانه صادرات نفت و میعانات ایران در سال ۲۰۱۲ (میلیون بشکه در روز) ۲۲۰
جدول ۶-۹: شرح سناریوهای منتخب و بدیل ۲۲۸
جدول ۶-۱۰: اولویت راهبردهای مرتبط با چالشهای غیر ساختاری در سناریوهای منتخب و بدیل ۲۲۹
جدول ۶-۱۱: چالشهای ساختاری حوزه راهبردی نفت و انرژی ۲۳۱
جدول ۶-۱۲: تراز انرژی سال ۱۳۸۹ کل کشور (میلیون بشکه معادل نفت خام) ... ۲۳۹
جدول ۶-۱۳: تراز انرژی سال ۱۳۹۰ کل کشور (میلیون بشکه معادل نفت خام) ... ۲۴۰
جدول ۷-۱: سهم خدمات مؤسسات مالی و پولی از تولید ناخالص ملی (درصد) ۲۵۳
جدول ۷-۲: تحریم های مالی آمریکا علیه ایران ۲۵۷
جدول ۷-۳: تحریم های مالی سازمان ملل علیه ایران ۲۵۸
جدول ۷-۴: تحریم های مالی اتحادیه اروپا علیه ایران ۲۵۹
جدول ۷-۵: شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (۱۳۸۳=۱۰۰) ۲۶۰

جدول ۷-۶: شاخص بهای ماهانه کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران طی دوره ۱۳۹۱:۴- ۱۳۸۹:۱ (۱۳۸۳=۱۰۰) ۲۶۲
جدول ۷-۷: متوسط سالانه قیمت دلار طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۸۰ ..... ۲۶۶
جدول ۷-۸: نرخ برابری ریال و دلار طی دوره ۱۳۹۱:۴- ۱۳۸۹:۱ ..... ۲۶۸
جدول۷-۹: درآمدهای ناشی از صدور نفت و گاز ایران ۲۷۴
جدول۷-۱۰: بخشنامه های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۰ ..... ۲۷۷
جدول ۷-۱۱: بخشنامه های صادر شدهدر زمینه ارز مسافرتی توسط بانک مرکزی طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۰ ..... ۲۸۹
جدول ۷-۱۲: شرح سناریوهای منتخب و بدیل ۳۰۹
جدول ۷-۱۳: اولویت راهبردهای مرتبط با چالشهای غیرساختاری در سناریوهای منتخب و بدیل ۳۰۹
جدول ۷-۱۴: چالش‌های ساختاری حوزه راهبردی بانک، پول و بازارهای مالی ۳۱۲
جدول ۷-۱۵: ارقام عمده پولی اعتباری ۱۳۹۱-۱۳۸۳ ..... ۳۱۳
جدول ۷-۱۶:خلاصه متغیرهای پولی و اعتباری(۹۱-۱۳۸۷) ۳۱۵
جدول ۷-۱۷: حجم معوقات بانکی طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۴ ..... ۳۲۰
جدول ۷-۱۸: شاخص ریسک پذیری ایران ۳۲۲

فهرست نمودارها

نمودار ۴-۱: درخت تصمیم رویدادهای مختلف در محیط نزدیک و دور (برآورد احتمال توأم) ۱۰۶
نمودار ۵-۱: میزان صادرات نفت خام ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۷ ..... ۱۱۳
نمودار ۵-۲: سهم صادرات نفتی و غیرنفتی در صادرات کشور طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۸۷ ..... ۱۱۴
نمودار ۵-۳: ارزش صادرات گمرکی ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۴ ..... ۱۱۵
نمودار ۵-۴: ارزش واقعی صادرات گمرکی ایران بر اساس طبقه‌بندی بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۷ ..... ۱۱۶
نمودار ۵-۵: رشد ارزش دلاری صادرات گمرکی ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۴ ..... ۱۱۷
نمودار ۵-۶: ارزش دلاری واردات ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۴ ..... ۱۱۸
نمودار ۵-۷: نرخ رشد ارزش دلاری واردات ایران طی سال های ۱۳۹۱-۱۳۴۴ ..... ۱۱۸
نمودار ۵-۸: درآمد نفتی حقیقی دولت طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۴ ..... ۱۱۹
نمودار ۵-۹: ارزش واقعی واردات گمرکی ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۴ ... ۱۲۰
نمودار ۵-۱۰: ترکیب کشورهای عمده طرف واردات ایران در سال ۱۳۷۱ ..... ۱۲۱
نمودار ۵-۱۱: ترکیب کشورهای عمده طرف واردات ایران در سال ۱۳۷۹ ..... ۱۲۲
نمودار ۵-۱۲: ترکیب کشورهای عمده طرف واردات ایران در سال ۱۳۹۱ ..... ۱۲۲
نمودار ۵-۱۳: ترکیب کشورهای عمده طرف صادرات ایران در سال ۱۳۷۱ ..... ۱۲۳

نمودار ۵-۱۴: ترکیب کشورهای عمده طرف صادرات ایران در سال ۱۳۷۹.....۱۲۴
نمودار ۵-۱۵: ترکیب کشورهای عمده طرف صادرات ایران در سال ۱۳۹۱.....۱۲۴
نمودار ۵-۱۶: سهم مناطق واردکننده نفت ایران در سال‌های پس از انقلاب....۱۲۵
نمودار ۵-۱۷: سهم قاره‌های مختلف دنیا از واردات ایران در سال‌های پس از انقلاب ۱۲۸
نمودار ۵-۱۸: سهم برخی از کشورهای واردکننده از کل صادرات نفت ایران در سال ۲۰۱۲ .....۱۳۰
نمودار ۵-۱۹: سهم شرکای عمده تجاری از ارزش دلاری واردات در سال ۱۳۹۱ .....۱۳۱
نمودار ۵-۲۰: روند سهم ایالات متحده از ارزش صادرات ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۱ .....۱۳۲
نمودار ۵-۲۱: روند سهم ایالات متحده از ارزش واردات ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۱ .....۱۳۲
نمودار ۵-۲۲: روند سهم قاره اروپا از ارزش صادرات غیر نفتی ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۵۰ .....۱۳۳
نمودار ۵-۲۳: روند سهم قاره اروپا از ارزش واردات ایران طی سال های ۱۳۹۱- ۱۳۵۰ .....۱۳۴
نمودار ۵-۲۴: ارزش واقعی صادرات غیرنفتی ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۴ ....۱۳۹
نمودار ۵-۲۵: ارزش واقعی واردات ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۴ .....۱۳۹
نمودار ۵-۲۶: میزان تولید نفت ایران طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۸۰ (هزار بشکه در روز) ۱۴۰
نمودار ۵-۲۷: میزان صادرات نفت ایران طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۸۶ (هزار بشکه در روز) ۱۴۰
نمودار ۵-۲۸: روند تولید خودروی سواری در کشور طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۷ .۱۴۶

نمودار ۵-۲۹: روند میزان بارگیری نفتی و غیرنفتی ناوگان حمل ونقل آبی کشور طی سال‌های ۱۳۹۱:۶-۱۳۸۳:۱ (هزار تن) ۱۵۱
نمودار ۶-۱: تولید نفت خام ایالات متحده امریکا(هزار بشکه در سال) ۲۱۱
نمودار ۶-۲: تولید گاز ایالات متحده امریکا(میلیارد فوت مکعب در سال) ۲۱۱
نمودار ۶-۳: کل تولید نفت خام ایران ۲۰۱۲-۱۹۸۰ هزار بشکه در روز ۲۱۹
نمودار ۶-۴: خالص صادرات نفت خام ایران ۲۰۱۲-۱۹۸۰ ..... ۲۱۹
نمودار ۶-۵: تولید ماهانه نفت ایران (۲۰۱۳-۲۰۱۱) از زمان اجرای تحریم های جدید آمریکا و اتحادیه اروپا ۲۲۱
نمودار ۷-۱: روند تغییرات شاخص قیمتها طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۸۴ ..... ۲۶۱
نمودار ۷-۲: روند تغییرات شاخص بهای ماهانه کالاها و خدمات مصرفی و تحریم های مالی وضع شده علیه ایران طی دوره ۱۳۹۱:۴- ۱۳۸۹:۱ ..... ۲۶۴
نمودار ۷-۳: روند تغییرات نرخ دلار طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۸۰ (ریال) ۲۶۷
نمودار ۷-۴: روند تغییرات نرخ دلار و تحریم های مالی وضع شده علیه ایران طی دوره ۱۳۹۱:۴- ۱۳۸۹:۱ ..... ۲۷۰

فصل اول

کلیات تحقیق

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱-تعریف مسئله و ضرورت انجام تحقیق:

دستیابی به اهداف کلان اقتصادی همواره با موانع عدیده‌ای همراه بوده است. موانعی که گاه داخلی و گاه خارجی بوده‌اند. وجود همین موانع و جایگاه اقتصاد در تار و پود اجتماع، سبب شده است تا تصمیم‌گیری در حوزه اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود و این اهمیت زمانی دوچندان می‌شود که تصمیمات اقتصادی در شرایط بحرانی اتخاذ شوند. بحران‌هایی که تاریخ اقتصادی بشر بارها و بارها آن را تجربه نموده و از آن درس‌ها فراگرفته است.

تحریم‌ها، پیشینه تاریخی بسیار طولانی دارند؛ حتی در قرن‌های میانه، سابقه اعمال تحریم در چالش‌های بین واتیکان و امپراتوری فرانسه وجود دارد. اما تحریم پس از جنگ جهانی دوم کاربرد بیشتری پیدا کرد. در زمان‌های نزدیک‌تر به ما، تحریم های بریتانیا در مورد ایران در جنبش نفت، تحریم کوبا از سوی ایالات متحده آمریکا، تحریم نفتی هلند، بریتانیا، آمریکا و فرانسه از سوی کشورهای عربی در جنگ ۱۹۷۳اعراب

ورژیم صهیونیستی که سبب چهار برابر شدن قیمت نفت شد، همچنین از تحریم تجاری، ورزشی و سرمایه‌ای اتحاد جماهیر شوروی از سوی غرب (که المپیک ۱۹۸۰ را هم در برگرفت) به علت حمله نظامی و اشغال افغانستان می‌توان یاد کرد.

به لحاظ روش شناختی تحریم‌ها را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی نمود: گروه اول که از سابقه تاریخی و شدت بیشتری نسبت به تحریم های دیگر برخوردار است، شامل تحریم های ایالات متحده علیه ایران است. هر چند اعمال یکجانبه این تحریم‌ها از سوی ایالات متحده، پذیرش عمومی آن را در نظام بین‌الملل کاهش می‌دهد، اما با توجه به رابطه تجاری و سیاسی ایالات متحده با سایر کشورها و نیز دامنه وسیع این گونه تحریم‌ها، از درجه اثرگذاری بیشتری نسبت به سایر تحریم‌ها برخوردار بوده است. ایالات متحده در سال‌های اخیر با طرح "خطر ایران هسته‌ای" سعی کرده کشورهای دیگر به خصوص اعضای اتحادیه اروپا را با خود همگام سازد و آن‌ها را از اتخاذ سیاست‌های تشویقی در قبال ایران به سمت اعمال تحریم های سختگیرانه‌تر سوق دهد. تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به ۶ دوره اصلی تقسیم‌بندی نمود که هر یک دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد:

۱- دوره ابتدای انقلاب اسلامی (۶۰-۱۳۵۸)

۲- دوره جنگ ایران-عراق (۶۷-۱۳۶۰)

۳- دوره سازندگی (۷۱–۱۳۶۸)

۴- دوره ریاست جمهوری کلینتون، مهار دوجانبه (۸۰–۱۳۷۲)

۵- پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

۶-مقابله با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

از موارد مرتبط با بند (۶) می‌توان به تعلیق پروژه‌های سرمایه‌گذاری خصوصاً در صنعت نفت و گاز و همچنین تحریم خرید نفت و بانک مرکزی ایران اشاره نمود.

گروه دوم که در برگیرنده تحریم های اتحادیه اروپاست به کاهش درآمدهای نفتی ایران و عدم توانایی کشور در انتقال ارز در قالب سیستم بانکی رایج انجامیده است.

همراستایی دو گروه یاد شده، رویکرد سایر کشورها در خصوص ایران را تحت تأثیر قرار داده، به گونه‌ای که با طرح موضوع تحریم بین‌المللی ایران در قالب اقدامی هماهنگ از سوی سازمان ملل، دو قطعنامه تحریمی علیه ایران صادر شده است.

ویژگی گروه سوم (تحریم های سازمان ملل) فراگیری و لازم‌الاجرایی آن توسط همه کشورهای عضو است. اگرچه تحریم هایی که ذیل این دو قطعنامه علیه ایران وضع شد، از شدت بالایی در مقایسه با تحریم های دو گروه پیشین برخوردار نیست، اما راه را برای جذب همکاری بیشتر و رفتاری سختگیرانه‌تر علیه ایران گشوده است.

هرچند ظرفیت‌های بالقوه فیزیکی و سرمایه‌های انسانی ابزاری قوی و سودمند در مقابله با تحریم های غرب است، اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که این مهم نیازمند برنامه‌ریزی و استفاده کامل از توان کارشناسی برای پیشرفت در شرایط تحریم است.

امروز، مدیریت عقلایی اقتصادی کشور و خروج از تصمیم‌گیری‌های واکنشی در جهت نیل به اهداف و آرمان‌های اقتصادی کشور به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بدل شده است. ضرورتی که بی‌توجهی به آن هدررفت منابع ارزشمند توسعه اقتصادی را موجب خواهد شد. بنابراین درک عمیق از چالش‌های پیشروی اقتصاد ایران، نیازمند مدیریت صحیح اقتصادی در شرایط کنونی است. مدیریتی که هدف آن نه تنها مقابله با چالش-های موجود و کم‌اثر نمودن آنها، بلکه حرکت در مسیر دستیابی به اهداف متعالی توسعه اقتصادی باشد.

این تحقیق در نظر دارد تا با انجام مطالعات اسنادی و همچنین تشکیل گروه کانونی و گروه خبرگی با استفاده از ابزار طوفان مغزی، مصاحبه عمیق، تکمیل پرسشنامه و برگزاری میزگردهای تخصصی، راه‌حل‌های مقتضی را ارائه نماید.

۱-۲-اهداف تحقیق:

الف- بررسی روند تحریم‌ها در اقتصاد ایران

ب- آسیب‌شناسی تحریم‌ها بر اقتصاد ایران (تعیین چالش‌ها در حوزه‌های راهبردی اقتصاد ایران)

- چالش‌های متأثر از تحریم های اقتصادی (چالش‌های غیرساختاری)
- چالش‌های مؤثر بر مدیریت تحریم های اقتصادی (چالش‌های ساختاری)

ج- ارائه راهبردها و تعیین اولویت آنها به تفکیک حوزه‌های راهبردی

۱-۳- سؤالات اساسی تحقیق:

الف- با توجه به تحریم های اقتصادی، چه چالش‌هایی در حوزه‌های مختلف راهبردی، پیش‌روی اقتصاد ایران است؟

ب- راه‌حل‌های پیش‌روی اقتصاد ایران، برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی کدامند؟

۱-٤- جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه:

جامعه آماری در این مطالعه شامل کلیه خبرگان حوزه‌های راهبردی مشخص شده در تحقیق است که با توجه به زمان، هزینه و دقت مورد نظر در اجرای پروژه، بخشی از این خبرگان به عنوان نمونه آماری انتخاب شده و در قالب گروه کانونی و پنل‌های خبره از نظرات آنها در مراحل مختلف تحقیق استفاده گردید. تعداد این خبرگان ۲۰ نفر بوده است که در هر یک از حوزه‌های راهبردی مورد بررسی در تحقیق صاحب‌نظر بوده‌اند.

۱-۵-روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها:

اطلاعات لازم در این تحقیق به روش‌های زیر گردآوری می‌شود:

- روش اسنادی با استفاده از تکنیک مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی وقایع حساس در اقتصاد ایران:

در این روش، کلیه مطالعات مستند در حوزه تحریم و آسیب‌شناسی اقتصاد ایران مورد مطالعه و تحلیل محتوی قرار گرفت.

- روش آگاهی دهندگان ((مشاوران))کلیدی:

مشاوران کلیدی، راهبری پروژه شامل تعیین مواد و روش‌ها، طراحی پرسشنامه، مذاکره با خبرگان کلیدی را بر عهده داشتند.

- روش تحلیل خبرگی با استفاده از تکنیک‌های طوفان مغزی، مصاحبه و تکمیل پرسشنامه و فن دلفی:

در این روش با توجه به اطلاعات مشاوران کلیدی، لیستی از خبرگان کلیدی حوزه‌های مختلف راهبردی، تهیه و با توجه به مذاکرات صورت گرفته با خبرگان هر حوزه، لیست افراد مایل به همکاری جهت انجام مصاحبه عمیق تهیه گردید. پس از انجام دور اول مذاکرات و تعیین فهرستی از چالش‌ها، پرسشنامه‌هایی تدوین و با تکنیک مصاحبه حضوری تکمیل گردیدند.

- گروه کانونی:

این گروه را باید آخرین حلقه انجام پژوهش نامید. نتایج حاصل از انجام مطالعات اسنادی، انجام مصاحبه‌های عمیق، تکمیل و تحلیل پرسشنامه‌ها، در آخرین مرحله در قالب گزارش پژوهشی در اختیار گروه کانونی قرار گرفته و مورد بازبینی نهایی قرار خواهد گرفت.

۱-٦-تعیین حوزه‌های راهبردی:

حوزه‌های راهبردی (استراتژیک) به بررسی قلمروهای اساسی می‌پردازد که نقش محوری در اقتصادایران دارند. این حوزه‌ها با توجه به مبانی نظری و همچنین تلفیق سه رویکرد تعیین می‌گردد. این سه رویکرد عبارتند از:

- **رویکرد فرصت محوری**: در اینحالت طبقه‌بندی حوزه‌های راهبردی اقتصاد از دیدگاه فرصت‌های موجود مورد توجه قرار می‌گیرد.
- **رویکرد موضوع محوری**: در این رویکرد موضوعات مرتبط در اقتصاد کلان مورد توجه قرار می‌گیرند. به عنوان مثال تورم، اشتغال، رشد اقتصادی و ...
- **رویکرد مسئله محوری**: در این رویکرد، تحلیل روند چالش‌های موجود در اقتصاد ایران در گذشته و پیش‌بینی چالش‌های فراروی اقتصاد ایران در آینده، برای طبقه‌بندی حوزه‌های راهبردی مورد توجه قرار می‌گیرد.

با توجه به مطالعات صورت‌گرفته و نظرات خبرگان کلیدی، رویکرد مسئله‌محوری به عنوان رویکرد منتخب در طبقه‌بندی حوزه‌های راهبردی، مورد ملاحظه قرار گرفت. براین اساس حوزه‌های راهبردی مورد بررسی در پژوهش عبارتند از:

الف- حوزه راهبردی نفت و انرژی

ب- حوزه راهبردیپول، بانک و بازارهای مالی

ج- حوزه راهبردیبازرگانی (داخلی و خارجی)

د- حوزه راهبردی مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی

۱-۷- تنگناهای اجرای پژوهش:

مهم‌ترین تنگنای اجرای پژوهش، با توجه به جامعه آماری یعنی خبرگان کلیدی حوزه‌های راهبردی مختلف، با عنایت به تقارن انجام پژوهش با برگزاری انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری، طبعاً دشواری دسترسی به این خبرگان در طول انجام پژوهش بوده است. همچنین تغییرات سریع روند تحریم‌ها از دیگر چالش‌های پیش‌رو در انجام این پژوهش بود.

۱-۸- ساختار نگارش تحقیق:

تحقیق حاضر مشتمل بر هفت فصل می‌باشد.

فصل اول: کلیات تحقیق

فصل دوم: مروری بر ادبیات تحریم های اقتصادی

فصل سوم: بررسی روند تحریم‌ها در اقتصاد ایران

فصل چهارم: آینده‌پژوهی تحریم و جذابیت راهبردها

فصل پنجم: چالش‌ها و راهبردهای حوزه راهبردی بازرگانی

فصل ششم: چالش‌ها و راهبردهای حوزه راهبردی نفت و انرژی

فصل هفتم: چالش‌ها و راهبردهای حوزه راهبردی پول، بانک و بازارهای مالی

۱-۹- تعریف واژه‌ها و مفاهیم:

- **چالش‌های ساختاری:**

همانگونه که از نام آن نیز مشخص است این چالش‌ها به ساختار اقتصاد ایران مرتبط بوده و صرفاً مربوط به دوره وضع یا تشدید تحریم‌ها نمی‌شوند. هرچند این بخش از چالش‌ها محدود به دوره زمانی وضع یا تشدید تحریم‌ها نیستند اما، با توجه به تأثیر این گروه از چالش‌ها بر میزان کامیابی یا ناکامی مدیریت اقتصاد در شرایط تحریم، به تفکیک هر حوزه راهبردی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. ناگفته پیداست که راهبردهای ارائه شده در ارتباط با چنین چالش‌هایی دارای طبیعت میان‌مدت و بلندمدت هستند و معمولاً در قالب برنامه‌های عملیاتی دستگاه‌های اجرایی قابل پیاده‌سازی هستند.

- **چالش‌های غیرساختاری:**

این بخش از چالش‌ها، مختص به شرایط تحریم بوده و نشأت گرفته از وضع تحریم یا تشدید آن در هر حوزه راهبردی است. ارائه راهبرد مرتبط با هر چالش غیرساختاری، از درجه فوریت بیشتری برخوردار بوده و هماهنگی نهادی بیشتری را نسبت به راهبردهای قبلی، طلب می‌نماید.

فصل دوم

مروری بر ادبیات تحریم‌های اقتصادی

فصل دوم

مروری بر ادبیات تحریم های اقتصادی

مقدمه

مدت زمان مدیدی است که تحریم‌های اقتصادی در عرصه روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرد. از قرن بیستم بویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، که اقتصاد جهانی درهم‌تنیده‌تر شده است، تحریم‌های اقتصادی به ابزاری رایج در دست سیاستمداران - به خصوص در ایالات متحده - بدل شده است. آلمان نازی به منظور تحت تأثیر قرار دادن رفتار همسایگان شرقی اروپایی خود، در ایجاد وابستگی اقتصادی، بسیار تهاجمی برخورد می‌کرد. پس از پایان جنگ سرد، جان دوباره‌ای در بکارگیری از تحریم‌های اقتصادی دمیده شد و قدرت‌های بزرگ، پس از متحمل شدن هزینه‌های سنگین مداخلات نظامی در مناطقی همچون بوسنی، چچن و سومالی، به دنبال ابزارهای سیاستی جایگزین به منظور پیشبرد منافع خود شدند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۷، سرگئی کاراگانوف، رئیس شورای دفاع و سیاست خارجی روسیه بیان می‌دارد که

امپراطوری روسیه با استفاده از ابزار اقتصادی می‌تواند بر قلمرو خود احاطه داشته باشد، بدون اینکه به کنترل فیزیکی متوسل شود.

هرچند مبانی نظری تحریم – خصوصاً در بعد اقتصادی- در سال‌های اخیر توسعه یافته، اما به گفته گری هافبائر[۱]، جفری اسکات[۲] و کیمبرلی الیوت[۳] (از این پس از این سه نفر با نام اختصاریHSEیاد می‌شود)، تا قبل از جنگ جهانی اول، حداقل ۱۳ مورد برجسته از تحریم‌های اقتصادی اتفاق افتاده است. یکی از اولین و مشهورترین تحریم‌های اقتصادی در سال ۴۲۳ قبل از میلاد اتفاق افتاد. زمانی که پریکلس فرمان مگاران را صادر و به واسطه آن ورود کالاهای مگارا به بازارهای آتن را محدود کرد. بالا گرفتن تحریم‌های آتن علیه مگارا، به کشیده شدن ماشه جنگ پلوپونز کمک کرد.

آنها همچنین بیان می‌دارند که ۱۶۵ مورد از تحریم های اقتصادی بین سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۹۸ اعمال شدند که در ۱۱۵ مورد از آن‌ها ایالات متحده حضور داشته و در ۶۸ مورد از ۱۱۵ مورد تحریم، ایالات متحده به وضع تحریم یکجانبه مبادرت کرده است. به علاوه، فدراسیون روسیه نیز در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷، ۳۵ مورد تحریم اقتصادی را علیه کشورهای تازه استقلال‌یافته (NIS) به منظور کسب امتیازات سیاسی از آن کشورها، اعمال کرده است. شورای امنیت سازمان ملل نیز، در طی ۴۵ سال اول پس از تأسیس‌اش، تنها در دو مورد (در برابر رودزیا در سال ۱۹۶۶ و در برابر افریقای جنوبی در سال ۱۹۷۷) از تحریم های اقتصادی استفاده کرده است. اگرچه، طی دهه ۱۹۹۰، شورای امنیت بیش از ۱۶ بار، تحریم‌هایی جامع و جزئی را به‌کار برده است. این اقدامات بی‌سابقه، بحث‌های قابل توجهی را پیرامون تحریم‌های اقتصادی در حوزه سیاست و محافل دانشگاهی به وجود آورده است که عبارتند از:

الف) آیا تحریم‌ها مؤثر بوده‌اند و تحریم مؤثر به چه تحریمی اطلاق می‌شود؟

---

[1]- Gary Hufbauer
[2] - Jeffery Schott
[3] - Kimberly Elliot

ب) چه متغیرهایی بر روی درجه تأثیر تحریم‌ها اثر می‌گذارد؟
ج) چگونه می‌توان اهمیت عوارض جانبی ناخواسته را مورد ارزیابی قرار داد؟
د) اثرات تحریم‌ها بر روی اعمال‌کنندگان آن چیست؟

۲-۱- تعریف تحریم اقتصادی:

بطور کلی ابزارهای اقتصادی برای اعمال فشار به کشورهای هدف را می‌توان به سه گروه، طبقه‌بندی نمود:

۱- تحریم‌های اقتصادی
۲- جنگ تجاری
۳- جنگ اقتصادی

اولین معیار و شاخص، کاهش تجارت بین‌المللی با هدف اجبار دولت برای تغییر سیاسی است. مهمترین شاخص اندازه‌گیری اثربخشی این نوع تحریم، تولید ناخالص داخلی است.

دسته دوم یا جنگ تجاری، متقاعد کردن دولت هدف به ایجاد شرایط مطلوب‌تر تجاری با کشور وضع‌کننده تحریم است. تفاوت اساسی بین جنگ تجاری و تحریم اقتصادی آنست که در جنگ تجاری، هدف کشور فرستنده تحریم، تلاش برای تغییر سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی کشور هدف است درحالیکه در تحریم اقتصادی، هدف تغییر رفتار سیاسی بین‌المللی کشور هدف می‌باشد. بهترین معیار برای اندازه‌گیری جنگ تجاری، تغییرات قیمت در کشور هدف است.

دسته نهایی که از آن به جنگ اقتصادی، نام برده می‌شود، با هدف تضعیف اقتصاد کشور هدف به منظور کاهش یا کنترل توانمندی‌های نظامی آن کشور است. بدیهی است شاخص اندازه‌گیری در این بخش، تولیدات نظامی کشور هدف است.

تعاریف گوناگونی از تحریم، توسط افراد مختلف، ارائه گردیده است. برای نمونه، داوودی و دجانی[٤] تحریم های اقتصادی را اینگونه تعریف می‌کنند "اقدامات تنبیهی که توسط تعدادی از بازیگران بین‌المللی به ویژه یک سازمان جهانی همچون اتحادیه‌ای از کشورها یا سازمان ملل، در برابر یک یا تعداد بیشتری از دولت‌ها به خاطر نقض منشور عمومی مصوب، اعمال می‌گردد." هرچند، تحریم های اقتصادی اعمال شده توسط یک دولت، گروهی از کشورها، یا یک سازمان بین‌المللی به ابزار اعمال نفوذ برای تأثیرگذاری بر رفتار یا سیاست کشورها تبدیل شده است که لزوماً قوانین بین‌المللی را نقض نمی‌کند. همچنین، جان گالتانگ[٥] تحریم های اقتصادی را اینگونه تعریف می‌کند "اقدامات اعمال شده توسط یک یا چند بازیگر بین‌المللی (فرستندگان) در برابر یک یا چند کشور دیگر (گیرندگان) به منظور تنبیه دریافت‌کنندگان به وسیله محروم ساختن آنها از برخی از ارزش‌ها یا منطبق کردن آن کشورها (گیرندگان) با آن چیزی که فرستندگان به آن اعتقاد دارند". ماکیو میاگاوا[٦] نیز تعریف مشابهی را ارائه داده است.

میروسلاو نینکیک[٧] و پیتر والنستین[٨] تحریم های اقتصادی را اینگونه تعریف می‌کنند: "اعمال فشار اقتصادی به وسیله یک یا چندین کشور به منظور دستیابی به برخی اهداف سیاسی". با تأکید بیشتر، جیمز لیندسی[٩] تحریم های اقتصادی را به اینصورت تعریف می‌کند: "اقداماتی است که یک کشور (آغازگر) عموماً قسمت اعظمی

4- Daoudi and Dajani
5- Johan Galtung
6- Makio Miyagawa
7- Miroslav Nincic
8 - Peter Wallensteen
9- James Lindsay

از تجارتش را با کشور دیگر (هدف) به منظور دستیابی به اهداف سیاسی به حالت تعلیق درمی‌آورد".

HSE در پژوهشی با عنوان "بازبینی تحریم های اقتصادی"، تحریم های اقتصادی را اینگونه تعریف نمودند: "تهدید یک کشور (یا چند کشور و یا سازمان بین‌المللی) به خروج از تجارت مرسوم یا روابط مالی با کشوری که هدف تحریم قرار گرفته است". مرسوم به معنای قراردادی نیست، معنای ساده آن سطوحی از تجارت و فعالیت مالی است که احتمالاً در غیاب تحریم‌ها اتفاق می‌افتد. بر اساس مرور ادبیات صورت گرفته، دونا کاپلوویتز، تحریم های اقتصادی را به این صورت تعریف می‌کند: "ممنوعیت اقتصادی یا مالی اعمال شده توسط یک یا چند کشور (فرستندگان) به منظور تنبیه کشور و یا کشورهای دیگر (هدف) یا تغییر اجباری در سیاست‌های کشورهای هدف و یا نشان دادن موضع کشور فرستنده در قبال سیاست‌های کشورهای هدف، به مخاطبان داخلی و بین‌المللی. به‌طور واضح، هر دو هدف می‌تواند به صورت همزمان دنبال شود (تغییر در رفتار کشور هدف و ارسال پیام‌های ارزشی به مخاطبان داخلی و بین‌المللی).

در دهه ۱۹۲۰ و اوایل دهه ۱۹۳۰، در راستای مفهوم اجبار در قوانین بین‌المللی، تحریم های اقتصادی معنی تحریم‌های اتحادیه‌ای از کشورها را پیدا کرد. به گفتهHSE، در میان تمامی تحریم‌های اقتصادی اعمال شده، تنها ۵ مورد توسط اتحادیه‌ای از کشورها اعمال شده است: در برابر یوگسلاوی در سال ۱۹۲۱، یونان در سال ۱۹۲۵، پاراگوئه و بولیوی در سال ۱۹۳۲ و در برابر ایتالیا در سال ۱۹۳۵. اگرچه تحریم های سازمان ملل اخیراً مرسوم شده است، ولی این امری غیرواقع است که تحریم‌های اقتصادی را تنها به اقدامات سازمان ملل یا به اقداماتی که توسط هر یک از اعضای جامعه بین‌المللی علیه اعضای دیگر اعمال می‌شود، محدود کرد. تبیین مفهومی دقیق از تحریم‌های اقتصادی، که در آن خصایص و کاربردهای دیگر تحریم‌ها را برجسته نماید، ضروری است.

تحریم های اقتصادی، برخی مواقع مترادف با "تصحیح اقتصادی" در نظر گرفته می‌شود که این مفهوم با مواردی چون جنگ اقتصادی (تحریم استراتژیک)، انگیزش اقتصادی و جنگ تجاری، در شکل، منظور و ویژگی متفاوت است. بر اساس نظر دیوید بالدوین، تحریم‌های اقتصادی، طیفی از سیاست‌های اقتصادی است که تلاش می‌کند که بر منابع تعیین قیمت‌ها در بازار تأثیرگذار باشد. جنگ اقتصادی (تحریم استراتژیک) به دنبال تضعیف پتانسیل اقتصادی تحریم‌شونده، ضعیف نمودن توان نظامییا به دنبال یک مسابقه تسلیحاتی در زمان صلح و یا در زمان جنگ است. جنگ اقتصادی، رویکردی بلندمدت را در تعامل با دشمنان نشان می‌دهد، درحالیکه تحریم های اقتصادی معمولاً اهداف سیاسی کوتاه‌مدت را دنبال می‌کنند. انگیزش اقتصادی، شامل امتیازات تجاری، انتقال تکنولوژی و سایر امتیازات اقتصادی است که در صورت تطابق سیاسی کشور هدف، از طرف کشور فرستنده اعطا می‌گردد. از "انگیزش اقتصادی" با نام "تحریم مثبت" نیز یاد می‌شود. جنگ‌های تجاری برخلاف اهداف سیاسی، به واسطه اختلاف بر سر رفتار و سیاست اقتصادی است.

شاید جامع‌ترین تعریف از تحریم را بتوان بدین صورت تبیین نمود: تحریم اقتصادی، تهدید یا اقدامی است که توسط یک دولت یا ائتلافی از دولت‌ها (به عنوان فرستنده) به منظور ایجاد اخلال در مبادلات اقتصادی کشور هدف با سایر کشورها، در راستای تنبیه کشور هدف، تغییر اجباری در سیاست‌های کشور هدف یا اعلام موضع کشور فرستنده در قبال سیاست‌های کشور هدف، صورت می‌گیرد.

۲-۲-اهداف تحریم‌های اقتصادی از دیدگاه تحریم‌کنندگان:

تعیین اهداف کشور تحریم‌کننده از نظر اغلب صاحبنظران این حوزه بسیار دشوار است. مشخصاً اهدافی که توسط کشورهاییاد شده برای مخاطبان داخلی و بین‌المللی اعلام می شوند، از اعتبار لازم برخوردار نیستند. خصوصاً زمانی که اعمال‌کنندگان

تحریم‌ها مشتمل بر اتحادهای ناهمگنی باشند که اهداف مختلفی را دنبال کنند. بنابراین رمزگشایی اهداف پنهانی که در بدنه این تحریم‌ها تعبیه شده است از اهمیت زیادی برخوردار است. در ادامه مطالعاتی که پیشتر در خصوص اهداف اقتصادی تحریم‌ها انجام شده است را می‌توان در قالب دسته‌بندی پنجگانه زیر طبقه‌بندی نمود:

- مجازات (بازدارندگی)
- اجابت (اضطرار)
- بی‌ثباتی (براندازی)
- ارسال پیام
- نمادسازی (اثر تظاهری)

- **مجازات (بازدارندگی)**

هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ مفهومی، تحریم های اقتصادی برای تنبیه سرپیچی‌کننده مورد استفاده قرار می‌گیرند و هدف آنها تنها بازگرداندن خاطی به مسیر مطلوب نیست. به بیان دیگر وضع تحریم‌ها، جریمه‌ای است برای انجام کار خطا و اینکه سایرین را از اقدامات خودسرانه مشابه بازدارد. وضع تحریم غله از سوی ایالات متحده علیه شوروی پس از حمله این کشور به افغانستان و همچنین تحریم کوبا در امریکای لاتین علاوه بر مقاصد تنبیهی، پیامی برای سایر کشورها نیز به شمار می‌آمد.

- **اجابت (اضطرار)**

هدف از تحریم می‌تواند اعمال فشار بر کشور خاصی برای قرار گرفتن در مسیر مطلوب کشور تحریم‌کننده برای دستیابی به اهداف سیاسی خاصی باشد. در مرحله مجازات، تحریم‌کننده به دنبال جلوگیری از عملی است. در حالی که در مرحله اجابت، سعی بر آن است که کشور تحریم شده از مسیری که رفته است بازگردد. دستیابی به مورد اخیر به مراتب دشوارتر است.

- **بی‌ثباتی (براندازی)**

اعمال تحریم‌ها می‌تواند با هدف بی‌ثباتی سیاسی و براندازی رژیم سیاسی کشوری باشد که مورد تحریم قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه وقتی ایالات متحده کوبا را در سال ۱۹۶۰ تحریم کرد، امید داشت که یک رژیم غیرکمونیست را جایگزین رژیم کاسترو نماید.

- **ارسال پیام**

اعمال تحریم های اقتصادی، ارسال پیامی از سوی کشور تحریم‌کننده به کشور هدف و همچنین هم‌پیمانان خود است. به این معنا که سخنانش با عملش همخوانی داشته و پشتیبانی می‌شود. تحریم های اقتصادی گاهی می‌توانند به تهدیدهای جدی‌تری نظیر مواجهه نظامی بیانجامند. به بیان دیگر تحریم اقتصادی پیام واضحی از سوی کشور تحریم کننده است بدین مضمون که اگر خواسته‌هایش اجرایی نشود اقدام نظامی کاملاً محتمل خواهد بود. برای نمونه ایالات متحده و سازمان ملل، پیش از حمله نظامی به عراق در سال ۱۹۹۱، تحریم‌های فراگیری علیه این کشور وضع کردند.

- **نمادسازی (اثر تظاهری)**

هر چند در اغلب موارد، "اثر تظاهری" تحریم‌های اقتصادی به عنوان هدف اصلی تصریح نمی‌شود، اما اثر سمبلیک، به‌عنوان هدف اصلی و کارکرد معنی‌دار تحریم‌هاست. در سطح بین‌المللی اعمال تحریم‌ها باعث می‌شود توجه سایر کشورها به موضوع جلب شده و افکار عمومی را متوجه تخطی کشور تحریم شده نماید. این امر در گام‌های بعد، اعمال تحریم های بیشتر یا اقدامات سختگیرانه‌تر را تسهیل کرده و پذیرش بین‌المللی این اقدامات را در طول زمان افزایش می‌دهد. در مورد مخاطبان داخلی کشورهای اعمال‌کننده تحریم نیز، اعمال تحریم‌ها زمینه را برای اقدامات بعدی مهیا نموده و افراد را قانع می‌کند که دولت رفتار عادلانه‌ای را پیش گرفته است.

۲-۳- انواع تحریم‌های اقتصادی:

تحریم های اقتصادی را می‌توان از زوایای مختلفی طبقه‌بندی نمود. یکی از روش‌های طبقه‌بندی تحریم های اقتصادی توجه به اثرات تحریم‌ها بر کشور هدف تحریم است. این تحریم‌ها در صورت اثربخش بودن، در بلندمدت می‌تواند با تنش‌های سیاسی، بحران‌های اقتصادی، ناکارایی و شکست نهادی و فروریختگی و اظمحلال ساختارهای یک نظام همراه باشد. با توجه به معیارهای مذکور، تحریم‌ها را می‌توان به سه گروه، تحریم های تضعیف‌کننده، تحریم های فلج‌کننده و تحریم‌های هوشمند، طبقه‌بندی نمود.

- **تحریم های تضعیف‌کننده:**

همانگونه که از نام آن مشخص است، این تحریم‌ها با هدف تضعیف بنیه اقتصادی کشور هدف وضع می‌گردد. پیامد این نوع تحریم، نامطلوب شدن مقادیر شاخص‌های اقتصادی در بلندمدت و وادار نمودن کشور هدف به تمکین در مقابل خواست‌های کشور یا کشورهای هدف است.

- **تحریم های فلج‌کننده:**

این نوع تحریم را باید تشدید شده تحریم قبلی دانست. اثرات زیانبار این تحریم به مراتب بیشتر از گروه تحریم قبلی است و معمولاً در صورت ناکارامد تشخیص دادن تحریم های گروه اول اعمال می‌شود. در صورت ادامه این نوع از تحریم، زیرساخت‌های اقتصادی کشور به شدت آسیب‌دیده و انجام امور اقتصادی بر مدار معمول، امکان‌پذیر نخواهد بود.

- **تحریم های هوشمند:**

باید توجه داشت که در دو گروه قبلی تحریم‌ها که هدف آن با ضعف و شدت متفاوت، ناکارآمد نمودن اقتصاد است، طیف وسیعی از ابزارها مورد استفاده قرار گرفته و دامنه وسعت آن نیز بسیار وسیع است. اما نوع دیگری از تحریم که به تحریم هوشمند موسوم است از جنبه نظری با هدف ناکارآمد نمودن سیاست‌های اقتصادی دولت با رویکرد هوشمندی در انتخاب ابزارهای مورد استفاده است. با توجه به استفاده از واژه هوشمند در تبیین این نوع از تحریم‌ها، نقاط کلیدییا پاشنه آشیل اقتصادی کشور هدف، مورد توجه تحریم‌کنندگان قرار می‌گیرد. این موارد را می‌توان در ۳ گروه طبقه‌بندی نمود:

۱- تجارت خارجی: در دنیای امروز، با سطح بالای تجارت خارجی، تلاش برایتأثیرگذاری بر روند آن و تخریب روابط تجاری، بسیار مورد توجه است.

۲- کاهش اعتماد عمومی و تخریب پایگاه اجتماعی دولت: افزایش فشارهای اقتصادی به صورت هوشمند می‌تواند گسست مردم و دولت را که پیش‌نیاز اجرای طرح‌های اقتصادی– بویژه در زمان بحران- است را دچار گسستگی نماید.

۳- انهدام چرخه تولید و انباشت سرمایه: در صورت تخریب روابط تجاری معمول، سرمایه‌های انسانی می‌توانند در حوزه مدیریت اقتصادی برای دور زدن تحریم‌ها، نقش مؤثری را ایفا نمایند. تمرکز بر شناسایی این سرمایه‌های انسانی و مهیا نمودن زمینه لازم برای جلوگیری از ایفای نقش آنان در عرصه‌های تجارت بین الملل نیز بخشی از راهبردهای تحریم هوشمند، محسوب می‌گردد.

۲-۴- روش‌های اعمال تحریم‌های اقتصادی:

بطور کلی چهار روش برای اعمال تحریم های اقتصادی وجود دارد که عبارتند از:

۱. کنترل تجارت خارجی
۲. تعلیق همکاری‌ها و حمایت‌های فنی
۳. انسداد دارایی‌های مالی
۴. تحریم شرکای تجاری

نخست، اعمال کنترل‌های تجاری (شامل کالاها و خدمات) توسط کشور تحریم‌کننده در برگیرنده یک یا چند مورد از اجزای زیر خواهد بود:

۱. ممنوعیت و تحدید صادرات و واردات: این بخش هم ممنوعیت و هم کاهش صادرات و واردات را دربر می‌گیرد و نسبت به ۳ مورد بعدی از گستردگی بیشتری برخوردار است.
۲. تحدید صدور مجوزهای صادرات و واردات: کنترل تجاری با این ابزار محدود به صدور مجوزهای صادرات و واردات است که البته به ممنوعیت آن منجر نمی‌شود و صرفاً حجم صادرات و واردات را کاهش می‌دهد.
۳. اعمال محدودیت یا ایجاد اختلال در صادرات:[۱۰] این بخش از محدودیت صادراتی صرفاً به کاهش مجوزهای صادراتی محدود نشده و می‌تواند به سایر مکانیزم‌های مؤثر بر صادرات نیز تسری یابد. به‌عنوان مثال می‌توان به محدودیت‌های اعمال شده در حوزه حمل‌ونقل (هوایی، ریلی و دریایی یا خطوط لوله)، بیمه، انتقال پول و ... اشاره نمود.
۴. اعمال محدودیت یا ایجاد اختلال در واردات:[۱۱] همانطور که در بخش قبل نیز گفته شد، اعمال محدودیت یا ایجاد اختلال در واردات نیز ممکن است ناشی از اعمال محدودیت‌هایی در حوزه بیمه، حمل‌ونقل، انتقال پول و ... باشد.
۵. وضع تعرفه‌های تبعیضی

[10] -Embargo
[11] -Boycott

۶. تعلیق یا فسخ توافقنامه‌های تجاری
۷. منع صدور کالاهای راهبردی و فناوری‌های پیشرفته

دوم، تعلیق همکاری‌ها و حمایت‌های فنی، در برگیرنده یک یا چند مورد از اجزای زیر است:

۱. کاهش، تعلیق یا فسخ تسهیلات اعتباری در نرخ‌های بازاری یا امتیازی
۲. کاهش، تعلیق یا فسخ همکاری‌های فنی، نظامی، توسعه‌ای و برنامه‌های آموزشی
۳. رأی مخالف به اعطای وام، یارانه و سایر کمک‌ها به کشور تحریم‌شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی

سوم، انسداد دارایی‌های مالی توسط کشور تحریم‌کننده شامل یک یا چند مورد از موارد زیر می‌شود:

۱. انسداد یا توقیف دارایی‌های بانکی دولت یا مردم کشور تحریم‌شده
۲. توقیف یا سلب مالکیت سایر دارایی‌ها شامل وجوه سرمایه‌گذاری شده در کشور تحریم‌کننده
۳. انسداد پرداخت‌های بهره‌ای یا سایر پرداخت‌ها
۴. امتناع از تأمین مالی مجدد یا تمدید بازپرداخت وام‌ها (شامل اصل و بهره)
۵. تعلیق یا فسخ طرح‌های مشترک

چهارم، تحریم شرکای تجاری که درگیر تجارت دوجانبه با کشور تحریم‌شده هستند، شامل موارد زیر خواهد بود:

۱. تحریم شرکت‌های درگیر یا طرف تجارت با کشور تحریم‌شده شامل سرمایه گذرای و رابطه تجاری
۲. قراردادن شرکت‌های معامله‌گر با کشور تحریم‌شده در لیست سیاه تجارت و سرمایه‌گذاری کشور تحریم‌کننده

۲-۵-هزینه‌های اقتصادی تحریم:

تحریم های اقتصادی را باید به مثابه یک تیغ دولبه دانست یعنی بر هر دو طرف تحریم‌کننده و هدف، تأثیرگذار است. هر چند در عمل، زیان‌های وارده به کشور تحریم-کننده، اغلب بسیار کمتر از کشور هدف تحریم، می‌باشد. رابرت کوهن و جوزف نای[۱۲] استدلال می‌کنند که اگر طرف تحریم‌کننده وابستگی کمتری در روابطش با کشور هدف تحریم داشته باشد، از ابتکار سیاسی قابل توجهی برخوردار خواهد بود، چراکه با تغییر در روابط بین آنها نسبت به کشور هدف تحریم، هزینه کمتری بر او تحمیل می‌شود. اما پاسخ به این سؤال که تا چه حد تولید ناخالص ملی کشورهای تحریم‌کننده و هدف تحریم، دستخوش نقصان خواهد شد، باید گفت که این مهم به قدرت نفوذ (قدرت بالقوه یا منبع قدرت) تحریم‌کننده بر رفتار کشور هدف تحریم، بر اساس سیاست خارجی کشور تحریم کننده بستگی دارد.

در صورت وجود وابستگی متقابل بین هر دو طرف تحریم‌کننده و هدف تحریم، زیان های ناکارایی تخصیص از قبیل زیان ناشی از عدم تحویل محموله‌های صادراتی و وارداتی در موعد مقرر، از دست دادن سفارشات برای صادرات آتی، توقف فروش خدمات در پروژه‌های فنی- مهندسیپا ساخت‌وساز و کاهش خدمات حمل‌ونقل و ارتباطات را برای هر دو طرف، در پی خواهد داشت. در رابطه با وابستگی متقابل آسیب‌پذیری، تحریم های تجاری همچنین از طریق از دست دادن مزیت‌های رقابتی، بیکاری، از دست دادن بازار و همچنین توسعه فعالیت‌های رانت‌جویانه، سبب کاهش رشد اقتصادی خواهد شد.

چنانچه تحریم‌کننده، عرضه‌کننده انحصاری برخی از کالاها یا خدمات مورد نیاز کشور هدف تحریم باشد، اعمال تحریم باعث ایجاد اختلال تجارت شده و ضربه اقتصادی شدیدتری را برای کشور هدف تحریم به همراه خواهد داشت. یعنی کشور هدف تحریم

---

[12] -Robert Keohane and Joseph Nye

نمی‌تواند بازارهای جایگزین و جانشینی را بیابد و بنابراین اگر این کالاهای تحریم‌شده برای اقتصاد این کشور حیاتی باشد، رنج بیشتری از تحریم متحمل خواهد شد.

تحریم از طرف دیگر هزینه‌هایی را برای کشور هدف تحریم درپی خواهد داشت. هزینه‌هایی که در نگاه اول قابل ملاحظه نیستند. هزینه‌های اجرایی مبارزه با قاچاق و هزینه‌های اداری برای هماهنگی سیستم داخلی را می‌توان از جمله این هزینه‌ها دانست. عکس‌العمل کشور هدف در صورت داشتن کالاها و خدمات صادراتی به کشور تحریم کننده، می‌تواند مقابله به مثل باشد که البته در صورت نیاز کشور هدف تحریم به درآمدهای صادراتی این قبیل کالاها و خدمات از جذابیت کمتری برخوردار خواهد بود. همچنین تحریم‌های اعمال شده ممکن است با واکنش کشور ثالثی، مواجه شود. در مقابل، اگر کشور هدف تحریم بتواند بازارهای جایگزین و یا جانشین‌هایی برای کالاهای اساسی از دیگر کشورها دریافت کند، تحریم‌های اقتصادی هزینه‌های کمتری برای او به همراه خواهد داشت.

با توجه به پیچیدگی‌های موجود در روابط تجاری کشورها، به دلیل امکان وجود منابع جایگزین عرضه و تقاضا، نمی‌توان قبل از اعمال تحریم‌ها، تأثیر تحریم بر کشور هدف را بطور دقیق، ارزیابی نمود. کشور هدف تحریم، زمانی که با تحریم کشوری مواجه می‌شود، می‌تواند بازارهای دیگری را بیابد یا جانشین‌هایی را برای کالاهای تحریمی کشور تحریم کننده جستجو کند. با این وجود، اندازه‌گیری میزان تجارت پیش از تحریم هنوز هم نقش مهمی را در تعیین سهولت دستیابی کشور هدف به بازار جایگزین یا کالای جانشین، بازی می‌کند.[۱۳]

[13]. William H. Kaempfer and Anton D. Lowenberg, *International Economic Sanctions: A Public Choice Perspective* (Boulder, Colorado: Westview Press, 1992), pp. 65-67.

اگر تحریم‌کننده فاقد قدرت انحصار در فروش یا انحصار در خرید باشد، اخلال در تجارت دوجانبه صرفاً شرایط تجارت را برای هردو کشور تحریم‌کننده و هدف تحریم بدتر می‌کند و رفاه هردو طرف را کاهش می‌دهد. برای مثال، اعمال تحریم، منجر به کاهش قیمت صادراتی کشور تحریم‌کننده شده و با معین بودن قیمت واردات، شرایط تجارت برای تحریم‌کننده بدتر خواهد شد. قیمت واردات کشور هدف تحریم نیز افزایش خواهد یافت و بنابراین شرایط تجارت کشور هدف تحریم نیز وخیم‌تر خواهد شد. در نقطه مقابل، اعمال تحریم سبب افزایش قیمت کالاها و خدمات وارداتی کشور تحریم کننده خواهد شد و با معین بودن قیمت صادرات، شرایط تجارت برای تحریم‌کننده بدتر خواهد شد. همچنین، قیمت صادرات کشور هدف تحریم نیزکاهش یافته و بنابراین شرایط تجارت کشور هدف تحریم نیز بدتر خواهد شد. در هر دو سناریو، شرایط تجارت هر دو کشور تحریم‌کننده و هدف تحریم بدتر خواهد شد.

علاوه بر تحلیل مفهومی هزینه تحریم های اقتصادی، چندین مطالعه تجربی نیز این مفاهیم را تأیید می‌نماید.در مطالعه‌ای با عنوان بازبینی تحریم های اقتصادی که در سال ۱۹۹۰ انجام شد، HSE مدلی تحلیلی را برای تعیین هزینه‌های تحریم‌ها برای هر دو کشور تحریم‌کننده و هدف تحریم ارائه کرد. از دست رفتن رفاه در هر دو کشور تحریم-کننده و هدف تحریم، به سطح محرومیت اولیه، کشش عرضه (E_s) و کشش تقاضا (E_d) بستگی دارد و با این محاسبات می‌توان «ضریب فزاینده تحریم‌ها» $[1/ (E_s+E_d)]$ را محاسبه نمود. آنها فرض می‌کنند که کشور هدف تحریم احتمالاً یک عامل کوچک در بازار جهانی است، به همین جهت در اکثر زمینه‌ها کشش‌های عرضه و تقاضای ترکیبی معمولاً بیش از ۵ است. یک کشش ترکیبی بیشتر از ۵ با یک ضریب فزاینده تحریمی کمتر از ۰,۲متناظر است.[۱۴]

[14] -Gary Clyde Hufbauer, Jeffery J. Schott, and Kimberly Ann Elliot, *Economic Sanctions Reconsidered: History and Current Policy*, 2nd ed. (Washington, D.C.: Institute of International Economics, 1990), pp. 120-122.

۲-٦- اثربخشی تحریم های اقتصادی:

سوالی که در اغلب موارد در ادبیات تحریم های اقتصادی پرسیده می‌شود این است که «آیا تحریم‌های اقتصادی مؤثرند؟»

قبل از پاسخ به این سؤال، باید بین تحریم های اقتصادی مؤثر و تحریم های اقتصادی موفق، تمایز قائل شد. به عنوان مثال در کشور عراق اعمال تحریم های اقتصادی منجر به کاهش شدید تولید ناخالص داخلی شد اما به مفهوم تغییر رویه سیاست‌های رژیم نبود. مطالعه‌ای که توسط مؤسسه پترسون در حوزه اقتصاد بین الملل صورت گرفته است، میزان موفقیت تحریم‌ها را با توجه به نوع تحریم های اعمال شده به شرح جدول زیر بیان می‌کند:

جدول ۲-۱:درصد موفقیت با توجه به نوع تحریم‌ها

نوع تحریم	تعداد نمونه‌های موفق	تعداد نمونه‌های ناموفق	کل	درصد موفقیت
مالی، صادرات و واردات	۲۵	۳۷	۶۲	۴۰,۳
مالی	۱۹	۳۴	۵۳	۳۵,۸
صادرات یا واردات یا هر دو	۱۰	۳۰	۴۰	۲۵
مالی و واردات	۲	۸	۱۰	۲۰
مالی و صادرات	۵	۲۳	۲۸	۱۷,۹

مأخذ: Economic Sanctions Reconsidered, 3rd Edition, 2007

با توجه به بررسی ادبیات تحریم، در خصوص تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی در راستای دستیابی به اهداف تحریم‌کنندگان، محققان مختلف، عوامل متعددی را دخیل دانسته‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف- ویژگی‌های اقتصادی کشور هدف:

۱- نوع نظام اقتصادی:

یکی از عوامل مؤثر بر تأثیرپذیری از تحریم‌ها، نوع نظام اقتصادی است. اقتصاد بازارگرا، به دلیل وابستگی به قیمت‌های جهانی، در شرایط تحریم به مراتب شکننده‌تر از اقتصاد متمرکز است.اقتصاد متمرکز با توجه به کنترلی که بر فرایند تخصیص منابع دارد، به راحتی می‌تواند دخالت خارجی را در بازار کنترل نماید. در خصوص ایران پاردوکس اتکاء به درآمدهای نفتی در عرصه تجارت بین‌الملل از یک سو و تخصیص منابع توسط دولت، فقدان و ناکارآمدی نهادها در ایجاد فضای رقابت و تقویت جایگاه بخش خصوصی، از طرف دیگر باعث شده تا کشور هم از معایب وابستگی شدید به درآمدهای ناشی از صادرات مواد نفتی و محصولات پتروشیمی رنج ببرد و هم نتواند از مزایای بخش خصوصی چالاک در احیای اقتصاد در شرایط تحریم بهره‌مند شود.

۲- نقش سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی:

چنانچه نقش سرمایه انسانی در اقتصاد بیشتر از نقش سرمایه فیزیکی باشد، مقاومت آن در مقابل تحریم، بیشتر خواهد بود. بی‌توجهی به سرمایه انسانی با توجه به وفور درآمدهای سرشار نفتی–بویژه در سال‌های اخیر- آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را تشدید نموده است. در کوتاه‌مدت و در مقابله با شرایط تحریم نمی‌توان انتظار داشت که جانشینی عوامل تولید (سرمایه انسانی به جای سرمایه فیزیکی) به سرعت صورت پذیرد. بویژه زمانی که فضای فعالیت برای سرمایه انسانی بسیار نامطلوب شده و دسترسی به سرمایه فیزیکی نیز بس دشوار گردیده است.

۳- وابستگی به صادرات و واردات:

وابستگی به صادرات و واردات –مخصوصاً زمانی که کشور هدف به شرکای تجاری کمتری، تکیه می‌زند- از شکنندگی بیشتری در قبال تحریم‌ها برخوردار خواهد بود. (Oudaat, 2000) روابط تجاری محدود با کشورهایی محدود و در عرصه کالا و خدمات محدود، نمایانگر عدم استفاده از راهبرد تنوع جغرافیایی و محصولی در کاهش ریسک تجاری در شرایط عدم اطمینان است که خود به منزله مهیا نمودن زمینه آسیب‌پذیری بیشتر در عرصه اقتصادی است.

۴- درجه بین‌المللی شدن تجارت:

کشورهایی که با ساختار تجارت بین‌الملل ممزوج شده و دارای نقشی مؤثر و تعریف شده در تجارت بین‌الملل هستند، را سخت‌تر می‌توان از این چرخه خارج نمود. متأسفانه علیرغم وابستگی ایران به درآمدهای نفتی و اتصال آن به تجارت بین‌الملل از این روزنه، تلاش چشمگیری برای نهادینه نمودن نقش ایران در این نظام صورت نگرفته است. حتی دیپلماسی نفتی ایران نیز بر این اساس انسجام نیافته است.

۵- وابستگی به بازارهای مالی در خارج از کشور:

هرچند این وابستگی، به تنهایی درجه آسیب‌پذیری اقتصاد در شرایط تحریم را افزایش می‌دهد اما تأثیرگذاری در بازارهای مالی خارج از کشور و حضور سرمایه‌گذاران خارجی در بازارهای مالی داخلی، سبب می‌شود تا ذینفعان دیگری نیز در ارتباط تنگاتنگ با منافع و ضررهای ملی، قرار گیرند و تحریم بازارهای مالی با توجه به فشار این ذینفعان، کمتر مورد توجه کشورهای فرستنده تحریم قرار گیرد.

ب- ویژگی‌های سیاسی:

ساختار سیاسی کشور نیز تأثیر مهمی بر واکنش در قبال تحریم های اقتصادی دارد. تمرکز یا توزیع قدرت در بافت سیاسی جامعه، می‌تواند در نحوه مواجهه با تحریم های اقتصادی، تعیین‌کننده باشد. مشارکت گروه‌های مختلف سیاسی در بافت قدرت از یک طرف با افزایش سهم مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی موجب افزایش اعتماد به نفس دولت در شرایط تحریم می‌شود و از طرف دیگر ریسک ناکارایی‌های مدیریتی را برای مسئولان به دلیل پاسخگویی به نهادهای مدنی، افزایش می‌دهد.

ج- تصمیم‌گیری و اجرا:

این معیار نیز نقش مهمی در موفقیت یا شکست تحریم های اقتصادی ایفا می‌نماید. هرچند تحریم های اقتصادی را باید شرایط ویژه‌ای از اقتصاد در نظر گرفت اما نااطمینانی چنان در تار و پود اقتصاد ایران ریشه دوانده است که به بخشی از جوهره

وجودی آن تبدیل شده است. شاید جمله معروف استیگلیتز را که "تنها قطعیت پیرامون محیط تصمیم‌گیری، عدم‌قطعیت است" با نگاهی به شرایط نااطمینانی در اقتصاد ایران، بسیار بجا و شایسته به نظر برسد. در این شرایط تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و نحوه اجرای این تصمیمات باید به‌گونه‌ای باشد که بسترساز کاهش تأثیرگذاری عدم‌قطعیت-هایی مثل تحریم بر اقتصاد ایران باشد. شاید چالش‌های ساختاری حوزه‌های راهبردی انرژی، پولی، مالی و بانکی و همچنین بازرگانی را بتوان در زمره این گروه محسوب نمود. با توجه به سابقه تاریخی تحریم‌های اقتصادی در مقاطع زمانی مختلف، به جرأت می-توان ادعا نمود که نقش تصمیم‌گیری و اجرا، پاشنه آشیل آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در مواجهه با نااطمینانی‌هاست.

۲-۷- تحلیل عوامل مؤثر بر اثربخشی تحریم های اقتصادی:

در عرصه تحریم های اقتصادی، آنچه از دیدگاه تحریم‌کنندگان موفقیت ارزیابی می‌شود، بالطبع از منظر کشورهای هدف تحریم، شکست ارزیابی می‌گردد. نتایج حاصل از کالبدشکافی تأثیر تحریم‌های اقتصادی از دیدگاه کشورهای تحریم‌کننده، نشان می‌دهد که این تحریم‌ها در بیشتر موارد، ناموفق و در پاره‌ای از موارد نیز موفق، ارزیابی شده‌اند.

بیش از نیم قرن پیش، آلبرت هیرشمن[۱۵] در کتاب خود با عنوان "قدرت ملی و ساختار تجارت خارجی" نشان داد که توانایی یک دولت در تهدید به قطع تجارتش با دیگری، می‌تواند به عنوان سلاحی مؤثر در جنگ قدرت باشد. او چنین استدلال می‌کند که اگر یک رابطه تجاری برای یک دولت مهم‌تر از دولت دیگر باشد، دولت دوم می‌تواند نه تنها شرایط تجاری بهتر، بلکه امتیازات سیاسی قابل توجهی را نیز از دولت اول مطالبه نماید.

15- Albert Hirschman

به دنبال استدلال هیرشمن، تئوری مرسوم در مورد چگونگی کارساز بودن تحریم های اقتصادی، اشاره به یک فشار اقتصادی کافی بر کشورهای هدف دارد تا با ایجاد اختلال در روابط اقتصادی، آن کشور را وادار به رفتار قابل قبول کشور اعمال‌کننده، نماید.

این گزاره بر مبنای تئوری بنیادی اقتصادی است که بر اساس آن تجارت بین‌المللی اثرات مثبت درآمدی بر کشورها دارد و خروج اجباری از چنین تجارتی، درآمد ملی را کاهش می‌دهد. اگر کشور هدف در روابط اقتصادی دوجانبه، بیش از کشور فرستنده سود ببرد، کشور هدف در مقابل برای حفظ روابط اقتصادی دوجانبه، در مسائل سیاسی جبران می‌کند.

علاوه بر این، در تئوری مرسوم فرض بر این است که تغییرات سیاسی به طور مستقیم متناسب با مشکلات اقتصادی می‌باشد. تنگناهای بیشتر اقتصادی در اثر تحریم های اقتصادی، احتمال پذیرش و انطباق سیاسی را افزایش می‌دهد. بنابراین بر اساس این تئوری، عامل اصلی موفقیت تحریم های اقتصادی، میزان عدم مطلوبیتی است که کشور هدف از ناحیه این تحریم‌ها، تجربه می‌کند.

با این حال، جان گالتونگ[۱۶]، تئوری مرسوم را ساده لوحانه خوانده و مورد نقد قرار می‌دهد، زیرا این تئوری این امکان را در نظر نمی‌گیرد که محرومیت در ابتدا ممکن است منجر به ادغام و یکپارچگی سیاسی شود و فقط کمی بعدتر منجر به فروپاشی سیاسی گردد.

گالتونگ به ۲ نکته تأکید دارد: اول اینکه این تئوری اثر "تجمع در اطراف پرچم"[۱۷] یا افزایش یکپارچگی سیاسی را به عنوان واکنشی به تحریم های اقتصادی

16-Johan Galtung
17-“rally-around-the-flag” effect

نادیده می‌گیرد و دوم، این تئوری بسیاری از اقدامات اصلاحی موجود در کشور هدف جهت خنثی نمودن میزان آسیب‌پذیری اقتصادی را نادیده می‌گیرد.

از آنجا که کشور فرستنده تلاش می‌کند رفتار یا سیاست کشور هدف را از طریق تحریم های اقتصادی تحت تأثیر قرار دهد، تحریم‌ها به خودی خود، ابزار اعمال قدرت بین کشورهاست. هیچ بازیگری قادر به اعمال قدرت بر دیگری نخواهد بود مگر آنکه مقادیر کافی از منابعی که برای کشور هدف با ارزش است را در اختیار داشته باشد. بنابراین برای کارساز شدن تحریم‌ها از دیدگاه اعمال‌کنندگان آن، فرستنده تحریم‌ها باید منابع اقتصادی خود را که وابستگی نامتقارن مطلوبی ایجاد می‌کند، به خوبی به کار گیرد تا رفتار و سیاست‌های کشور هدف را تحت تأثیر قرار دهد. وابستگی نامتقارن حاکی از وابستگی بیشتر یک کشور و وابستگی کمتر کشور دیگر است.[۱۸]

وابستگی نامتقارن، عاملی مهم برای کنترل منابع یا ظرفیت تأثیرگذاری بر نتایج است که نشان‌دهنده قدرت بالقوه می‌باشد. در یک رابطه مبادله، یک بازیگر با وابستگی کمتر، اغلب دارای یک منبع سیاسی قابل توجه می‌باشد، زیرا تغییرات در روابط (که بازیگر می‌تواند آغازکننده یا تهدیدکننده باشد) برای بازیگر، کم هزینه‌تر از شرکایش خواهد بود. بنابراین وابستگی کمتر، برای فرستنده قدرتی بالقوه یا یک منبع قدرت جهت تأثیرگذاری بر کشور هدف ایجاد خواهد کرد.[۱۹] بنابراین تأثیرگذاری تحریم‌ها را می‌توان در دو عامل خلاصه نمود:

۱-**حساسیت**، هزینه‌های کوتاه‌مدت تحریم های اقتصادی

۲-**آسیب‌پذیری**، هزینه‌های بلندمدت تحریم های اقتصادی

---

[18] - George Shambaugh

[19] -Robert Keohane and Joseph Nye

حساسیت، شامل درجه واکنش و پاسخگویی در چارجوب سیاست است. اینکه چطور اعمال سریع تغییرات در یک کشور منجر به تغییرات شگرف در کشور دیگر می‌شود و این اثرات پرهزینه تا چه میزان بزرگ هستند؟

حساسیت، وابستگی متقابل بر اثر تعاملات در چارچوب سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کشور اعمال‌کننده تحریم و کشور هدف تحریم است، درحالیکه آسیب‌پذیری، وابستگی مبتنی بر دسترسی نسبی و هزینه گزینه‌های پیش روی بازیگران مختلف می‌باشد.

در فراهم کردن منابع قدرت برای فرستنده، حساسیت، کم‌اهمیت‌تر از آسیب‌پذیری است. چنانچه کشور هدف بتواند هزینه‌هایش را با تغییر سیاست‌هایش -چه داخلی و چه بین‌المللی - کاهش دهد، الگوهای حساسیت راهنمای خوبی برای منابع قدرت نخواهد بود (همان مأخذ).

سه عامل مؤثر بر آسیب‌پذیری عبارتند از:[۲۰]

اول، کمک کشورهای ثالث، که می‌تواند رابطه وابستگی متقابل نامتقارن را کاهش داده و یا حتی معکوس نماید.

دوم، اقدامات مقابله‌ای کشور هدف و تلافی جویانه کشورهای ثالث علیه کشور فرستنده که منجر به افزایش هزینه‌های کشور فرستنده برای آغاز تحریم‌های اقتصادی علیه کشور هدف شده و در نتیجه رابطه وابستگی نامتقارن دو جانبه را کاهش داده و یا حتی معکوس نماید.

سوم، اگرچه اغلب تحریم‌های اقتصادی در گذشته، هزینه‌هایی از نظر تولید ناخالص ملی برای فرستنده ایجاد کرده‌اند، اینکه کشور فرستنده بتواند هزینه‌های مطلق آغاز تحریم‌های اقتصادی را تحمل کند، بر کارایی تحریم‌های اقتصادی اثرگذار خواهد بود.

قدرت بالقوه، به صورت خودکار به قدرت واقعی و تأثیرگذار بر نتایج تبدیل نمی‌شود و این کار می‌تواند از طریق یک فرآیند چانه‌زنی سیاسی مبتنی بر مهارت، تعهد و

---

[20]- Johan Galtung, Steve Chan, and A. Cooper Drury

انسجام صورت گیرد[۲۱]. برای پیش‌بینی و درک نتایج، باید به فرآیند چانه‌زنی توجه کافی شود که از آن، به نفوذ مؤثر منابع قدرت بر نتایج، یاد می‌شود. فرآیند ترجمه از قدرت بالقوه به قدرت واقعی از سه دیدگاه قابل تحلیل است:

نخست، اگر دولت به عنوان یک بازیگر واحد، عقلانی رفتار کند، تنها زمانی امتیاز می دهد که هزینه امتیازات کمتر از هزینه تحریم های اقتصادی باشد. هزینه تحریم‌ها برای فرستنده نیز توسط کشور هدف، به عنوان متغیری در معادله به حساب آورده می‌شود.

هزینه بالاتر برای فرستنده احتمالاً با واگذاری امتیازات کمتر از طرف کشور هدف همراه خواهد بود. با اینکه اندازه‌گیری هزینه تحریم های اقتصادی از نظر حساسیت و آسیب‌پذیری با بررسی روند تغییرات تولید ناخالص ملی در طول زمان، امکان‌پذیر است، اما کمی‌سازی هزینه امتیازات سیاسی به راحتی میسر نیست. عوامل زیادی بر سلسله مراتب ارزشی کشور هدف اثرگذار است. به عنوان مثال "عزم و اراده"، "تمایل به رنج"، "تعهد" و "ارزش‌های بنیادین اجتماعی"، هزینه امتیازات سیاسی را افزایش و هزینه تحریم‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد. در چنین حالتی ممکن است مقاومت برای کشور هدف، در مقایسه با پذیرش و انطباق، مطلوبیت بیشتری داشته باشد.

دوم، از دیدگاه تصمیم‌گیران، آگاهی از هزینه تحریم های اقتصادی و امتیازات سیاسی، آثار نهایی تحریم های اقتصادی را تعیین می کند.

سوم، از دیدگاه اجتماعی، بسته به اینکه مردم و گروه‌های ذینفع، چگونه تحریم های اقتصادی را درک کرده و واکنش نشان دهند، می‌توان در مورد اثربخشی تحریم‌ها قضاوت نمود.

به عنوان مثال رابرت پیپ[۲۲] استدلال می‌کند که تحریم‌ها می‌توانند یا به طور مستقیم از طریق متقاعد کردن دولت هدف به اینکه مسائل خطیر، ارزش هزینه

---

21 -Robert Keohane and Joseph Nye

پرداختی را ندارند، یا به طور غیرمستقیم، از طریق تحریک مردم برای فشار بر دولت جهت انطباق و یا از طریق تحریک یک شورش مردمی که دولت را سرنگون کند و منجر به ایجاد یک دولت سازش‌گر شود، دولت هدف را مجاب به واگذاری امتیاز نماید.

به طور مشابه، جاناتان کریشنر،[۲۳] ادعا می‌کند که سه مکانیسم اصلی وجود دارد که از طریق آن فشارتحریم های اقتصادی می‌تواند تغییرات سیاسی را به همراه داشته باشد:

نخست، فشار بر دولت و گروه‌های حامی اصلی دولت، می‌تواند کشور هدف را از طریق محاسبه منطقی هزینه-فایده، وادار به تسلیم در برابر خواست کشور اعمال‌کننده تحریم نماید.

دوم، چنین فشاری می‌تواند منجر به سرنگونی رژیم موجود شود.

سومین و ماهرانه‌ترین، تحریم‌ها می‌تواند اثرات انشقاقی بین دولت مرکزی و گروه‌های حامی دولت داشته باشد و تغییر موازنه قدرت سیاسی در درون دولت و تغییر ترجیحاتش را به همراه داشته باشد.

همچنین نتایج برگرفته از تحقیقات پژوهشگران، طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ میلادی، عوامل مختلفی را در تأثیرگذاری بر تحریم‌ها مورد بررسی قرار داده‌اند که نتایج آن در جدول زیر منعکس شده است:

[22] - Robert Pape

[23] -Jonathan Kirshner

جدول ۲-۲:عوامل مؤثر بر تأثیرگذاری تحریم های اقتصادی از دیدگاه پژوهشگران مختلف

نوع متغیر	Hufbaueret al.(1990)	Lam(1990)	Dehejiaand Wood(1992)	VanBergeijk(1994)	Dashti-Gibsonet al.(1997)	Bonetti(1998)	Drury(1998)	Hart(2000)	Bolks andAl-Sowayel(2000)	Nooruddin(2002)	Jing et al.(2003)	فراوانی
بی‌ثباتی سیاسی کشور هدف	+	+		+							+	۴
ضعف اقتصادی کشور هدف	+		+		+						+	۴
روابط صمیمانه قبل از تحریم	+	+				+					+	۴
هزینه تحریم برای کشور هدف	+	+	+		+		+	+				۶
هزینه تحریم برای فرستنده		-										۱
رابطه تجاری بین گیرنده و فرستنده				+								۱
همکاری چند جانبه بین تحریم-کنندگان	-						-					۲
کمک کشورهای ثالث به کشور هدف	-					-	-					۳
ابهام در اهداف تحریم					-							۱
تعدد استفاده از ابزار تحریم توسط کشور تحریم‌کننده					-							۱
نسبت تحریم‌کننده به تحریم-شونده											-	۱
تحریم تجاری در مقابل تحریم مالی	-				-		-					۳
طول دوره تحریم	-			-					-			۳
ساختار سیاسی کشور تحریم-شونده									+	+		۲

مأخذ: KAEMPFERW. H.and A. D. LOWENBERG, 2007

همانگونه که از نتایج برمی‌آید، بی‌ثباتی سیاسی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اثربخشی تحریم‌ها از دیدگاه تحریم‌کنندگان داشته‌اند. به عبارت دیگر بی‌ثباتی سیاسی در کشور هدف می‌تواند زمینه موفقیت تحریم‌ها و تأثیرگذاری آنها را درپی داشته باشد.

ضعف بنیه اقتصادی نیز از دیگر عوامل مؤثر بر اثربخشی تحریم‌هاست. هرچه کشور هدف از نظر اقتصادی شکننده‌تر باشد، تحریم‌ها از نقطه نظر تأثیر و دستیابی به اهداف، کاراتر خواهند شد.

روابط صمیمانه قبل از تحریم بین کشور اعمال‌کننده تحریم و کشور هدف نیز از دیگر عوامل مؤثر بر اثربخشی تحریم‌هاست. هرچه روابط بازرگانی بین دو کشور بیشتر باشد، این اثرگذاری افزایش می‌یابد. البته چنانچه میزان وابستگی کشور هدف به کشور اعمال‌کننده بیشتر باشد، هزینه اعمال تحریم برای کشور هدف بیشتر و برای کشور اعمال‌کننده تحریم، کمتر خواهد بود. در این راستا کیفیت جایگزینی بازار برای تأمین نیازها یا صادرات کالا و خدمات نیز می‌تواند نقشی کلیدی داشته باشد. هر چه کالاها یا خدمات مبادله‌ای بین دو کشور، انحصاری‌تر و ضروری‌تر باشد، هزینه تحریم برای طرفین، بیشتر خواهد بود. در مورد ایران با توجه به قطع روابط اقتصادی در سالیان طولانی، این متغیر از اهمیت کمتری برخوردار است.

هزینه تحریم برای کشور هدف نیز از دیگر عواملی است که در بیشتر مطالعات مورد بررسی قرارگرفته و تأثیر مثبت و معنی‌داری نیز بر اثربخشی تحریم‌ها داشته‌اند. این هزینه می‌تواند از طریق کاهش شدید درآمدهای صادراتی یا افزایش قیمت ناشی از محدودیت واردات و یا کاهش عرضه داخلی در اثر محدودیت واردات نهاده‌های تولید و یا کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های دارای فناوری بالا صورت پذیرد.

در بین مطالعات متعددی که در این خصوص صورت پذیرفته است تنها در یک مطالعه نقش هزینه تحریم برای فرستنده به عنوان متغیری معنی‌دار بر اثربخشی تحریم‌ها تأیید شده است که البته رابطه منفی با آن دارد. به عبارت دیگر چنانچه هزینه‌های اعمال تحریم برای اعمال‌کنندگان آن افزایش یابد، شانس موفقیت تحریم‌ها

کاهش خواهد یافت. در خصوص این متغیر به این نکته کلیدی باید توجه نمود که اصولاً زمان اعمال تحریم عاملی مهم در موفقیت یا شکست تحریم از دیدگاه تحریم‌کنندگان به شمار می‌رود. با توجه به هزینه‌ساز بودن اعمال تحریم‌ها بویژه علیه کشورهایی که سهم عمده‌ای از بازارهای هدف صادراتی یا وارداتی تحریم‌کنندگان را تشکیل می‌دهند، وضعیت رونق یا رکود اقتصادی می تواند در اثربخشی تحریم‌ها مؤثر واقع شود.

کمک کشورهای ثالث به کشور هدف تحریم نیز تأثیری منفی و معنی‌دار بر اثربخشی تحریم‌ها دارد. راهبردی که معمولاً برای کم اثر نمودن آثار تحریم های اقتصادی، به وفور از آن استفاده می‌کنند. البته جایگاه کشورهای ثالث در عرصه اقتصادی و سیاسی و سطح روابط کشور هدف با کشورهای ثالث، بسیار با اهمیت می‌باشد.

ابهام در اهداف تحریم نیز می‌تواند نقشی منفی و معنی‌دار در اثربخشی تحریم‌ها داشته باشد. اما شفافیت در هدف و همراستایی تحریم‌کنندگان در دستیابی به اهداف تحریم، می‌تواند درجه اثرگذاری تحریم‌ها را به شدت افزایش دهد.

تعدد استفاده از ابزار تحریم برای کشور تحریم‌کننده نیز از عواملی است که می‌تواند درجه موفقیت تحریم‌ها را از دیدگاه تحریم‌کنندگان کاهش دهد. این مهم را می‌توان در هزینه‌بر بودن این ابزار برای کشورهای ثالث جستجو نمود و تحمیل این هزینه‌ها در بلندمدت به کشورهای ثالث، توجیه‌ناپذیر می‌نماید. البته دراین میان نباید بده‌بستان‌های کشورهای اعمال‌کننده تحریم و کشورهای ثالث یا درگیر در تحریم را فراموش نمود.

با افزایش طول دوره تحریم، با توجه به افزایش هزینه آن برای کشورهای اعمال‌کننده تحریم، کشورهای ثالث درگیر در تحریم و همچنین فرصت بازسازی برای کشور هدف، انتظار می‌رود که اثربخشی تحریم‌ها کاهش یابد.

نوع ساختار سیاسی نیز می‌تواند در اثربخشی تحریم‌ها تأثیرگذار باشد. کشورهایی نظیر کره شمالی و کوبا توانسته‌اند در بلند مدت نیز انسجام سیاسی خود را در قبال تحریم‌ها حفظ نمایند هرچند از دیدگاه اقتصادی، روبه اضمحلال رفته‌اند.

در این میان باید گفت که هرچند عوامل متعددی بر اثرگذاری تحریم‌ها مؤثر بوده‌اند اما هزینه تحریم‌ها، بی‌ثباتی سیاسی و ضعف اقتصادی از جمله مواردی است که در بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر اثرگذاری تحریم‌ها بوده‌اند.

فصل سوم

بررسی روند تحریم‌ها در اقتصاد ایران

فصل سوم

بررسی روند تحریم‌ها در اقتصاد ایران

مقدمه

تاریخچه اعمال تحریم علیه ایران به دورهپس از ملی شدن نفت و در راستای مخالفت دولت بریتانیا با دولت محمد مصدق بازمی‌گردد. در دوره معاصر و پس از تغییر رژیم سیاسی در ایران در سال ۱۳۵۷ نیز ، تحریم های ایالات متحده از قدمتی تاریخی برخوردار است. از روزهای نخست سقوط رژیم پهلوی، رابطه ایران و امریکا رو به سردی گذاشت و با تسخیر سفارت این کشور در تهران به تیرگی گرایید. جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت ایالات متحده، در نوامبر ۱۹۷۹ کشتی حامل تجهیزات نظامی به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار به مقصد ایران را توقیف کرد و چندی پس از آن با استناد به دو قانون شرایط اضطراری اقتصاد بین‌المللی (IEEPA)[۲۴] و ملی (NEA)،[۲۵] کلیه دارایی‌های ایران در امریکا به ارزش ۱۲ میلیارد دلار مسدود اعلام شد.

در ماه آوریل ۱۹۸۰ و با صدور فرمان‌های اجرایی ۱۲۲۰۵ و ۱۲۲۱۱ توسط کارتر، صادرات و واردات کلیه کالاها و خدمات به ایران از سوی ایالات متحده به طور یکجانبه ممنوع شد. اگرچه این تحریم‌ها پس از آزادی گروگان‌های امریکایی توسط کارتر لغو شد اما هیچگاه دارایی‌های مصادره شده ایران به این کشور بازگردانده نشد.

---

[24] -International Economic Emergency Powers Act
[25] -National Emergency Act

امریکا از سال ۱۹۸۳، تلاش‌های خود را بر ممنوعیت صدور تسلیحات به ایران متمرکز ساخت و از ۲۰ کشور خواست از صدور تجهیزات نظامی به ایران خودداری کنند. در نوامبر ۱۹۸۷، لایحه‌ای در کنگره ایالات متحده به تصویب رسید که خرید نفت این کشور از ایران را ممنوع کرد.

بیل کلینتون با تجدید محدودیت‌ها و محرومیت‌های ادوار پیشین علیه ایران سعی کرد ممنوعیت‌هایی را در خصوص صدور تکنولوژی و تجهیزات مورد نیاز برای گسترش میدان‌های نفتی به اجرا بگذارد (فرمان اجرایی ۱۲۹۵۷). در این راستا شرکت‌های امریکایی از سرمایه‌گذاری در توسعه منابع نفتی ایران منع شدند. یک سال بعد، ایالات متحده اعلام کرد شرکت‌هایی را که در توسعه منابع نفت ایران همکاریا سرمایه‌گذاری کنند مشمول تحریم هایش خواهد کرد (فرمان اجرایی ۱۲۹۵۹).

جورج بوش پس از واقعه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تصمیم گرفت تحریم‌ها علیه ایران را هدفمندتر از قبل کند. به همین منظور لیستی از مؤسسات و افراد حقیقی و حقوقی که به نظر امریکا در تأمین مالی و حمایت از گروه‌های تروریستی در سراسر جهان نقش داشتند، تهیه شد. در همین راستا بانک سپه، بانک ملی ایران و سپاه پاسداران و شرکت‌های مرتبط با این ارگان و صنایع دفاع در لیست تحریم قرار گرفتند.

با به قدرت رسیدن اوباما در ایالات متحده، رویکرد جدیدی در دستور کار قرار گرفت: تمرکز بر خطرات ایران هسته‌ای و گسترش تحریم های بازدارنده علیه این کشور. هدف از این تحریم‌ها تغییر موضع ایران در اتخاذ سیاست‌های هسته‌ای بود.

ایالات متحده در دوره ریاست جمهوری اوباما سعی کرد با استفاده از سردی روابط کشورهای اروپایی و هم‌پیمانان آنها با ایران خصوصاً پس از ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، تحریم های یکجانبه تاریخی خود را به تحریم های بین‌المللی سوق دهد. در عین حال این کشور از تشدید و گسترش تحریم های یکجانبه خود علیه ایران هم غافل نبوده است. به گونه‌ای که لیستی از مؤسسات مالی، بانکی و اشخاص حقیقی و حقوقی را مشمول تحریم‌های گسترده‌ای کرده است. اهرم‌های تشویقی و کاهش علاقه

به ادامه فعالیت در ایران از استراتژی‌های کلیدی ایالات متحده در گسترش تحریم‌ها علیه ایران در سطح بین‌المللی بوده است. به عبارت ساده‌تر، دولت‌های این کشورها در کنار بخش خصوصی باید بین بازار ایالات متحده و کمک‌های اعتباری این کشور و بازار ایران یکی را انتخاب کنند.

آغاز تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران به سال ۲۰۰۸ باز می‌گردد. انگلستان در نخستین گام به تحریم یکجانبه بانک‌های ایرانی و توقیف دارایی‌های برخی اشخاص در بانک‌های بریتانیا پرداخت. عدم توجه به روابط با اروپا که در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی به سطح قابل ملاحظه‌ای رسیده بود، کشورهای اروپایی را در صف مخاصمان قرار داد.

پیش از این، کشورهای اروپایی اعتقاد داشتند باید از سیاست‌های تشویقی به جای اعمال تحریم علیه ایران استفاده کرد و این کشور را واداشت در جهت اهداف بین‌المللی گام بردارد. اما از سال ۲۰۰۸ موضع کشورهای اروپایی نسبت به قبل تغییر اساسی کرده است. اتحادیه اروپا در مدت زمان کوتاهی پا را فراتر از تحریم های سازمان ملل گذاشت و مواضع اجرایی خود را بیش از پیش به ایالات متحده نزدیک کرد.

به لحاظ روش شناختی دو مسیر هم‌پیوند قابل طرح است. نخست بررسی تحریم‌ها در قالب سه مدار تحریمی (ایالات متحده، اتحادیه اروپا و سازمان ملل) که شمول هر یک متفاوت هستند و دوم بررسی بخش‌های متأثر از تحریم‌ها نظیر بخش انرژی و بخش‌های پولی و مالی.

در این نوشتار، سه مدار تحریمی مورد بررسی قرار می‌گیرند که عبارتند از تحریم های ایالات متحده، اتحادیه اروپا و سازمان ملل. مدار نخست (تحریم های ایالات متحده) از سابقه تاریخی بیشتری برخوردار است. از آنجا که این تحریم‌ها به صورت یکجانبه از سوی ایالات متحده اعمال می‌شود لزوماً از پذیرش عمومی برخوردار نیستند. ایالات متحده در سال‌های اخیر با طرح "خطر ایران هسته‌ای" سعی کرده کشورهای دیگر به خصوص اعضای اتحادیه اروپا را با خود همگام سازد و آنها را از اتخاذ

سیاست‌های تشویقی در قبال ایران به سمت اعمال تحریم‌های سختگیرانه سوق دهد. همانطور که گفته شد و در ادامه به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد، این تلاش ایالات متحده تا حدود زیادی نتیجه بخش بوده است.

مدار دوم که در برگیرنده تحریم های اتحادیه اروپاست، به کاهش درآمدهای نفتی ایران و عدم توانایی این کشور در انتقال ارز در قالب سیستم بانکی رایج انجامیده است. همراستایی دو مدار یاد شده، رویکرد سایر کشورها در خصوص ایران را تحت تأثیر قرار داده، به گونه‌ای که با طرح موضوع تحریم بین‌المللی ایران در قالب اقدامی هماهنگ از سوی سازمان ملل، دو قطعنامه تحریمی علیه ایران صادر شده است.

ویژگی مدار سوم (تحریم های سازمان ملل) فراگیری و لازم‌الاجرایی آن توسط همه کشورهای عضو است. اگرچه تحریم هایی که ذیل این دو قطعنامه علیه ایران وضع شد، از شدت بالایی در مقایسه با تحریم های دو مدار پیشین برخوردار نیستند اما راه را برای جذب همکاری بیشتر و رفتاری سختگیرانه‌تر علیه ایران گشوده است.

علاوه بر بررسی گستره تحریم‌ها در سه مدار یاد شده، تأثیر تحریم‌ها به صورت بخشی نیز مدنظر است. تحریم های حوزه انرژی در بخش سرمایه‌گذاری و فروش، از مهمترین تحریم‌ها در این زمینه به شمار می‌رود. در عین حال انتقال ارز حاصل از معاملات حوزه انرژیتحت تأثیرتحریم های مالی و بانکی قرار دارند که به تفصیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در بخش جمع‌بندی با ارائه جدول مقایسه تطبیقی کیفیت و گستره تحریم‌ها در سه مدار، خلاصه‌ای از نوشتار حاضر ارائه خواهد شد.

۳-۱- تحریم های ایالات متحده علیه ایران:

۳-۱-۱- تحریم صنایع نفت و گاز ایران:

در ۳۰سپتامبر سال۲۰۰۶ میلادی، قانون تحریم ایران و لیبی به قانون تحریم ایران تغییر نام یافت.

بر اساس لایحه تحریم ایران (ISA[۲۶]) علاوه بر بنگاه‌های امریکایی که پیش از این مشمول طرح تحریم های ایالات متحده بوده‌اند، سایر بنگاه‌های خارجی از سرمایه‌گذاری در بخش انرژی در ایران منع شده‌اند. در این لایحه آمده است که اشخاص حقیقی و حقوقیمجاز نیستند بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری کنند. اصطلاح سرمایه‌گذاری در این لایحه هم شامل سرمایه‌گذاری جدید و هم شامل سرمایه‌گذاری برای توسعه و حفظ ظرفیت‌های فعلی می‌شود. به عبارت دیگر، این لایحه ممنوعیت سه مفهوم ساخت، نوسازی و توسعه حوزه انرژی ایران را در بر می گیرد.

علاوه بر این، متممیکه لایحه جامع تحریم ایران (CISADA)[۲۷]در اول جولای سال ۲۰۱۰ میلادیبه لایحه فوق اضافه می‌کند،سرمایه‌گذاری و مشارکت در احداث خطوط لوله‌های بخش انرژیدر داخل یا به خارج از ایران را هم در بر می‌گیرد. بر این اساس، فروش محصولاتی که به ساخت یا نگهداری خط لوله‌های مرتبط با بخش انرژییاری می‌رساند، ممنوع شده است.

در مذاکرات انجام شده، ایالات متحده احداث خط لوله ایران-پاکستان را صریحاً ذیل موارد تحریمی قرار داده است. در خصوص صادرات گاز ایران به ترکیه نیز، از آنجا که سرمنشاء این خط لوله در ترکمنستان است، تاکنون مشمول تحریم‌ها نشده است. این در حالیست که عده‌ای از صاحبنظران، این معافیت تحریمی برای ترکیه را به دلیل رابطه مثبت ایالات متحده با هم‌پیمانش می‌دانند. در ماه مه سال ۲۰۰۹ نیز خط لوله میان ایران و ارمنستان توسط گازپروم روسیه احداث شد که تاکنون هیچگونه نقض تحریمی در این خصوص اعلام نشده است.

یکی دیگر از اهداف ایالات متحده در تحریم های حوزه انرژی، قرار دادن نهادهای مرتبط با فروش و صدور در لیست تحریم‌ها است. در همین راستا، افراد یا مؤسساتی که با شرکت ملی نفت ایران (NIOC)، شرکت ملی نفتکش‌های ایران (NICO) و شرکت

---

[26] -Iran Sanction Act
[27] -Comprehensive Iran Sanctions, Accountability and Divestment Act

نفتیران (NICO) وارد معامله شوند مشمول ۵ مورد از لیست ۱۲ موردی لایحه جامع تحریم ایران خواهند شد. شرکت نفت فلات قاره، شرکت ملی صادرات گاز ایران و شرکت مهندسی و توسعه نفت نیز از جمله زیرمجموعه‌های شرکت ملی نفت ایران هستند که به طور ضمنی مشمول این تحریم‌ها می‌شوند.

در بخش گاز نیز، از آنجا که تکنولوژی توسعه ترمینال‌های صدور گاز مایع در انحصار ایالات متحده است، ایران قادر به تأسیس چنین ترمینالی نیست و تنها سرمایه‌گذاری در توسعه گاز مایع در ایران مشمول تحریم‌ها شده است.

۳-۱-۲- منع فروش بنزین و تجهیزات مرتبط با آن به ایران:

بر اساس آمارهای موجود، در سال ۲۰۱۰ حدود ۴۰ درصد از نیاز ایران به بنزین از طریق واردات تأمینشده است. از آنجا که لایحه تحریم ایران، فروش بنزین و تجهیزاتی که امکان تولید داخلی بنزین را فراهم می‌سازند، شامل نمی‌شد، کنگره ایالات متحده در قالب لایحه جامع تحریم ایران، متممیرا به تصویب رسانده که عرضه‌کنندگان اصلی نفت را از فروش این محصول و همچنین تجهیزات مرتبط با تولید آن به ایران باز می‌دارد.این متمم دو مورد را به تحریم های پیشین می‌افزاید:

- فروش سالانه بیش از ۱ میلیون دلار بنزین، سوخت جت و سایر سوخت‌ها به ایران، ممنوع است.
- فروش تجهیزات یا خدماتی که ایران را قادر به تولید نیاز داخلی بنزین یا واردات آن با سقف فوق‌الذکر می‌کند، ممنوع است.

۳-۱-۳- منع خرید نفت خام و محصولات پتروشیمی از ایران:

در سال ۲۰۱۲، اوباما رئیس جمهور امریکا، خواستار آن شد که بر اساس لایحه تحریم ایران، ارائه خدمات بانکی به ایران به گونه‌ای محدود شود که فروش نفت و سایر

محصولات پتروشیمی از ایران و همچنین معاملات شرکت ملی نفت و شرکت نفتیران را غیرممکن سازد. بر اساس این لایحه دارایی‌های بنگاه‌های ناقض این تحریم‌ها در ایالات متحده مسدود شده و امتیاز فعالیت و حمایت مالی از آن‌ها در ایالات متحده لغو خواهد شد.

۳-۱-٤- تحریم های منتج از لایحه کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه:[۲۸]

بر اساس این لایحه که در سال ۲۰۱۲ به عنوان متمم لایحه تحریم علیه ایران تصویب شد تحریم های ذیل به اجرا در می‌آیند:

- منع مالکیت کشتی‌های انتقال نفت از ایران
- منع مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های مشترک در زمینه توسعه نفت و گاز در داخل و خارج از ایران
- منع مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های مشترک در حوزه اکتشاف، تولید و انتقال اورانیم مرتبط با ایران
- منع فروش یا تسهیل انتشار اوراق قرضه دولت ایران
- منع فروش تجهیزات تولید محصولات پتروشیمی به ایران
- منع بیمه یا تمدید بیمه تانکرها و نفتکش‌های ایرانی توسط شرکت‌های بیمه بین‌المللی
- منع مبادلات کلان با سپاه پاسداران انقلاب و مؤسسات مرتبط با آن

[28] - Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act (2012)

۳-۱-۵- جرایم مترتب بر نقض لایحه تحریم ایران: (ISA)

این تحریم‌ها که توسط اداره خزانه‌داری ایالات متحده اعمال می‌شود، مشتمل بر ۱۲ مورد تحریمی است و در صورتی‌که ثابت شود یکی از لوایح جامع تحریم علیه ایران توسط شرکت یا مؤسسه‌ای لغو شده است، این شرکت مشمول ۵ مورد از ۱۲ مورد تحریم مندرج در لیست زیر خواهد شد.

- لغو وام‌ها، اعتبارات و تضمین‌های اعتباری بانک صادرات- واردات ایالات متحده
- لغو امتیاز صدور فناوری‌های نظامی امریکایی
- لغو وام‌های با مبلغ بیش از ۱۰ میلیون دلار در سال توسط بانک‌های امریکایی
- لغو امتیاز فعالیت در زمینه فروش و عرضه اوراق بهادار دولت امریکا (درصورتی که ناقض تحریم‌ها مؤسسه مالی باشد)
- منع ارائه خدمات به بنگاه ناقض تحریم توسط دولت ایالات متحده
- ممنوعیت مبادلات با ارز خارجی با بنگاه ناقض تحریم
- منع پرداخت اعتباری و نقدی میان مؤسسات مالی ایالات متحده و بنگاه ناقض تحریم
- منع مبادله و نگهداری دارایی‌های مرتبط با ایالات متحده با بنگاه‌های متخلف
- ممنوعیت واردات از طریق بنگاه ناقض تحریم
- منع مردم ایالات متحده از هرگونه سرمایه‌گذاری و همکاری با مؤسسات متخلف
- خروج شرکت متخلف از شمول قوانین شرکتی و تجاری ایالات متحده
- اعمال تحریم هایISA نسبت به بنگاه ناقض تحریم‌ها

۳-۱-۶- تحریم های پولی: منع انتقال درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت به بانک مرکزی ایران

بر اساس لایحه‌ای که در سال ۲۰۱۱ در مجلس ایالات متحده به بحث گذارده شد باید سازوکاری اندیشیده می‌شد که انتقال ارز حاصل از فروش نفت از طریق بانک مرکزی ایران محدود شود. این لایحه، رئیس جمهور را موظف می‌کند که از افتتاح حساب بانک‌ها و مؤسسات مالی که با بانک مرکزی ایران همکاری می‌کنند، جلوگیری نماید. اگرچه بیم آن می‌رفت که این امر به افزایش قیمت نفت بیانجامد اما سرانجام توافق شد که با اندک تغییراتی به اجرا گذارده شود.

یکی دیگر از محدودیت‌های پولی و بانکی ناشی از تحریم‌ها، جلوگیری از ورود فیزیکی ارز[۲۹] به ایران است. بر اساس متممی که به لایحه کاهش تهدید ایران و ارتقای حقوق بشر در سوریه افزوده شد، کشورهایی که با ایران معاملات کلان ارزی انجام می-دهند، موظف به افتتاح حساب و اعطای اعتبار و نه ارز به ایران هستند. بر این اساس ایران اجازه دارد از این اعتبار تحت نظارت نهادهای بین‌المللی برای معاملات خارجی خود استفاده کند.

۳-۱-۷- تحریم های مالی: نحوه مواجهه مالی با بانک مرکزی ایران:

در نخستین گام، اداره خزانه‌داری ایالات متحده در سال ۲۰۰۶، بانک‌های امریکایی را از هرگونه معامله غیرمستقیم با بانک صادرات ایران که متهم به مراسلات مالی با حزب‌الله بود منع کردند. سپس در سال ۲۰۰۸ این تحریم اداره خزانه‌داری امریکا، به کل بانک‌های ایرانی تسری پیدا کرد.

تلاش‌های ایالات متحده در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ به تقویت تحریم های مالی اعمال شده توسط شورای امنیت سازمان ملل انجامید. بر اساس قطعنامه‌هایی که در این

---

[29] - Hard currency

مدت علیه ایران صادر شد، تلاش‌های ایران برای کمک مالی به گروه‌های تروریستی محکوم و همکاری حداقل ۸۰ بانک خارجی با بانک‌های ایرانی در نقل و انتقالات مالی متوقف شد. در عین حال، فشارهای زیادی به بنگاه‌های خارجی برای توقف دادوستد با ایران وارد شد. از جمله بانک سوییسیUBS به ۱۰۰ میلیون دلار جریمه و بانک آلمانیABN به ۸۰ میلیون دلار جریمه به دلیل همکاری مالی با بانک ملی ایران در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ محکوم شدند.

ایالات متحده در قالب لایحه تحریم های جامع علیه ایران موفق شد، سازمان ملل و اتحادیه اروپا را در تحریم های مالی که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهد شد، همراه سازد. بر این اساس بانک‌های ایالات متحده از افتتاح حساب برای بانک‌های ناقض تحریم های ذیل منع شده‌اند. موارد نقض تحریم‌ها عباتند از:

تسهیل مبادلات کلان با:

۱. سپاه پاسدارن انقلاب اسلامی و شرکت‌های زیرمجموعه آن که بر اساس احکام اجرایی امریکا تحت تحریم قرار دارند.
۲. ارائه خدمات مالی به مؤسسات و اشخاصی که در سندهای تحریمی ایالات متحده از آنها نام برده شده است.
۳. نهادها و مؤسساتی که بر اساس قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل در لیست تحریم قرار گرفته‌اند.
۴. همکاری با بانک مرکزی ایران در خصوص کمک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

در راستای تحدید بیشتر نظام مالی ایران، در فوریه ۲۰۱۲ کنگره ایالات متحده قانونی به تصویب رساند که بر اساس آن کلیه دارایی‌های بانک مرکزی ایران و سایر مؤسسات دولتی ایرانی در مؤسسات مالی این کشور مسدود و مردم امریکا از معامله با این مؤسسات منع شدند. سرانجام در مارس ۲۰۱۲ تحریم دیگری به اجرا درآمد که بر

آن اساس بانک های ایران از جمله بانک مرکزی از جامعه ارتباطات میان بانکی جهانی[۳۰] (SWIFT) خارج شدند.

۳-۲- تحریم های اتحادیه اروپا علیه ایران:

پس از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ در سازمان ملل، رویکردهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده نسبت به ایران بیش از پیش به یکدیگر نزدیک شد. اتحادیه اروپا که پیش از این، ریسک ایران را کمتر از ایالات متحده ارزیابی می‌کرد، شدت تحریم های خود را به گونه‌ای افزایش داد که در سطح ایالات متحده قرار گرفت. در سال ۲۰۱۱ در اقدامی هماهنگ با ایالات متحده، کشورهای بریتانیا و کانادا اعلام کردند که دیگر با مؤسسات مالی ایران از جمله بانک مرکزی این کشور همکاری نخواهند کرد.

تحریم های اتحادیه اروپا شامل قطع رابطه با بانک مرکزی ایران و توقف انتقال محموله‌های نفتی می‌شد. در ژانویه ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا منع انعقاد قراردادهای نفتی با ایران و در جولای ۲۰۱۲توقف واردات نفت ایران را به تصویب رساند. در مجموع اتحادیه اروپا روزانه ۶۰۰,۰۰۰ بشکه نفت از ایران خریداری می‌کرد که یک چهارم کل صادرات نفت ایران را تشکیل می‌داد. علاوه‌بر این بیمه نفتکش‌های حامل نفت و سایر محصولات پتروشیمی ایران از اول جولای ۲۰۱۲ متوقف شد. همچنین کشورهای اروپایی از معامله طلا، الماس و محصولات پتروشیمی با ایران منع شدند و کلیه دارایی‌های بانک مرکزی ایران در این کشورها ضبط شد. این در حالی است که برخی معاملاتی که منع قانونی ندارند همچنان قابل انجام هستند.

علاوه بر تحریم های مرتبط با بانک مرکزی و خرید نفت از ایران، اتحادیه اروپا گام‌های دیگری در این مسیر برداشته که در ادامه لیستی از آنها ارائه شده است:

---

[30] - Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication

۱. قطع ارتباط سوئیفتی با ایران: سازمان بلژیکی سوئیفت در راستای تصمیم اتحادیه اروپا برای تحریم ایران در فوریه ۲۰۱۲ معامله با بیش از ۱۸ بانک ایرانی را در لیست سیاه خود قرار داد و در مارس ۲۰۱۲ خدمات خود به ایران را به طور کامل قطع کرد.

۲. تحریم های تکمیلی اکتبر ۲۰۱۲:

- منع کلیه مبادلات، میان بانک‌های ایرانی و اروپایی
- منع ارائه اعتبارات، ضمانت‌ها و بیمه‌های صادراتی کوتاه‌مدت
- منع واردات گاز طبیعی از ایران[۳۱]
- منع صدور گرافیت، فلزاتی نظیر آلومینیم و فولاد و نرم‌افزارهای صنعتی که قابلیت استفاده در برنامه‌های هسته‌ای یا موشکی ایران را دارند.
- منع ارائه فناوری کشتی‌سازی، ذخیره و انبار نفت و خدمات مرتبط با نفتکش‌ها و باربرهای دریایی.

۳-۳- تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران:

از آنجا که تحریم های سازمان ملل توسط کلیه اعضای آن لازم‌الاجرا است، دارای اثرات بیشتری نسبت بهتحریم های یک جانبه یا چند جانبه است. در سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ با این استدلال که باید با فشار بر ایران، مقامات این کشور را به میز مذاکره بازگرداند، سه قطعنامه ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ علیه ایران به تصویب عمومی رسید که مدعی است به طور خاص برنامه‌های تولید سلاح‌های کشتار جمعی را هدف قرار

[۳۱] - واردات مقادیر کم از طریق ترکیه به کشورهای بلغارستان و یونان مجاز می باشد.

می‌دهد.پس از شکست مذاکرات در سال ۲۰۰۹، قطعنامه ۱۹۲۹ در ژوئن ۲۰۱۰ به تصویب رسید که بر اساس آن:

- تعداد بیشتری از بنگاه‌های اقتصادی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست مؤسسات تحریمی قرار گرفتند.
- مجوز بازرسی کلیه محموله‌های مربوط به ایران به کشورهای عضو سازمان ملل داده شد و همچنین این کشورها حق دارند در صورتیکه مورد مشکوکی مشاهده کردند، محموله را به طور موقت یا دائم ضبط کنند.
- کشورها از اعطای مجوز به ایران برای سرمایه‌گذاری در اکتشاف اورانیوم و فناوری‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای و موشک‌های بالستیک منع شدند.
- فروش تسلیحات سنگین و سبک نظامی به ایران ممنوع یا محدود شد.
- از کشورها خواسته شد بنگاه‌های تحت تابعیتشان را از معامله با ایران در صورتی که بیم پیشبرد برنامه تولید سلاح‌های کشتار جمعی باشد، منع کنند.
- از کشورها خواسته شد از افتتاح شعب بانک‌های ایرانی که احتمال می‌دهند در برنامه‌های نظامی مشارکت دارند، در کشورشان یا گشایش شعب بانک‌های تحت تابعیتشان در ایران جلوگیری کنند.

۳-٤- وضعیت بازار فروش نفت ایران پیش و پس از اعمال تحریم‌ها:

تحمیل تحریم های نفتی در دو مدار تحریمی ایالات متحده و اتحادیه اروپا، ترکیب و حجم صدور نفت ایران به کشورهای جهان را با تغییراتی روبرو کرده است. از منظر کلی، حجم صادرات ایران کاهش چشمگیری داشته به طوریکه، ایران در مقایسه با سال ۲۰۱۱، حدود نیمی از بازار خود را از دست داده است.

جدول ۳ تصویری از تغییر میزان صادرات و درصد کاهش آن در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ را ارائه می‌دهد. نگاهی گذرا به آمار تفکیکی از کشورهای عمده واردکننده نفت ایران نشان از کاهش حجم واردات این کشورها دارد که برای برخی کشورها نظیر اتحادیه اروپا و افریقای جنوبی (۱۰۰٪ کاهش) به معنای قطع کامل همکاری است.

جدول ۳-۱:عمده‌ترین خریداران نفت از ایران (بشکه در روز)

کشور / اتحادیه	۲۰۱۱	پایان ۲۰۱۲	میزان کاهش
اتحادیه اروپا	۶۰۰،۰۰۰	۰	٪۱۰۰
چین	۵۵۰،۰۰۰	۴۰۰،۰۰۰	٪۲۷
ژاپن	۳۲۵،۰۰۰	۲۰۰،۰۰۰	٪۳۸
هند	۳۲۰،۰۰۰	۲۸۰،۰۰۰	٪۱۳
کره جنوبی	۲۳۰،۰۰۰	۲۰۰،۰۰۰	٪۱۳
ترکیه	۲۰۰،۰۰۰	۱۵۰،۰۰۰	٪۲۵
افریقای جنوبی	۸۰،۰۰۰	۰	٪۱۰۰
مالزی	۵۵،۰۰۰	۳۰،۰۰۰	٪۴۵
سریلانکا	۳۵،۰۰۰	۲۰،۰۰۰	٪۴۳
تایوان	۳۵،۰۰۰	۲۰،۰۰۰	٪۴۳
سنگاپور	۲۰،۰۰۰	۱۵،۰۰۰	٪۲۵
سایر	۵۵،۰۰۰	۲۵،۰۰۰	٪۵۵
مجموع	۲،۵۰۵،۰۰۰	۱،۳۴۰،۰۰۰	٪۴۷

مأخذ: آژانس بین‌المللی انرژی

۳-۵- گستره پذیرش تحریم‌ها از سوی کشورهای منتخب:

- **ژاپن و کره جنوبی:**

ژاپن و کره جنوبی با توجه به رابطه نزدیک سیاسی و تجاری به عنوان هم‌پیمانان کلیدی غرب – بویژه ایالات متحده آمریکا- وارد ائتلاف بین‌المللی برای فشار بر ایران شدند. در دسامبر ۲۰۱۱، این دو کشور سیاست‌های تحریمی مشابه آنچه اتحادیه اروپا علیه ایران اعمال می‌کرد را اتخاذ کردند و در نوامبر ۲۰۱۱ نیز همگام با ایالات متحده،تحریم‌های خود در زمینه فروش تجهیزات به بخش انرژی را شدت بخشیدند. در عین حال، ایالات متحده معافیت ژاپن و کره جنوبی برای مبادله با ایران را به ترتیب تا سپتامبر ۲۰۱۲ و دسامبر ۲۰۱۲ تمدید کرد.

شاید بتوان مشکل بیمه نفتکش‌های ایرانی که مسئولیت انتقال نفت به این دو کشور را برعهده دارند را از عمده‌ترین موانع در ادامه رابطه تجاری با ایران دانست.

- **هند:**

با وجود آن که هند خود را تابع تحریم های اعمال شده از سوی سازمان ملل می‌داند، پیوندهای فرهنگی، اقتصادی و تاریخی این کشور با ایران از یک طرف و نیاز آنها به منابع انرژی ایران از طرف دیگر، دولتمردان هند را در خصوص اجرای تحریم های اتحادیه اروپا و ایالات متحده مردد کرده است. زمانی که اتحادیه اروپا بانک مشترک ایران و هند را به دلیل تسویه حساب مبادلات ارزی در لیست تحریم‌ها قرار داد، ایران و هند از هاکبانک (Halkbank) ترکیه برای مبادلاتشان استفاده می‌کردند. اما پس از چندی که ایالات متحده در ژانویه ۲۰۱۲ خواستار خروج این بانک از مبادله با ایران شد، هند از این وضعیت به نفع خود استفاده کرد تا ایران را مجاب کرد که از مارس ۲۰۱۲، به میزان ۴۵ درصد ارزش معاملات نفتی را به روپیه دریافت کند. این در حالی است که حساب یاد شده، اعتباری بوده و معادل فیزیکی آن در اختیار ایران قرار نمی‌گیرد. از این رو مبادلات تهاتری، به سود تولید و تجارت هند خواهد بود. این کشور

به طور گسترده‌ای تجار خود را به ایران گسیل داشته تا بتوانند از بازار ایران برای صدور کالاهای مجاز نظیر برنج و گندم استفاده کنند. هرچند با افزایش فشار تحریم‌ها، پرداخت ۵۵ درصدی ارزش صادراتی نفت به یورو از طریق بانک ترکیه‌ای، با مشکل مواجه شد و در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۳ ایران موافقت نمود تا ۱۰۰ درصد ارزش نفت صادراتی به هند را به روپیه دریافت نماید. با استقرار دولت یازدهم و نوسانات ارزش روپیه، وزیر نفت ایران در نخستین اقدام خود ۳ امتیاز نفت و گاز سرمایه‌گذاران هندی در صنعت نفت را لغو کرد. همچنین ارزش نفت صادراتی به هند در قبال تهاتر با ۴۵درصد مبلغ با واحد پولی هند انجام خواهد شد و با تهاتر کل مبلغ با روپیه مخالفت شده است.(ایندین اکسپرس)

در عین حال هند سعی دارد میزان وابستگی خود به نفت ایران را کاهش دهد. در حالی که ایران در سال ۲۰۰۸، بیش از ۱۶ درصد از حجم نفت وارداتی هند را تأمین می‌کرد؛ این رقم در پایان سال ۲۰۱۲ به رقم ۱۰ درصد کاهش یافته است. هند در قبال معافیتی که ایالات متحده به این کشور داده، اعلام کرده تلاش می‌کند، وابستگی نفتی خود به ایران را به‌طور چشمگیری تا مارس ۲۰۱۳ کاهش دهد. در حال حاضر کشور هند با واردات روزانه ۲۵۰ هزار بشکه نفت، پس از کشور چین بزرگترین واردکننده نفت از ایران محسوب می‌شود.[۳۲]

- **پاکستان:**

شاید اصلی‌ترین مبادله تجاری پیش‌روی پاکستان با ایران پروژه ۷ میلیارد دلاری خط لوله گاز–خط لوله صلح- باشد. ایران سرمایه‌گذاری عظیمی برای اشتراک کشور پاکستان در شبکه خط لوله گاز خود کرده است. مهمترین مانعی که هم‌اکنون در مسیر این پروژه قرار دارد، خروج بانک چینی است که قرار بود یک میلیارد دلار از این پروژه را تأمین مالی کند. از دوره ریاست جمهوری جورج بوش تلاش‌های زیادی صورت گرفته

[۳۲] -آژانس بین المللی انرژی

که پاکستان از پذیرش و اجرای این پروژه صرف‌نظر کند. ایالات متحده همواره از این پروژه با نگرانی یاد کرده و آن را طرحی "غیر قابل پذیرش" از سوی امریکا خوانده است.

- **روسیه:**

روسیه یکی از کشورهای بزرگی است که تنها خود را به اجرای تحریم‌های سازمان ملل ملزم می‌داند. از آنجا که این کشور خود صادرکننده نفت است، بنابراین در خصوص تحریم‌های نفتی ایران نگرانی نخواهد داشت. اما روسیه در عین حال یکی از سرمایه‌گذاران و مجریان اصلی اجرای پروژه‌های بزرگ همچون نیروگاه اتمی بوشهر در ایران بشمار می‌آید. بنابراین همواره سعی در تحمیل حداقلی تحریم‌ها و حمایت از ایران دارد. البته وزن بیشتر این حمایت، کاهش نفوذ کشورهای غربی–بویژه ایالات متحده – در ایران است.

- **چین:**

همانند کشور هند، چین هم در صدد استفاده حداکثری از تحریم‌ها علیه ایران است. اوایل سال ۲۰۱۲ چین به مقامات ایرانی اعلام کرده بود که واردات نفت خود در سال ۲۰۱۲ را به میزان متوسط سال ۲۰۱۱ حفظ خواهد کرد. با این حال در ژوئن ۲۰۱۲ مقامات چینی خبر از مذاکراتی در خصوص معافیت از تحریم‌ها در صورت کاهش ۱۸ درصدی واردات نفت از ایران دادند. در این صورت واردات چین از ایران می‌بایست از ۵۵۰,۰۰۰ بشکه به ۴۵۰,۰۰۰ بشکه در روز کاهش یابد. با این که مقامات غربی انتظار نداشتند که چین واردات نفت خود از ایران را در حد سایر کشورها کاهش دهد اما این کشور بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های خود در بخش انرژی ایران را به حالت تعلیق درآورده است. درحالی که چین همچنان بزرگترین واردکننده نفت از ایران است، امریکا سعی دارد این کشور را مجاب کند که معاملات خود را با ارز داخلی یا کالا انجام دهد.

گزارش‌ها حاکی از آن است که بخشی از پرداخت‌های چین به ایران با استفاده از طلا صورت می‌گیرد.[۳۳]

- **ترکیه**

این کشور با متوسط ۱۹۶,۰۰۰ بشکه در روز در سال ۲۰۱۱ از واردکنندگان عمده نفت ایران به شمار می‌آید.[۳۴]

ترکیه هم با هدف برخورداری از معافیت از تحریم، در جهت کاهش واردات نفت خود از ایران گام برمی‌دارد. مقامات این کشور اعلام کرده‌اند که واردات نفت از ایران را ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش خواهند داد. از سوی دیگر عمده پرداخت‌های این کشور به ایران با طلا صورت می‌گیرد که تا آوریل ۲۰۱۳ مشمول تحریم های ایالات متحده نخواهد شد.

علاوه‌براین ترکیه یکی از خریداران عمده گاز ایران است. از آنجا که خط لوله گاز ایران- ترکیه پیش از تحریم‌ها به بهره‌برداری رسیده است به نظر می‌رسد مشمول قانون‌های تحریم علیه ایران نمی‌شود و تنها دغدغه ایالات متحده نحوه پرداخت بهای گاز به ایران است.

- **کشورهای حاشیه خلیج فارس**

از آنجا که کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از منابع عظیم نفتی برخوردارند، نقش جایگزین عرضه نفت ایران را بازی می‌کنند. به گونه‌ای که عربستان اعلام آمادگی کرده، حذف ایران از لیست صادرکنندگان نفت را جبران کند. با این حال، کشورهای حاشیه خلیج فارس همواره در خصوص اقدامات تحریک‌آمیز علیه ایران بیمناک هستند.

با توجه به مبادلات گسترده امارات متحده عربی با ایران، این کشور به شدت توسط ایالات متحده رصد می‌شود. به‌گونه‌ای که ایالات متحده تصمیم بانک اسلامی نور در

---

[۳۳] -آژانس بین المللی انرژی

[۳۴] -آژانس بین المللی انرژی

قطع ارتباط بانکی با ایران در مارس ۲۰۱۲ را اقدامی شجاعانه و ستودنی خواند. لازم به ذکر است که بخش اعظمی از درآمدهای نفتی ایران از طریق این بانک سامان داده می‌شد. بانک‌های ایران در امارات متحده عربی همچنان مشغول به‌کار هستند و مقامات این کشور اعتقاد دارند از آنجا که این فعالیت‌ها به برخی معاملات نقدی کوچک محدود شده است و با هدف عدم تحریک ایران، قصد تعطیلی آن‌ها را ندارند.

ایران و کویت نیز مذاکراتی در خصوص احداث خط لوله ۳۵۰ مایلی برای انتقال گاز ایران انجام داده‌اند. دو طرف در خصوص حجم صادرات گاز از ایران (معادل ۸,۵ میلیون متر مکعب در روز) به توافق رسیده‌اند اما همچنان ارزش این معامله اعلام نشده است. مذاکرات مشابهی برای احداث خط لوله ایران-عراق صورت گرفته است اما هنوز هیچ شرکتی برای احداث این خط لوله اظهار آمادگی نکرده است.

- **افغانستان**

از آنجا که کمک‌های بلاعوض بین‌المللی به افغانستان زیاد است، دلار دومین ارز رایج این کشور به شمار می‌آید. در برخی گزارشات ادعا شده است که ایران از بازار افغانستان برای انتقال دلار در ازای ریال استفاده می‌کند. به‌گونه‌ای که برخی تاجران برای حفظ ارزش پس‌اندازهای خود، ریال را دراین کشور به دلار تبدیل می‌کنند. آنها همچنین ادعا می‌کنند که ایران از بانک آرین برای انتقال دلار از افغانستان استفاده می‌کند و به تازگی، اداره خزانه‌داری ایالات متحده در خصوص انتقال دلار از افغانستان به ایران به این کشور هشدار داده است.

- **امریکای لاتین**

ایالات متحده مدعی است که ایران برای گریز از تحریم های بین‌المللی سعی کرده با برخی کشورهای امریکای لاتین از جمله ونزوئلا، کوبا، اکوادور، نیکاراگوئه و بولیوی رابطه برقرار کند. این ادعا از آن جا ناشی می‌شود که برخی کشورهای آمریکای لاتین با

ایالات متحده اختلاف دارند. به همین دلیل، بسیاری از مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی در ونزوئلا مشمول تحریم های ایالات متحده شده‌اند.

- **آفریقا**

به جز آفریقای جنوبی، سایر کشورهای آفریقایی خریدار عمده نفت ایران به شمار نمی‌آیند. با این حال مقامات امریکایی بیم آن را دارند که ایران برای دور زدن تحریم‌ها بیش از پیش به این کشورها نزدیک شود. به عنوان نمونه کنیا در مارس ۲۰۱۲ برای واردات ۳۰ میلیون بشکه نفت از ایران قراردادی را امضا کرد که یک ماه پس از آن با تذکر ایالات متحده در خصوص روابطش با این کشور، توسط کنیا لغو شد.

در ژوئن سال ۲۰۱۲ نماینده ایالات متحده در نامه‌ای تذکر آمیز به تانزانیا از این کشور خواست که نفتکش‌های ایرانی را از استفاده از پرچم‌های این کشور بازدارد. در همین راستا کشور تانزانیا در سپتامبر ۲۰۱۲، ۹ نفتکش را که از پرچم‌های این کشور برای ارائه خدمات به ایران استفاده می‌کردند از ناوگان دریایی‌اش خارج کرد.

۳-٦- خروج شرکت‌های خارجی از بازار ایران:

۱. تحرکات اخیر بین‌المللی در راستای تحریم ایران باعث شده است بسیاری از شرکت‌های (غیرامریکایی) که فعالیت‌های خود در زمینه‌های غیرتحریمی را هم متوقف سازند.[۳۵] پیش‌بینی می‌شود که کارایی و بهره‌وری با خروج مؤسسات خارجی از بازار ایران در طول زمان کاهش یابد. نمونه‌هایی از شرکت‌های خارجی که از بازار ایران خارج شده‌اند به شرح زیر است:

۱. شرکت ABB سوئیس در ژانویه ۲۰۱۰ فعالیت‌های خود در ایران را متوقف ساخت.

---

[35] -Iran Sanctions (2013), Kenneth Katzman, Congressional Research Service

۲. شرکت زیمنس که در زیرساخت‌های مخابراتی ایران فعال بود، در فوریه ۲۰۱۰ از ادامه فعالیت در ایران سرباز زد.
۳. شرکت‌های دایملر (تولیدکننده مرسدس بنز)، فیات و پورشه نیز صادرات خودرو به ایران را در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ متوقف ساخته‌اند.
۴. شرکت فنلاندی نوکیا نیز ارائه خدمات و فروش مستقیم گوشی‌های موبایل در بازار ایران را متوقف ساخته‌اند.
۵. شرکت خودروسازی فرانسوی پژو که به تولید مشترک با ایران می‌پرداخت از جولای ۲۰۱۲ فعالیت‌های خود در ایران را به حالت تعلیق درآورده است.
۶. تولیدکنندگان خودروی کره‌ای و ژاپنی در آگوست و سپتامبر ۲۰۱۲ اعلام کرده‌اند که فروش خودروهای هیوندای، کیا موتورز و تویوتا به ایران را متوقف می‌کنند. اگرچه هنوز چنین تصمیمی به روشنی به اجرا در نیامده است و فروش خودرو به ایران در صورت تسویه حساب شش ماهه به‌طور محدود ادامه دارد.
۷. در جولای ۲۰۱۲ شرکت فرانسوی بی ان پی پاریباس اعلام کرده که این شرکت از سال ۲۰۰۷ هیچ برنامه تجاری جدیدی در ایران به اجرا درنیاورده است. این در حالی است که این شرکت به تعهدات قبلی خود در ایران پایبند است و به فعالیت در این راستا ادامه خواهد داد.

۳-۷- تفاوت تحریم های کنونی با دوره‌های قبل:

در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵، کشورهای اروپایی باور داشتند ارائه مشوق‌ها به ایران از اجرای مجازات‌های اقتصادی کارگشاتر خواهد بود. اروپایی‌ها در قالب موافقتنامه همکاری تجاری (TCA) با کاهش تعرفه‌ها، روابط تجاری نسبتاً گسترده‌ای با ایران داشتند. اما از سال ۲۰۰۵ به بعد با شدت گرفتن مناقشه هسته‌ای ایران، این روابط رو به

سردی گذاشت. از سوی دیگر عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (WTO) که در پایان سال ۲۰۰۵ با پیشرفت‌هایی روبرو شده بود، پس از طرح مناقشات هسته‌ای ایران به دست فراموشی سپرده شد.

۳-۸- تحریم‌های آتی:

در صد و دوازدهمین جلسه کنگره ایالات متحده باور نمایندگان بر این بود که تأثیر و هم‌افزایی تحریم‌های امریکا و سایر کشورها برای دستیابی به اهداف استراتژیکی که مدنظر این کشور است، کفایت نمی‌کند. این امر راه را برای تصویب تحریم های بیشتر علیه ایران از جمله قانون "کاهش تهدید ایران" هموار ساخت.

در ادامه لیستی از تحریم های آتی[۳۶] ارائه شده است. این تحریم‌ها در صورت تصویب به طور یکجانبه از سوی امریکا به اجرا گذارده خواهند شد:

۱. **تحریم کلیه مبادلات تجاری با ایران:** برخی سازمان‌ها از جمله "اتحاد علیه ایران هسته‌ای" طرح تحریم کلیه مبادلات تجاری با ایران غیر از دارو و غذا را دنبال می‌کنند. این درحالی است که چنین ممنوعیت‌هایی از مقبولیت بین‌المللی برخوردار نیستند و حتی برخی از متحدان کلیدی امریکا هم اعتقاد دارند نباید تحریم هاییکجانبه در مورد کالاهای غیراستراتژیک و غیرنظامی از سوی امریکا اعمال شود.

۲. **ممنوعیت جامع مبادلات انرژی با ایران:** بسیاری از کارشناسان باور دارند مؤثرترین تحریم از سوی سازمان ملل، ممنوعیت خرید نفت خام از ایران خواهد بود. شواهدی در دسترس نیست که میزان مقبولیت چنین طرحی در شورای امنیت را در اختیار قرار دهد. با این حال اجرای تحریم‌های جدید از سوی سازمان ملل تا حد زیادی، رویکرد عمومی را به آنچه ایالات متحده دنبال

[36] - A Potential Expansion of U.S sanctions against Iran (2013), Shipowners

می‌کند نزدیک کرده است و احتمال آن می‌رود که چنین لایحه‌ای در آینده در صحن عمومی سازمان ملل و شورای امنیت طرح شود.

۳. **ممنوعیت اعطای وام به ایران توسط نهادهای مالی بین‌المللی:** قطعنامه ۱۷۴۷ سازمان ملل، محدودیت‌هایی بر اعطای وام توسط نهادهای مالی بین‌المللی به ایران وضع کرده است. با این وجود برای تبدیل این محدودیت‌ها به ممنوعیت، ایالات متحده خواستار لغو عضویت ایران در صندوق بین‌المللی پول (IMF) شده است.

۴. **اعمال محدودیت بیمه ناوگان دریایی ایران**: یکی از گزینه‌هایی که به مدت طولانی توسط امریکا در حال پیگیری است، اعمال محدودیت جامع بیمه کشتی‌های ایرانی است. از آنجا که نفتکش‌های ایرانی مشمول این تحریم‌ها می‌شوند، از اهمیت بالایی برخوردار است.

این گزینه در قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل به صورت اختیاری منظور شده است. به‌علاوه در تاریخ اول جولای ۲۰۱۲، اتحادیه اروپا ارائه خدمات بیمه‌ای به ناوگان دریایی ایران را ممنوع کرد و این درحالی است که شمار زیادی از بیمه‌گزاران اصلی دنیا در اروپا واقع شده‌اند.

۵. **ممنوعیت تأمین مالی تجاری یا ارائه خدمات بیمه‌ای در این زمینه:** این گزینه، جامعه بین‌الملل را از ارائه ضمانت اعتبارات تجاری منع می‌کند. این مورد به عنوان گزینه‌ای اختیاری در قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل لحاظ شده است و تعدادی از کشورها به اعمال این محدودیت می‌پردازند. در مذاکراتی که به وضع قطعنامه ۱۹۲۹ انجامید، ممنوعیت سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه ایران هم لحاظ شده بود که برای جلب حمایت روسیه و چین، از این قطعنامه حذف شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

بطور کلی تحریم های وضع شده در سه مدار سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده، مشتمل بر چند بخش است:

بخش اول: ممنوعیت‌های واردات وصادرات کالاها و خدمات مشمول تحریم

بخش دوم: ممنوعیت‌های مالی

بخش سوم: ممنوعیت‌های حمل‌ونقل

بخش چهارم: ممنوعیت‌های پذیرش وترانزیت و...افراد

بخش پنجم: توقیف دارایی‌ها ومنابع اقتصادی

بخش ششم: ممنوعیت علوم مرتبط با فناوری هسته‌ای

بخش هفتم: مقررات عمومی ونهایی

ادغام مدارهای تحریمی ایالات متحده، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد همراه با چاشنی نحوه مدیریت دستگاه‌های اجرایی را می‌توان از دلایل عمده بروز چالش در حوزه‌های راهبردی مورد نظر پژوهش برشمرد که این تحقیق به دنبال شناخت چالش‌های مذکور و ارائه راهبردهایی برای رفع یا کاهش اثر آنهاست.

جدول صفحات بعد سعی دارد تصویری تطبیقی از گستره تحریم در سه مدار تحریم‌های ایالات متحده، تحریم های سازمان ملل و تحریم های اتحادیه اروپا و سایر هم‌پیمانانش ارائه کند.

جدول۳-۲: مقایسه تطبیقی تحریم‌ها در سه مدار ایالات متحده، سازمان ملل و اتحادیه اروپا

	تحریم های ایالات متحده	تحریم های سازمان ملل	تحریم های اتحادیه اروپا و سایر هم‌پیمانان
برداشت کلی	فراگیرترین تحریم‌ها علیه ایران	فراگیری رو به رشد اما همچنان با هدف تأثیر بر برنامه‌های هسته‌ای و ساخت سلاح‌های کشتار جمعی توسط ایران. اعمال تحریم های اختیاری در بخش انرژی	پذیرش کلیه تحریم های اعمال شده از سوی سازمان ملل و تصویب تحریم های جامع‌تر و همخوان با تحریم های اعمال شده از سوی ایالات متحده از تاریخ ۲۷ جولای ۲۰۱۰. تحریم های ژاپن و کره جنوبی نیز در حال گسترش است.
تحریم های تجاری و سرمایه-گذاری در ایران	فرمان اجرایی ۱۲۹۵۹ مؤسسات امریکایی را از واردات و صادرات و سرمایه‌گذاری در ایران منع کرده است. برخی معافیت‌ها در خصوص غذا و دارو در این فرمان وجود دارد اما تأمین مالی و ضمانت تجاری کاملاً ممنوع اعلام شده است.	تحریم های سازمان ملل مبادله کالاهای غیرنظامی و سرمایه‌گذاری در بخش-های غیرنظامی این کشور را ممنوع نکرده است. همچنین محدودیت لازم-الاجرایی در خصوص تأمین مالی و ضمانت تجاری در رابطه با ایران وضع نشده است.	اتحادیه اروپا تجارت کالاهای غیرنظامی با ایران را منع نکرده اما، با تحریم مبادلات نفتی با ایران، عملاً گستره تحریم های این اتحادیه به ایالات متحده نزدیک شده است. بر اساس اعلامیه ۱۵ اکتبر ۲۰۱۲ ارائه خدمات اعتباری و ضمانت‌های تجاری از سوی کشورهای اتحادیه اروپا ممنوع شده است. ژاپن و کره جنوبی تأمین مالی و ضمانت تجاری میان‌مدت و بلندمدت را متوقف کرده‌اند و تنها اعتبارات کوتاه‌مدت شش ماهه را مجاز دانسته‌اند.

	تحریم های ایالات متحده	تحریم های سازمان ملل	تحریم های اتحادیه اروپا و سایر هم‌پیمانان
اعمال تحریم بر مؤسساتی که با ایران وارد معامله می‌شوند	بر اساس لایحه جامع تحریم ایران (CISADA) و فرمان-های اجرایی متعدد، مؤسساتی که با بخش انرژی ایران وارد مبادلات تجاری شوند تحت تحریم های ایالات متحده قرار می‌گیرند. در عین حال کشورهایی که هر ۶ ماه معاملات نفتی خود با ایران را به صورت چشمگیر کاهش دهند مشمول معافیت‌هایی خواهند شد.	در تحریم های سازمان ملل منع مبادلات با بخش انرژی ایران تصریح نشده است. اما در بخشی از این گزارش آمده است که ایران از درآمدهای بخش انرژی برای پیشبرد اهداف برنامه هسته‌ای و سایر برنامه‌های نظامی خود استفاده می‌کند. بر این اساس سازمان ملل از کشورهایی که شرکت‌های تابع خود را از معامله با بخش انرژی ایران باز می-دارند حمایت کرده است.	اتحادیه اروپا تقریباً کلیه مبادلات با بخش انرژی ایران شامل خرید نفت و گاز، بیمه نفتکش‌ها و فروش تجهیزات بخش انرژی را ممنوع اعلام کرده است. ژاپن و کره جنوبی نیز اجرای پروژه‌های بخش انرژی در ایران را ممنوع اعلام کرده و محدودیت-هایی برای پروژه‌های در حال اجرا وضع کرده است. کره جنوبی در دسامبر ۲۰۱۱ از مؤسسات تحت تابعیتش خواست که از فروش تجهیزات بخش انرژی و پتروشیمی به ایران خودداری کنند. با اینکه ممنوعیتی از سوی این دو کشور بر خرید نفت از ایران اعمال نشده است، هر دو سهم خود از خرید را به شدت کاهش داده‌اند و این روند برای برخورداری از معافیت‌های تحریمی ایالات متحده همچنان ادامه دارد.

	تحریم های ایالات متحده	تحریم های سازمان ملل	تحریم های اتحادیه اروپا و سایر هم‌پیمانان
ممنوعیت کمک-های خارجی به ایران	کمک خارجی از سوی ایالات متحده (غیر از کمک‌های بشردوستانه) ممنوع اعلام شده است. از سال ۱۹۸۴ ایران در لیست کشورهای مدافع گروه‌های تروریستی قرار گرفته و بر این اساس هرگونه کمک خارجی به این کشور ممنوع است. از سوی دیگر ایران هم از پذیرش هرگونه کمک از سوی ایالات متحده خودداری می‌کند.	چنین تحریمی ار سوی سازمان ملل موضوعیت ندارد.	اتحادیه اروپا پس از تصویب قوانینی در جولای ۲۰۱۰ اعطای کمک مالی و وام‌های تجاری به ایران را ممنوع اعلام کرده است. این رویه در خصوص شرکت‌هایی که به تأمین مالی در بخش انرژی ایران اقدام می‌کنند نیز لازم الاجراست. ژاپن و کره جنوبی چنین محدودیت‌هایی را قائل نشده‌اند اما در عین حال مواردی از این دست از سوی این کشورها در جریان نیست.
محدودیت صدور اقلامی که مصارف دوگانه دارند	بر اساس بند ۶ لایحه اداره تجارت ایالات متحده و بند ۳۸ قانون کنترل صدور تسلیحات پروانه مؤسساتی که اقدام به صدور اقلام با مصارف دوگانه به ایران کنند، باطل خواهد شد.	قطعنامه‌های سازمان ملل علیه ایران صدور کلیه اقلامی که مصارف دوگانه دارند را منع کرده است.	اتحادیه اروپا در راستای قطعنامه‌های سازمان ملل صدور هرگونه اقلام با مصارف دوگانه به ایران را ممنوع اعلام کرده است. بر این اساس فروش فلزات نهایی و گرافیت به ایران ممنوع شده است. ژاپن و کره جنوبی نیز نظام کنترلی شدیدی در خصوص صادرات اقلامی که مصارف دوگانه دارند تعبیه کرده‌اند.

	تحریم های ایالات متحده	تحریم های سازمان ملل	تحریم های اتحادیه اروپا و سایر هم‌پیمانان
تحریم اعطای وام های بین‌المللی به ایران	بر اساس بند ۱۶۲۱ قانون نهادهای مالی بین‌المللی، نماینده امریکا در نهادهای مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی ملزم است با اعطای وام توسط این نهادها به ایران مخالفت کند.	بر اساس قطعنامه ۱۷۴۷ از کشورها و نهادهای مالی بین‌المللی مختار هستند از اعطای وام خودداری کنند. مگر اینکه این وام ها با هدف‌های توسعه‌ای و بشردوستانه مورد استفاده قرار گیرند.	بر اساس مصوبات ۲۷ جولای ۲۰۱۰ اعضای اتحادیه اروپا از اعطای وام و کمک‌های مالی به ایران منع شده‌اند. این مصوبات دربرگیرنده نهادهای مالی بین‌المللی فعال در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز می‌شود.
محدودیت ناوگان دریایی ایران	بر اساس فرمان اجرایی ۱۳۳۸۲، اداره خزانه‌داری ایالات متحده دارایی‌های خطوط دریایی ایران و مؤسسات مرتبط با آن را مسدود کرد.	قطعنامه‌های شماره ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ کشورها را ملزم به بازرسی محموله‌های شرکت ایران ایر و خطوط دریایی ایران می‌کند.	اتحادیه اروپا در ۲۷ جولای ۲۰۱۰ دسترسی هواپیماهای باری ایران ایر به فرودگاه‌های کشورهای عضو را ممنوع اعلام و کلیه دارایی‌های مرتبط با خطوط دریایی جمهوری اسلامی ایران و شرکت‌های مرتبط با آن را مسدود کرد. ارائه خدمات بیمه حمل‌ونقل برای شرکت‌های ایرانی نیز ممنوع اعلام شد. کره جنوبی و ژاپن نیز مصوبات مشابهی را به اجرا گذارده‌اند.

مأخذ:Iran Sanctions (2013), Kenneth Katzman, Congressional Research Service

تحریم های ایالات متحده از شدت بالایی برخوردار است اما در مقایسه با تحریم های سازمان ملل شمول اجرایی کمتری دارد. بدان معنا که کشورهایی نظیر چین، روسیه و هند که همکاری با آنها برای ایران جنبه استراتژیک دارد از گستردگی این تحریم‌ها رضایت ندارند و اغلب خود را ملزم به رعایت بندهای تحریمی سازمان ملل

می‌دانند. با این حال، اهرم‌های تشویقی و بازدارنده ایالات متحده، به دنبال افزایش ریسک فعالیت در ایران برای بنگاه‌های اقتصادی این کشورها است.

تحریم های اتحادیه اروپا از آن جهت اهمیت دارد که این کشورها را از صف حامیان خاموش ایران خارج کرده و در جبهه ایالات متحده قرار داده است. کشورهای عضو این اتحادیه تا پیش از سال ۲۰۰۵، بخشی از تحریم های ایالات متحده علیه ایران را پوشش می‌دادند و از تأثیر منفی آنها می‌کاستند. به عنوان نمونه بیمه نفتکش‌های ایران را می‌توان ذکر کرد. اگرچه هم‌اکنون شدت این تحریم‌ها همچنان پایین‌تر از تحریم هایی است که از سوی ایالات متحده اعمال شده‌اند، اما رو به گسترش هستند.

اگرچه بسیاری از بندهای دو قطعنامه اخیر سازمان ملل اختیاری است و برخی موارد برای جلب حمایت چین و روسیه به طور کامل حذف شدند، اما به دلیل شمول آن به کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد، از اهمیت بالایی برخوردار است.

تجزیه و تحلیل تحریم های وضع‌شده حاکی از کاربرد ۶ راهبرد برای انزوای هرچه بیشتر ایران در سطح بین‌المللی است. این راهبردها عبارتند از:

اول: اعمال تحریم هایی که به زعم ایالات متحده هدفمند بوده و لیست‌های بلندبالا از مؤسسات اقتصادی ایران را با ادعاهایی نظیر حمایت از گروه‌های تروریستی، تأمین هزینه برنامه هسته‌ای و ساخت تسلیحات کشتار جمعی شامل می‌شود.

دوم: اعمال تحریم های غیرمستقیم از طریق مسدود کردن شاهراه‌های مراسلات پولی و مالی ایران نظیر حذف ایران از نظام سوئیفت که معاملات تجاری ایران را تحت‌الشعاع قرار داده است.

سوم: تعبیه اهرم‌های تشویقی برای خروج از سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران به عنوان شاهراه درآمدی این کشور.

چهارم: افزایش هزینه فعالیت شرکت‌ها و کشورهای خارجی در ایران.

پنجم: تحریم صنعت بیمه و حمل‌ونقل

ششم: تحریم رسانه‌ای

هرچند تعریف نشدن نقشی برای بازیگری ایران در نظام تجارت بین‌الملل، در طول سال‌های گذشته از طرف گروهی به عنوان سپری در برابر بحران بین‌المللی اقتصاد، مورد تمجید واقع شده است، اما این تمجید زمانی، اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد که به مجرای اثرپذیری اقتصادایران از نظام بین‌الملل با تأمل بیشتری نگریسته شود.از عمده‌ترین مجراهای اثرپذیری اقتصاد ایران از اقتصاد جهانی، می‌توان به قیمت نفت به عنوان شاخص درآمدهای ارزی و نرخ ارز به عنوان عامل تأثیرگذار بر قیمت مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و مصرفیاشاره نمود. با توجه به تحریم های وضع شده در سطوح مختلف، اثرات مستقیم تحریم‌ها بر اقتصاد ایران را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. **کاهش ذخیره ارزی کشور**: بر اساس تخمین اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول، ذخیره ارزی ایران می‌بایست از ۱۰۶ میلیارد دلار در پایان سال ۲۰۱۱، به ۸۰ میلیارد دلار در نوامبر ۲۰۱۲ کاهش یافته باشد. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که با نرخ کاهش فعلی، ذخایر ارزی ایران تا جولای سال ۲۰۱۴ به پایان خواهند رسید. اجرای تحریم های وضع شده از ژانویه ۲۰۱۳ به دلیل کاهش توان ایران در بازگرداندن ارز فیزیکی حاصل از فروش نفت به داخل کشور، نرخ کاهش ذخایر را بیش از پیش افزایش می‌دهد.

۲. **کسری بودجه:**بودجه جاری یکی از مواردی است که دولت به دلیل سقوط درآمدهای نفتی در آن دچار مشکل شده است. بر اساس لایحه بودجه پیشنهادی دولت دهم، اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها برای افزایش قیمت حامل‌های انرژی یکی از سیاست‌های دولت برای کسری بودجه بود که این امر با توجه به سیاست‌های اقتصادی دولت یازدهم، منتفی به نظر می‌رسد.

۳. **کاهش سرمایه‌گذاری خارجی:**بازارهای مالی وسرمایه‌ای ایران حتی پیش از اعمال تحریم‌ها عملکرد قابل اعتنایی در جذب سرمایه‌های خارجی نداشته‌اند. با این حال وضعیت کنونی در کنار ریسک بالای اقتصاد ایران باعث شده است، انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد ایران وجود نداشته باشد.

البته موارد فوق، صرفاً آثار مستقیم تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران است و چنانچه آثارمستقیم این تحریم‌ها با راهبردهای کارا، اثربخش و به موقع، مدیریت نشوند، آثار غیرمستقیم آن بر پیکره اقتصاد ایران مستولی می‌شود. این پیامدهای غیرمستقیم اقتصادی که شدت و ضعف آن برآیند تأثیر دو نیروی تحریم و مدیریت اقتصادی است، عبارتند از:

۱- افزایش نرخ تورم
۲- سقوط ارزش پول ملی
۳- کاهش سرمایه‌گذاری و افزایش نرخ بیکاری
۴- کاهش رشد اقتصادی
۵- کاهش صادرات و ...

فصل چهارم

آینده پژوهی تحریم‌ها و جذابیت راهبردها

فصل چهارم
آینده‌پژوهی تحریم‌ها و جذابیت راهبردها

مقدمه

آینده در فرایند برنامه‌ریزی، سرشار از عدم‌قطعیت است اما پذیرش عدم‌قطعیت به عنوان قطعیت انکارناپذیر در محیط تصمیم‌گیری، منشأ خلق ایده‌ها و فرصتهاست. آینده قابل پیش‌بینی نیست و پیش‌بینی آن بر اساس روند گذشته، همانند فراموش نمودن نوآوری در کسب و کار است. برای تعیین راهبردهای اثربخش، یک بنگاه اقتصادی باید ابتدا بپذیرد که فردا اساسا متفاوت از امروز است و نیز باید قادر باشد که این تغییرات را مدیریت نماید. تفکر باز و خارج از چارچوب‌های از پیش تعیین شده، تصمیم‌گیرنده را قادر می‌سازد تا تغییرات را بهتر درک و مدیریت کند.

برای تفوق بر این عدم‌قطعیت‌ها تکنیک آینده‌پژوهی به عنوان ابزاری قدرتمند در سالیان اخیر کاربردهای وسیعی یافته است. ریشه آینده‌پژوهی بیشتر مبتنی بر مطالعاتی است که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی در ایالات متحده در صنایع دفاع و انرژی صورت

گرفت. با گذشت زمان، دولتها علاقمند شدند تا با استفاده از این روش، برنامه‌های بهتری را برای سرمایه‌گذاری‌های مرتبط با فناوری، تدوین نمایند.

به طور کلی آینده‌پژوهی را می‌توان چشم‌انداز یا نگاهی به آینده تعریف نمود. این روش بصورت تنگاتنگی با سناریوسازی عجین شده است. برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، تکنیکی برای برنامه‌ریزی و تجزیه و تحلیل بلندمدت است که به منظور توسعه سیاست‌ها و راهبردها مورد استفاده قرار گرفته و انعطاف‌پذیر و نوآورانه است. برنامه‌ریزی بر پایه سناریو به دنبال آن نیست که تعیین کند که در آینده دقیقا چه رخ خواهد داد، اما از طریق فرایندی رسمی، مرجعی ارزشمند را برای تحلیل رویدادها در آینده ارائه می‌کند.

در هر مقطع زمانی، تعداد ناحدودی سناریو برای ترسیم آینده، قابل تصور است. می‌توان سناریو را داستان یا روایتی از آینده تفسیر کرد آینده‌ای که امکان وقوع منفرد یا همزمان رویدادهای متنوعی را در قالب ۲ تا ۵ سناریوی مختلف به تصویر می‌کشد.

هدف از آینده‌پژوهی کمک به تصمیم‌گیرندگان برای آگاهی دادن به آنان در خصوص چالش‌ها و فرصت‌های آینده است. بر اساس طبقه‌بندی صورت‌گرفته توسط مؤسسه رند اروپا، بطور کلی ۴ روش برای آینده‌پژوهی وجود دارد:

- روش توصیفی
- روش هنجاری یا ارزشی
- روش کمی (معمولا از تئوری احتمال استفاده می‌شود)
- روش کیفی

٤-١- سناریوسازی

واژه سناریو از دنیای تئاتر و سینما گرفته شده و بر روایت داستان و نیزنقش‌های بازیگران دلالت دارد. اما در مبحث برنامه‌ریزی بر پایه سناریومی‌توان آن را بصورت

داستان‌های مربوط به آینده‌های ممکن متعدد، که یک دولت، سازمان یا شرکت احتمالاً با آنها مواجه خواهد شد، تعریف کرد. سناریوها موجب تمرکز توجه بر روی نقاط انشعاب مسیر آینده و پیشامدهای بالقوه در این مسیر می‌شود. به کمک تصمیم‌گیری برپایه آینده‌های بدیل و آزمون استراتژی‌های پیشنهادی در شرایط مختلفی که سناریوها معرفی می‌کنند، مواجهه باعدم‌قطعیت‌های آینده آسان‌تر خواهد بود. در این حالت تصمیم‌های اتخاذ شده در برابر اکثر رویدادهای آینده، که شاید برخی از آنها دور از تصورباشند، انعطاف‌پذیری زیادی خواهند داشت.

فرایند ساخت سناریو شامل مراحل زیر است:

۱- تعیین مسئله یا موضوع مرکزی

۲- تعیین پیشران‌ها

۳- اولویت‌بندی پیشران‌ها بر اساس درجه اهمیت و میزان عدم‌قطعیت

۴- تعیین سناریوی منتخب بر اساس ماتریس‌های احتمال وقوع، احتمال شرطی و احتمال توأم رویدادها

۵- تبیین سناریوی منتخب

۶- تعیین میزان جذابیت هر راهبرد با توجه به سناریوی منتخب

٤-۱-۱- تعیین پیشران‌های استراتژیک و اولویت‌بندی آنها

نیروهای پیشران رامی‌توان به مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی، فنآورانه، سیاسی، اقتصادی وزیست‌محیطی تجزیه کرد. معمولاً، کنترل ذینفع بر نیروهای پیشران، بسیار کم و تنها اهرم مؤثر برای برخورد با آنها،شناسایی و فهم تأثیرات آنهاست.

یکی از روش‌های تعیین پیشران‌های استراتژیک، استفاده از ماتریس اولویت‌بندی موضوعات[۳۷] است. مراحل کاربرد این ماتریس به شرح زیر است:

[37]- Issues Priority Matrix (IPM)

۱- تهیه لیستی از تمامی روندها و پیشران‌های مؤثر بر موضوع مرکزی
۲- ارزیابی احتمال وقوع هر یک از روندها و پیشران‌ها در قالب طیف زیاد، متوسط و کم
۳- ارزیابی میزان تأثیر احتمالی هر یک از پیشران‌ها یا روندها بر موضوع مرکزی در قالب طیف زیاد، متوسط و کم

جدول ۴-۱: میزان تأثیر احتمالی

احتمال وقوع		زیاد	متوسط	کم
	زیاد	اولویت زیاد	اولویت زیاد	اولویت متوسط
	متوسط	اولویت زیاد	اولویت متوسط	اولویت کم
	کم	اولویت متوسط	اولویت کم	اولویت کم

ماتریس IPM

بر این اساس طیفی از پیشران‌ها در موضوع تحریم تهیه و مورد ارزیابی قرار گرفت. هرچند با توجه به تعریفی که از پیشران‌ها در بخش قبلی بیان شد، این پیشران‌ها می‌توانند از محیط‌های مختلفی بر موضوع مورد بررسی (موضوع مرکزی) تأثیر بگذارند، اما با توجه به آنکه سناریوها معمولاً بر اساس دو یا حداکثر سه پیشران کلیدی، پایه‌گذاری می‌شوند، با نظر خبرگان در حوزه تحریم تنها به محیط سیاسی برای تعیین پیشران‌های کلیدی، تمرکز گردید. نتایج حاصل از این ارزیابی در جدول زیر منعکس شده است:

جدول ۴-۲: تعیین درجه تأثیرگذاری و میزان عدم‌قطعیت پیشران‌های حوزه تحریم

حوزه	پیشران	درجه تأثیرگذاری	میزان عدم‌قطعیت
سیاسی	روابط ایران با غرب	خیلی زیاد	خیلی زیاد
	انسجام سیاسی داخلی	خیلی زیاد	زیاد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

هرچند پیشران‌های متعددی می‌توانند بر مسئله مرکزی مورد بررسی اثرگذار باشند اما استفاده از پیشران‌های متعدد در ساخت فضای سناریو، بر پیچیدگی‌های مدل افزوده و فرایند تحلیل خبرگی را با مشکل مواجه می‌سازد. از اینرو دو پیشران کلیدی، که بیشتر می‌توانند استراتژی‌های مرتبط با تحریم در هر حوزه راهبردی را متأثر سازند که یکی از این پیشران‌ها در محیط دور (روابط ایران با غرب) و پیشران دیگر در محیط نزدیک (انسجام سیاسی داخلی) است به‌عنوان پیشران‌های منتخب برای تدوین فضای سناریویی، استفاده گردید.

٤-١-٢- کاربرد روش اسمیک پروب – اکسپر در طراحی سناریوها

در روش اسمیک، طرف سئوال گروهی کارشناسند. پرسش‌ها به شیوه‌ای منطقی و بی‌طرفانه مطرح می‌شوند. می‌توان سؤال‌ها را غیرحضوری و یا نشست حضوری نسبت به کاربرد روش اقدام نمود. برای کاهش بی‌دقتی کارشناسان در ابراز احتمال وقوع فرضیه بهتر است پاسخ‌ها بصورت مقیاس ۵ سطحی از ۱ (رویدادی که احتمال وقوع آن بسیار کم است) تا ۵ (رویدادی که احتمال وقوع آن بسیار زیاد است) و بعد بصورت احتمال شرطی خواسته شود. اطلاعاتی که از کارشناسان خواسته می‌شود عبارتند از:

۱. فهرست فرضیه‌های مهم ازنظر موضوع بررسی: $H = (h_1, h_2, \dots, h_n)$
۲. احتمال وقوع ساده هر فرضیه در افق مشخص: $P(i)$
۳. احتمال فرضیه h_i،
۴. احتمال شرطی فرضیه‌ها (در صورت عدم استقلال رویدادها): $P(i \mid j)$

و سپس با توجه به نظرات کارشناسی در خصوص هریک از احتمال‌های فوق و با استفاده از فرمول احتمال توأم، وقوع سناریوهای مختلف بصورت زیر محاسبه می‌شود:

$$P(i, j) = P(i \mid j)\, P(j) = P(j \mid i)\, P(i)$$

در روش اسمیک پروب – اکسپر فرض بر این است که از مجموعه نظرهای ابراز شده می‌توان نظر کلی ناگفته‌ای را استخراج کرد که بیانگر نظر مشترک همه کارشناسان

باشد. با توجه به پیشران‌های منتخب، لازم است تا وضعیت استقلال یا احتمال شرطی هر یک از پیشران‌ها را بر اساس تحلیل‌های خبرگی استخراج کرد. بر این اساس لازم است تا حالت‌های مختلف، پیشران‌های منتخب را بررسی نمود. برای این منظور از دو مؤلفه میزان تأثیرگذاری و احتمال وقوع استفاده می‌شود. با توجه به نظرات خبرگان، دو گزینه در ارتباط با پیشران انسجام سیاسی داخلی وجود دارد که درجه احتمال وقوع آن در جدول زیر منعکس شده است:

جدول ۴-۳: برآورد احتمال رویدادها

رویداد	احتمال	
بهبود انسجام سیاسی داخلی	تقریباً قطعی (۱۰۰٪-۸۰٪)	
	به احتمال زیاد (۸۰٪-۶۰٪)	
	محتمل (۶۰٪-۴۰٪)	■
	احتمال کم (۴۰٪-۲۰٪)	
	غیرمحتمل (۲۰٪-۰)	
کاهش انسجام سیاسی داخلی	تقریباً قطعی (۱۰۰٪-۸۰٪)	
	به احتمال زیاد (۸۰٪-۶۰٪)	
	محتمل (۶۰٪-۴۰٪)	
	احتمال کم (۴۰٪-۲۰٪)	■
	غیرمحتمل (۲۰٪-۰)	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین احتمال بهبود روابط ایران با غرب در گزینه‌های مختلف، نیز باید برآورد گردد. اما با توجه به آن که روابط ایران با غرب به عنوان یک پیشران کلیدی، بطور قابل ملاحظه‌ای متأثر از انسجام سیاسی داخلی است، به همین دلیل از احتمال شرطی رویداد مذکور، استفاده شد که مقادیر آن در جداول بعد منعکس شده است:

شرح	حالت	مشخصات	احتمال وقوع
گزینه اول	دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا و عدم حذف تحریم ها	عدم تصویب تحریم‌های جدید آزادسازی برخی از دارایی-های بلوکه شده ایران عدم حذف تحریم ها	تقریباً قطعی (۱۰۰٪–۸۰٪) به احتمال زیاد (۸۰٪–۶۰٪) محتمل (۶۰٪–۴۰٪) احتمال کم (۴۰٪–۲۰٪) غیر محتمل (۲۰٪–۰)
گزینه دوم	دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا با حذف برخی از تحریم‌ها	عدم تصویب تحریم‌های جدید حذف برخی از تحریم‌ها (بازگشت به وضعیت قبل از تیرماه ۹۱)	تقریباً قطعی (۱۰۰٪–۸۰٪) به احتمال زیاد (۸۰٪–۶۰٪) محتمل (۶۰٪–۴۰٪) احتمال کم (۴۰٪–۲۰٪) غیر محتمل (۲۰٪–۰)
گزینه سوم	دستیابی به یک تفاهم گسترده بر سر مسئله هسته‌ای و بهبود روابط بین‌الملل	حذف کامل تحریم‌ها	تقریباً قطعی (۱۰۰٪–۸۰٪) به احتمال زیاد (۸۰٪–۶۰٪) محتمل (۶۰٪–۴۰٪) احتمال کم (۴۰٪–۲۰٪) غیر محتمل (۲۰٪–۰)
گزینه چهارم	عدم دستیابی به تفاهم و تشدید تنش در روابط ایران با غرب	وضع تحریم‌های جدید	تقریباً قطعی (۱۰۰٪–۸۰٪) به احتمال زیاد (۸۰٪–۶۰٪) محتمل (۶۰٪–۴۰٪) احتمال کم (۴۰٪–۲۰٪) غیر محتمل (۲۰٪–۰)

جدول ۴-۴: برآورد احتمال شرطی رویدادها در محیط دور به شرط بهبود انسجام سیاسی داخلی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به آنکه مجموع احتمال شرطی حالت‌های مختلف قابل وقوع در محیط دور، برابر با یک است، از این رو لازم است تا احتمالات ذهنی، بصورت نرمالایز شده محاسبه گردندکه نتایج آن در جدول زیر منعکس شده است:

جدول ۴-۵: برآورد احتمال شرطی رویدادها در محیط دور به شرط بهبود انسجام سیاسی داخلی

شرح	حالت	احتمال شرطی	احتمال شرطی نرمالایز
گزینه اول	دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا و عدم حذف تحریم ها	۰,۷۰	۰,۴۸
گزینه دوم	دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا با حذف برخی از تحریم‌ها	۰,۵۰	۰,۳۵
گزینه سوم	دستیابی به یک تفاهم گسترده بر سر مسئله هسته‌ای و بهبود روابط بین‌الملل	۰,۱ ۵	۰,۱۰
گزینه چهارم	عدم دستیابی به تفاهم و تشدید تنش در روابط ایران با غرب	۰,۱۰	۰,۰۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴-۶: برآورد احتمال شرطی رویدادها در محیط دور به شرط کاهش انسجام سیاسی داخلی

شرح	حالت	مشخصات	احتمال وقوع
گزینه اول	دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا و عدم حذف تحریم ها	عدم تصویب تحریم‌های جدید	☐ تقریباً قطعی (۱۰۰٪–۸۰٪) ☒ به احتمال زیاد (۸۰٪–۶۰٪) ☐ محتمل (۶۰٪–۴۰٪) ☐ احتمال کم (۴۰٪–۲۰٪) ☐ غیر محتمل (۲۰٪–۰)
		آزادسازی برخی از دارایی‌های بلوکه شده ایران	
		عدم حذف تحریم ها	
گزینه دوم	دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا با حذف برخی از تحریم-ها	عدم تصویب تحریم‌های جدید	☐ تقریباً قطعی (۱۰۰٪–۸۰٪) ☐ به احتمال زیاد (۸۰٪–۶۰٪) ☒ محتمل (۶۰٪–۴۰٪) ☐ احتمال کم (۴۰٪–۲۰٪) ☐ غیر محتمل (۲۰٪–۰)
		حذف برخی از تحریم‌ها (بازگشت به وضعیت قبل از تیرماه ۹۱)	
گزینه سوم	دستیابی به یک تفاهم گسترده بر سر مسئله هسته‌ای و بهبود روابط بین‌الملل	حذف کامل تحریم‌ها	☐ تقریباً قطعی (۱۰۰٪–۸۰٪) ☐ به احتمال زیاد (۸۰٪–۶۰٪) ☐ محتمل (۶۰٪–۴۰٪) ☐ احتمال کم (۴۰٪–۲۰٪) ☒ غیر محتمل (۲۰٪–۰)
گزینه چهارم	عدم دستیابی به تفاهم و تشدید تنش در روابط ایران با غرب	وضع تحریم‌های جدید	☐ تقریباً قطعی (۱۰۰٪–۸۰٪) ☐ به احتمال زیاد (۸۰٪–۶۰٪) ☒ محتمل (۶۰٪–۴۰٪) ☐ احتمال کم (۴۰٪–۲۰٪) ☐ غیر محتمل (۲۰٪–۰)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین مقادیر احتمال شرطی نرمالایز شده رویدادها در محیط دور با توجه به گزینه کاهش انسجام سیاسی در محیط نزدیک، بصورت جدول زیر محاسبه شده است:

جدول ۴-۷: برآورد احتمال شرطی رویدادها در محیط دور به شرط کاهش انسجام سیاسی داخلی

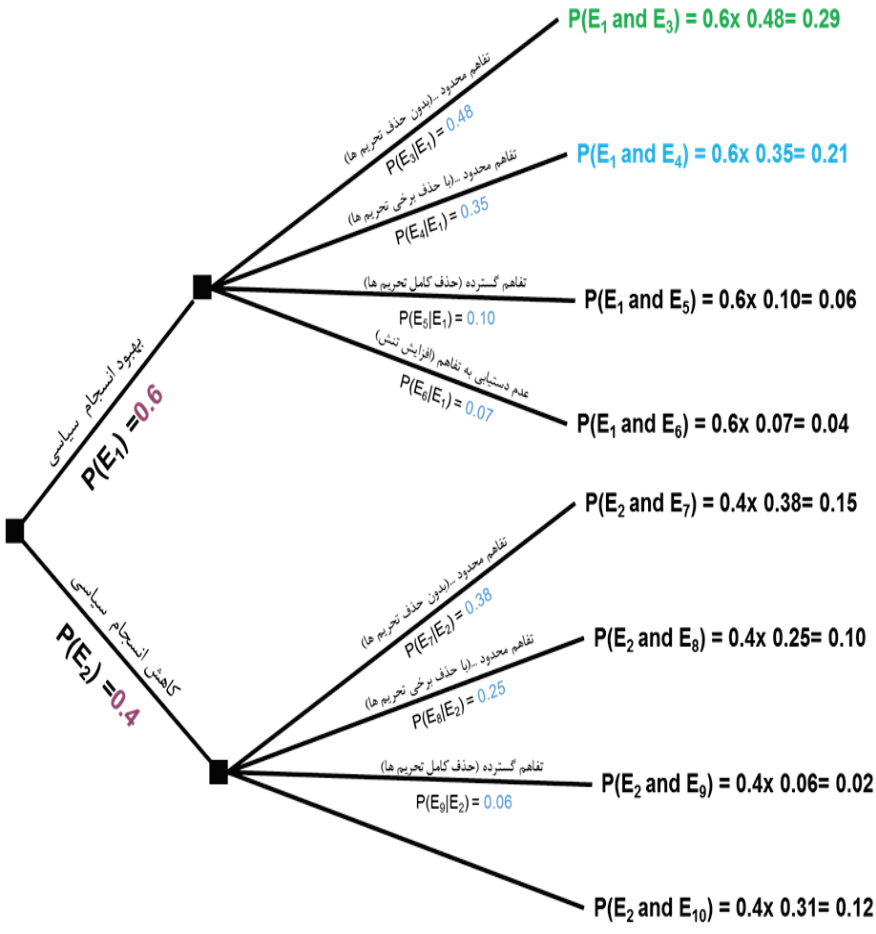
شرح	حالت	احتمال شرطی	احتمال شرطی نرمالایز
گزینه اول	دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا و عدم حذف تحریم ها	۰,۶۰	۰,۳۸
گزینه دوم	دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا با حذف برخی از تحریم‌ها	۰,۴۰	۰,۲۵
گزینه سوم	دستیابی به یک تفاهم گسترده بر سر مسئله هسته‌ای و بهبود روابط بین‌الملل	۰,۱ ۰	۰,۰۶
گزینه چهارم	عدم دستیابی به تفاهم و تشدید تنش در روابط ایران با غرب	۰,۵۰	۰,۳۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

٤-۲- تبیین سناریوی منتخب در حوزه‌های راهبردی

با توجه به آنکه سناریوها در قالب دو عدم‌قطعیت روابط با غرب و فضای کسب و کار، طراحی می‌شوند، لازم است تا احتمال توأم این رویدادها نیز، محاسبه گردند. جدول زیر نتایج احتمال توأم این رویدادها را در قالب سناریوهای مختلف نشان می‌دهد:

نمودار ۴-۱: درخت تصمیم رویدادهای مختلف در محیط نزدیک و دور (برآورد احتمال توأم)



با نگاهی به اعداد مندرج در درخت تصمیم فوق می‌توان دریافت که امکان وقوع توأم "بهبود انسجام سیاسی" در محیط نزدیک و "دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا (عدم حذف تحریم ها)" در محیط دور بیش از سایر سناریوهاست و به‌عنوان "**سناریوی منتخب**" شناخته می‌گردد.

همچنین امکان "بهبود انسجام سیاسی" در محیط نزدیک و "دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا (با حذف برخی از تحریم‌ها)" در محیط دور به‌عنوان **"سناریوی بدیل"** تعیین می‌گردد.

با توجه به طبقه‌بندی چالش‌ها و راهبردهای متناظر با آنها در دو بخش "غیرساختاری" که نشأت گرفته از فضای تحریم بوده و راهبردهای آن کوتاه‌مدت محسوب می‌شود و "ساختاری" که در حقیقت چالش‌های مزمن حوزه‌های راهبردی محسوب شده و بسترساز تأثیرگذاری یا کم‌اثر شدن تحریم‌ها هستند و میان‌مدت و بلندمدت محسوب می‌شوند، می‌توان گفت که آن بخش از راهبردهایی که غیرساختاری هستند بسته به سناریوهای منتخب و بدیل می‌توانند جذابیت‌های متفاوتی داشته باشند. از اینرو میزان جذابیت راهبرد های مرتبط با چالش‌های غیرساختاری در ارتباط با هر یک از سناریوهای منتخب و بدیل به قضاوت خبرگی گذاشته خواهند شد.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE, INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

فصل پنجم

چالش‌ها و راهبردهای حوزه بازرگانی

فصل پنجم
چالش‌ها و راهبردهای حوزه بازرگانی

مقدمه

بازرگانی به عنوان محیط اصلی فعالیت‌های اقتصادی در شکل‌گیری مبادلات و ارائه خدمات در اقتصاد نقش دارد و عملکرد سایر بخش‌ها و کل اقتصاد را متأثر می‌سازد. این بخش دارای پیوندهای پیشین و پسین با سایر بخش‌ها بوده و جایگاه محوری در دستیابی به رشد اقتصادی کشور دارد. اگر بازرگانی از کارایی مطلوب برخوردار باشد، با کاهش هزینه مبادله و بدین ترتیب کاهش هزینه تمام شده تولید، ارتقاء رقابت‌پذیری محصولات تولیدی را به همراه خواهد داشت. از طرف دیگر هم‌پیوندی جهانی و مشارکت کشورهای مختلف در فعالیت‌های اقتصادی، ابعاد تازه‌ای در جهان امروز دارد و تجارت، محور اصلی ارتباط با اقتصاد جهانی محسوب می‌شود.

بدین‌ترتیب رسیدن به اهداف توسعه به گسترش تجارت در سایه تعامل با اقتصاد جهانی وابسته است. زمانی اقتصاد به رشد مستمر و پایدار دست خواهد یافت که توسعه مبتنی بر دستیابی به بازارهای بزرگ و در حال گسترش صورت گیرد. بازارهای جهانی به اندازه کافی گسترده هستند که شرایط رشد مستمر تولیدات و بدین‌وسیله توسعه

پایدار ملی را فراهم سازند. بنابراین سیاست توسعه صادرات و تولید برای بازارهای جهانی، یکی از الزامات توسعه است. در رابطه با ایران نیز که صادرات آن با نفت گره خورده است، رهایی از اقتصاد تک محصولی و توسعه صادرات غیرنفتی امری اجتناب‌ناپذیر است. از طرف دیگر با توجه به اینکه سهم عمده واردات ایران را کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای (که زیربنای تولید هستند)، تشکیل می‌دهد؛ توجه به تجارت خارجی در ایران هم از بعد صادرات و هم از بعد واردات از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. بنابراین هرگونه رخدادی که باعث تقویت و یا تضعیف بازرگانی خارجی کشور شود، تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و روند رشد و توسعه اقتصادی کشور خواهد داشت. حال با توجه به تحریم های اخیر جامعه بین‌الملل علیه ایران که بر حوزه بازرگانی کشور تأثیر چشمگیری داشته است، بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارهای مناسب برای رفع موانع پیش رو ضروری است. در این گزارش پس از ارائه آمار و اطلاعاتی از وضع موجود بازرگانی خارجی کشور به ارائه چالش‌ها و راهکارهای مرتبط پرداخته خواهد شد.

۵-۱- بررسی و تحلیل روندها و وضعیت موجود

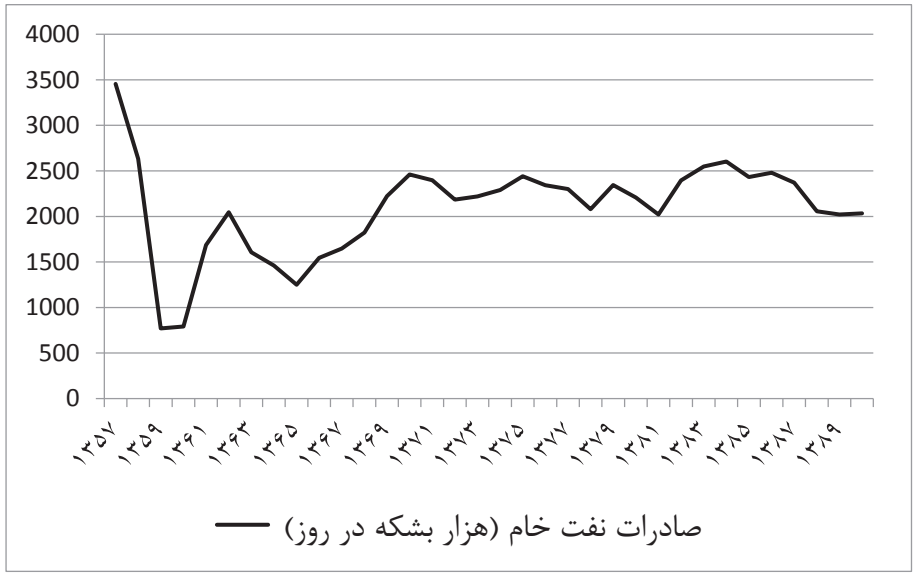
۵-۱-۱- بررسی روندهای تاریخی متغیرهای بخش بازرگانی کشور

بخش بازرگانی، موتور محرکه اقتصاد و مولفه‌ای اثربخش و تأثیرگذار در جانمایی نظام اقتصادی کشورها در طیف اقتصادهای برون‌گرا و یا درون‌نگر تلقی شده و این بخش را می‌توان انعکاس شرایط رونق و رکود در اقتصاد دانست. از این رو رصد آمار این بخش جهت اتخاذ سیاست‌های مناسب به منظور توسعه کشور و نظارت بر عملکرد دستگاه‌های متولی بخش بازرگانی ضروری است.

۵-۱-۲-روند میزان صادرات نفت خام ایران

از آنجا که صادرات نفت بخش عمده صادرات کل ایران را تشکیل می‌دهد، در این قسمت به ارائه روند میزان صادرات نفت ایران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۷ پرداخته شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، صادرات نفت خام ایران در طی دوره زمانی مذکور از نوساناتی برخوردار بوده است، به طوریکه در سال‌های اخیر و تا قبل از تشدید تحریم‌ها، مقدار صادرات نفت ایران به حدود دو میلیون بشکه در روز رسیده است.

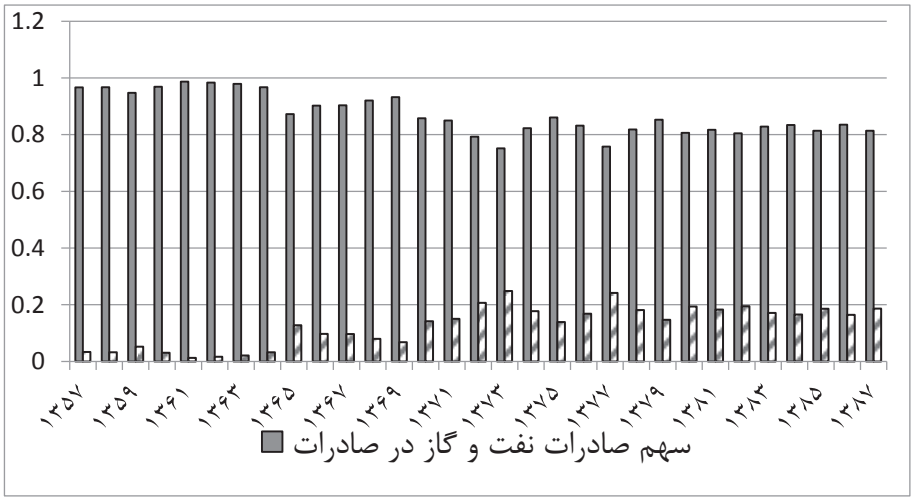
نمودار ۵-۱: میزان صادرات نفت خام ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۷



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همچنین در نمودار زیر، به سهم صادرات نفتی و غیرنفتی در صادرات کشور طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۵۷ اشاره شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، صادرات نفت و گاز، سهمی غالب در صادرات کشور دارد.

نمودار ۵-۲: سهم صادرات نفتی و غیرنفتی در صادرات کشور طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۵۷

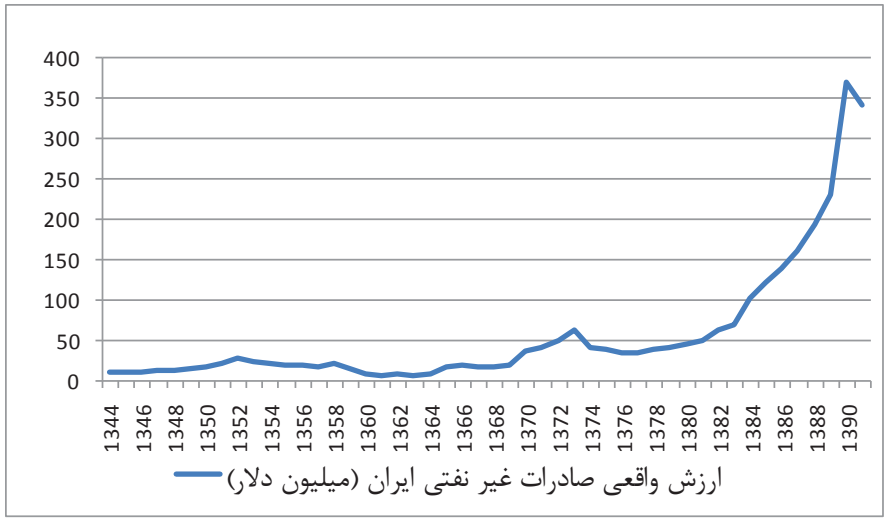


مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۵-۱-۳- روند ارزش و رشد صادرات گمرکی

در این قسمت روند زمانی ارزش دلاری صادرات غیرنفتی ایران در طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۴ ارائه گردیده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ارزش صادرات غیرنفتی ایران از یک روند صعودی در طی سال‌های اخیر برخوردار بوده است. البته این روند در طی سال ۱۳۹۱، به واسطه تحریم های بین‌المللی روندی نزولی به خود گرفته است.

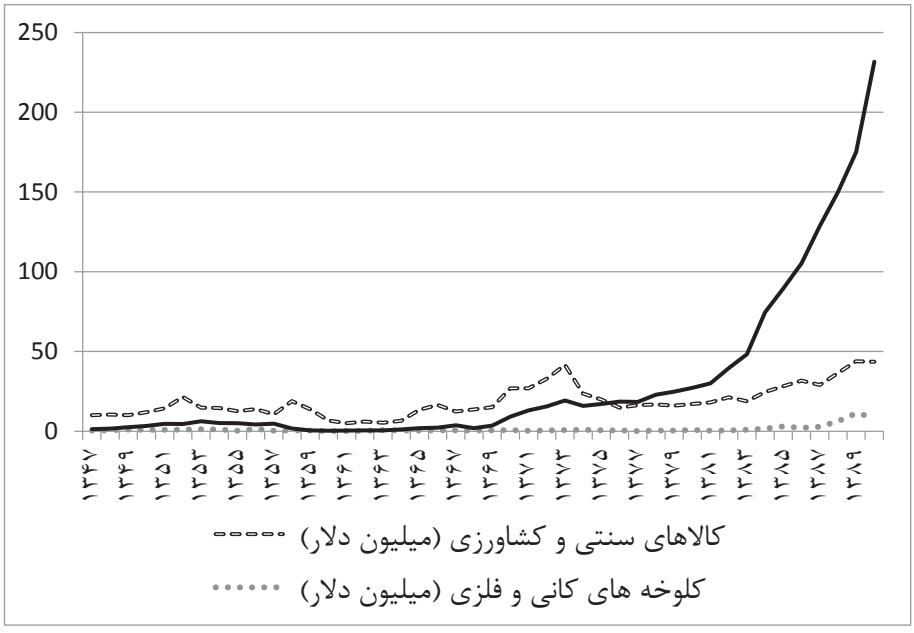
نمودار ۵-۳: ارزش صادرات گمرکی ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۴



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بر اساس شکل زیر، صادرات کالاهای غیرنفتی ایران را می‌توان در سه گروه کالاهای صنعتی، کلوخه‌های کانی و فلزی و کالاهای سنتی و کشاورزی طبقه‌بندی نمود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بر اساس سهم در ارزش دلاری صادرات، کالاهای صنعتی، کالاهای سنتی و کشاورزی و کلوخه‌های کانی و فلزی به ترتیب بیشترین سهم را از ارزش دلاری صادرات گمرکی ایران در سال‌های اخیر داشته‌اند.

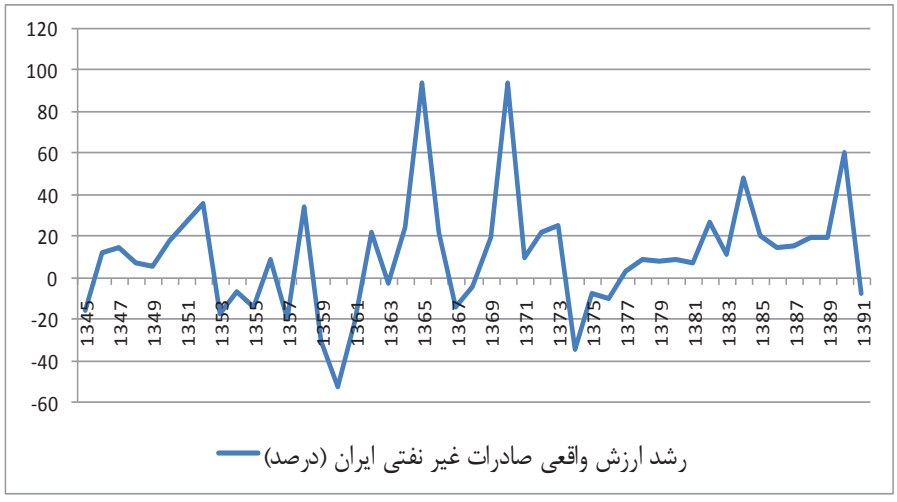
نمودار ۵-۴: ارزش واقعی صادرات گمرکی ایران بر اساس طبقه‌بندی بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۹۰



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

برای تحلیل بهتر روند صادرات غیرنفتی ایران، در شکل ذیل رشد ارزش دلاری صادرات گمرکی ایران طی سال‌های ۹۱-۱۳۴۴ ارائه گردیده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، طی سال‌های اخیر صادرات کالاهای غیرنفتی ایران از رشدی مثبت و در حدود ۲۰ درصد برخوردار بوده است. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که بخش عمده‌ای از صادرات غیرنفتی کشور را محصولات پتروشیمی تشکیل می‌دهد که ریشهنفتی دارد. به علاوه طی سال‌های ۹۱-۱۳۸۹ رشد صادرات غیرنفتی ایران روندی نزولی به خود گرفته است، به طوریکه در سال ۱۳۹۱، این رقم منفی شده است.

نمودار ۵-۵: رشد ارزش دلاری صادرات گمرکی ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۴

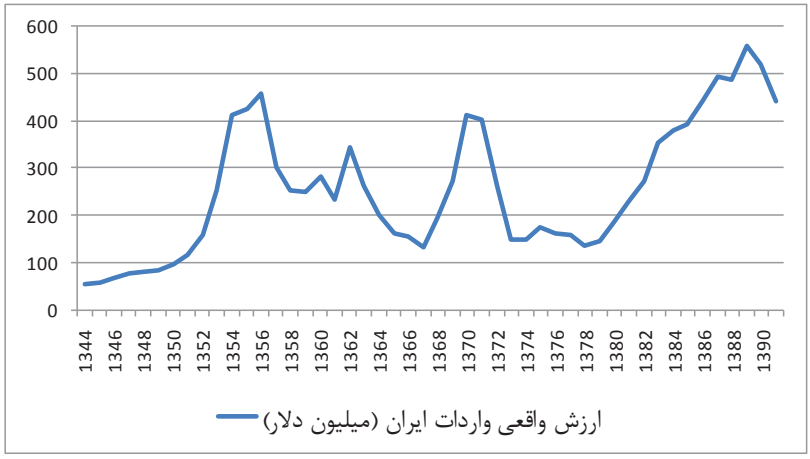


مأخذ: محاسبات تحقیق

۵-۱-٤- روند ارزش و رشد واردات گمرکی ایران

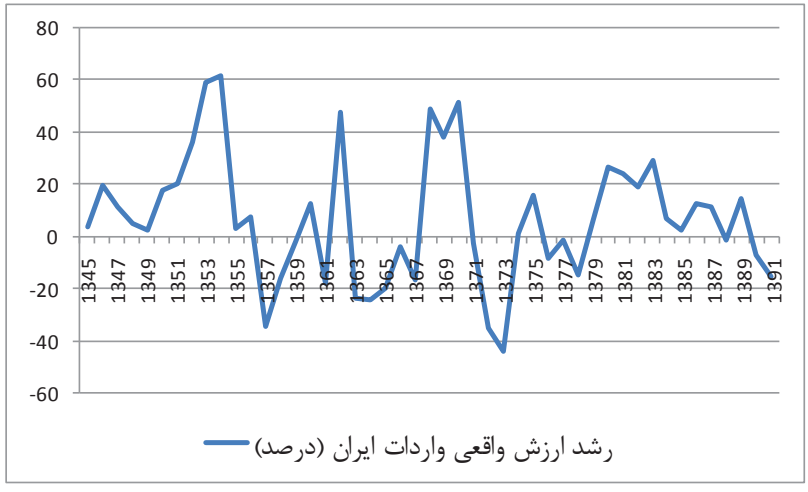
در نمودار زیر، روند ارزش دلاری واردات ایران طی سال‌های ۹۱-۱۳۴۴ ارائه گردیده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد واردات ایران طی سال‌های مذکور علیرغم اینکه دارای نوساناتی بوده، ولی در حالت کلی دارای روندی صعودی بوده است. همچنین ملاحظه می‌گردد که در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۹، واردات ایران دارای روندی کاهشی بوده است. همچنین از بررسی نرخ رشد واردات طی سال‌های مذکور می‌توان دریافت که این نرخ در طی زمان دارای نوسانات فراوانی بوده است. همچنین در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۹، ملاحظه می‌گردد که نرخ رشد واردات ایران نزولی بوده به طوری‌که در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ این نرخ منفی شده است.

نمودار ۵-۶: ارزش دلاری واردات ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۴



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۵-۷: نرخ رشد ارزش دلاری واردات ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۴



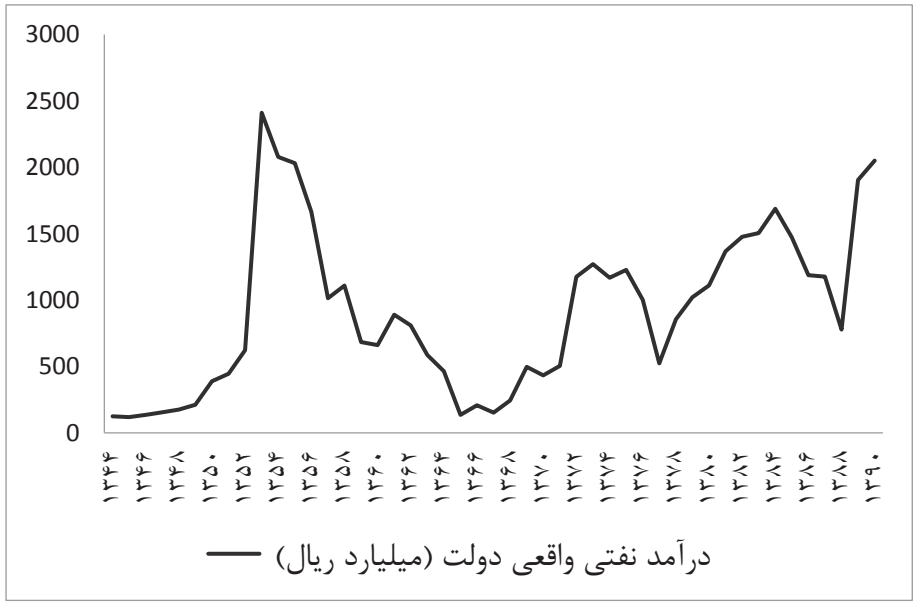
مأخذ: محاسبات تحقیق

۵-۱-۵- رابطه بین درآمدهای نفتی و واردات کالا در ایران

در ایران، واردات با درآمدهای نفتی گره خورده است. همان‌طور که در نمودارهای زیر ملاحظه می‌گردد، درآمد نفتی دولت و واردات در طی زمان دارای روند تقریباً

مشابهی هستند. به لحاظ تجربی نیز، با استفاده از تحلیل‌های آماری به این موضوع پرداخته شده است. در جدول‌های زیر به تحلیل‌های همبستگی و هم‌انباشتگی پرداخته شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، درآمد نفتی با واردات دارای همبستگی مثبت و نسبتاً قوی است[۳۸]. همچنین با استفاده از رهیافت هم‌انباشتگی یوهانسن-جوسیلیوس، رابطه بلندمدت میان واردات و درآمد نفتی برآورد گردید که در جدول زیر ملاحظه می‌گردد. بر اساس این رابطه، یک درصد افزایش در درآمد نفتی، باعث افزایش ۰/۳۲۱۰ درصدی در واردات کشور می‌شود.

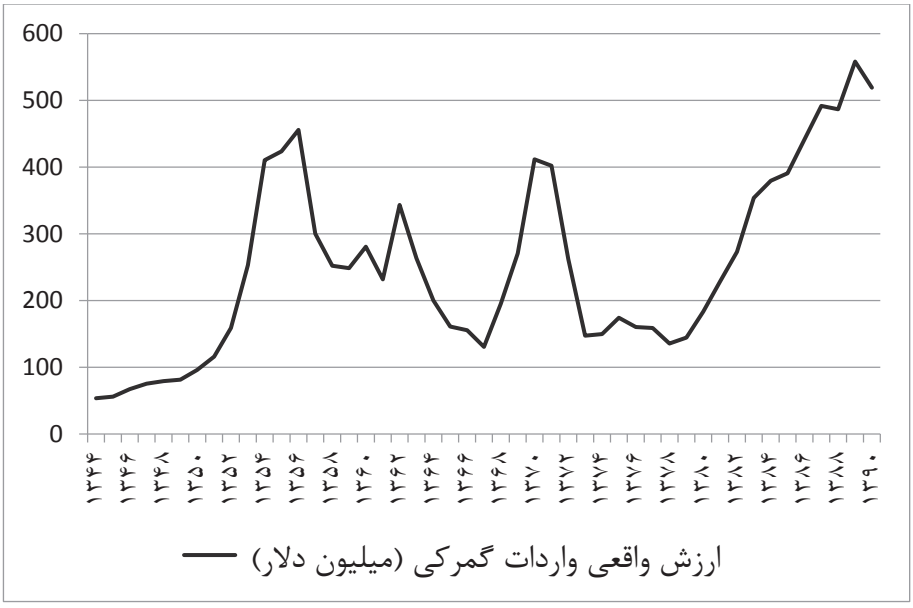
نمودار ۵-۸: درآمد نفتی حقیقی دولت طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۴ (میلیارد ریال)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و محاسبات تحقیق

[۳۸]- لازم به ذکر است که در کاربرد تحلیل همبستگی برای متغیرهای سری زمانی نامانا باید جانب احتیاط را رعایت کرد، زیرا ممکن است که همبستگی قوی بین متغیرها به دلیل وجود روند زمانی در آن متغیرها باشد. البته چنانچه وجود رابطه هم انباشتگی بین متغیرها احراز شود، با اطمینان کافی می‌توان به تحلیل همبستگی پرداخت.

نمودار ۵-۹: ارزش واقعی واردات گمرکی ایران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۴۴



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و محاسبات تحقیق

جدول۵-۱: تحلیل همبستگی میان واردات و درآمد نفتی در ایران

	واردات	درآمد نفتی
واردات	۱	۰/۶۴۳۵۶۱
درآمد نفتی	۰/۶۴۳۵۶۱	۱

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول۵-۲: رابطه بلندمدت میان واردات و درآمد نفتی در ایران (بر اساس رهیافت یوهانسن*)

لگاریتم واردات	لگاریتم درآمد نفتی	عرض از مبدا
-۱/۰۰۰۰	۰/۳۲۱۰	۳/۲۷۱۸

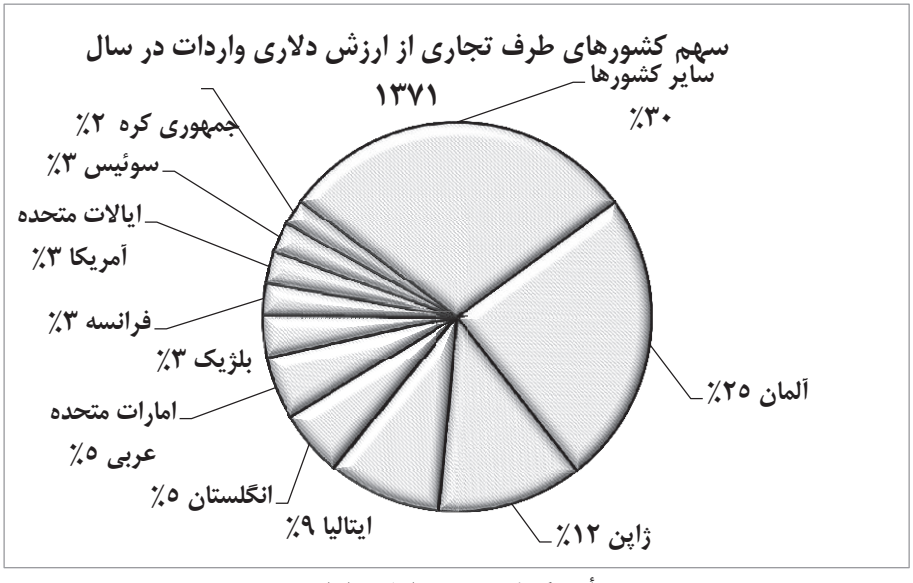
* جزئیات آزمون‌های مربوط به این رهیافت برای حفظ اختصار، در اینجا گزارش نشده است.

مأخذ: محاسبات تحقیق

۵-۱-۶- ترکیب صادرکنندگان عمده کالا به ایران

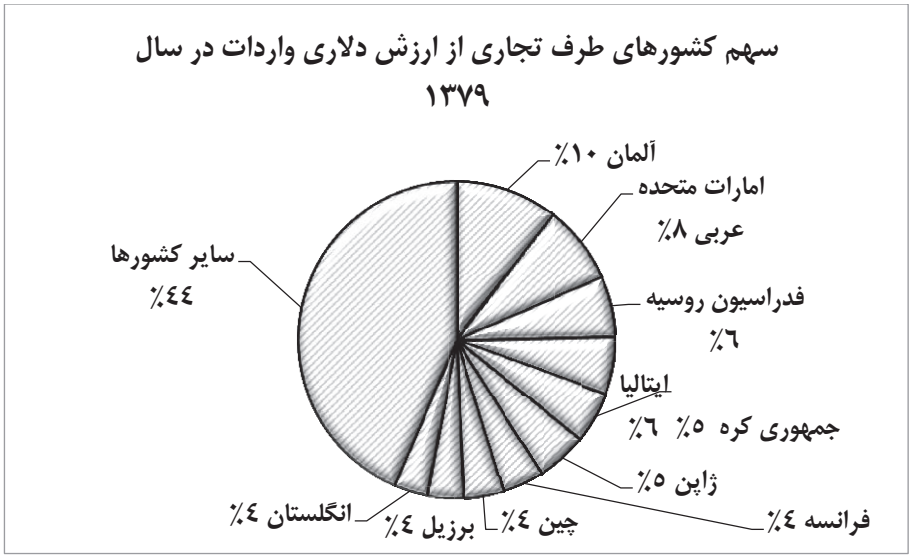
در این قسمت به بررسی و تحلیل ترکیب صادرکنندگان عمده ایران در سه مقطع زمانی سال‌های ۱۳۷۱، ۱۳۷۹ و ۱۳۹۱ پرداخته می‌شود. همان‌طور که در نمودارهای زیر ملاحظه می‌گردد، طی دو دهه اخیر، الگوی طرف‌های عمده تجاری ایران در بحث واردات تغییر قابل ملاحظه‌ای داشته است. به طوریکه این تغییر از کشورهای اروپایی به سمت کشورهای شرق آسیا از جمله چین و کره جنوبی بوده است. همچنین نقش ترکیه و امارات متحده عربی در سال‌های اخیر پررنگ‌تر شده است. علاوه بر این، در طی دو دهه اخیر، نقش کشورهایی همچون انگلستان، بلژیک و ایالات متحده به عنوان طرف‌های واردات ایران کمرنگ‌تر گردیده است.

نمودار ۵-۱۰: ترکیب کشورهای عمده طرف واردات ایران در سال ۱۳۷۱



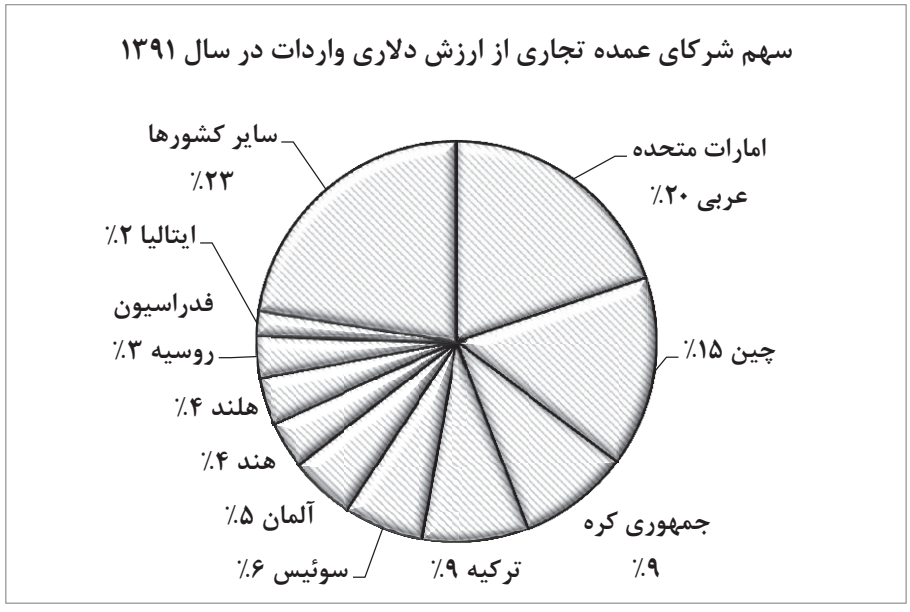
مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۵-۱۱: ترکیب کشورهای عمده طرف واردات ایران در سال ۱۳۷۹



مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۵-۱۲: ترکیب کشورهای عمده طرف واردات ایران در سال ۱۳۹۱

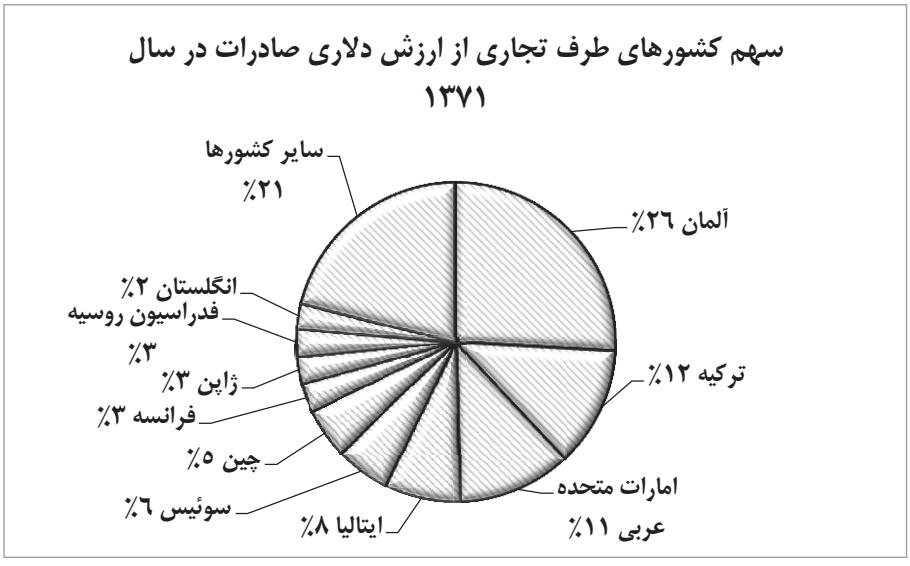


مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

۵-۱-۷- ترکیب واردکنندگان عمده کالا از ایران

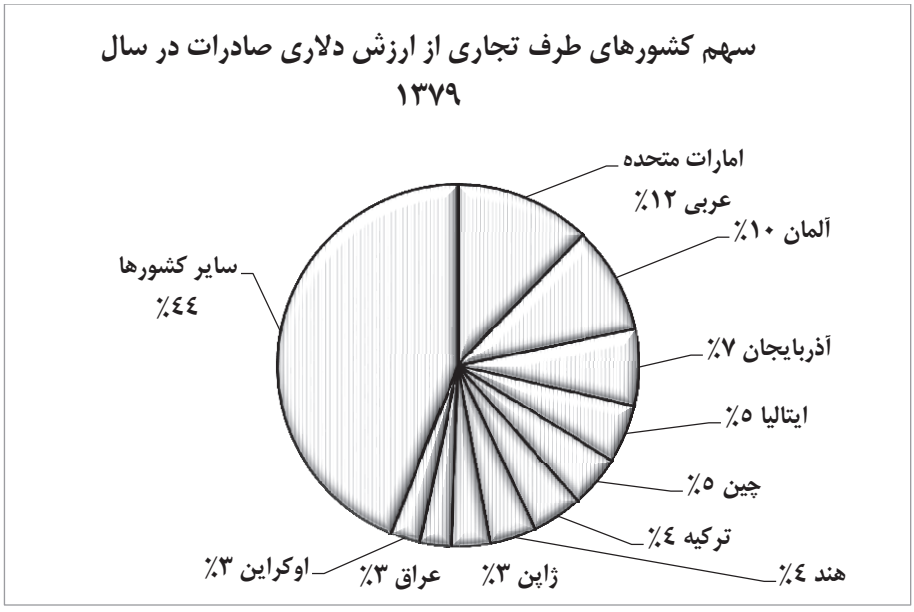
در نمودارهای زیر ترکیب کشورهای عمده طرف صادرات ایران در سه مقطع زمانی سال‌های ۱۳۷۱، ۱۳۷۹ و ۱۳۹۱ ارائه گردیده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد همانند بحث واردات، نقش کشورهای اروپایی همچون آلمان در طی زمان کمرنگ‌تر گردیده است و نقش کشورهایی همچون چین، هند و امارات متحده پررنگ‌تر شده است. همچنین در سال‌های اخیر نقش دو کشور همسایه یعنی عراق و افغانستان در بین کشورهای عمده طرف صادرات ایران پررنگ‌تر گردیده است.

نمودار ۵-۱۳: ترکیب کشورهای عمده طرف صادرات ایران در سال ۱۳۷۱



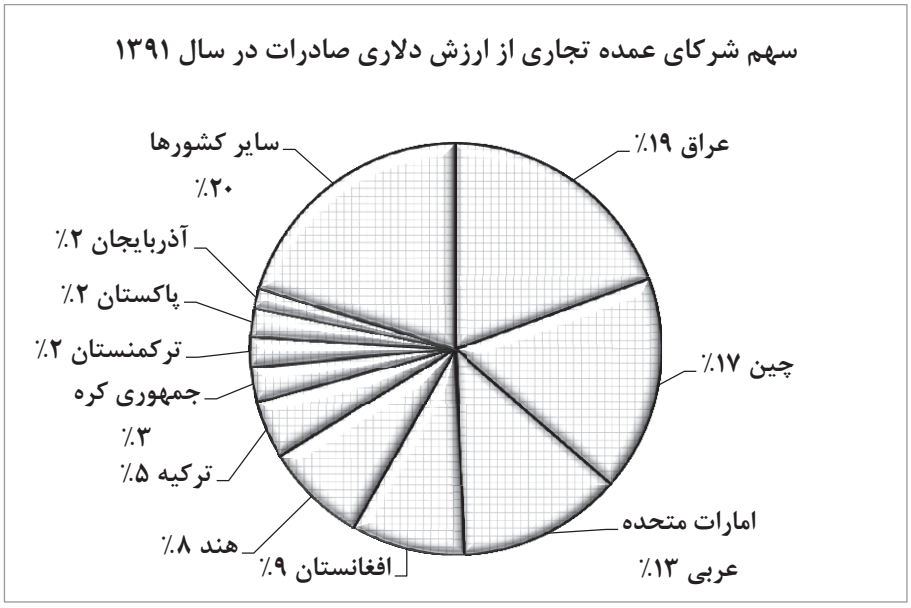
مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۵-۱۴: ترکیب کشورهای عمده طرف صادرات ایران در سال ۱۳۷۹



مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۵-۱۵: ترکیب کشورهای عمده طرف صادرات ایران در سال ۱۳۹۱

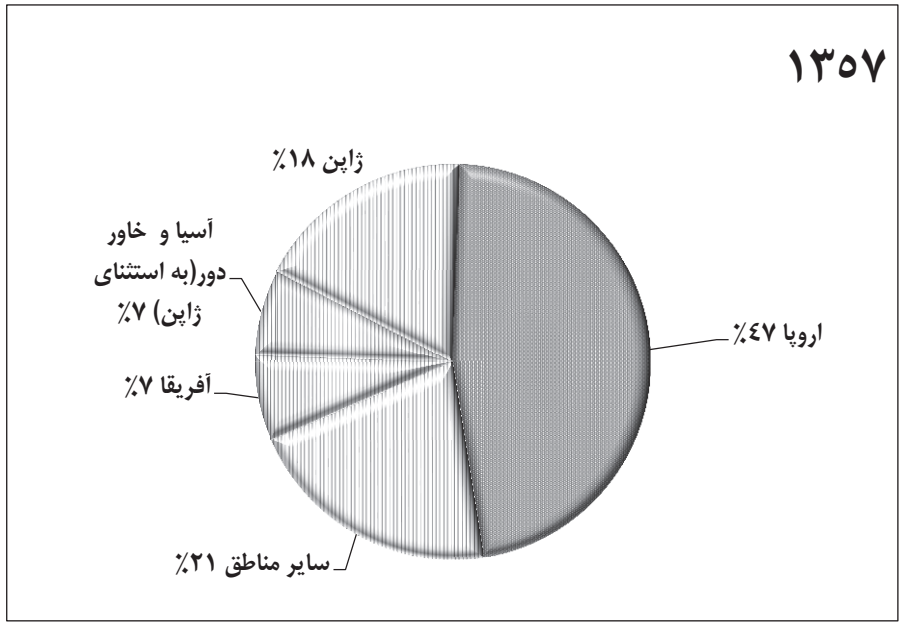


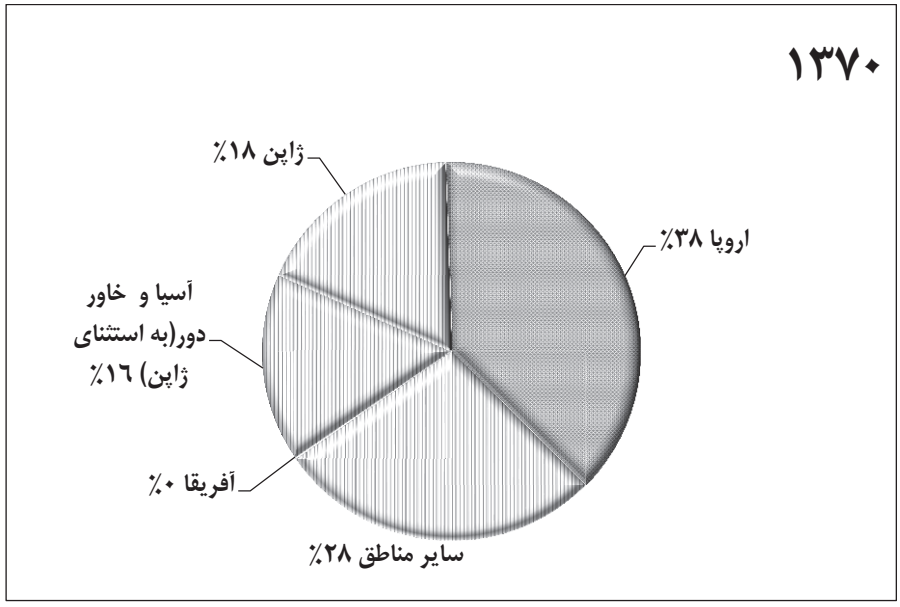
مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

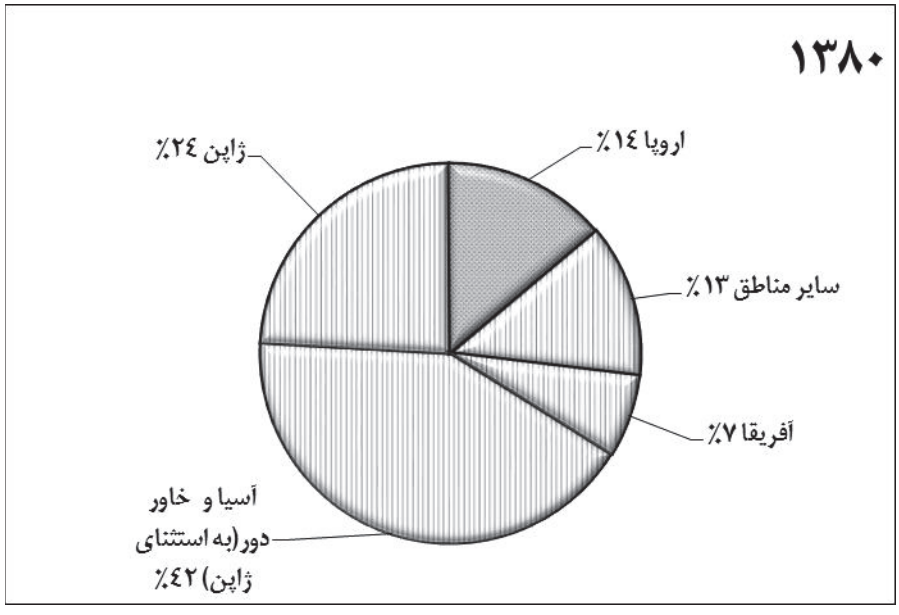
۵-۱-۸- سهم واردکنندگان نفت ایران در طی زمان

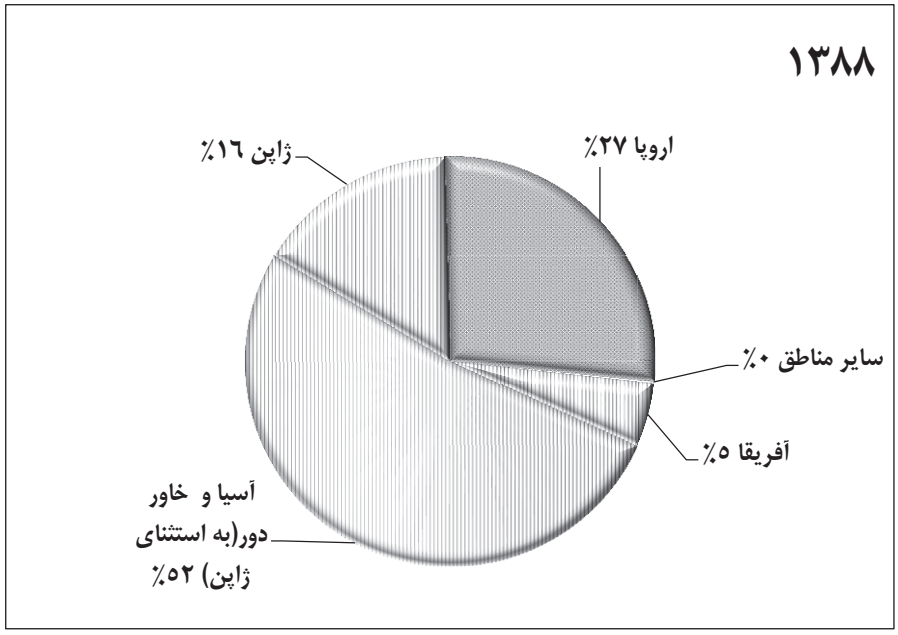
در گراف‌های زیر، روند تغییرات سهم مناطق عمده واردکنندگان نفت ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸ ملاحظه می‌گردد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در سال‌های اولیه پس از انقلاب، کشورهای اروپایی در مجموع، بیشترین سهم را در صادرات نفت ایران داشته‌اند و کشورهای آسیا و خاور دور (به استثنای ژاپن) و کشورهای افریقایی دارای کمترین سهم بوده‌اند. این سهم در طی زمان تغییر کرده است به طوریکه در سال‌های اخیر از سهم کشورهای اروپایی از واردات نفت ایران کاسته شده و بر سهم کشورهای آسیایی و خاور دور (به استثنای ژاپن) افزوده شده است.

نمودار ۵-۱۶: سهم مناطق واردکننده نفت ایران در سال‌های پس از انقلاب




۱۳۷۰
ژاپن ۱۸٪
اروپا ۳۸٪
آسیا و خاور دور(به استثنای ژاپن) ۱۶٪
آفریقا ۰٪
سایر مناطق ۲۸٪


۱۳۸۰
ژاپن ۲۴٪
اروپا ۱۴٪
سایر مناطق ۱۳٪
آفریقا ۷٪
آسیا و خاور دور(به استثنای ژاپن) ۴۲٪

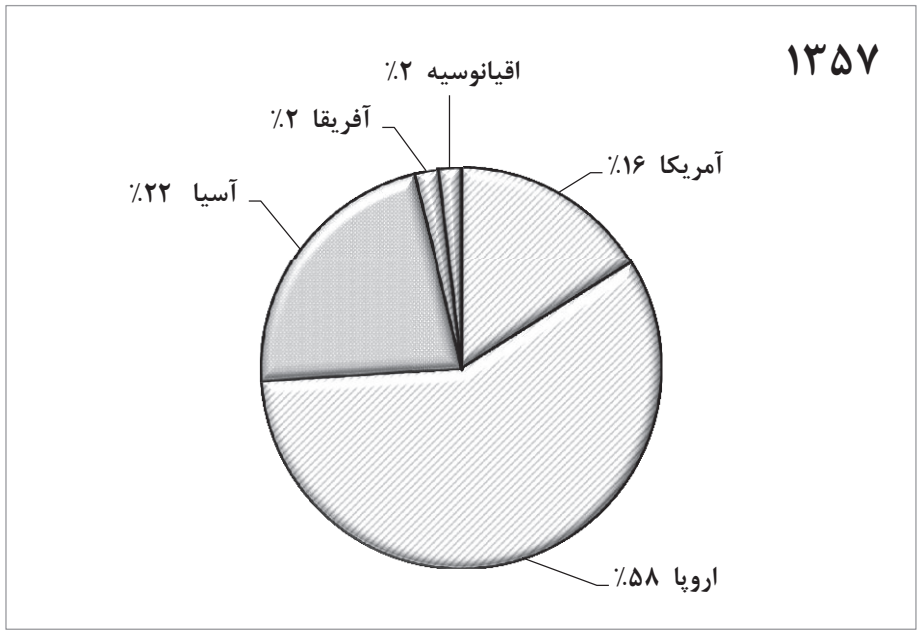


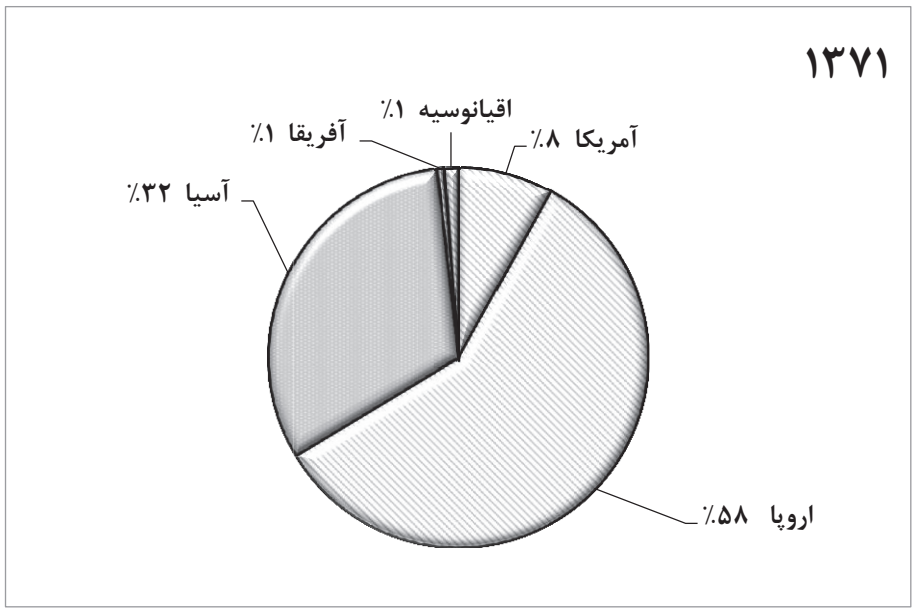
مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

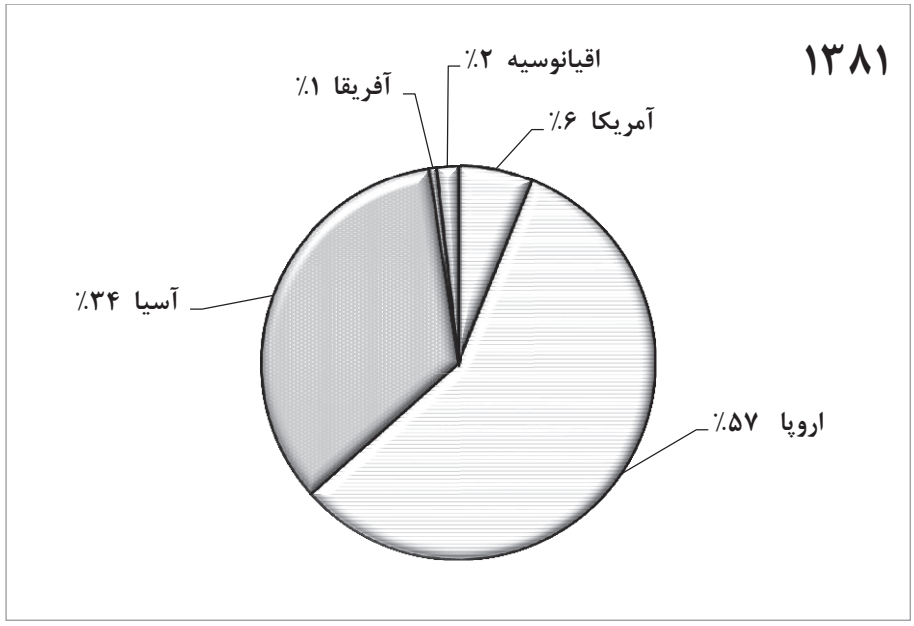
۵-۱-۹- سهم قاره‌های مختلف دنیا از واردات ایران در طی زمان

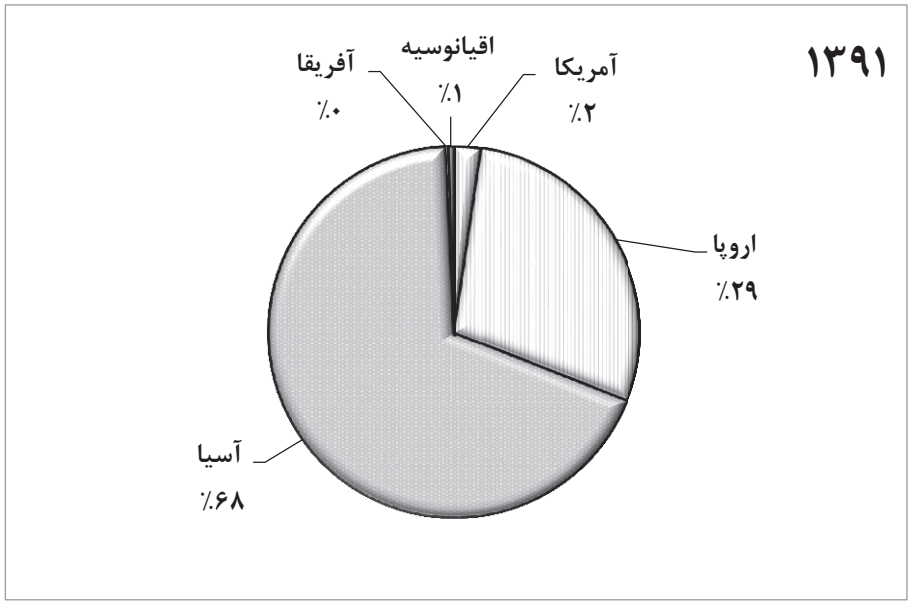
در نمودارهای زیر به روند سهم قاره‌های مختلف دنیا از واردات ایران در سال‌های پس از انقلاب اشاره شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در سال ۱۳۵۷، قاره اروپا دارای بیشترین سهم در واردات ایران و قاره‌های آسیا و آمریکا با سهمی در حدود ۲۲ و ۱۶ درصد، به ترتیب در جایگاه دوم و سوم قرار داشتند. در طی زمان، این سهم‌ها تغییرات قابل توجهی کرده است و به تدریج از سهم قاره اروپا و امریکا کاسته شده است و بر سهم کشورهای آسیایی افزوده شده است. به طوریکه در سال ۱۳۸۸، سهم قاره آسیا به ۶۸ درصد، و سهم قاره‌های اروپا و آمریکا به ترتیب به ۲۹ و ۲ درصد رسیده است.

نمودار ۵-۱۷: سهم قاره‌های مختلف دنیا از واردات ایران در سال‌های پس از انقلاب







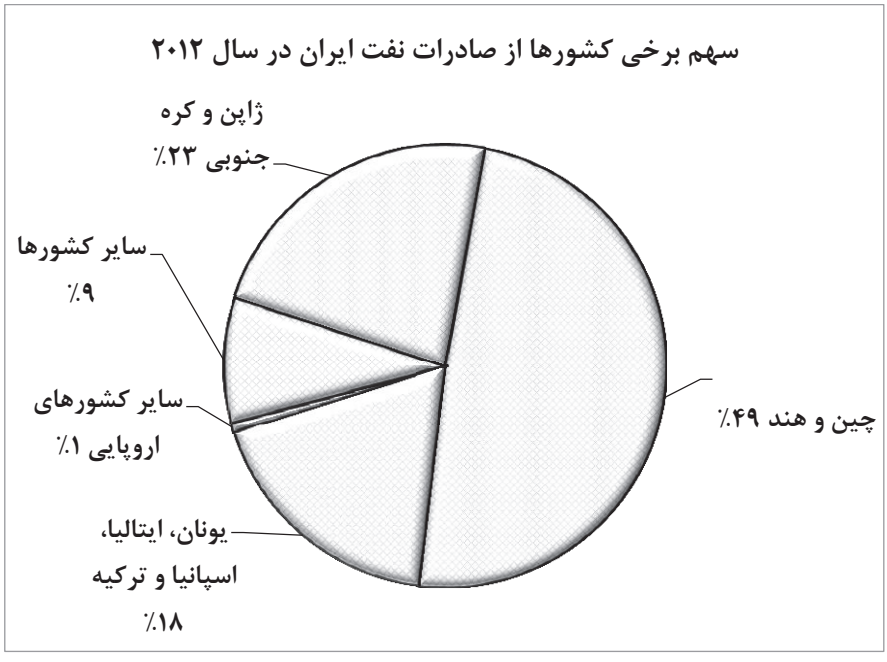


مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

۵-۱-۱۰- ارتباط بین سهم واردکنندگان نفت ایران و صادرکنندگان کالا به ایران

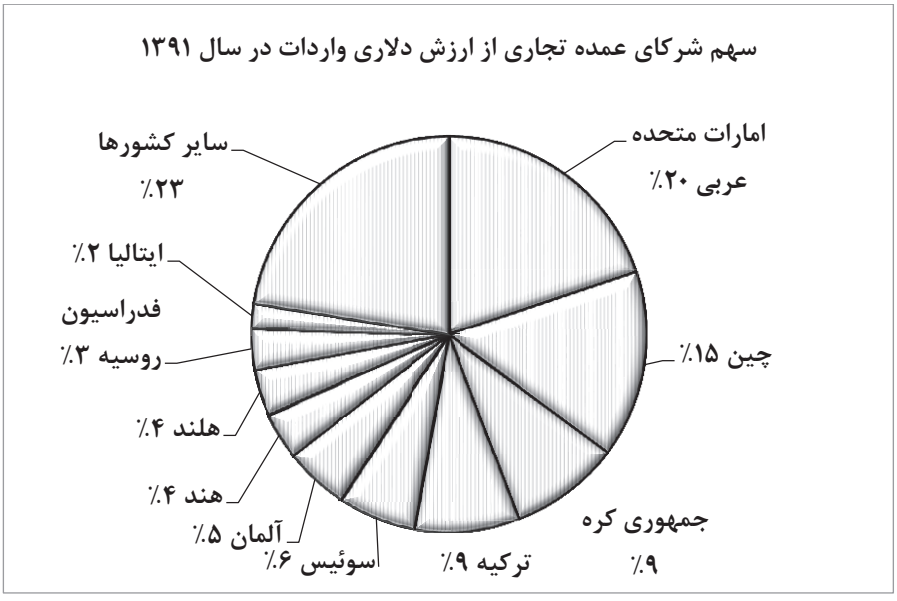
همان‌طور که در بخش‌های قبلی اشاره شد، هم در حوزه صادرات نفت و هم در حوزه واردات کالا، نگاه ایران در سال‌های پس از انقلاب از غرب به شرق بوده است. به طوریکه در طی زمان، از سهم مبادلات تجاری ایران با کشورهای غربی کاسته شده است و بر سهم کشورهای آسیایی و خاور دور، افزوده شده است. در نمودارهای زیر، به شرکای تجاری ایران هم در حوزه نفت و هم در حوزه واردات در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲) به صورت جزئی‌تر پرداخته شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در سال ۱۳۹۱، کشورهای آسیایی در حوزه مبادلات تجاری با ایران، دارای سهم بسیار بالایی هستند.

نمودار ۵-۱۸: سهم برخی از کشورهای واردکننده از کل صادرات نفت ایران در سال ۲۰۱۲



مأخذ: U.S. Energy Information Adminstration (EIA)

نمودار ۵-۱۹: سهم شرکای عمده تجاری از ارزش دلاری واردات در سال ۱۳۹۱

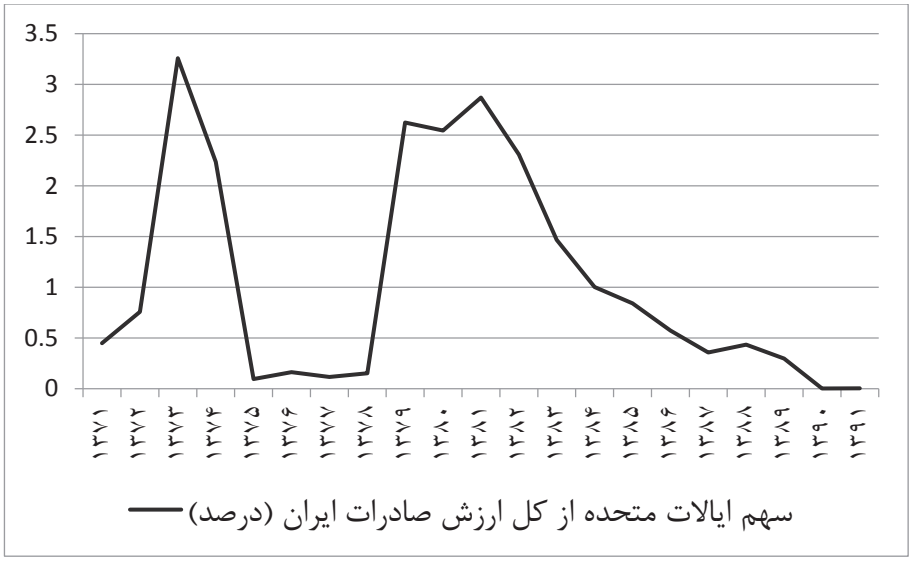


مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

۵-۱-۱۱- سهم ایالات متحده و کشورهای اروپایی در تجارت با ایران در طی زمان

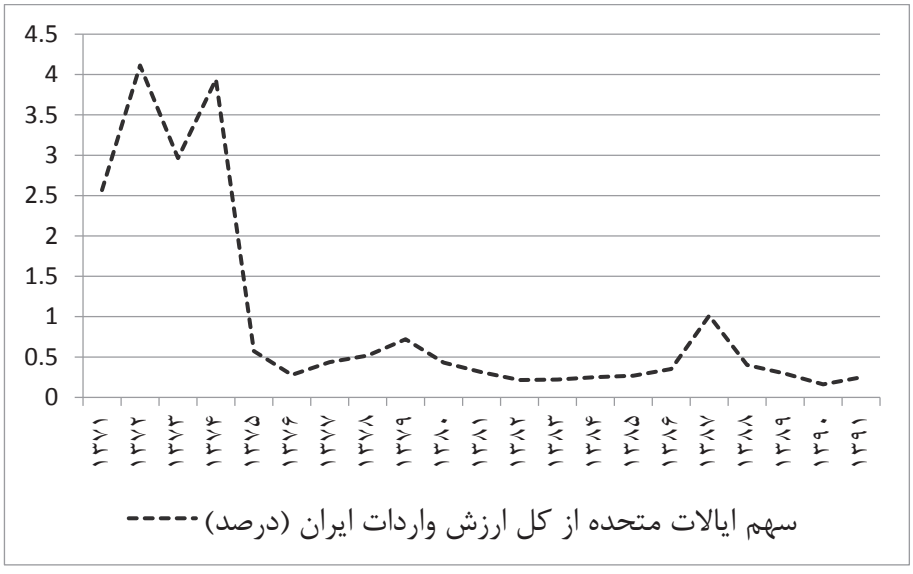
در نمودارهای زیر بر اساس آمارهای در دسترس، به روند سهم کشور ایالات متحده و مجموع کشورهای اروپایی از ارزش کل صادرات و واردات ایران در طی زمان اشاره شده است. برای کشور ایالات متحده، آمارهای دو دهه اخیر نشان می‌دهد که سهم ایالات متحده از تجارت با ایران بسیار ناچیز بوده است که همین مقدار نیز با نوساناتی، در سال‌های اخیر از حدود ۴ درصد در سال ۱۳۷۱ به عددی نزدیک به صفر در سال ۱۳۹۱ رسیده است.

نمودار ۵-۲۰: روند سهم ایالات متحده از ارزش صادرات ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۱



مأخذ: محاسبات تحقیق

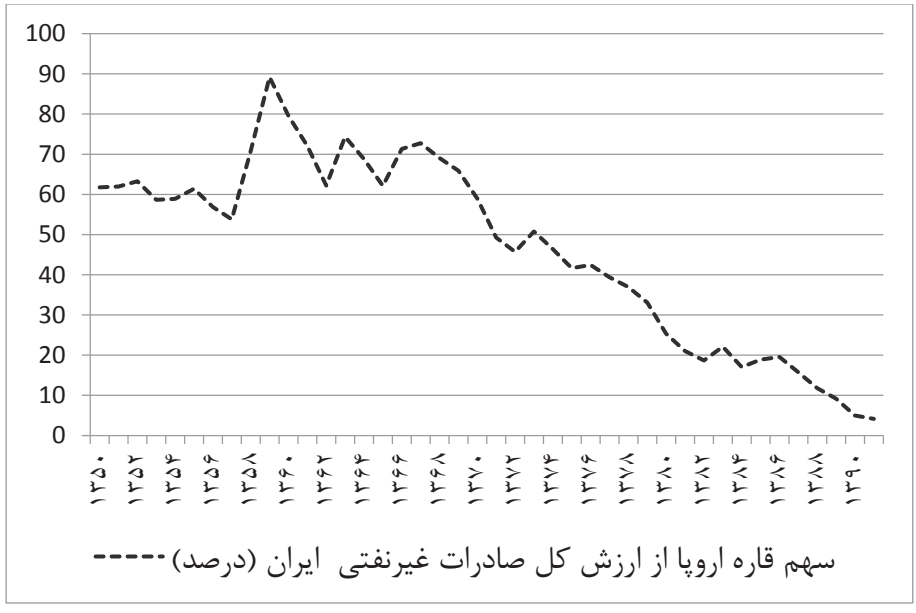
نمودار ۵-۲۱: روند سهم ایالات متحده از ارزش واردات ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۱



مأخذ: محاسبات تحقیق

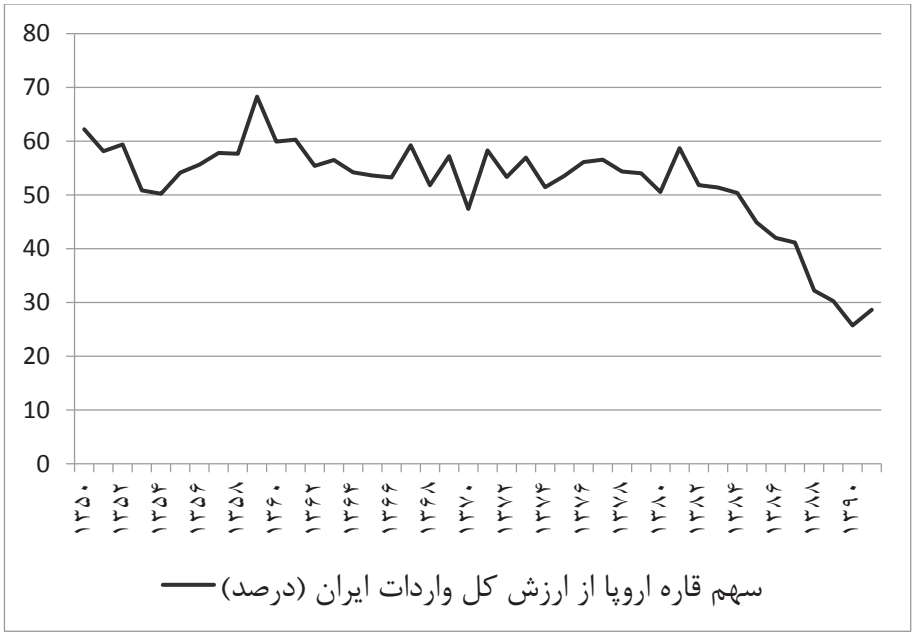
در ارتباط با کشورهای اروپایی نیز، سهم آنها در مجموع از تجارت با ایران طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۱ در نمودارهایزیر ارائه شده است. سهم قاره اروپا در تجارت با ایران در سال‌های قبل از انقلاب و اوایل آن، قابل توجه بوده است. به طوریکه سهم این قاره از صادرات غیرنفتی و واردات ایران در سال ۱۳۵۹، به ترتیب با عددی در حدود ۹۰ و ۷۰ درصد به بیشترین مقدار خود رسیده است. پس از این سال، به تدریج از سهم کشورهای اروپایی از تجارت با ایران کاسته شده، به طوریکه در سال ۱۳۹۱، سهم قاره اروپا از صادرات غیرنفتی به حدود ۵ درصد و از واردات ایران به حدود ۳۰ درصد رسیده است.

نمودار ۵-۲۲: روند سهم قاره اروپا از ارزش صادرات غیر نفتی ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۵۰



مأخذ: محاسبات تحقیق

نمودار ۵-۲۳: روند سهم قاره اروپا از ارزش واردات ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۵۰



مأخذ: محاسبات تحقیق

۵-۱-۱۲- مقایسه میان میزان تجارت برخی کشورهای آسیایی با ایران و با کشور ایالات متحده و اتحادیه اروپا

در جداول زیر به میزان تجارت ایران با برخی کشورهای آسیایی همچون چین، کره جنوبی، ترکیه، هند، روسیه و ژاپن و همچنین میزان تجارت کشور ایالات متحده و اتحادیه اروپا با این کشورها اشاره شده است. علاوه بر این، به منظور انجام یک مقایسه، نسبت ارزش تجارت ایالات متحده و اتحادیه اروپا به تجارت ایران با این کشورها گزارش شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، حجم تجارت ایالات متحده و اتحادیه اروپا با این شش کشور، به مراتب بیشتر از ایران است و بنابراین، تجارت با ایالات متحده و اتحادیه اروپا، عواید به مراتب بیشتری را نصیب این کشورها می‌کند.

جدول۵-۳: ارزش تجارت ایران با برخی کشورهای منتخب در سال ۱۳۹۱

ردیف	کشور	ارزش صادرات (میلیون دلار)	ارزش واردات (میلیون دلار)
۱	چین	۵۵۱۳	۸۱۸۱
۲	جمهوری کره	۹۱۶	۴۸۲۷
۳	ترکیه	۱۴۷۸	۴۵۵۱
۴	هند	۲۶۲۴	۲۰۴۸
۵	فدراسیون روسیه	۴۹۹	۱۷۶۹
۶	ژاپن	۴۸	۵۸۶

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

جدول۵-۴: ارزش تجارت ایالات متحده با برخی کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۲

ردیف	کشور	ارزش صادرات (میلیون دلار)	ارزش واردات (میلیون دلار)
۱	چین	۱۱۰۴۸۴	۴۲۵۵۷۹
۲	جمهوری کره	۴۲۲۸۴	۵۸۸۹۶
۳	ترکیه	۱۲۵۲۰	۶۲۹۳
۴	هند	۲۲۱۰۵	۴۰۵۱۴
۵	فدراسیون روسیه	۱۰۷۰۰	۲۹۳۸۱
۶	ژاپن	۶۹۹۵۵	۱۴۶۳۹۲

مأخذ: International Trade Adminstration

جدول۵-۵: نسبت ارزش تجارت ایالات متحده به ارزش تجارت ایران با برخی کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۲

ردیف	کشور	صادرات	واردات
۱	چین	۲۰	۵۲
۲	جمهوری کره	۴۶	۱۲
۳	ترکیه	۸	۱
۴	هند	۸	۲۰
۵	فدراسیون روسیه	۲۱	۱۷
۶	ژاپن	۱۴۵۷	۲۵۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول۵-۶: ارزش تجارت اتحادیه اروپا با برخی کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۲

ردیف	کشور	ارزش صادرات (میلیون دلار)	ارزش واردات (میلیون دلار)
۱	چین	۱۸۴۸۴۹	۳۷۲۴۸۳
۲	جمهوری کره	۴۸۵۱۸	۴۸۶۴۴
۳	ترکیه	۹۶۵۸۱	۶۱۳۹۹
۴	هند	۴۹۴۲۴	۴۷۹۱۷
۵	فدراسیون روسیه	۱۵۸۳۶۷	۲۷۳۹۳۵
۶	ژاپن	۷۱۲۹۴	۸۱۹۸۷

مأخذ: EUROSTAT

جدول۵-۷: نسبت ارزش تجارت اتحادیه اروپا به ارزش تجارت ایران با برخی کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۲

ردیف	کشور	صادرات	واردات
۱	چین	۳۴	۴۶
۲	جمهوری کره	۵۳	۱۰
۳	ترکیه	۶۵	۱۳
۴	هند	۱۹	۲۳
۵	فدراسیون روسیه	۳۱۷	۱۵۵
۶	ژاپن	۱۴۸۵	۱۴۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

۵-۱-۱۳- تاریخچه تحریم‌های حوزه بازرگانی و شدت تحریم در طی زمان

در جدول زیر به برخی تحریم های مرتبط با حوزه بازرگانی در طی سال‌های پس از انقلاب اشاره شده است.

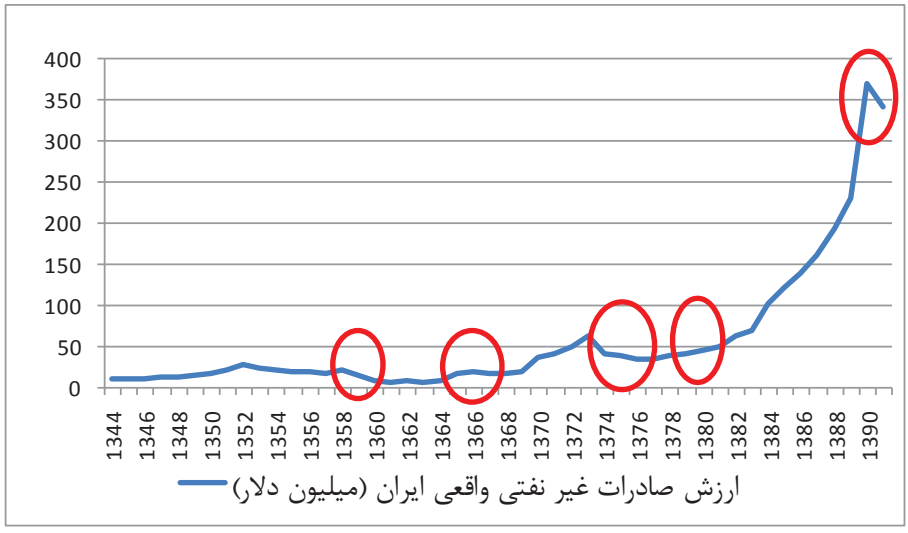
جدول۵-۸: تاریخچه تحریم های ایالات متحده علیه ایران در حوزه‌های مرتبط با بازرگانی

ردیف	سال	محتوای تحریم
۱	۱۹۸۰ (۱۳۵۹)	ممنوعیت هرگونه مبادلات تجاری امریکا با ایران و همچنین منع مسافرت شهروندان امریکایی به ایران و انجام هرگونه نقل‌وانتقال مالی با این کشور
۳	۱۹۸۶ (۱۳۶۵)	ممنوعیت فروش تجهیزات نظامی امریکا به ایران
۴	۱۹۸۷ (۱۳۶۶)	منع هرگونه واردات ایرانیان به امریکا
۵	۱۹۹۵ (۱۳۷۴)	منع هرگونه تجارت و سرمایه‌گذاری امریکایی‌ها در ایران
۶	۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	تحریم بنگاه‌ها و شرکت‌های خارجی که دارای فعالیت تجاری و کسب‌وکار با ایران هستند.
۷	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	ممنوعیت‌ها و تحریم هایی در زمینه تجارت کالاهایی که مرتبط با مسائل نظامی هستند
۸	۲۰۱۰ (۱۳۸۹)	تحریم های مرتبط با صنایع پتروشیمی و به طور خاص تحریم صادرات بنزین به ایران و همچنین منع صدور تجهیزاتی که به ساخت بنزین در ایران کمک می‌نماید
۹	۲۰۱۱ (۱۳۹۰)	تحریم بانک مرکزی ایران
۱۰	۲۰۱۲ (۱۳۹۱)	تحریم بیمه‌ی نفتکش‌های ایرانی
۱۱	۲۰۱۳ (۱۳۹۲)	تحریم هایی در حوزه انرژی، کشتیرانی، بانکی، بیمه حمل‌ونقل و تأمین فلزاتی همچون طلا

مأخذ: Iran Sanctions. Kenneth Katzman. April 24, 2013

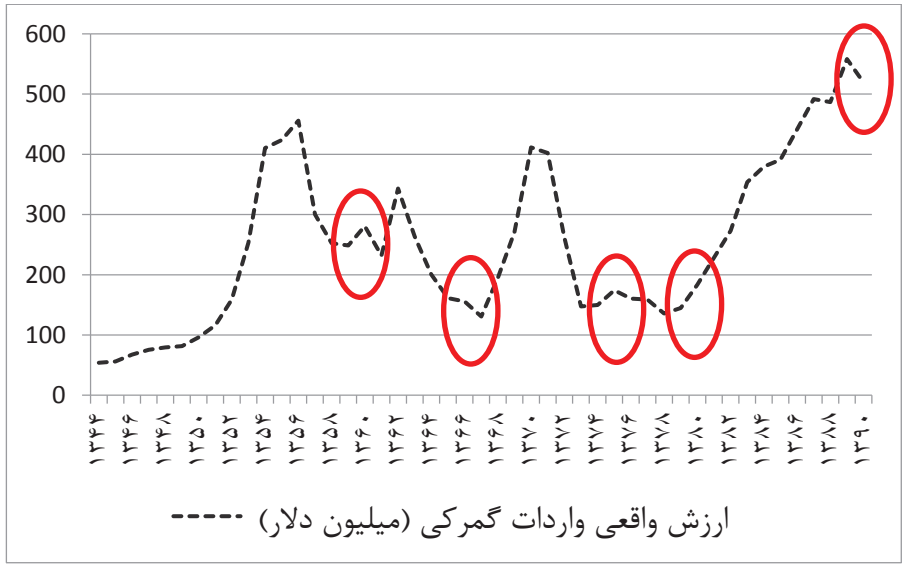
همچنین، از میزان مبادلات تجاری یک کشور در طی زمان، می‌توان به عنوان شاخصی برای نشان دادن شدت تحریم در حوزه بازرگانی بهره برد. بنابراین، در این قسمت به روند چهار متغیر صادرات غیرنفتی، واردات، تولید و صادرات نفت ایران در طی زمان اشاره می‌شود. همان‌طور که در نمودارهای زیر ملاحظه می‌شود، از آنجا که تحریم هایی که تا پیش از سال ۱۳۸۹ اعمال شده‌اند، تحریم‌هایی با حوزه اثر محدود بوده‌اند، لذا تأثیر اندکی بر روند متغیرهای مورد بررسی داشته‌اند. ولی پس از اعمال تحریم های سنگین اخیر، از سال ۱۳۸۹ به بعد، روند سه متغیر واردات، تولید و صادرات نفت در ایران، به شدت تحت تأثیر قرار گرفته و نزولی شده است. همچنین متغیر صادرات غیرنفتی، با وقفه‌ای دو ساله و علیرغم افزایش بی‌سابقه نرخ ارز در این سال‌ها، در سال ۱۳۹۱ رو به کاهش گذاشته است. بنابراین از بررسی این روندها می‌توان دریافت، که تحریم‌های همه جانبه اخیر در نوع خود بی‌سابقه‌اند و از شدت بالاتری برخوردار هستند.

نمودار ۵-۲۴: ارزش واقعیصادراتغیرنفتی ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۴



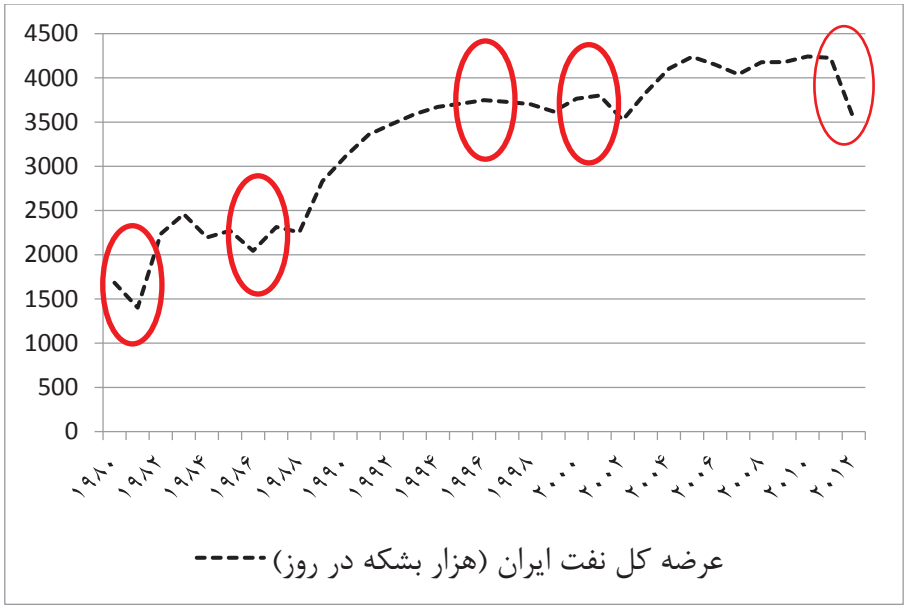
مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۵-۲۵: ارزش واقعی واردات ایران طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۴



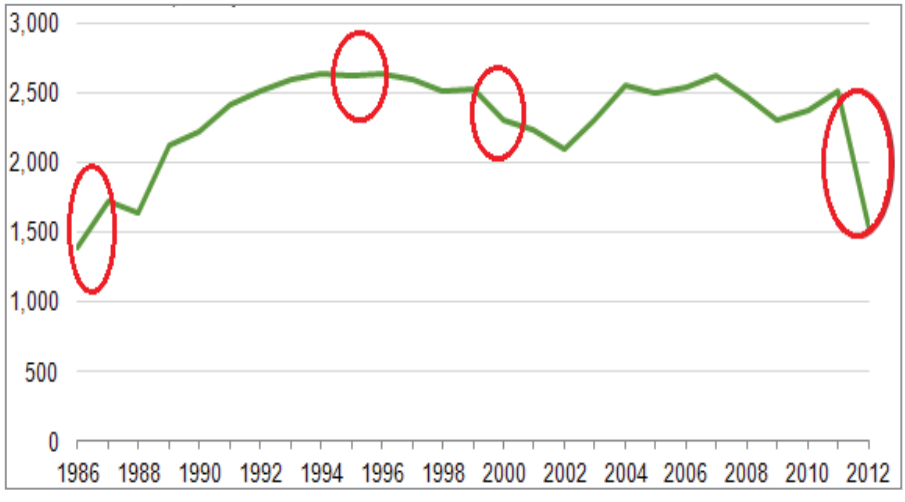
مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۵-۲۶: میزان تولید نفت ایران طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۸۰ (هزار بشکه در روز)



مأخذ: U.S. Energy Information Adminstration (EIA)

نمودار ۵-۲۷: میزان صادرات نفت ایران طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۸۶ (هزار بشکه در روز)



مأخذ: U.S. Energy Information Adminstration (EIA)

۵-۲- تحلیل و مقایسه آمار تجارت خارجی ایران در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱

- **صادرات**

با توجه به اینکه تحریم های اقتصادی علیه ایران در دو سال اخیر شدت گرفته است، از این‌رو در این قسمت با مقایسه آمار صادرات و واردات ایران در دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، به وضعیت و تغییرات به وجود آمده در تجارت خارجی ایران در این دو سال پرداخته می‌شود.

جدول ۵-۹: آمار صادرات کشور در سال‌های ۹۰ و ۹۱

صادرات	سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۱		نرخ رشد (درصد)	
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزنی	ارزشی
	۷۷۸۰۷	۴۳۹۷۵	۷۸۷۱۵	۴۱۳۳۴	۱/۲	-۶

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که مشاهده می‌شود، ارزش صادرات در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال قبل حدود ۶ درصد کاهش داشته است. با توجه به اینکه صادرات در سه ماهه سال ۱۳۹۱ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۷ درصد کاهش داشته و این کاهش تا پایان سال به ۶ درصد رسیده است می‌توان عنوان کرد که در کل، کاهش صادرات به دلیل افزایش تحریم‌ها و کاسته شدن از نرخ نزولی آن طی سال ۱۳۹۱ به دلیل افزایش نرخ ارز بوده است. آنچه در اینجا باید بدان توجه داشت این است که تأثیر منفی تحریم‌ها بر تأثیر مثبت افزایش نرخ ارزبر صادرات، غلبه کرده است.

جدول ۵-۱۰: آمار صادرات کشور به تفکیک بخش‌های مختلف در سال‌های ۹۰ و ۹۱

تفکیک صادرات	۱۳۹۰			۱۳۹۱			نرخ رشد (درصد)	
	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	سهم ارزش (درصد)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	سهم ارزش (درصد)	وزنی	ارزشی
میعانات گازی	۱۱۳۷۸	۱۰۱۵۶	۲۳	۹۶۳۰	۸۸۸۱	۲۲	-۱۵	-۱۳
محصولات پتروشیمی	۲۱۲۶۶	۱۵۰۴۲	۳۴	۱۴۴۲۱	۱۰۰۷۲	۲۴	-۳۲	-۳۳
سایر کالاها	۴۵۱۶۳	۱۸۷۷۶	۴۳	۵۴۶۶۴	۲۲۳۸۲	۵۴	۲۱	۱۹

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

بررسی تفکیک انواع محصولات صادراتی نیز مؤید این موضوع است که در سال ۱۳۹۱، صادرات میعانات گازی و محصولات پتروشیمی روندی کاهشی داشته و صادرات محصولات پتروشیمی حدود یک‌سوم نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. از طرف دیگر نرخ رشد صادرات سایر کالاها شامل کالاهای صنعتی، کشاورزی، معدنی، فرش و صنایع دستی حدود ۲۰ درصد رشد داشته است که علت آن را می‌توان در افزایش نرخ ارز و ایجاد مزیت برای صادرات برخی کالاهای تولیدی دانست. با توجه به موارد فوق می‌توان به بی‌ثباتی و آسیب‌پذیر بودن درآمدهای صادراتی با منشأ نفتی از جمله محصولات پتروشیمی و میعانات گازی اشاره کرد.

- **اقلام عمده صادراتی**

بررسی اقلام عمده صادراتی در سال ۱۳۹۱ گویای آن است که کالاهایی مانند "متانول (الکل اتیلیک)"، "پروپان مایع شده" و "قیرنفت" به عنوان اصلی‌ترین کالاهای صادراتی بوده و همین سه کالا حدود ۱۱/۵ درصد از صادرات کل کشور را به خود

اختصاص داده‌اند که حاکی از وابستگی بخشی از صادرات به برخی کالاهای تولیدی با منشأ نفتی است.

- **کشورهای عمده طرف صادرات ایران**

در میان کشورهای طرف صادراتی نیز می‌توان به‌ترتیب به کشورهای عراق، چین، امارات، افغانستان و هند اشاره کرد که حدود ۷۹ درصد وزن صادرات کشور و حدود ۶۶ درصد ارزش صادرات به همین ۵ کشور منحصر شده است. شایان توجه است که انحصار حدود ۸۰ درصد صادرات کشور به برخی کشورهای همسایه می‌تواند کشور را از این منظر در مواقع بحران آسیب‌پذیر کند.

- **واردات**

جدول ۵-۱۱: آمار واردات کشور در سال‌های ۹۰ و ۹۱

	سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۹۱		نرخ رشد (درصد)	
واردات	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	وزنی	ارزشی
	۳۸۳۷۹	۶۱۸۰۸	۳۹۳۹۱	۵۳۳۴۸	۲/۶	-۱۳/۷

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، واردات کشور از نظر ارزشی دارای روندی کاهشی بوده و علیرغم رشد حدود ۳ درصدی وزن واردات، ارزش واردات حدود ۱۴ درصد کاهش داشته است. این کاهش را نیز می‌توان به دلیل تغییر ترکیب واردات و تمرکز بیشتر بر کالاهای اساسی دانست، زیرا ارزش هر واحد این کالاها با توجه به وزن آن‌ها کمتر است.

- **اقلام عمده وارداتی**

اقلام عمده وارداتی در سال ۱۳۹۱ شامل دانه گندم، شمش آهن و فولاد، دانه ذرت، کنجاله سویا و برنج است که در مجموع بیش از ۱۷ درصد واردات کشور را تشکیل می‌دهند. این موضوع حاکی از وابستگی بخشی از مواد اولیه صنعتی و کالاهای اساسی به واردات است و به نظر می‌رسد نیازمند برنامه‌ریزی مناسب توسط وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و صنعت، معدن و تجارت است.

- **کشورهای عمده طرف واردات ایران**

در میان کشورهای طرف وارداتی می‌توان به کشورهای امارات، چین، کره، ترکیه و سوئیس اشاره کرد که بیش از ۵۳ درصد وزن واردات کشور و بیش از ۵۹ درصد ارزش واردات از همین ۵ کشور بوده است.

۵-۳- چالش‌های (غیرساختاری) ناشی از تحریم‌ها (راهبردهای کوتاه‌مدت)

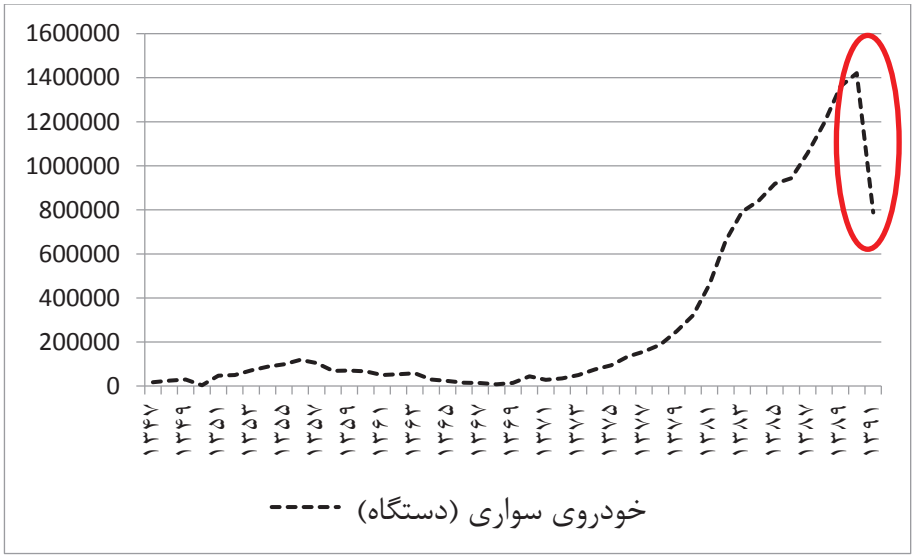
بطور کلی چالش‌ها و راهبردها، به دو گروه طبقه‌بندی شده‌اند. در این بخش از پژوهش با توجه به اهمیت موضوع تحریم‌ها، صرفاً به چالش‌های مرتبط با تحریم‌ها پرداخته شده و بالطبع، راهبردهای ارائه شده در این بخش به منظور حذف یا کاهش اثرات تحریم در این حوزه راهبردی، طراحی شده است. این چالش‌ها در گروه "چالش-های غیرساختاری" طبقه‌بندی شده‌اند. بدیهی است با توجه به آنکه جنس چالش و راهبردهای متناظر با آن نشأت گرفته از فضای تحریمی حاکم بر هر حوزه راهبردی است، انتظار می‌رود که با تغییر شرایط تحریم (تشدید یا تحدید تحریم‌ها) هم چالش‌ها و هم راهبردهای متناظر با آن، دستخوش تغییر و دگرگونی شوند. از اینرو در این تحقیق در هر حوزه راهبردی، چالش‌های غیرساختاری، متناسب با شرایط موجود شناسایی شده و بر این اساس راهبردهایی پیشنهاد گردیده است. همچنین با توجه به

سناریوهای منتخب و بدیل شناسایی شده در فصل چهارم پژوهش، میزان جذابیت هر راهبرد در ارتباط با سناریوهای مختلف با استفاده از تحلیل خبرگی، مورد ارزیابی قرار گرفته است. چالش‌های غیرساختاری حوزه راهبردی بازرگانی عبارتند از:

۵-۳-۱- تحدید واردات و تولید داخلی

در سال‌های اخیر، به دلیل کاهش تولید داخلی، وابستگی جامعه به واردات کالاهای اساسی افزایش یافته است. این امر به خودی خود می‌تواند آسیب‌پذیری جامعه را در برابر محدودیت واردات به واسطه تحریم‌ها، افزایش دهد. از طرف دیگر مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای، سهم قابل توجهی را در واردات کشور دارند که محدود شدن واردات اینگونه کالاها، تولید داخلی را با محدودیت و چالش جدی مواجه می‌کند. مجموعه این عوامل خود را به صورت کاهش عرضه داخلی کالا و در نتیجه افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و همچنین کاهش اشتغال نشان می‌دهد.در نمودار زیر به روند تولید خودروی سواری به عنوان نماینده‌ای از تولید صنعتی کشور طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۷ اشاره شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در سال‌های قبل از انقلاب، تولید خودروی سواری تا سال ۱۳۵۶، روندی صعودی داشته است. پس از انقلاب و با شروع جنگ تا سال ۱۳۶۹، این روند سیر نزولی به خود گرفته است. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، مجدداً تولید خودروی سواری در کشور روندی افزایشی به خود گرفت به طوریکه در سال ۱۳۸۹، میزان تولید به حدود یک میلیون و چهارصد هزار دستگاه رسید. پس از وضع تحریم های بین‌المللی اخیر، تولید خودرو به طور چشمگیری کاهش یافت و در پایان سال ۱۳۹۱ به رقمی در حدود هشتصد هزار دستگاه رسیده است.

نمودار ۵-۲۸: روند تولید خودروی سواری در کشور طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۴۷



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و انجمن خودروسازان ایران (به نقل از وزارت صنعت، معدن و تجارت)

علاوه بر اعمال مستقیم تحریم بر مبادلات برخی کالاها در سطح جهانی، محدود شدن واردات کشور به موجب تحریم هایی که مبادلات بانکی و حمل‌ونقل را نشانه گرفته‌اند، موجب افزایش هزینه‌های بازرگانی خارجی شده و به افزایش قیمت تمام شده کالاهای وارداتی منجر شده است که این امر منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده است. به علاوه، محدود شدن کشورهای خریدار نفت از ایران به واسطه تحریم‌ها و در نتیجه محدود شدن مبادلات تجاری ایران با این کشورها، دامنه انتخاب بازرگانان برای واردات کالا را کاهش داده و نتیجه آن کاهش قدرت چانه‌زنی واردکنندگان ایرانی و افزایش قیمت تمام شده واردات است. این امر نیز به نوبه خود، تأثیر زیادی بر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها داشته است. از منظری دیگر، با توجه به محدود شدن مبادلات بانکی ایران در سطح جهانی، انتظار می‌رود در آینده‌ای نزدیک، کشور به سمت تهاتر و واردات کالا در مقابل صادرات و فروش نفت به کشورهای واردکننده عمده نفت از ایران (کشورهایی همچون چین و هند) سوق پیدا کند.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- تدوین نظام تهاتر کالا با توجه به نیازهای اساسی کشور و روابط تجاری با سایر کشورها با هدف حداقل‌سازی هزینه مبادله و کاهش ریسک زمانی و مقداری دریافت کالا (دریافت میزان کالای مورد نیاز در زمان مقرر)

۲- تأکید بر واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در نظام تهاتری

۳- افزایش کیفیت کالاهای تولید داخل و ترغیب مصرف کالای باکیفیت داخلی

۵-۳-۲- افزایش آسیب‌پذیری زنجیره تأمین کالاهای اساسی

در سال‌های اخیر به دلیل مشکلاتی که در حوزه تولید کشاورزی کشور به واسطه سیاست‌های قیمتی و بازرگانی دولت به وجود آمده است، حلقه‌های ابتدایی زنجیره تأمین (تأمین‌کنندگان نهاده‌های تولید) کالاهای اساسی همچون شکر، گوشت مرغ و غیره در خارج از کشور قرار گرفته است و تولید کالاهای اساسی در داخل به واردات وابسته شده است. به عنوان مثال، بخش اعظمی از خوراک دام و طیور در کشور از خارج تأمین می‌شود که چنانچه واردات این اقلام به هر دلیلی با محدودیت مواجه شود، با کمبود تولیدات دامی در کشور مواجه خواهیم شد. این موضوع آسیب‌پذیری کشور در مواقع بحران را افزایش داده است.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- ضرورت بازنگری در زنجیره تأمین تولید کالاهای اساسی با هدف کاهش آسیب‌پذیری آن با تشدید تحریم‌ها

۲- تدوین سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی حمایتی در موارد خاص با هدف تقویت زنجیره تأمین کالاهای اساسی

۵-۳-۳- تشدید تحریم ناوگان حمل‌و نقل دریایی و بنادر

امروزه بخش حمل‌ونقل علاوه بر اینکه یکی از بخش‌های زیربنایی اقتصاد کشور محسوب می‌شود، بر بسیاری از فعالیت‌های دیگر جامعه نیز تأثیر می‌گذارد و امکان بهره‌وری از منابع و استعدادهای جامعه و پیشرفت‌های کارساز کشور، منوط به عملکرد مناسب و بهینه سیستم حمل‌ونقل می‌باشد. بر این اساس حمل‌ونقل از عوامل مهم و ضروری رشد و توسعه اقتصادی به حساب آمده و چنانچه بر همگان هویدا است، می‌توان این ارتباط مهم را به حلقه‌های زنجیری تشبیه کرد و این دایره زنجیر مانند، صرفاً در تسلسل بی‌نقص و ناگسسته دیگر حلقه‌ها قابلیت سودمند خود را بروز خواهد داد. بدین معنی اگر حلقه‌ای هرچند کوچک از دایره‌ای به هر دلیل در تکامل و تعالی دیگر حلقه‌ها اعم از برونزا و درونزا درست عمل نکند، مسلمأ روند پویای حمل‌ونقل دچار وقفه جبران ناپذیری می‌شود که در مجموع عاملی جهت هدر رفتن امکانات اقتصادی در سیستم تولید و به طبع آن افزایش هزینه‌های تولید را فراهم می‌آورد. به بیان دیگر عمده‌ترین انگیزه افزایش قیمت‌ها را به دنبال خواهد داشت.

با توجه به وابستگی بخش‌های مختلف اقتصادی به حمل‌ونقل - بویژه حمل‌ونقل دریایی - با برقراری تحریم وسیع بین‌المللی، باید انتظار وقوع مسایل و مشکلات عدیده‌ای را داشت. هر چند تحریم حمل‌ونقل در ایران موضوع جدیدی نبوده و حمل‌ونقل هوایی کشور سال‌هاست که از ناحیه این تحریم‌ها، رنج می‌برد، اما با توجه به جایگاه حمل‌ونقل دریایی در ترانزیت کالا و نقش ویژه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران در حمل‌ونقل دریایی کشور و حتی ارزآوری قابل ملاحظه آن در عرصه بین‌المللی، باید گفت که تبعات این تحریم به مراتب سنگین‌تر از تحریم هواپیمایی خواهد بود و می‌تواند بخش وسیعی از ناوگان‌های دریایی و زمینی کشور را که با سرمایه گذاری‌های هنگفتی، راه‌اندازی شده‌اند را ناکارا نماید.

ایران، در حال حاضر در عرصه دریایی صاحب ناوگان‌های بزرگی برای حمل محمولات تجاری و نفتی است که نه تنها می تواند نیاز داخلی را مرتفع نماید بلکه

بخش مهمی از ظرفیت آن برای حمل بار و فرآورده‌های نفتی در بازارهای بین‌المللی مورد استفاده واقع می‌شود که حاصل آن کسب نزدیک به یک میلیارد دلار درآمد ارزی است. بنابراین نخستین تنگناها از برقراری یک تحریم وسیع ممکن است صدماتی به فعالیت و عملکرد مؤسسات کشتیرانی و حمل‌ونقل بین‌المللی جاده‌ای وارد نماید.

برقراری یک تحریم بین‌المللی علیه ایران حتی اگر دامنه محدودتری نیز داشته باشد،ممکن است جو روانی مناسبی را برای اعمال فشار علیه ایران از سوی سایر کشورها در پی داشته باشد. برای مثال در عرصه کشتیرانی بین‌المللی، حتی متوقف کردن یک کشتی برای انجام بازرسی‌های مختلف می‌تواند یک سفر دریایی را از وضعیت سوددهی خارج نماید.

این تأثیرات می‌تواند روی حمل‌ونقل بین‌المللی جاده‌ای کشور نیز تأثیری منفی بر جای بگذارد. در این زمینه ضمن آن که تحریم‌ها می تواند به کاهش سفارش‌های خرید کالا از خارج یا تقاضا برای صدرو کالاهای صادراتی کشور منجر شود، موجبات بیکاری ناوگان حمل‌ونقلی خواهد شد که در سال‌های اخیر میلیاردها ریال سرمایه صرف تجهیز و نوسازی آن شده و افراد زیادی در این عرصه اقتصادی، اشتغال دارند. کاهش حمل کالاهای ترانزیتی و سواپ محصولات نفتی منطقه آسیای میانه از طریق دریای خزر نیز موجب کاهش فرصت‌های اشتغال در زمینه‌هایی خواهد شد که با سرمایه‌گذاری‌های سنگین زیربنایی ایجاد شده‌اند.

بسته تحریمی آمریکا علیه جمهوری‌اسلامی ایران که در ماه ژانویه به تصویب رسید و از ابتدای ماه جولای (۱۰تیر) به اجرا گذاشته شد، ضمن تشدید تحریم های فعلی آمریکا علیه جمهوری‌اسلامی ایران، تمام شرکت‌هایی را که کالاها و خدمات مهم به بخش‌های حمل‌ونقل دریایی و کشتی‌سازی ایران ارائه می‌دهند را در فهرست تحریم‌ها قرار می‌دهد. پیش‌بینی می‌شود با اعمال این تحریم‌ها، رفت‌وآمد شرکت‌های حمل‌ونقل دریایی در بنادر ایران کمتر شود که این مسئله واردات موادغذایی و کالاهای مصرفی به ایران را سخت‌تر خواهد کرد.

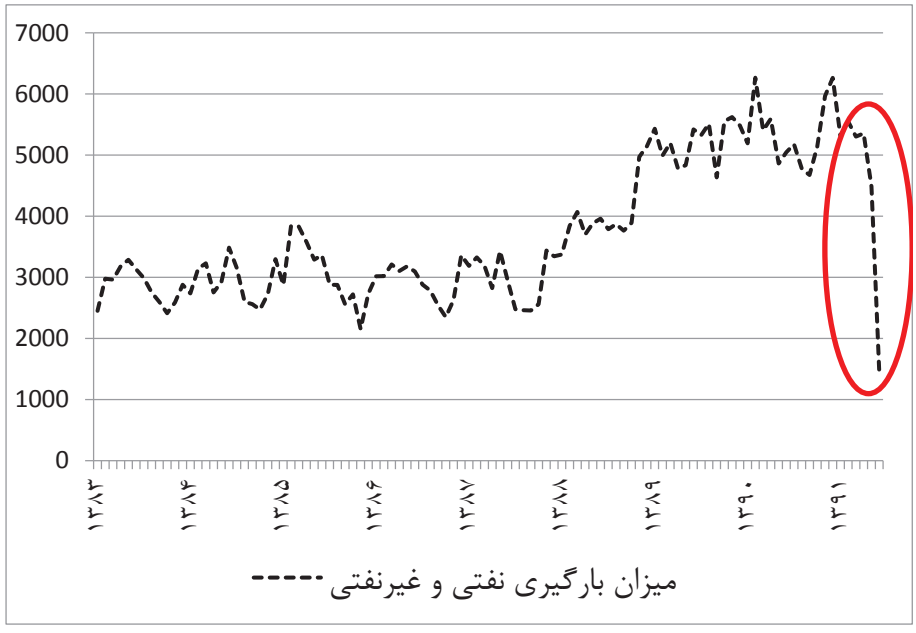
این روند در چند هفته اخیر شدت یافته و شرکت کویتی یونایتدعرب و شرکت اماراتی سیماتک نیز اعلام کرده‌اند که از پذیرش محموله به مقصد و مبدأ ایران خودداری می‌کنند. به‌دلیل کاهش حمل بار توسط شرکت‌های بین‌المللی و وضعیت اقتصادی ایران پیش‌بینی می‌شود که امسال ظرفیت حمل محموله‌های کانتینری در بندرعباس ۱۸ درصد کاهش یابد و به ۱/۶۳میلیون تن برسد. ظرفیت این بندر در سال ۲۰۱۱ به رقم ۲/۸میلیون تن رسیده بود.

این در شرایطی است که پیش از این نیز تجارت محموله‌ها برای ایران با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان بود. چرا که ایالات متحده در سال ۲۰۱۱، شرکت تایدواتر که یکی از اپراتورهای بزرگ بنادر در ایران به شمار می‌رود را در فهرست سیاه قرار داد. این شرکت با ۷ ترمینال شامل بندر عباس همکاری داشت. این محدودیت‌ها موجب شد که بزرگترین شرکت کانتینری جهان نیز در سال گذشته میلادی به همکاری با ایران پایان دهد. به این ترتیب پیش‌بینی می شود صادرات هند به ایران نیز با آسیب جدی مواجه شود. شرکت ترانس آسیا در هند نیز از ماه جولای خدمات کانتینری به ایران ارایه نمی‌دهد.

این درحالی است که هند به عنوان دومین مشتری بزرگ نفت ایران پس از چین با توجه به تحریم های اقتصادی علیه ایران در پرداخت پول نفت خریداری شده دچار مشکل شده و دو طرف توافق کرده‌اند بخشی از پول نفت از طریق صادرات هند به ایران پرداخت شود که عملاً با تحریم های جدید، انجام این مهم نیز با موانع زیادی روبرو خواهد بود.

در نمودار زیر میزان بارگیری نفتی و غیرنفتی ناوگان حمل‌ونقل آبی کشور طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۳ و به صورت ماهیانه گزارش شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در سال ۱۳۹۱، این متغیر دارای کاهش چشمگیری بوده است، به طوریکه از حدود پنج میلیون تن در اواخر سال ۱۳۹۰ به رقمی در حدود یک و نیم میلیون تن در سال ۱۳۹۱ رسیده است.

نمودار ۵-۲۹: روند میزان بارگیری نفتی و غیرنفتی ناوگان حمل‌ونقل آبی کشور طی سال‌های ۶:۱۳۹۱-۱:۱۳۸۳ (هزار تن)



مأخذ: مرکز آمار ایران

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- پیش‌بینی تحریم‌ها، ارزیابی چالش‌های مرتبط و طراحی راهبردها، قبل از اجرایی شدن تحریم های جدید

۲- پیگیری تحریم ناوگان حمل‌ونقل دریایی در مجامع بین‌المللی

۳- ارتقاء پوشش بیمه‌ای ناوگان حمل‌ونقل دریایی در داخل کشور

۴- استفاده از راهبرد تنوع در حمل‌ونقل و عدم تمرکز بر یک مدل حمل‌ونقل

۵- ارتقاء سطح همکاری‌های وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و امور خارجه

۵-۳-۴- افزایش قیمت کالاهای وارداتی

از شروع تحریم‌ها علیه ایران، رشد روزافزون در قیمت کالاهای سرمایه‌ای(ماشین آلات و تجهیزات) از کشورهای اروپایی روی داده که این موضوع با توجه به افزایش ناچیز تورم در این کشورها به موضوع تحریم و عدم امنیت در کشور برمی‌گردد.

قابل ذکر است سهم کالاهای سرمایه‌ای از کل واردات کشور نیز طی سال‌های اخیر روند کاهشی داشته است که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۵-۱۲: سهم کالاهای سرمایه‌ای از کل واردات (درصد)

سال	ارزش کالاهای سرمایه‌ای	سهم کالاهای سرمایه‌ای از کل واردات (درصد)
۱۳۸۰	۷۱۲۷	۳۹
۱۳۸۱	۹۶۶۷	۴۳
۱۳۸۲	۱۱۲۴۸	۴۲
۱۳۸۳	۱۲۱۴۳	۳۴
۱۳۸۴	۸۷۸۵	۲۲
۱۳۸۵	۷۳۸۲	۱۸
۱۳۸۶	۷۹۵۹	۱۶
۱۳۸۷	۹۷۳۴	۱۷
۱۳۸۸	۸۸۳۰	۱۶
۱۳۸۹	-	۱۴,۷
۱۳۹۰	-	۱۴,۳

مأخذ: بانک مرکزی و گمرک جمهوری اسلامی

چنانچه در جدول صفحه بعد آمده است سهم کالاهای مصرفی و واسطه‌ای طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۴ روند صعودی داشته است.

جدول ۵-۱۳: سهم کالاهای مصرفی و واسطه‌ای طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۴ (میلیون دلار)

سال	سهم کالاهای مصرفی و واسطه‌ای از کل واردات (درصد)
۱۳۸۴	۷۷,۶
۱۳۸۵	۸۲,۳۱
۱۳۸۶	۸۳,۵۷
۱۳۸۷	۸۲,۶۳
۱۳۸۸	۸۴,۱۲
۱۳۸۹	۸۵,۲۸
۱۳۹۰	۸۵,۶۳

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱. شفاف‌سازی قیمت کالاهای وارداتی با هدف کاهش سوء استفاده واردکنندگان از شرایط تحریم
۲. کمک به تجار در راستای شناسایی و رایزنی با تولیدکنندگان کالاها به منظور جلوگیری از ورود واسطه‌ها در فرآیند تجارت
۳. کاهش هزینه‌های جانبی واردات از قبیل هزینه‌های اخذ شده توسط سازمان بنادر و مؤسسه استاندارد
۴. کاهش بوروکراسی ترخیص کالاهای وارداتی از گمرک

مشکلات ترخیص کالاهای وارداتی از گمرک، یکی از دغدغه‌های اصلی تاجران و تولیدکنندگان در شرایط کنونی می‌باشد. چرا که تولیدکننده‌ای که در شرایط تحریم متحمل دردسرهای فراوانی جهت واردکردن قطعات و مواد اولیه به کشور شده است، هم اکنون باید درگیر فرآیندهای زمان‌بر ترخیص کالا از گمرک شود، که این امر می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری به کارخانجات تولیدی وارد نماید. از اینرو کاهش بوروکراسی

ترخیص کالاهای وارداتی از گمرک یکی از استراتژی‌های اصلی در حمایت از تولیدکنندگان در تأمین نیازهای وارداتی‌شان می‌باشد.

۵-۳-۵- افزایش هزینه مبادله بازرگانی شرکت‌های بورسی

بازار سرمایه در اقتصاد متحول کنونی جهان یکی از بخش‌های پیشرو و بازار مولد بسیار مهمی به شمارمی‌آید. به طوری که سرمایه گذاری و حضور فعالان خصوصی دراین بازاردرنهایت به رونق تولید ملی منجرخواهدشد.ضمن اینکه یکی ازاصلی‌ترین نقش‌های بورس فراهم آوردن امکان مدیریت ریسک برای تولیدکنندگان و مصرف کنندگان است. در واقع بورس باسازوکاری که به همین منظور ایجاد می‌کند، نگرانی تولیدکنندگان و مصرف کنندگان از نوسانات قیمت کالا درآینده را به حداقل می‌رساند. برهمین اساس می توان ادعا داشت که مهمترین رسالت بازارسرمایه ایجاد فضایی قانونمند ومطمئن برای رقابت همه فعالان اقتصادی است که این مکانیزم درنهایت منجربه شفافیت بازارخواهد شد.

در واقع نقل وانتقال ارز و خنثی کردن تحریم‌ها چیزی در حدود ۱,۵ تا ۱۰ درصد افزایش هزینه برای شرکت‌های مختلف بورسی ایجاد کرده است. در بازار سرمایه شدت تأثیر تحریم‌ها به میزان روابط بین‌المللی شرکت‌ها بستگی دارد.

به طور کلی شرکت‌هایی که در اقتصاد داخلی فعال‌تر هستند و روند درآمد و هزینه‌شان در داخل انجام می‌گیرد، مستقیماً تحت تأثیر تحریم‌ها نمی‌باشند اما شرکت-هایی که محصولاتشان صادراتی است یا به میزان زیاد محصولاتشان وارد کشور می‌شود و بازار جهانی قیمت محصولشان را تعیین می‌کند، مانند ذوب آهن، بر اساس چشم انداز بازار و تحریم‌ها، مشکل پیدا کرده‌اند، به همین دلیل قیمت این شرکت‌ها به میزان سود آنها افزایش پیدا نکرده است.

در واقع تحریم های اعمالی،اثرات متفاوتی بر روند سودآوری شرکت‌ها گذاشته است. به این صورت که شرکت‌های صادرات محور، همچون پالایشی و پتروشیمی از جمله

شرکت های فعال بورس بودند که از تحریم‌ها منتفع شدند. چراکه همزمان با مشکلات ایجاد شده در فرآیند صادرات محصولات تولیدی این گروه‌ها همچون مشکل نقل‌وانتقالات درآمدهای ارزی، به دلیل افزایش نرخ ارز، موفق به ادامه روند رو به رشد سودآوری خود شدند.افزایش هزینه مبادله شرکت‌های بورسی از دو بعد قابل بررسی و اعتناست:

الف- افزایش قیمت تمام‌شده نهاده‌های تأمین‌شده این شرکت‌ها در بازارهای بین-المللی

ب- افزایش هزینه‌های بازاریابی و حاشیه سود دلالان و در نتیجه کاهش حاشیه سود محصولات صادراتی

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱. تقویت وفاق ملی در داخل کشور جهت کاهش اثرات تحریم

بی‌شک یکی از راهکارهای اساسی در جهت کاهش اثرات تحریم، تقویت وفاق و همدلی و ترجیح منافع ملی بر منافع شخصی است، به‌گونه‌ای که دیگر احساس نشود عده‌ای از تحریم های فوق منتفع می‌گردند و عزمی جدی برای کاستن اثرات تحریم در داخل وجود ندارد.

۲. تقویت نقش نهادهای اقتصادی نظیر کنسرسیوم‌های صادراتی
۳. تکمیل زنجیره تولید محصولات و کاهش اتکا به تأمین مواد اولیه از مبادی پرریسک
۴. ایجاد جذابیت برای خریداران محصولات در بازارهای خارجی با تمرکز بر بازارهای منطقه‌ای دارای مرز زمینی با ایران

٥-٤- ارزیابی جذابیت استراتژی‌ها در فضای سناریویی

با توجه به نتایج تحلیل سناریو در فصل چهارم، دو سناریوی منتخب و بدیل عبارتند از:

جدول ۵-۱۴: شرح سناریوهای منتخب و بدیل

سناریو	شرح	مشخصات
منتخب	بهبود انسجام سیاسی در محیط نزدیک و دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا (بدون حذف تحریم‌ها) در محیط دور	عدم تصویب تحریم های جدید
		آزادسازی برخی از دارایی‌های بلوکه شده ایران
		عدم حذف تحریم‌ها
بدیل	بهبود انسجام سیاسی در محیط نزدیک و دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا (با حذف برخی از تحریم‌ها) در محیط دور	عدم تصویب تحریم های جدید
		حذف برخی از تحریم‌ها (بازگشت به وضعیت قبل از تیرماه ۹۱)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر این اساس اولویت راهبردهای کوتاه‌مدت مدیریت تحریم در حوزه راهبردی بازرگانی، بر اساس میزان جذابیت آنها در چارچوب سناریوهای منتخب و بدیل که از تحلیل خبرگی حاصل شده است، بصورت جدول صفحات بعد خواهد بود:

جدول ۵-۱۵: اولویت راهبردهای مرتبط با چالش‌های غیرساختاری در سناریوهای منتخب و بدیل

راهبردها	اولویت در چارچوب سناریو	
	منتخب	بدیل
ارتقاء سطح همکاری‌های وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و امور خارجه	۱	۱
ارتقاء پوشش بیمه‌ای ناوگان حمل‌ونقل دریایی در داخل کشور	۱	۱
کاهش بوروکراسی ترخیص کالاهای وارداتی از گمرک	۱	۱
پیگیری تحریم ناوگان حمل‌ونقل دریایی در مجامع بین‌المللی	۱	۳
ضرورت بازنگری در زنجیره تأمین تولید کالاهای اساسی با هدف کاهش آسیب‌پذیری آن با تشدید تحریم‌ها	۲	۱
پیش‌بینی تحریم‌ها، ارزیابی چالش‌های مرتبط و طراحی راهبردها، قبل از اجرایی شدن تحریم های جدید	۲	۱
تدوین سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی حمایتی در موارد خاص با هدف تقویت زنجیره تأمین کالاهای اساسی	۲	۱
شفاف‌سازی قیمت کالاهای وارداتی با هدف کاهش سوء استفاده واردکنندگان از شرایط تحریم	۲	۲
تکمیل زنجیره تولید محصولات و کاهش اتکا به تأمین مواد اولیه از مبادی پرریسک	۲	۲
افزایش کیفیت کالاهای تولید داخل و ترغیب مصرف کالای باکیفیت داخلی	۲	۳

راهبردها	اولویت در چارچوب سناریو	
	منتخب	بدیل
استفاده از راهبرد تنوع در حمل‌ونقل و عدم‌تمرکز بر یک مدل حمل‌ونقل	۳	۳
تدوین نظام تهاتر کالا با توجه به نیازهای اساسی کشور و روابط تجاری با سایر کشورها با هدف حداقل‌سازی هزینه مبادله و کاهش ریسک زمانی و مقداری دریافت کالا (دریافت میزان کالای مورد نیاز در زمان مقرر)	۳	۲
تأکید بر واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در نظام تهاتری	۳	۲
تقویت نقش نهادهای اقتصادی نظیر کنسرسیوم‌های صادراتی	۳	۳
تقویت وفاق ملی در داخل کشور جهت کاهش اثرات تحریم	۳	۳
ایجاد جذابیت برای خریداران محصولات در بازارهای خارجی با تمرکز بر بازارهای منطقه‌ای دارای مرز زمینی با ایران	۳	۳
کمک به تجار در راستای شناسایی و رایزنی با تولیدکنندگان کالاها به منظور جلوگیری از ورود واسطه‌ها در فرآیند تجارت	۳	۳
کاهش هزینه‌های جانبی واردات از قبیل هزینه‌های اخذ شده توسط سازمان بنادر و مؤسسه استاندارد	۳	۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵-۵- چالش‌های (ساختاری) بسترساز اثربخشی تحریم‌ها (راهبردهای میان‌مدت و بلندمدت - کاهش نااطمینانی)

هرچند در نگاه اول شاید این موضوع به ذهن متبادر شود که این چالش‌ها بسیار تکراری بوده و حتی قبل از اعمال تحریم‌ها یا تشدید آنها نیز وجود داشته‌اند، اما با اندکی تأمل می‌توان دریافت که اصولاً وجود چنین چالش‌هایی که آنها را باید دردهای مزمن اقتصاد ایران محسوب نمود، زمینه را برای ایجاد نااطمینانی و یا تشدید اثرات آن، فراهم می‌نمایند. با نگاهی به روند تشدید تحریم‌ها و برنامه‌ریزی فرستندگان تحریم می‌توان دریافت که نوع و شدت تحریم‌ها به دو عامل کلیدی وابسته است:

۱- درجه سهولت وضع تحریم

۲- ۲- درجه تأثیرگذاری تحریم وضع شده

و با توجه به همین دو عامل است که حوزه راهبردی به عنوان بخش پشتیبانی تولید و مصرف در اقتصاد ایران، در نبود مدیریت کارامد، مورد تحریم قرار می‌گیرد. این بخش از چالش‌ها در گروه چالش‌های ساختاری، طبقه‌بندی شده‌اند. چالش‌های ساختاری به چالش‌هایی اطلاق می‌شود که مختص به شرایط تحریم نبوده و از قدمت بیشتری برخوردار بوده، اما نقشی اساسی را در آسیب‌پذیری سیستم در قبال چالش‌های غیرساختاری ایفا می‌نمایند. لازم به ذکر است که راهبردهای این چالش‌ها در افق‌های زمانی میان‌مدت و بلندمدت قابل اجراست اما ارائه راهبرد و رفع آن از زمان حال ضروری است. با توجه به رابطه علییک طرفه بین چالش‌های ساختاری و غیرساختاری و تأثیر چالش‌های ساختاری بر تقویت یا تحدید اثرگذاری چالش‌های غیرساختاری، بدیهی است که این چالش‌ها با تغییر شرایط و فضای تحریم‌ها، دستخوش تغییر نمی‌شوند. بنابراین چالش‌ها و راهبردهای ارائه شده در این بخش از ثبات بیشتری برخوردار بوده و در فضای تحلیل سناریویی مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند.

با توجه به نظرات خبرگان کلیدی این حوزه، ۴ اولویت با توجه به میزان تأثیر این چالش‌ها بر بخش بازرگانی، به شرح جدول بعد تعریف شده است:

جدول ۵-۱۶: اولویت‌بندی چالش‌های ساختاری حوزه بازرگانی

اولویت	چالش
اول	ضعف تدوین و اجرای قوانین و مقررات بخش بازرگانی کشور
	ضعف شبکه توزیع کالاها در داخل کشور
دوم	وجود انحصارات دولتی و غیردولتی در عرصه‌ی بازرگانی کشور
	ضعف نظام آمار بازرگانی
	وجود حجم بالای کالای قاچاق در اقتصاد کشور
	ناکارایی بازارچه‌های مرزی
	فقدان نظام جامع حمایت از حقوق مصرف‌کننده
	عدم استفاده از ظرفیت‌های موجود در بازارهای منطقه‌ای
	نامتنوع بودن سبد صادراتی و وارداتی کشور
	وجود مشکلات دیوان‌سالارانه در بنادر، گمرکات و فرودگاه‌ها
سوم	بی‌ثباتی سیاست‌های بازرگانی
	بی‌توجهی به مزیت رقابتی در حوزه بازرگانی
	ضعف در نظام قیمت‌گذاری و ساختار تشکیلاتی و اجرایی سیاست قیمت تضمینی
	عدم انسجام سیاست‌های بخش بازرگانی در حوزه برنامه‌ریزی
	افتراق سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان اقتصادی در کشور
	نامناسب بودن فضای کسب‌وکار تجاری
	سهم اندک کشور از اقتصاد بین‌الملل و تجارت جهانی
	کیفیت پایین محصولات وارداتی، تولیدی و صادراتی
	ضعف زیرساخت‌ها در حوزه‌ی بازرگانی
چهارم	عدم استفاده از ظرفیت بیمه‌های تجاری
	ضعف فرهنگ بازرگانی
	کم توجهی به حقوق مالکیت معنوی در حوزه بازرگانی
	پایین بودن بهره‌وری عوامل در حوزه بازرگانی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵-۵-۱- ضعف تدوین و اجرای قوانین و مقررات بخش بازرگانی کشور

یکی از چالش‌های مهم بخش بازرگانی کشور ضعف در تدوین، وضع و اجرای استراتژی‌ها، قوانین و مقررات و همچنین نظارت بر نحوه‌ی اجرای قوانین و مقررات در این حوزه می‌باشد. به عنوان مثال در حوزه قانون‌گذاری، عدم رعایت مراحل قانونی وضع تعرفه توسط کمیسیون ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات و اعمال نظرات مختلف توسط دولت و مجلس، عدم تدوین و تنظیم قوانین و مقررات تجاری بر اساس اصول علمی، تدوین مقررات بازرگانی خارجی و صدور مجوزهای بازرگانی توسط دولت و بعضاً اشخاص خاص و به وجود آمدن انحصار در صدور مجوزهای تجاری و فراهم شدن زمینه برای رانت‌طلبی و فساد در سیستم اقتصادی کشور، فقدان قوانین مربوط به تقویت نقش نظارتی مجلس در خصوص نحوه عملکرد و میزان اثربخشی موافقت‌نامه‌های چندجانبه بر اقتصاد ملی، وجود ضعف‌های قانونی متعدد در قوانین بخش بازرگانی از جمله قانون تجارت، مقررات صادرات و واردات، امور گمرکی، مناطق آزاد و ویژه، قانون اتاق بازرگانی، قوانین حوزه قاچاق کالا و قوانین مربوط به موافقت‌نامه‌های منعقده دو یا چندجانبه و همچنین فقدان قانون تعیین اولویت‌های صنعتی و تجاری کشور در راستای تقسیم کار بین‌المللی و منطقه‌ای را می‌توان نام برد.

در حوزه اجرا نیز می‌توان به عدم پایبندی دولت به رعایت احکام و قوانین برنامه‌های توسعه در بخش بازرگانی اشاره کرد و در حوزه نظارت بر اجرا می‌توان به چالش‌هایی همچون عدم استقرار نهادهای نظارتی مدنی در قالب NGOها، عدم تناسب جرائم وضع شده با تخلفات در نظام اجرایی و طولانی بودن مسیر رسیدگی به تخلفات، نبود ابزارهای کارا برای جلوگیری از تجارت غیرمنصفانه، تعدد موافقت‌نامه‌های منعقده با کشورهای مختلف در حوزه بازرگانی بدون توجه به کارایی آنها و همچنین وجود معافیت‌های وسیع و مکرر منطقه‌ای، کالایی و ... که موجب بروز تخفیف‌ها، استثنائات، ترجیحات و ...

می‌شود و زمینه‌ساز بروز رانت‌ها و عدم تخصیص بهینه منابع است و به کاهش درآمدهای پیش‌بینی شده دولت نیز می‌انجامد، اشاره نمود.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- ثبات در وضع قوانین و مقررات حوزه بازرگانی

۲- تقویت نقش و کارکرد نظارتی مجلس بر نحوه اجرای احکام و قوانین برنامه‌های توسعه در بخش بازرگانی

۳- نهادینه نمودن نقش نهادهای مدنی در نظارت بر اجرای قوانین و مقررات

۴- بازنگری جامع و سیستمی بر قوانین بخش بازرگانی از جمله قانون تجارت، مقررات صادرات و واردات، امور گمرکی، مناطق آزاد و ویژه، قانون اتاق بازرگانی، قوانین حوزه قاچاق کالا و قوانین مربوط به موافقت‌نامه‌های منعقده دو یا چندجانبه

۵- تنظیم و وضع قوانین و مقررات ناظر بر فرایند تجارت با هدف حداقل‌سازی تجارت غیرمنصفانه

۶- تعیین اولویت‌های صنعتی و تجاری کشور در راستای تقسیم کار بین‌المللی و منطقه‌ای

۵-۵-۲- ضعف شبکه توزیع کالاها در داخل کشور

از چالش‌های دیگر حوزه بازرگانی داخلی کشور، سنتی بودن شبکه توزیع کالاها در داخل کشور است که این موضوع به خودی خود باعث افزایش قیمت تمام شده کالاها در کشور شده است، چرا که بهره‌وری منابع در اینگونه سیستم‌ها بسیار پایین است. به‌طور خاص می‌توان بیان کرد که در بخش کشاورزی، عدم استفاده از مزایای تجارت در شبکه توزیع محصولات کشاورزی و وجود ضایعات و گلوگاه‌های اضافی در طی مسیر محصول از تولیدکننده به مصرف‌کننده از مهمترین چالش‌های این بخش است که این

امر خود را در نهایت به شکل افزایش قیمت تمام شده این کالاها نشان می‌دهد، و از این رو اصلاح این موارد به کمرنگ شدن نقش تحریم‌ها بر اقتصاد کمک می‌نماید.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- ساماندهی و به‌روزرسانی اصناف به عنوان شبکه توزیع بازرگانی داخلی کشور
۲- ایجاد زمینه فعالیت فروشگاه‌های زنجیره‌ای به عنوان شبکه‌های نوین توزیع
۳- به‌روزرسانی و اصلاحات جدی در شبکه توزیع محصولات کشاورزی با هدف کاهش واسطه‌ها، ضایعات و در نتیجه قیمت تمام شده محصولات

۵-۵-۳- وجود انحصارات دولتی و غیردولتی در عرصه بازرگانی کشور

وجود انحصارات دولتی در بازار، ناکارآمدی بسیاری را به وجود آورده و به عبارت دیگر، حضور گسترده دولت در امر بازرگانی، موجب کمرنگ شدن جایگاه بخش خصوصی در این بازار شده و از کارایی و اثربخشی این بخش کاسته است. به‌عنوان مثال، وجود شرکت‌های بازرگانی در دستگاه‌های اجرایی دولتی نظیر شرکت بازرگانی دولتی پتروشیمی، کالای نفت، پخش و پالایش فرآورده‌های نفتی و دیگر شرکت‌های فعال در امر بازرگانی که وابسته به نهادهای حاکمیتی هستند، موجب محدود شدن گستره فعالیت بخش فعلی در بازرگانی کشور شده و مانع از فراهم شدن فضای لازم برای تعمیق فعالیت بخش خصوصی در عرصه‌های بازرگانی می‌شود. همچنین سهم بالای سازمان‌های دولتی نسبت به بخش خصوصی در مالکیت امکانات ذخیره‌سازی نیز سیاست مداخله‌گرایانه دولت در بازار خدمات ذخیره‌سازی را تشدید نموده است و عملاً نقش فعال بخش خصوصی را در گرایش به سرمایه‌گذاری کلان در این بخش کم‌رنگ ساخته است. در ارتباط با نظام توزیع در کشور نیز، ورود بیش از حد دولت در این بخش، موجبات محدودیت عمل بخش خصوصی را فراهم آورده است. انحصار خرید، عدم‌ظرفیت‌های مورد نیاز و عدم تطابق کیفیت تولیدات با استانداردهای لازم در بخش نهاده‌های صنایع غذایی نیز از مهمترین معضلات نظام توزیع این بخش است.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- بهبود فضای کسب‌وکار با ایجاد شفافیت، رفع انحصار، جلوگیری از اشاعه رانت‌های مختلف و کاهش مداخله دولت در عرصه‌های تصدی‌گری

۲- وضع قوانین و مقررات با هدف حذف انحصار در واردات با تأکید بر نهاده‌های کشاورزی و صنایع غذایی

۵-۵-٤- ضعف نظام آمار بازرگانی

عدم شفافیت آمار و ارقام بخش بازرگانی کشور، از جمله مواردی است که برنامه‌ریزی مؤثر در این حوزه را با چالش مواجه کرده است. وجود برخی ابهامات در زمینه وجود پدیده کم اظهاری در واردات برای فرار از پرداخت حقوق ورودی و ارزش‌گذاری گمرکی، وجود حجم بالای کالای قاچاق به ویژه در مناطق مرزی، عدم شفافیت در ارائه آمار صادرات غیرنفتی از منظر وابستگی آن به بخش نفت با توجه به سهم میعانات گازی و محصولات پتروشیمی در صادرات غیرنفتی و همچنین ابهام در زمینه وجود صادرات صوری با توجه به وجود مشوق‌هایی برای صادرات از جمله جوایز صادراتی نقدی، از جمله مواردی هستند که آمارهای حوزه بازرگانی را مخدوش نموده‌اند.

همچنین وجود پیش‌بینی‌های به دور از واقعیت در اهداف کمّی بخش بازرگانی و فاصله زیاد ارقام پیش‌بینی و عملکرد و عدم پایبندی به اصلاح آنها باعث ایجاد اختلالاتی در عملکرد این بخش و تحمیل هزینه‌های بالا بر اقتصاد ملی شده است. به‌عنوان مثال، این موضوع را می‌توان در فرایند واردات غلات و به طور خاص گندم در سال‌های اخیر ملاحظه نمود. در برخی موارد با پیش‌بینی نادرست و برآورد و پیش‌بینی بیش از اندازه میزان تولید داخلی این محصول توسط وزارت جهاد کشاورزی، واردات محصول مورد نیاز کشور در زمان بهینه و هنگامی که قیمت‌های جهانی در سطح مناسبی بودند صورت نگرفته و باعث شده است که چندین ماه بعد، زمانیکه قیمت‌های

جهانی در سطح بالایی قرار داشتند، با صرف هزینه‌های ارزی بیشتر نیاز داخلی از بازارهای جهانی خریداری گردد.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱. ایجاد نهاد پایش تولید و مصرف کالاهای اساسی در کشور با محوریت مرکز آمار ایران و همکاری دستگاه‌های مرتبط
۲. بازتعریف صادرات غیرنفتی و تفکیک صحیح و شفاف بین صادرات کالاهای غیرنفتی و کالاها و فرآورده‌های نفتی
۳. طراحی سازوکاری برای انجام نظارت دقیق‌تر بر صادرات، واردات و میزان قاچاق کالا در کشور
۴. شفاف‌سازی و ساماندهی آمار بازرگانی در حوزه بازرگانی داخلی با اختصاص کدهای اقتصادی شخصی به افراد

۵-۵-۵- وجود حجم بالای کالای قاچاق در اقتصاد کشور

وجود حجم بالای کالای قاچاق به خصوص در مناطق مرزی که نشان‌دهنده بخش غیررسمی غیرقابل انکار در تجارت خارجی ایران است، یکی دیگر از چالش‌های بخش بازرگانی کشور است. از جمله عواملی که به پدیده قاچاق کالا دامن زده است، وجود نرخ‌های تعرفه بالا در بازرگانی خارجی و همچنین واقعی نبودن قیمت‌ها در اقتصاد است.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- تسهیل روابط تجاری رسمی با منطقی نمودن موانع و تعرفه‌های تجاری
۲- کاهش هزینه‌های جانبی واردات رسمی از قبیل هزینه‌های اخذ شده توسط سازمان بنادر و مؤسسه استاندارد
۳- افزایش هزینه‌های ریسک واردات و صادرات قاچاق از طریق گسترش نظارت بر مرزها، اجرای کارآمد طرح شناسنامه دار کردن کالاهای وارداتی

۴- گسترش بازارچه‌های مرزی با هدف کمک به شفافیت مبادلات مرزی

۵-۵-٦- ناکارایی بازارچه‌های مرزی

بازارچه‌های مرزی علاوه بر شفاف نمودن مبادلات تجاری مرزی و کاهش قاچاق کالا، نقش مؤثری در ایجاد اشتغال و تقویت تولید در مناطق مرزی کشور ایفا می‌کنند. علاوه بر نقش اقتصادی، بازارچه‌های مرزی در تقویت فرهنگ و امنیت اقتصادی و اجتماعی این مناطق نقش مؤثری دارند. علیرغم این مزایا و پتانسیل‌ها، در حال حاضر وجود مشکلات زیرساختی و مکان‌یابی نامناسب آن‌ها در برخی مناطق مرزی کشور، از کارایی این بازارچه‌ها کاسته است. در شرایط تحریم، تقویت بازارچه‌های مرزی می‌تواند بخشی از راهبرد مقابله با تحدید واردات محسوب شود.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- تسهیل قوانین و مقررات مرتبط با بازارچه‌های مرزی

۲- ایجاد و اصلاح زیرساخت‌های بازارچه‌های مرزی در راستای شفاف نمودن تجارت، ایجاد اشتغال و امنیت در مناطق مرزی کشور

۳- تغییر نگرش به بازرچه‌های مرزی و به رسمیت شناختن آنها به عنوان بخشی از نظام بازرگانی خارجی کشور با توجه به جایگاه بازارهای منطقه‌ای

۵-۵-۷- فقدان نظام جامع حمایت از حقوق مصرف‌کننده

متأسفانه در ایران تعریف دقیقی از نظام حمایت از مصرف‌کننده وجود ندارد و این نظام صرفاً مبتنی بر رفتاری است که در بلندمدت نه تنها منافع مصرف‌کنندگان را تضمین نخواهد کرد بلکه با صدمه زدن به نظام تولید و توزیع، زمینه زیان آنها را فراهم خواهد نمود.

به نظر می‌رسد روزمرگی و توجه به بعد تبلیغاتی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، راه را برای حمایت واقعی از مصرف‌کننده در چارچوبی منسجم و هماهنگ، بسته است.

اگرچه در حال حاضر نهادهایی در مواردی نظیر تعیین قیمت، نظارت و کنترل و برخوردهای قضایی جهت حمایت از مصرف‌کنندگان ایفای نقش می‌کنند، اما نظام جامع و کارایی که بتواند منافع مصرف‌کنندگان را به طور ریشه‌ای تأمین نماید، وجود ندارد.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- بازتعریف نقش شورای رقابت در ایجاد فضای رقابتی، شکست انحصار و جلوگیری از تشکیل انحصار در جامعه

۲- گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد حمایت از مصرف‌کنندگان

۳- پررنگ شدن نهادهای بخش خصوصی (اتاق بازرگانی) و مدنی (تشکل‌های بازرگانی مردم‌نهاد) در کنار دولت در عرصه سیاست‌گذاری

۵-۵-۸- عدم استفاده از ظرفیت‌های موجود در بازارهای منطقه‌ای

عدم تبیین و تدوین ظرفیت‌های اقتصاد کشور جهت معرفی به کشورهای همسایه و همچنین عدم استفاده از ظرفیت‌های موجود در بازارهای منطقه‌ای جهت ارتقاء تعاملات اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای از دیگر چالش‌های حوزه بازرگانی کشور است.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- بخش‌بندی بازارهای هدف و شناخت خواست‌ها و نیازهای مشتریان بر اساس هر بخش

۲- ایجاد مرکز اطلاع‌رسانی بازارهای منطقه‌ای و ارائه اطلاعات مورد نیاز به فعالین اقتصادی

۵-۵-۹- نامتنوع بودن سبد صادراتی و وارداتی کشور

عدم تنوع در سبد صادرات و واردات کشور از دو بعد قابل بررسی است:

الف- عدم تنوع جغرافیایی:

بر اساس آمارهای گمرک و در سال ۱۳۹۱، کشورهای عراق، چین، امارات، افغانستان و هند حدود ۷۹ درصد وزن صادرات ایران و حدود ۶۶ درصد ارزش صادرات را به خود اختصاص داده‌اند که انحصار حدود ۸۰ درصد صادرات به برخی کشورهای خاص همسایه می‌تواند کشور را از این منظر در مواقع بحران آسیب‌پذیر کند. همچنین کشورهای امارات، چین، کره، ترکیه و سوئیس بیش از ۵۳ درصد وزن واردات کشور و بیش از ۵۹ درصد ارزش واردات را به‌خود اختصاص داده‌اند که انحصار بیش از نیمی از واردات کشور از برخی کشورهای عمده طرف وارداتی می‌تواند کشور را از این منظر در مواقع بحران آسیب‌پذیر کند.

ب- عدم تنوع کالایی:

بر اساس آمارهای گمرک، اقلام عمده صادراتی ایران در سال ۱۳۹۱ شامل متانول، پروپان مایع شده و قیرنفت حدود ۱۱/۵ درصد صادرات کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند که حاکی از وابستگی بخشی از صادرات به کالاهای خاص است. به علاوه، اقلام عمده وارداتی کشور شامل دانه گندم، شمش آهن، دانه ذرت، کنجاله سویا و برنج بوده که در مجموع بیش از ۱۷ درصد واردات کشور را تشکیل و حاکی از وجود ضعف‌هایی در تأمین و تولید کالاهای اساسی و وابستگی معیشت مردم به بخش واردات است. این امر می‌تواند آسیب‌پذیری کشور در مواقع بحران را بیشتر کند.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- توجه به نقش ارزش‌افزوده در نظام صادراتی کشور و اولویت دادن به صادرات کالاهای دارای ارزش افزوده بیشتر و کاهش خام فروشی

۲- توجه به تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز جامعه با توجه به دو معیار آسیب‌پذیری تأمین از طریق واردات و مزیت تولید در داخل کشور

۳- افزایش تنوع بازارهای صادراتی با برنامه‌ریزی مناسب، بهبود کیفیت تولیدات داخلی و ارتقاء نظام بازاریابی

۴- افزایش تنوع مبادی وارداتی و تمرکز بر افزایش واردات از کشورهای مؤثر در سیاست بین‌الملل

۵-۵-۱۰- وجود مشکلات دیوان‌سالارانه در بنادر، گمرکات و فرودگاه‌ها

وجود مشکلات دیوان‌سالارانه در بنادر، گمرکات و فرودگاه‌ها از جمله چالش‌هایی است که بر سر راه توسعه تجارت خارجی کشور وجود دارد. این موضوع به خودی خود منجر به افزایش هزینه‌های بازرگانی، تضعیف فضای کسب‌وکار، افزایش قاچاق و در نهایت تضعیف اقتصاد ملی می‌شود.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- اصلاح قوانین و مقررات موجود و تسهیل فرایندهای اجرایی در بنادر، گمرکات و فرودگاه‌ها

۵-۵-۱۱- بی‌ثباتی سیاست‌های بازرگانی

شاید یکی از آفت‌های نظام برنامه‌ریزی در حوزه بازرگانی، بی‌ثباتی در سیاست‌های بازرگانی است. این بی‌ثباتی از یک طرف فضا را برای استفاده از منافع رانتی، مهیا نموده و از سوی دیگر برنامه‌ریزی فعالان بازرگانی و بنگاه‌های اقتصادی که یا برای خرید نهاده‌های مورد نیاز خود و یا برای فروش محصولات خود، به بازارهای خارجی وابسته‌اند را با چالشی جدی مواجه می‌سازد. عدم ثبات در سیاست‌های خارجی کشور، قوانین و مقررات تجاری، نرخ ارز، عدم ثبات اقتصادی در سیاست‌های دولت در زمینه بازرگانی به خصوص در تغییر مستمر نرخ‌های تعرفه واردات و اعمال مجوزهای صادراتی و همچنین عدم ثبات استراتژی کشور در انتخاب کشورهای طرف همکاری و کالاهای مورد مبادله، از جمله مواردی هستند که توان برنامه‌ریزی مؤثر را از کارگزاران اقتصادی و بازرگانان سلب نموده و فعالیت آنها را با مشکلاتی مواجه کرده است.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱-پایبندی به اجرای برنامه‌ها، احکام و قوانین توسعه بخش بازرگانی کشور

۲- تقویت نقش نهادهای نظارتی (مجلس و نهادهای مدنی) بر عملکرد بخش بازرگانی

۳- تقویت نقش مطبوعات تخصصی با محوریت انجمن‌های تخصصی در ایجاد شفافیت در فضای بازرگانی کشور

۵-۵-۱۲- بی‌توجهی به مزیت رقابتی در حوزه بازرگانی

بر اساس اصول علمی، تجارت بین‌الملل باید بر اساس مزیت نسبی کشورها در تولید و صادرات محصولات صورت گیرد. بدین معنی که چنانچه کشوری در تولید و صادرات محصولی مزیت دارد (یعنی هزینه‌های تولید و صادرات آن به‌صورت نسبی کمتر از هزینه واردات آن از بازار جهانی باشد)، باید آن را تولید و صادر نماید؛ و در محصولی که مزیت ندارد باید آن را وارد کند. علیرغم این موضوع، انجام نگرفتن تجارت خارجی کشور بر اساس اصول مزیت نسبی و رقابتی یکی دیگر از چالش‌های حوزه بازرگانی خارجی کشور محسوب می‌شود. این امر علاوه بر تحمیل هزینه‌های بالا بر اقتصاد ملی، زمینه را برای اتلاف و تخصیص غیربهینه منابع در کشور فراهم آورده است.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- توسعه بخش خصوصی وایجاد فضای مناسب کسب وکار و جلب سرمایه‌های خصوصی (داخلی وخارجی) از طریق اجرای صحیح سیاست‌های اصل۴۴همراه با اصلاح نظام تجارت خارجی، ساماندهی بازارهای مالی وهم زمان کوچک کردن اندازه دولت و تقویت کارکردهای حاکمیتی آن و نیز کاهش تصدی گری های دولت و رقابتی‌کردن فعالیت‌ها از طریق حذف یا تنظیم انحصارات.

۲- فراهم آوردن ایجاد قابلیت استفاده و بهره‌مندی از فناوری‌ها و نوآوری‌های جدید جهانی با هدف گسترش وتقویت زمینه تعامل با اقتصاد جهانی به ویژه درحوزه واردات وسرمایه‌گذاری خارجی

۳- فراهم ساختن زیرساختارهای نرم‌افزاری وسخت‌افزاری ارتقاء مزیت رقابتی اکتسابی

۴- فراهم آوردن زمینه‌های نوآوری وخلق ایده‌های مؤثر،سازنده وکارآمد برای دستیابی به مزیت رقابتی اکتسابی

۵- ایجاد کنسرسیوم‌های تحقیق وتوسعه با هدف:

- کاهش هزینه تمام شده؛
- انعطاف‌پذیری درتولید؛
- تولید محصولات کیفی ومتنوع؛

۵-۵-۱۳- ضعف در نظام قیمت‌گذاری و ساختار تشکیلاتی و اجرایی سیاست قیمت تضمینی

ضعف در نظام قیمت‌گذاری و ساختار تشکیلاتی و اجرایی سیاست قیمت تضمینی، یکی دیگر از چالش‌های بازرگانی کشور است. این چالش در اقتصاد ایران از ۵ بعد درخور تأمل است:

الف- ناکارایی نظام قیمت‌گذاری با توجه به قیمت‌های تضمینی یا تمرکز بر رویکرد کف قیمت غیر مؤثر

ب- ناسازگاری نظام قیمت‌گذاری با سیاست‌های کلان اقتصادی و راهبردهای توسعه بخش بازرگانی

ج- ناکارایی نظام قیمت‌گذاری از دیدگاه تأثیر قیمت‌های تضمینی اعلام‌شده بر تصمیمات تولیدکنندگان

د- اتکای نظام قیمت‌گذاری به قدرت چانه‌زنی ذینفعان

ی- ضعف در ساختار تشکیلاتی و اجرایی سیاست قیمت تضمینی (به‌طوری‌که وزارت بازرگانی که وظیفه مباشرت خرید این کالاها را بر عهده دارد، به استثناء غلات، در خصوص مابقی کالاها نه منابع لازم را در اختیار دارد و نه از نظام اجرایی لازم برخوردار است)

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- حضور نهادهای ذینفع در فرایند قیمت‌گذاری با رویکرد:

الف- تطابق نظام قیمت‌گذاری با اصول اقتصادی

ب- تطابق قیمت‌های تضمینی با سیاست‌های کلان اقتصادی کشور

ج- تناسب زمانی اعلام قیمت‌های تضمینی با سیاست‌های کلان اقتصادی

۲- بازنگری در ساختار تشکیلاتی، اجرایی و نظارتی سیاست قیمت تضمینی

۵-۵-۱٤- عدم انسجام سیاست‌های بخش بازرگانی در حوزه برنامه‌ریزی

عدم هماهنگی و نگاه سیستمی میان سیاست‌های بخش بازرگانی با بخش‌های دیگر از جمله تولید، فضای کسب‌وکار، سیاست خارجی، عدم هماهنگی و انسجام کافی بین سه نهاد (بخش) دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی (اتاق‌های بازرگانی) و همچنین وجود دستگاه‌های متعدد در زمینه بازرگانی و از بین رفتن نقش شورای‌عالی توسعه صادرات به عنوان دستگاه متولی تنظیم‌کننده فعالیت‌های دستگاه‌های مختلف از جمله چالش‌های بخش بازرگانی کشور است که به ناکارایی سیاست‌های این بخش منجر می‌شود.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- نگرش سیستمی به نقش سه نهاد دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی (اتاق‌های بازرگانی) در تدوین سیاست‌های بازرگانی کشور

۲- برنامه‌ریزی جامع، واحد و منسجم با رویکرد ارتباط سیستمی میان سیاست‌های بخش بازرگانی با بخش‌های دیگر از جمله تولید (سرمایه‌گذاری و تکنولوژی)، فضای کسب‌وکار، سیاست خارجی و ...

۵-۵-۱۵- افتراق سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان اقتصادی در کشور

از چالش‌های دیگر حوزه بازرگانی داخلی کشور، ناهمخوانی سیاست‌های اقتصادی در حوزه اقتصاد کلان و حوزه بازرگانی است. به عنوان مثال، سیاست تنظیم بازار کالاها در کشور به‌عنوان یکی از نمودهای تأثیرگذاری حوزه بازرگانی، به نحوی با سیاست‌های کلان اقتصادی گره خورده است که عدم نگرش سیستمی به آن، نه تنها نتیجه مثبتی از اجرای سیاست را در پی نخواهد داشت، بلکه زمینه را برای ایجاد فساد و ضربه زدن بر پیکره تولید، فراهم می‌سازد. اتخاذ سیاست‌های انبساطی در سطح کلان در شرایط تورمی در کنار تشدید سیاست تنظیم بازار در سطح خرد برای کنترل تورم، از جمله ساست‌های متناقضی است که دولت‌های نهم و دهم به کرات از آن استفاده نموده‌اند. به‌عنوان مثال افزایش نقدینگی در جامعه، به افزایش تقاضا منجر شده و این امر، منجر به افزایش قیمت کالاها خواهد شد. بنابراین بدون هماهنگی سیستماتیک بین نهادهای مختلف اقتصادی در جامعه، بحث تنظیم بازار با چالش مواجه شده و اهداف برنامه‌ریزی شده محقق نخواهند شد.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- هماهنگ‌سازی سیاست‌های اقتصادی در سطوح خرد و کلان با ایجاد هماهنگی نهادی و تقویت نقش شورای اقتصاد

۵-۵-۱٦- نامناسب بودن فضای کسب‌وکار تجاری

نامناسب بودن فضای کسب‌وکار تجاری و وجود موانع مختلف و فرایندهای پیچیده در این فضا از جمله زمان طولانی، هزینه‌های بالا، مراجع مختلف و تأییدیه‌های فراوان برای فرایند صادرات و واردات و همچنین وجود مشکلات دیوان سالارانه در بنادر، گمرکات و فرودگاه‌ها، از جمله چالش‌های بخش بازرگانی کشور است. علاوه بر این، ایجاد فضای غیررقابتی و نامتعادل برای صادرکنندگان و عدم جبران کامل خسارات وارده به صادرکنندگان از دیگر مشکلات مربوط به فضای کسب‌وکار تجاری است. از دیگر مشکلات مربوط به بازرگانی داخلی و فضای کسب‌وکار می‌توان به عدم برنامه‌ریزی مناسب در استقرار و مکان‌یابی واحدهای تولیدی، تجاری و خدماتی صنفی در فضای فعالیت واحدهای تجاری به ویژه اصناف در شهرها، به نحوی که پراکنش آنها در سطح شهرها با بی‌نظمی و چالش جدی مواجه است و ناهماهنگی بین نهادهای حاکمیتی و مدنی نظیر وزارت بازرگانی و مجامع امور صنفی با نهادهای مدیریت شهری نظیر شهرداری‌ها وجود دارد. همچنین عدم تجمیع فعالیت‌های اقتصادی افراد و شفاف‌سازی آن توسط کدهای اقتصادی شخصی یکی دیگر از چالش‌های موجود است.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- تسهیل و تجمیع فرایندهای تجاری در حوزه بازرگانی داخلی و خارجی

۲- آسیب‌شناسی و بازتعریف مکان‌یابی واحدهای تولیدی، تجاری و خدماتی صنفی در فضای فعالیت واحدهای تجاری به ویژه اصناف در شهرها

۵-۵-۱۷- سهم اندک کشور از اقتصاد بین‌الملل و تجارت جهانی

از جمله مواردی که باعث افزایش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از تحریم‌ها شده است، سهم اندک کشور از اقتصاد بین‌الملل و تجارت جهانی و عدم هم‌پیوندی اقتصادی-تولیدی با اقتصادهای منطقه و جهان، به دلیل وجود موانع تجاری بسیار در حوزه بازرگانی خارجی کشور است. وجود نرخ‌های تعرفه بالا و محدود کردن بازار داخلی

بعضی از کالاها همچون خودرو به تولیدات داخلی، وابستگی کشورهای غربی به بازار ایران را کمتر نموده و از این‌رو تحریم‌ها علیه ایران را برای آنها کم هزینه‌تر کرده است. از طرف دیگر، مشخص نبودن سیاست استراتژیک تجاری در حمایت از صنایع خاص و وجود نرخ‌های تعرفه بالا در برخی کالاهای خاص موجب بروز پدیده قاچاق در کشور شده و کرانه‌های بالای تعرفه‌ای را به وجود آورده است. به علاوه، عدم عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت و وجود قوانین متفاوت با شرکای تجاری موجب شده است که کشور نتواند به‌صورت کامل از ظرفیت تجارت آزاد استفاده نماید و این امر مانعی برای حضور بدون تبعیض صادرکنندگان در بازارهای بین‌الملل شده است. همچنین عدم گرایش به وجود ارتباطات بین‌المللی از سوی بنگاه‌های اقتصادی و عدم استفاده کامل از ظرفیت‌های مربوط به نمایندگان ایران و رایزنان بازرگانی خبره در خارج کشور در روابط اقتصادی و تجاری، از عوامل دیگری هستند که حضور ایران در صحنه اقتصاد و تجارت بین‌الملل را کمرنگ نموده است.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- لزوم برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی تجاری مناسب با هدف کاهش محدودیت‌ها و موانع تجاری و ایجاد زمینه برای حضور فعال‌تر ایران در صحنه تجارت بین‌الملل (در بلندمدت چنانچه موانع تجاری کشور در حوزه واردات کاهش یابد و نقش ایران در تجارت بین‌الملل و همچنین به‌عنوان یکی از حلقه‌های زنجیره تأمین جهانی افزایش یابد، وضع تحریم بر بازرگانی خارجی ایران، برای کشورهای خارجی پرهزینه‌تر خواهد شد.)

۲- تدوین سیاست استراتژیک بازرگانی کشور در جهت تحقق شرایط و پیش‌نیازهای لازم برای پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت

۳- استفاده از ظرفیت تجارت آزاد از طریق عضویت در سازمان جهانی تجارت و ارتقاء سطح مشارکت در اتحادیه‌های تجاری- اقتصادی منطقه‌ای

۴- بهبود روابط اقتصادی و بازرگانی با تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های رایزنان و نمایندگان خبره ایران در خارج کشور
۵- برنامه‌ریزی برای افزایش سطح تعاملات بین‌المللی بنگاه‌های اقتصادی

۵-۵-۱۸- کیفیت پایین محصولات تولیدی، وارداتی و صادراتی

بی‌توجهی به کیفیت کالاهای وارداتی و کمرنگ بودن نقش شرکت‌های بازرسی، بر کیفیت تولید و مصرف داخلی تأثیر منفی می‌گذارد. از طرف دیگر کیفیت پایین محصولات تولیدی و صادراتی باعث کاهش مزیت رقابتی ایران در بازارهای جهانی شده است. مجموعه این عوامل باعث تضعیف اقتصاد ملی و کاهش درآمدهای ارزی می‌شود و کشور را در شرایط بحران آسیب‌پذیر خواهد کرد.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- ارتقاء سطح تکنولوژی تولید و نظام بازاریابی
۲- تدوین قوانین و مقررات سختگیرانه‌تر و کنترل مؤثرتر بر کیفیت محصولات تولیدی، صادراتی و وارداتی
۳- بازنگری در استانداردهای تولید و صادرات با هدف همگرایی بیشتر با معیارهای جهانی
۴- طراحی و ایجاد سازوکاری مناسب برای کنترل مؤثر کیفیت کالاهای وارداتی به کشور
۵- ارتقای دانش ومهارت‌های سرمایه انسانی وتوانمندسازی فعالان بخش بازرگانی کشور

۵-۵-۱۹- ضعف زیرساخت‌ها در حوزه بازرگانی

عدم وجود زیرساخت‌های مناسب صادراتی و گمرکی از جمله شرکت‌های بازرسی، ضمانت‌های صادراتی و غیره و همچنین فرسودگی و ظرفیت محدود ناوگان حمل‌ونقل

جاده‌ای، هوایی، دریایی، ریلی و غیره از جمله مشکلات و چالش‌های مهم بخش بازرگانی کشور است. همچنین در ارتباط با میادین (عمده فروشی) میوه و تره‌بار، می‌توان به عدم وجود زیرساخت‌های لازم نظیر سیستم‌های مکانیزه بسته‌بندی، ذخیره‌سازی و صادرات اشاره کرد؛ به طوریکه با توجه به عدم ریسک‌پذیری بنگاه‌های مالک این میادین، انگیزه‌ای نیز برای این کار وجود ندارد. تشکل‌های بخش کشاورزی نیز به دلیل عدم هدایت صحیح از قدرت کافی برخوردار نبوده و عملاً همین امر موجبات افزایش ضایعات و کاهش بهره‌وری در اقتصاد ملی را فراهم می‌آورد.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- ایجاد زیرساخت‌های مناسب از جمله ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای، هوایی، دریایی و ریلی در ساختار اقتصاد کشور و تسهیل فرایندهای صادرات و واردات در بنادر، گمرکات و فرودگاه‌ها متناسب با آمایش سرزمینی کشور

۲- فراهم ساختن زیرساخت‌های صادراتی و گمرکی همچون شرکت‌های بازرسی، ضمانت‌های صادراتی و ... در جهت تسهیل فرایند صادرات و افزایش کیفیت محصولات صادراتی و وارداتی متناسب با آمایش سرزمینی کشور

۳- ایجاد و فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم نظیر سیستم‌های مکانیزه بسته‌بندی، ذخیره‌سازی و صادرات در میادین (عمده فروشی) میوه و تره‌بار با همکاری بخش خصوصی به منظور کاهش ضایعات و افزایش بهره‌وری در اقتصاد ملی متناسب با آمایش سرزمینی کشور

۵-۵-۲۰- عدم استفاده از ظرفیت بیمه‌های تجاری

عدم استفاده از ظرفیت بیمه‌های تجاری در حفظ امنیت اقتصادی و محیط کسب-وکار تجاری و همچنین نامناسب بودن بیمه‌های صادراتی از جمله چالش‌هایی است که روند توسعه بازرگانی داخلی و خارجی کشور را با مشکلاتی مواجه خواهد کرد.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- آسیب‌شناسی و رفع نقصان‌های بیمه‌های تجاری

۵-۵-۲۱- ضعف فرهنگ بازرگانی

عدم وجود فرهنگ مناسب در بحث بازرگانی در میان افراد جامعه یکی دیگر از چالش‌های بازرگانی کشور است. از یک طرف، وجود فرهنگ مصرف کالاهای لوکس و متنوع خارجی در میان افراد جامعه، کشور را به شدت مصرف‌گرا نموده و در مواقع بحران که واردات کالا به کشور محدود می‌شود آسیب‌پذیر می‌کند. از منظری دیگر، امروزه در جامعه به سرمایه‌داران و بازرگانان داخلی و خارجی علیرغم اهمیت آنها در اقتصاد کشور، به دیده افرادی فرصت‌طلب و رانت‌جو نگریسته می‌شود. این موضوع، یکپارچگی افراد جامعه برای رفع و حل مشکلات بازرگانی کشور را با چالش مواجه می‌کند. همچنین، در سال‌های اخیر به دلیل بی‌ثباتی‌های اقتصادی، عده‌ای در جامعه به واسطه‌گری‌های غیرمنصفانه و غیرمولد به خصوص در مورد برخی دارایی‌های مالی از جمله زمین، طلا و ..، به دیده فعالیتی پرسود و کم دردسر نگریسته و به آن روی آورده‌اند. این موضوع به تدریج به فرهنگی نامناسب در بازرگانی کشور تبدیل شده و افراد جامعه را از انجام فعالیت‌های اقتصادی مولد باز می‌دارد.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی هم‌زمان با فرهنگ‌سازی مصرف کالای با کیفیت داخلی

۲- ایجاد شفافیت و تمایز بین رانت‌خواران و کارآفرینان حوزه بازرگانی
۳- تغییر نگرش جامعه به فعالیت‌های مولد و رانت‌جویانه

۵-۵-۲۲- کم توجهی به حقوق مالکیت معنوی در حوزه بازرگانی

کم توجهی به حقوق مالکیت معنوی در حوزه بازرگانی به ویژه بازرگانی داخلی یکی دیگر از چالش‌های این بخش است. این موضوع در مورد محصولات هنری و فرهنگی نمود بیشتری پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال، حقوق مالکیت معنوی در مورد محصولاتی همچون کتاب، فیلم، موسیقی و غیره در ایران کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و پیگردهای قانونی در این زمینه کمرنگ است. این موضوع صنایع مربوطه را تضعیف و در طی زمان اشتغال و سرمایه‌گذاری را با چالش مواجه می‌کند.

استراتژی های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- تدوین سازوکارهای قانونی در زمینه تبیین حقوق مالکیت معنوی در حوزه بازرگانی
۲- فرهنگ‌سازی مناسب و ترغیب جامعه به رعایت حقوق مالکیت معنوی

۵-۵-۲۳- پایین بودن بهره‌وری عوامل در حوزه بازرگانی

پایین بودن بهره‌وری عوامل در حوزه بازرگانی کشور یکی از مهمترین چالش‌های بخش بازرگانی کشور است که بهبود و ارتقای آن در بلندمدت به چابک شدن سیستم بازرگانی کشور و کمرنگ شدن اثر تحریم‌ها کمک شایان توجهی می‌کند.به‌طور کلی عواملی همچون سنتی بودن نیروی انسانی این بخش، مالکیت دولتی واحدهای تجاری بزرگ مقیاس همچون فروشگاه‌های زنجیره‌ای، کوچک بودن مقیاس واحدهای بازرگانی خصوصی، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب و عدم استفاده از ابزارهای نوین و تجارت الکترونیک از جمله مواردی هستند که بهره‌وری این بخش را به طور چشمگیری کاهش

داده‌اند. به‌طور مبسوط‌تر این طور می‌توان بیان کرد که نیروی انسانی بخش بازرگانی به ویژه واحدهای صنفی که اغلب نیروهای سنتی و تجربی هستند، با اتکاء بر تجارب خود و بدون بهره‌گیری از پیشرفت‌های فناوری به فعالیت خود ادامه می‌دهند. به عبارت دیگر، سطح دانش و آگاهی نیز در میان نیروی انسانی این بخش پایین است. همچنین، فعالیت فروشگاه‌های زنجیره‌ای در قالب مدیریت‌های دولتی با رویکرد عموماً معطوف به غرفه‌داری که علی‌الاصول با اهداف و فلسفه وجودی فروشگاه‌های زنجیره‌ای مغایرت دارد، به طوری‌که از مزایایی نظیر صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس فعالیت، کاهش هزینه‌های سربار و قیمت تمام شده، بهینه‌سازی نظام توزیعی و یکسان‌سازی قیمت در کل شبکه فعالیت فروشگاه زنجیره‌ای برخوردار نیست. علاوه بر این، کوچک بودن مقیاس فعالیت بنگاه‌های صادراتی در حوزه بازرگانی خارجی و واحدهای عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در حوزه بازرگانی داخلی به کاهش بهره‌وری این بنگاه‌ها دامن زده است. همچنین فقدان زیرساخت‌های مناسب در حوزه بازرگانی داخلی و خارجی و عدم استفاده کامل از بستر تجارت الکترونیک و ابزارهای نوین، سرعت، دقت و هزینه مبادلات بازرگانی را در حد نامطلوبی نگه داشته است که این موضوع به طور مستقیم بهره‌وری بخش بازرگانی کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

به منظور ارتقاء بهره‌وری عوامل در حوزه بازرگانی در راستای کاهش قیمت تمام شده کالاها و افزایش توان رقابت در عرصه جهانی، استراتژی‌های زیر، پیشنهاد می‌گردد:

۱- ساماندهی زنجیره ارزش فرایندها وارتقای بهره وری

۲- استفاده مؤثرتر از فناوری‌های نوین به منظور کاهش هزینه‌ها و قیمت تمام شده کالاها و افزایش درآمد و سرعت مبادلات

۳- به‌روز رسانی شبکه توزیع محصولات کشاورزی به منظور کاهش واسطه‌ها، ضایعات و کاهش قیمت تمام شده

۴- آموزش و به‌روز رسانی نیروی انسانی بخش بازرگانی در جهت بالا بردن کیفیت خدمات ارائه شده توسط آنها و بهره‌گیری از مزایای تجارت الکترونیک

۵- اصلاح ساختار فروشگاه‌های زنجیره‌ای فعلی و واگذاری آنها به بخش خصوصی به منظور استفاده از مزایایی نظیر صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس فعالیت، کاهش هزینه‌های سربار و قیمت تمام شده، بهینه کردن نظام توزیعی و یکسان‌سازی قیمت در کل شبکه فعالیت فروشگاه زنجیره‌ای

۶- ایجاد و فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم نظیر سیستم‌های مکانیزه بسته‌بندی، ذخیره‌سازی و صادرات در میادین (عمده فروشی) میوه و تره‌بار با همکاری بخش خصوصی به منظور کاهش ضایعات و افزایش بهره‌وری در اقتصاد ملی

۷- تحول در ساختار سازمانی دولت به منظور انجام مدیریت مؤثر بازرگانی داخلی

۸- تسهیل سرمایه‌گذاری و ایجاد ثبات و رونق در اقتصاد کشور به منظور ترغیب واحدهای عمده‌فروشی و خرده‌فروشی در حوزه بازرگانی داخلی و بنگاه‌های صادراتی در حوزه بازرگانی خارجی به سمت افزایش مقیاس فعالیت و افزایش بهره‌وری.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

چالش‌های پیش‌روی حوزه راهبردی بازرگانی با توجه به افق زمانی ایجاد و همچنین دوره زمانی مورد نیاز برای حل آنها به دو گروه چالش‌های ساختاری و چالش‌های غیرساختاری طبقه‌بندی گردیدند. چالش‌های غیرساختاری که متأثر از شرایط تحریمی حاکم بر کشور است، عبارتند از:

- تحدید واردات و تولید داخلی
- افزایش آسیب‌پذیری زنجیره تأمین کالاهای اساسی
- تشدید تحریم ناوگان حمل‌ونقل دریایی و بنادر
- افزایش قیمت کالاهای وارداتی
- افزایش هزینه مبادله بازرگانی شرکت‌های بورسی

در گام بعد راهبردهای متناظر با هر چالش با استفاده از رویکرد فرصت-چالش و با تکیه بر تحلیل خبرگی استخراج و میزان جذابیت هر راهبرد در چارچوب دو سناریوی منتخب و بدیل، مورد ارزیابی قرار گرفت.

مرحله بعد بر تعیین چالش‌های ساختاری استوار گردید. چالش‌هایی که از آنها به‌عنوان بسترساز اثربخشی تحریم‌ها یاد شد. این چالش‌ها از قدمت بیشتری نسبت به چالش‌های پیشین برخوردار بوده و راهبردهای مربوط به آنها، در دوره زمانی میان‌مدت و بلندمدت اثربخش است. این چالش‌ها را در حوزه راهبردی بازرگانی می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ضعف تدوین و اجرای قوانین و مقررات بخش بازرگانی کشور
- ضعف شبکه توزیع کالاها در داخل کشور
- وجود انحصارات دولتی و غیردولتی در عرصه بازرگانی کشور
- ضعف نظام آمار بازرگانی
- وجود حجم بالای کالای قاچاق در اقتصاد کشور
- ناکارایی بازارچه‌های مرزی

- فقدان نظام جامع حمایت از حقوق مصرف‌کننده
- عدم استفاده از ظرفیت‌های موجود در بازارهای منطقه‌ای
- نامتنوع بودن سبد صادراتی و وارداتی کشور
- وجود مشکلات دیوان‌سالارانه در بنادر، گمرکات و فرودگاه‌ها
- بی‌ثباتی سیاست‌های بازرگانی
- بی‌توجهی به مزیت رقابتی در حوزه بازرگانی
- ضعف در نظام قیمت‌گذاری و ساختار تشکیلاتی و اجرایی سیاست قیمت تضمینی
- عدم انسجام سیاست‌های بخش بازرگانی در حوزه برنامه‌ریزی
- افتراق سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان اقتصادی در کشور
- نامناسب بودن فضای کسب‌وکار تجاری
- سهم اندک کشور از اقتصاد بین‌الملل و تجارت جهانی
- کیفیت پایین محصولات وارداتی، تولیدی و صادراتی
- ضعف زیرساخت‌ها در حوزه بازرگانی
- عدم استفاده از ظرفیت بیمه‌های تجاری
- ضعف فرهنگ بازرگانی
- کم توجهی به حقوق مالکیت معنوی در حوزه بازرگانی
- پایین بودن بهره‌وری عوامل در حوزه بازرگانی

سپس این چالش‌ها بر اساس میزان اهمیت، رتبه‌بندی شده و ذیل هر چالش، راهبردهایی ارائه گردیده است.

فصل ششم

چالش‌ها و راهبردهای حوزه نفت وانرژی

فصل ششم
چالش‌ها و راهبردهای حوزه نفت و انرژی

مقدمه

نفت به‌عنوان ماده اصلی تأمین انرژی در جهان کنونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و عامل اساسی تأمین انرژی جوامع صنعتی است. بدون تردید الگوی شناخته شده فعلی زندگی در قسمت اعظم دنیای امروز بدون تولید و مصرف انبوه نفت غیر ممکن خواهد بود. از این نظر است که مسلماً دنیای صنعتی امروز که بیش از دیگر جوامع به نفت وابسته است، نمی‌تواند نسبت به تحولات تولید و مصرف این کالا بی‌تفاوت باشد. از سوی دیگر نفت ویژگی‌های منحصر به فردی از نظر تولید دارد که مهمترین آن این است که قابلیت تولید مجدد ندارد و تمام شدنی است و همچنین بخش عمده آن در مراکزی از جهان که مراکز عمده مصرف نیستند قرار دارد. تولیدکنندگان نفت عمدتاً کشورهای کم‌تر توسعه یافته‌اند که وضعیت اجتماعی متزلزلی دارند.

از آنجایی که وابستگی دنیای صنعتی به نفت از جوامع دیگر بیشتر است، لذا نفت علاوه بر اینکه یک کالای اقتصادی است یک کالای سیاسی نیز هست. از بعد سیاسی

کشورهای صنعتی راه‌هایی را برای ایجاد اطمینان در تأمین موادنفتی خود انتخاب خواهند کرد که عبارتند از:[۳۹]

۱. سلطه نظامی بر مناطق نفت‌خیز جهان؛ این راه‌حل مطلوبی نیست و در شرایط اضطرار انتخاب می‌شود چرا که چاه‌های نفت بسیار آسیب‌پذیر بوده و بنابراین این راه‌حل ریسک بالایی دارد.

۲. پذیرش تحولاتی در بافت اقتصادی-اجتماعی کشورهای نفت‌خیز مشروط به آنکه این تحولات در چارچوب ارزش‌های دنیای صنعتی باشد. این راه نیز نامطلوب است زیرا تغییر اساسی در بافت اقتصادی–اجتماعی این کشورها مستلزم انقلاب-های اقتصادی-اجتماعی است و بنابراین بسیار بعید است که جهان صنعتی حاضر به پذیرش چنین راهکارهایی باشد.

۳. پذیرش وابستگی بیش از حد اقتصادی-اجتماعی-سیاسی به کشورهای توسعه نیافته تولیدکننده نفت؛ این راه نیز مورد پذیرش جهان صنعتی نخواهد بود.

۴. سلطه سیاسی- اقتصادی بر مناطق نفت‌خیز جهان؛ که راه‌حلی جز این برای جهان صنعتی وجود ندارد.

از بعد اقتصادی نیز دو دیدگاه نسبت به نفت وجود دارد:[۴۰]

۱. نفت، محوری برای درآمد ملی باشد، که کل کشور و ملت و دولت از درآمد آن ارتزاق کنند.این دیدگاه غلطی است که چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب به آن عمل شده است.

۲. نفت، محور توسعه فناوری و اقتصاد کشور باشد که امری مثبت است. یعنی به کمک نفت، چرخ‌های تکنولوژی و اقتصاد کشور به حرکت درآید. برای رشد اقتصادی، توسعه فناوری و خوداتکایی و توسعه صنعت نفت، به عنوان نیروی

---

[۳۹] - عظیمی، حسین (۱۳۶۵). "دورنمای بازار نفت و آینده اقتصاد ایران"، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱، ۱۲-۹

[۴۰] - نعمت‌زاده، محمدرضا، سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۳۱مهر ۱۳۹۰

محرکه محسوب شده و می‌تواند موجب توسعه فناوری و اقتصاد شود و وقتی اقتصاد و تجارت بین‌الملل رشد کند، متقابلاً به رشد و توسعه صنعت نفت کمک می‌کند.

تولید و صادرات نفت خام ایران نیز هم به لحاظ سیاسی و هم از بعد اقتصادی و درآمد دولت بخش کلیدی است. درآمد حاصل از صادرات نفت خام بیش از ۲۰٪ تولید ناخالص د اخلی، حدود ۷۰٪ درآمدهای ارزی و بیش از ۷۰-۶۰٪ درآمد بودجه‌ای را تشکیل می‌دهد. بنابراین بخش انرژی سهم زیادی در اقتصاد ایران دارد و می‌تواند یک نقطه آسیب‌پذیر در تحریم‌ها باشد.[۴۱]

٦-١- مروری بر تحریم های نفتی علیه ایران

ایران، علاوه‌بر دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز از لحاظ قرار گرفتن در منطقه‌ای که قلب انرژی جهان نام گرفته نیز از جایگاه ممتازی برخوردار است که مزیت اقتصادی ویژه‌ای را برای کشور فراهم می‌آورد. تحریم ایران از سوی کشورهای غربی سابقه طولانی دارد. نخستین تحریم ایران در دوره ملی شدن صنعت نفت ایران و توسط دولت بریتانیا صورت گرفت. تحریم بریتانیا در آن زمان واکنشی بود به اقدامات دکتر مصدق. تحریم های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به ۶ دوره اصلی تقسیم‌بندی نمود که هر یک دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد:

۱- دوره ابتدای انقلاب اسلامی (۶۰-۱۳۵۸)

۲- دوره جنگ ایران-عراق (۶۷-۱۳۶۰)

۳- دوره سازندگی (۷۱-۱۳۶۸)

۴- دوره ریاست جمهوری کلینتون، مهار دوجانبه (۸۰-۱۳۷۲)

---

[41] - Anthony H. Cordesman, U.S. and Iranian strategic competition, April 19, 2013, 121

۵- پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

۶-مقابله با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

در این ۶ دوره ۲ نوع تحریم نفتی علیه ایران صورت گرفته است:

دسته اول تحریم های نفتی ایران از بعد از اشغال سفارت آمریکا صورت گرفت و ورود نفت ایران به ایالات متحده آمریکا که بزرگترین مصرف‌کننده نفت است ممنوع شد (آمریکا تقریباً ۲۵ درصد کل نفت خام دنیا را مصرف می‌کند). این تحریم تا به امروز پا برجاست.

دسته دوم تحریم هایی است که برعکس تحریم فوق، تغییر کرده‌اند؛ بر مبنای این تحریم‌ها شرکت‌های نفتی امریکائی حتی اجازه معامله نفت ایران را ندارند ولو مقصد بازارهای دیگری جز بازار داخلی آمریکا باشد. این تحریم مقطعی بود یعنی گاهی برداشته می‌شد و گاهی اعمال می‌شد؛ به عنوان مثال سال ۶۳-۶۲ این تحریم بصورت جدی اعمال شد و در نتیجه آن صنعت نفت با مشکلات بسیاری مواجه شد، زیرا کشور به این امر عادت کرده بود که یک سری شرکت آمریکایی نفت را بخرند و فرآیند بازاریابی وجود نداشت. تلاش‌های گسترده‌ای در آن زمان جهت شناسایی پالایشگرها و مصرف‌کنندگان نهایی صورت گرفت تا ارتباط مستقیم با آنها برقرار شود، به عنوان مثال اگر آلمان ۲ میلیارد دلار جنس به ایران می‌فروشد، می بایست معادل و یا حداقل نصف آن از ایران نفت بخرد و از این طریق ایران بتواند فشار وارد شده را کاهش دهد.

تحریم های حوزه نفت و گاز با حضور مستقیم ایالات متحده و همکاری نزدیک اتحادیه اروپا، سنگین‌ترین تحریم‌ها علیه ایران را به صحنه آورده است. بر اساس لایحه تحریم ایران (ISA[۴۲]) علاوه بر بنگاه‌های امریکایی که پیش از این مشمول طرح تحریم های ایالات متحده بوده اند، سایر بنگاه‌های خارجی از سرمایه‌گذاری در بخش انرژی در ایران منع شده‌اند. در این لایحه آمده است که اشخاص حقیقی و حقوقی مجاز

---

42 - Iran Sanction Act

نیستند بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری کنند. اصطلاح سرمایه‌گذاری در این لایحه هم شامل سرمایه‌گذاری جدید و هم شامل سرمایه‌گذاری برای توسعه و حفظ ظرفیت‌های فعلی می‌شود. به عبارت دیگر، این لایحه ممنوعیت سه مفهوم ساخت، نوسازی و توسعه حوزه انرژی ایران را در بر می‌گیرد.

علاوه‌بر این، متممی که لایحه جامع تحریم ایران (CISADA)[۴۳] به لایحه فوق اضافه می‌کند، سرمایه‌گذاری و مشارکت در احداث خطوط لوله بخش انرژی در داخل یا به خارج از ایران را هم در بر می‌گیرد. بر این اساس، فروش محصولاتی که به ساخت یا نگهداری خط لوله‌های مرتبط با بخش انرژی یاری می‌رساند، ممنوع شده است.

در مذاکرات انجام شده، ایالات متحده احداث خط لوله ایران - پاکستان را صریحاً ذیل موارد تحریمی قرار داده است. در خصوص صادرات گاز ایران به ترکیه نیز، از آنجا که سرمنشأ این خط لوله در ترکمنستان است، تاکنون مشمول تحریم‌ها نشده است. این درحالیست که عده‌ای از صاحبنظران، این معافیت تحریمی برای ترکیه را به دلیل رابطه مثبت ایالات متحده با هم‌پیمانش می‌دانند. در ماه مه سال ۲۰۰۹ نیز خط لوله میان ایران و ارمنستان توسط گازپروم روسیه احداث شد که تاکنون هیچ‌گونه نقض تحریمی در این خصوص اعلام نشده است.

یکی دیگر از اهداف ایالات متحده در تحریم های حوزه انرژی، قرار دادن نهادهای مرتبط با فروش و صدور در لیست تحریم‌هاست. در همین راستا، افراد یا مؤسساتی که با شرکت ملی نفت ایران (NIOC)، شرکت ملی نفتکش‌های ایران (NICO) و شرکت نفتیران (NICO) وارد معامله شوند مشمول ۵ مورد از لیست ۱۲ موردی لایحه جامع تحریم ایران خواهند گرفت. شرکت نفت فلات قاره، شرکت ملی صادرات گاز ایران و شرکت مهندسی و توسعه نفت نیز از جمله زیرمجموعه‌های شرکت ملی نفت ایران هستند که به‌طور ضمنی مشمول این تحریم‌ها می‌شوند.

---

[43] - Comprehensive Iran Sanctions, Accountability and Divestment Act

در همین حال برخی از بنگاه‌های ایرانی که در حوزه انرژی فعالیت می‌کنند به دلیل عدم‌شفافیت روابطشان با وزارت نفت در لیست تحریم‌ها قرار ندارند. از این جمله شرکت‌ها می‌توان به شرکت نفت پاسارگاد، پتروشیمی زاگرس، مشاوران سازه، انرژی قشم و گروه صنعتی سدید اشاره کرد.

در بخش گاز نیز، از آنجا که تکنولوژی توسعه ترمینال‌های صدور گاز مایع در انحصار ایالات متحده است، ایران قادر به تأسیس چنین ترمینالی نیست و تنها سرمایه‌گذاری در توسعه گاز مایع در ایران مشمول تحریم‌ها شده است.

در ژانویه ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا منع انعقاد قراردادهای نفتی با ایران و در جولای ۲۰۱۲ توقف واردات نفت ایران را به تصویب رساند. در مجموع اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۱ روزانه ۶۰۰،۰۰۰ بشکه نفت از ایران خریداری می‌کرد که یک چهارم کل صادرات نفت ایران را تشکیل می‌داد. علاوه بر این بیمه نفتکش‌های حامل نفت و سایر محصولات پتروشیمی ایران از اول جولای ۲۰۱۲ متوقف شد. همچنین کشورهای اروپایی از معامله طلا، الماس و محصولات پتروشیمی با ایران منع شدند و کلیه دارایی‌های بانک مرکزی ایران در این کشورها ضبط شد. این درحالی است که برخی معاملاتی که منع قانونی ندارند همچنان قابل انجام هستند[۴۴]. در جدول صفحه بعد کاهش خرید نفت ایران قابل مشاهده است:

[44] -Kenneth Katzman (2013). “Iran Sanctions”, Congressional Research Service (CRS), April28, 2013, p 35

جدول ۶-۱: خریداران عمده انرژی از ایران و کاهش کنونی خرید آنها(مقدار به بشکه در روز، bpd)

کشور/ بلوک	خرید متوسط ۲۰۱۱	خرید متوسط جاری
اتحادیه اروپا (به خصوص ایتالیا، اسپانیا و یونان)	۶۰۰۰۰۰	ناچیز
چین	۵۵۰۰۰۰	۴۳۵۰۰۰
ژاپن	۳۲۵۰۰۰	۱۸۰۰۰۰
هند	۳۲۰۰۰۰	۲۲۵۰۰۰
کره جنوبی	۲۳۰۰۰۰	۱۶۵۰۰۰
ترکیه	۲۰۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰
آفریقای جنوبی	۸۰۰۰۰	۰
مالزی	۵۵۰۰۰	۱۵۰۰۰
سریلانکا	۳۵۰۰۰	۱۵۰۰۰
تایوان	۳۵۰۰۰	۱۵۰۰۰
سنگاپور	۲۰۰۰۰	۱۵۰۰۰
دیگر کشورها	۵۵۰۰۰	۳۵۰۰۰
جمع کل	mbd۲,۵	mbd ۱,۲۴

Source:"Iran Sanctions", Congressional Research Service (CRS), April28, 2013, p 35

*ممکن است حجم واقعی متفاوت باشد و حجم واردات در طول دوره‌های کوتاه‌مدت زمانی به‌طور قابل توجهی در نوسان باشد.

٦-۲- تحریم های سرمایه‌گذاری نفتی ایران

استفاده نادرست از منابع مالی خارجی از طریق استقراض و بروز بحران بدهی‌ها در دهه ۱۹۸۰ و تبعات منفی سیاسی و اقتصادی فزاینده آن سبب شد تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری به شکل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بصورت بهترین روش درآید.

همچنین می‌توان به آثار مثبت و کیفیت بالاتر سرمایه‌گذاری خارجی به دلیل توأم بودن با انتقال تکنولوژی و دانش فنی، در اختیار داشتن بازار فروش به مراتب وسیعتر و مدیریت کارآمدتر اشاره نمود. متداول‌ترین نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری مشترک است که در آن سرمایه‌گذاری مختلط با مشارکت شرکت‌های داخلی و خارجی و به تناسب قرارداد به وجود می‌آید و هر دو طرف در میزان هزینه‌های سرمایه‌گذاری و منافع حاصل از آن با توجه به تناسب موجود سهیم هستند.

این نوع سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه رو به گسترش است. تفاوت دیگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با انواع دیگر سرمایه‌گذاری، وجود شرایط خاص، در این نوع سرمایه‌گذاری است.

کشورهای در حال توسعه به دلیل شرایط خاص خود معمولاً از فناوری در مقیاس محدود استفاده می‌کنند. اکثر فناوری‌های مورد استفاده در این کشورها، قدیمی و در نتیجه میزان کارآیی بنگاه‌ها به نسبت پایین است. حتی اگر بخشی از شکاف بهره‌وری با دستمزدهای کمتر جبران شود، ناکارآیی فنی بر کیفیت محصول اثر گذاشته و توانایی و قابلیت آنها را برای پاسخگویی به نیازهای جدید بازار کاهش می‌دهد.

هرچند فناوری‌های مدرن را می‌توان از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وارد این صنعت نمود اما بومی کردن این فناوری‌ها و توسعه فعالیت‌های مراکز تحقیق و توسعه می‌توانند آثار سرازیر شدن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش دهند.

صنعت نفت کشور با توجه به رشد تقاضای داخلی و افزایش قیمت نفت و همچنین رشد تقاضای جهانی در نقطه تعیین کننده‌ای قرار دارد و حداقل از چهار ناحیه نیازمند سرمایه است:

۱. تولید و استمرار تولید از حوزه‌هایی که با گذشت زمان دچار افت تولید می‌شوند.

۲. اکتشاف حوزه‌ها و میادین نفتی و گازی جدید.

۳. توسعه حوزه‌های فعال فعلی

۴. ورود فناوری‌های پیشرفته

اما تحریم‌ها باعث محدود کردن شرکت‌های نفتی برای سرمایه‌گذاری در ایران شده است؛ بر اساس لایحه تحریم ایران (ISA[45]) علاوه‌بر بنگاه‌های امریکایی که پیش از این مشمول طرح تحریم های ایالات متحده بوده‌اند، سایر بنگاه‌های خارجی از سرمایه گذاری در بخش انرژی ایران منع شده‌اند. در این لایحه آمده است که، اشخاص حقیقی و حقوقی مجاز نیستند بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری کنند.

اگر شرکتی بیش از ۲۰ میلیون دلار قرارداد نفتی با ایران ببندد، مشمول تحریم های آمریکا می‌شود که این تحریم همچنان برقرار است ، البته در مقاطعی بصورت جدی اعمال نشده است و به عنوان مثالTOTAL، SHELL و BP توانستند قراردادهای میلیاردی با ایران ببندند.

اصطلاح سرمایه‌گذاری در این لایحه هم شامل سرمایه‌گذاری جدید و هم شامل سرمایه‌گذاری برای توسعه و حفظ ظرفیت‌های فعلی می‌شود. به‌عبارت دیگر، این لایحه ممنوعیت سه حوزه ساخت، نوسازی و توسعه انرژی ایران را در بر می‌گیرد.

---

45 - Iran Sanction Act

علاوه بر این، متممی که لایحه جامع تحریم ایران (CISADA)[۴۶] به لایحه فوق اضافه می‌کند، سرمایه گذاری و مشارکت در احداث خطوط لوله‌های بخش انرژی در داخل یا به خارج از ایران را هم در بر می‌گیرد. بر این اساس، فروش محصولاتی که به ساخت یا نگهداری خطوط لوله مرتبط با بخش انرژی یاری می‌رساند، ممنوع شده است. نوسان سرمایه‌گذاری خارجی بخش نفت ایران در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۷ را می‌توان در جدول صفحه بعد ملاحظه نمود:[۴۷]

[46] - Comprehensive Iran Sanctions, Accountability and Divestment Act

[۴۷] - برای مشاهده آمارها از سال ۲۰۱۱-۲۰۰۴ و نام شرکت‌های سرمایه‌گذار به لینک زیر مراجعه کنید:
http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf

جدول ۶-۲: سرمایه‌گذاری‌های و طرح‌های توسعه عمده در بخش انرژی ایران

تاریخ	میدان / پروژه	شرکت (ها) / وضعیت (اگر معلوم باشد)	مبلغ قرارداد	محصول / هدف
فوریه ۲۰۰۷	مخازن LNG در بندر تمبک قرارداد برای ساخت سه مخزن LNG در تمبک، در ۳۰ مایلی شمال بندر عسلویه.	دیلیم[۴۸](کره جنوبی)	۳۲۰ میلیون دلار	ظرفیت ۲۰۰۰ تن
فوریه ۲۰۰۷	فاز ۱۳ و ۱۴ پارس جنوبی (گاز) وزارت امور خارجه در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۰ گفت که رویال داچ شل و رپسول دیگر این پروژه را دنبال نمی‌کنند.	رویال داچ شل، رپسول (اسپانیا)[۴۹]	۴,۳ میلیارد دلار	؟
مارس ۲۰۰۷	ارتقاء پالایشگاه اصفهان	دیلیم[۵۰] (کره جنوبی)		NA
جولای ۲۰۰۷	فاز ۲۲، ۲۳، ۲۴، پارس جنوبی (گاز) انتقال خط لوله گاز به ترکیه، و به اروپا و ساختن سه نیروگاه در ایران. تاریخ قرارداد نهایی نشده است.	ترکیش پترولیوم کمپانی (TPAO)	۱۲ میلیارد دلار	۲ میلیارد cfd
دسامبر ۲۰۰۷	میادین نفتی و گازی خشکی و دریایی گلشن و فردوسی و کارخانه LNG	پتروفیلد (مالزی)	۱۵ میلیارد دلار	۳,۴ میلیارد cfd گاز/ ۲۵۰۰۰۰ بشکه در روز نفت
۲۰۰۷ (unspec.)	میدان نفتی جفیر گزارش GAO در زیر ذکر شده	بلاروس نِفت[۵۲] (بلاروس) تحت قرارداد	۵۰۰ میلیون	۴۰ هزار بشکه در روز

[48] -Daelim (S. Korea)
[49] -Royal Dutch Shell,Repsol (Spain)
[50] -Daelim (S. Korea)

تاریخ	میدان / پروژه	شرکت (ها) / وضعیت (اگر معلوم باشد)	مبلغ قرارداد	محصول / هدف
	است. بلاروس نِفت، یک شرکت تابعه از بلنِفتِخیم[۵۱] از طرف ISA در ۲۹ مارس ۲۰۱۱ تحریم شد. نفتیران در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۰ برای این فعالیت و هر نوع فعالیت دیگری تحریم شد.	با ایران. هیچ تولیدی تا به امروز صورت نگرفته است.	دلار	
۲۰۰۸	دایر بلوک (میدان نفتی دریایی خلیج فارس)	ادیسون (ایتالیا)	۴۴ میلیون دلار	؟
فوریه ۲۰۰۸	میدان لاوان (میدان گاز طبیعی دریایی) PGNiGسرمایه‌گذاری کرد، اما تأخیرها باعث شد ایران قرارداد PGNiG را در دسامبر ۲۰۱۱ فسخ کند. پروژه توسط بنگاه‌های ایرانی اجرا شد. (فارس نیوز، ۲۰ دسامبر ۲۰۱۱)	PGNiG[۵۳] (شرکت نفت و گاز لهستانی، لهستان)	۲ میلیارد دلار	
مارس ۲۰۰۸	میدان نفتی دانان (خشکی)	شرکت تولید و توسعه نفت ویتنام (ویتنام)	؟	؟
آپریل ۲۰۰۸	میدان گازی کیش شامل لوله از ایران به عمان	عمان (تأمین مالی مشترک پروژه)	۷ میلیارد دلار	۱ میلیارد cfd
آپریل ۲۰۰۸	مغان ۲ (نفت و گاز در خشکی، استان اردبیل)	INA (کرواسی)	۱۴۰-۴۰ میلیون دلار	؟

[52] -Belarusneft
[51] -Belneftekhim
[53] -Polish Oil andGas Company

تاریخ	میدان / پروژه	شرکت (ها) / وضعیت (اگر معلوم باشد)	مبلغ قرارداد	محصول / هدف
			(مناقشه بر سر مقدار)	
-	پالایشگاه پتروشیمی کرمانشاه (ساخت جدید)	Uhde (آلمان)		۳۰۰هزار metric tons/yr
ژوئن ۲۰۰۸	میدان نفتی رسالت وضعیت کار نامشخص	آمونا (مالزی). CNOOC و COSL دیگر شرکت چینی در ژوئن ۲۰۰۹ به او ملحق شدند.	۱,۵ میلیارد دلار	۴۷ هزار بشکه در روز
ژانویه ۲۰۰۹	«آزادگان شمالی»	CNPC (چین)	۱,۷۵ میلیارد دلار	۷۵ هزار بشکه در روز
ژانویه ۲۰۰۹	کارخانه پلیمر بوشهر تولید پلی‌اتیلن در دو کارخانه پلیمر در استان بوشهر. ساسول توسط GAO در دسامبر ۲۰۱۲ چشم‌پوشی از ریسک را گزارش داد.	ساسول[۵۴] (آفریقای جنوبی)	؟	ظرفیت ۱ میلیون تن در سال است. محصولات از ایران صادر می‌شوند.

[54] - Sasol

تاریخ	میدان / پروژه	شرکت (ها) / وضعیت (اگر معلوم باشد)	مبلغ قرارداد	محصول / هدف
مارس ۲۰۰۹	فاز ۱۲ پارس جنوبی (گاز)– شامل ساخت ترمینال LNG و میدان گازی فارسی بلاک/ بلوک فرزاد-B پروژه به خاطر تحریم‌ها متوقف شد؛ شرکت‌های هندی به GAOگفته‌اند که هیچ توافقی حاصل نشده است و هیچ کاری دنبال نمی‌شود.	شرکت‌های هندی زیر در سال ۲۰۰۷: ONGC Videsh, Oil India Ltd., India OilCorp. Ltd. این کار را به عهده گرفته‌اند. البته ممکن است که شامل سهم کوچکی از سوناناگول (آنگولا) و PDVSA (ونزوئلا) نیز باشد.	۸ میلیارد دلار از شرکت‌های هندی/ ۱،۵ میلیارد سوناناگول[55]/ ۷۸۰ میلیون PDVSA	سالانه ۲۰ میلیون تن LNG تا سال ۲۰۱۲
آگوست ۲۰۰۹	پالایشگاه آبادان ارتقاء و توسعه؛ ساخت یک پالایشگاه جدید در هرمز در سواحل خلیج فارس	سینوپک[56]	تا حدود ۶ میلیارد دلار اگر پالایشگاه جدید ساخته شود	
اکتبر ۲۰۰۹	میدان گازی پارس جنوبی فازهای ۸-۶، پالایشگاه شیرین کننده گاز قرارداد امضا شد اما سپس توسط شرکت کره جنوبی لغو شد.	ساخت‌وساز و مهندسی G و S (کره جنوبی)	۱،۴ میلیارد دلار	

[55] - Sonanagol
[56] - Sinopec

تاریخ	میدان / پروژه	شرکت (ها) / وضعیت (اگر معلوم باشد)	مبلغ قرارداد	محصول / هدف
نوامبر ۲۰۰۹	پارس جنوبی: فاز ۱۲- بخش ۲ و بخش ۳	دیلیم (کره جنوبی) – بخش ۲؛ تکنیمونت[۵۷] (ایتالیا) – بخش ۳	۴ میلیار دلار (هر بخش ۲ میلیارد)	
فوریه ۲۰۱۰	پارس جنوبی: فاز ۱۱ حفاری در مارس ۲۰۱۰ آغاز شد، اما شرکت ملی نفت چین (CNPC) در اکتبر ۲۰۱۲ از این عملیات خارج شد.	CNPC(چین)	۴,۷ میلیارد دلار	
۲۰۱۱	میدان گازی آذر قرارداد گازپروم در اواخر سال ۲۰۱۱ به دلیل شکست نامشخص در تحقق بخشیدن به تعهداتش توسط ایران فسخ شد.	گازپروم (روسیه)		
دسامبر ۲۰۱۱	میدان نفتی زاغه قرارداد اولیه در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۱ امضا شد (اسوشیتدپرس[۵۸]، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۱)	تاتنفت[۵۹] (روسیه)	۱ میلیارد دلار	۵۵ هزار بشکه در روز در ۵ سال

مأخذ: کنت کانزمن، تحریم های ایران،آژانس تحقیقاتی کنگره(CRS)،24آپریل ۲۰۱۳،ص۶۱-۵۸

همچنین در جدول صفحه بعد لیست شرکت‌هایی که رابطه تجاری خود در زمینه انرژی را طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۹ با ایران قطع کرده‌اند، آورده شده است:

[57] -Tecnimont
[58] -Associated Press
[59] -Tatneft

جدول ۶-۳: توقف فعالیت شرکت‌های انرژی با ایران طی سال های ۲۰۱۲-۲۰۰۹

کشور	شرکت	فعالیت
فرانسه	توتال	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
آلمان	Linde	کل تجارتش متوقف شده است.
	اسکلومبرگر[۶۰]	۲۰۱۳ ایران را ترک خواهد کرد.
هند	صنایع ریلینس[۶۱]	فروش فرآورده‌های پالایش شده متوقف شده است؛ نفت خام از ایران وارد نخواهد کرد.
	خدمات پروژه اشوک لیلند[۶۲]	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
ایتالیا	Eni spA	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
	ادیسون	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
	تکنیمونت[۶۳]	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
بلاروس	بلنفتکهیم/ بلاروسنفت[۶۴]	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
ژاپن	اینپکس کورپ.[۶۵]	خروج از میدان نفتی آزادگان
کویت	ایندیپندنت پترولیوم گروپ[۶۶]	توقف فروش فرآورده‌های پالایش شده
مالزی	پتروناس	توقف فروش فرآورده‌های پالایش شده
هلند	رویال داچ شل	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
اتریش	OMV	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران

60 -Schlumberger
61 -Reliance Industries
62 -Ashok Leyland Project Services
63 -Tecnimont
64 -Belneftekhim/ Belarusneft
65 -Inpex Corp.
66 -Independent Petroleum Group

کشور	شرکت	فعالیت
لهستان	PGNiG	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
نروژ	استت اویل[۶۷]	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
کره جنوبی	مهندسی و ساخت و ساز GS[۶۸]	لغو پروژه ۱,۲ میلیارد دلاری پردازش گاز در ایران
	کشتی سازی دوو و مهندسی مارین[۶۹]	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
اسپانیا	رپسول	ترک مذاکرات در طول توسعه فازهای ۱۳ و ۱۴ میدان گازی پارس جنوبی
سوئیس	ویتول	متعهد برای عدم تأمین فرآورده‌های نفتی پالایش شده برای ایران
	گلنکور	متعهد برای عدم تأمین فرآورده‌های نفتی پالایش شده برای ایران
	ترافیگورا	متعهد برای عدم تأمین فرآورده‌های نفتی پالایش شده برای ایران
	لیتاسکو	توقف فروش فرآورده های پالایش شده
سنگاپور	هین لئونگ تریدینگ[۷۰]	توقف فروش فرآورده‌های پالایش شده
روسیه	گازپروم	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
ترکیه	Tupras	لغو قرارداد برای تأمین بنزین ایران
بریتانیا	BP	توقف عرضه سوخت جت به ایران اِیر در فرودگاه هامبورگ؛ توقف سرمایه‌گذاری مشترک BP-NIOC (شرکت ملی نفت ایران) در میدان گازی Rhum

67 -statoil
68 -GS Engineering & Construction
69 -Daewoo Shipbuilding & Marine Engineering
70 -Hin Leong Trading

کشور	شرکت	فعالیت
	کوستاین اویل، گاز و Ltd پروسس	اتمام سرمایه‌گذاری در ایران
امارات متحده عربی	شرکت نفت ملی امارات	توقف فروش فرآورده‌های پالایش شده
کویت	گروه نفتی مستقل	توقف فروش فرآورده‌های پالایش شده
بین الملل	خط لوله ترنس-آدریاتیک	این خط لوله برای انتقال گاز ایران به اروپا استفاده نخواهد شد

مأخذ: آنتونی اچ.کردسمن، ایالات متحده و رقابت استراتژیک ایران، ۱۹ آپریل ۲۰۱۳، ص ۱۱۱-۱۱۰[۷۱]

٦-۳- منع فروش بنزین و تجهیزات مرتبط با آن به ایران

بر اساس آمارهای موجود، در سال ۲۰۱۰ حدود ۴۰ درصد از نیاز ایران به بنزین از طریق واردات تأمین شده است. از آنجا که لایحه تحریم ایران، فروش بنزین و تجهیزاتی که امکان تولید داخلی بنزین را فراهم می‌سازند، شامل نمی‌شد، کنگره ایالات متحده در قالب لایحه جامع تحریم ایران، متممی را به تصویب رسانده که عرضه‌کنندگان اصلی نفت را از فروش این محصول و همچنین تجهیزات مرتبط با تولید آن به ایران باز می‌دارد. به طوری که از بین شرکت‌های متعددی که قبل از اعمال تحریم هایCISADA در سال ۲۰۱۰ به ایران بنزین می‌فروختند، کلیه شرکت‌های چندملیتی اروپایی فروش بنزین به ایران را متوقف کردند. با این حال، برخی شرکت‌هایی که در چین، سنگاپور، ونزولا، سوریه و امارات متحده عربی هستند هنوز هم

[71] - Anthony H. Cordesman, U.S. and Iranian strategic competition, April 19, 2013, 110-111

بنزین و دیگر فرآورده‌های پالایش شده را به ایران می‌فروشند.[۷۲] این متمم دو مورد را به تحریم های پیشین می‌افزاید:

- ممنوعیت فروش سالانه بیش از ۱ میلیون دلار بنزین، سوخت جت و سایر سوخت‌ها به ایران.
- ممنوعیت فروش تجهیزات یا خدماتی که ایران را قادر به تولید نیاز داخلی بنزین یا واردات آن با سقف فوق‌الذکر می‌کند.

اما موج جدید تحریم‌ها که از سه سال قبل آغاز شده، نقطه تمرکزش تنها بر روی نفت نبوده بلکه بر مبادلات و نقل و انتقالات مالی بین‌المللی ایران است. در کل دنیا ۱۰ بانک وجود دارد که مبادلات بزرگ مالی بین‌المللی از طریق آنها انجام می‌شود. بنابراین به راحتی می‌توان حجم مبادلات و گردش مالی آنها را کنترل کرد؛ تحریم‌ها به‌طور مداوم بر این مبادلات تمرکز داشتند. در سال ۲۰۱۲، اوباما رئیس جمهور امریکا، خواستار آن شد که بر اساس لایحه تحریم ایران، ارائه خدمات بانکی به ایران به گونه‌ای محدود شود که فروش نفت و سایر محصولات پتروشیمی توسط ایران و همچنین معاملات شرکت ملی نفت و شرکت نفتیران را غیرممکن سازد. بر اساس این لایحه، دارایی‌های بنگاه‌های ناقض این تحریم‌ها در ایالات متحده مسدود شده و امتیاز فعالیت و حمایت مالی از آن‌ها در ایالات متحده لغو خواهد شد. در واقع نفت بعداً به این تحریم‌ها اضافه شده است، البته به علت رقم بالای معاملات نفتی بانک‌هایی پیدا می‌شدند که این مبادلات را برای ایران انجام دهند، ولی یک سال و نیم است که صادرات نفت هم هدف تحریم‌ها قرار گرفته است.

مسیر تحریم های نفتی علیه ایران روشن است، با توجه به نقش کلیدی نفت در تأمین بودجه کشور، هدف آمریکا خارج کردن نفت ایران از بازار جهانی است اما در

---

[72] -Anthony H. Cordesman, U.S. and Iranian strategic competition, April 19, 2013, 122

شرایط مدیریت بازار به نحوی که بازار از وضعیت تعادل خارج نشده و کمبود عرضه‌ای اتفاق نیفتد در نتیجه آن قیمت‌ها هم رشد زیادی نکند. به خاطر همین مدیریت بازار و جبران کمبود عرضه بوده که ایران توانسته چندین بار نفت بیشتری صادر کند، هرچند برخی از مدیران دولت دهم آن را ناشی از دور زدن تحریم‌ها دانسته‌اند.

تحریم های جدید که از اوایل فوریه ۲۰۱۳ اجرا شده است، عملاً ایران را به شرایط نفت در برابر غذا برده است. بر اساس لایحه‌ای که در سال ۲۰۱۱ در مجلس ایالات متحده به بحث گذارده شد، باید سازوکاری اندیشیده می‌شد که انتقال ارز حاصل از فروش نفت از طریق بانک مرکزی ایران محدود شود. این لایحه، رئیس جمهور را موظف می‌کند که از افتتاح حساب بانک‌ها و مؤسسات مالی که با بانک مرکزی ایران همکاری می‌کنند، جلوگیری نماید. اگرچه بیم آن می‌رفت که این امر به افزایش قیمت نفت بیانجامد اما سرانجام توافق شد که با اندک تغییراتی به اجرا گذارده شود.

یکی دیگر از محدودیت‌های پولی و بانکی ناشی از تحریم‌ها، جلوگیری از ورود فیزیکی ارز[۷۳] به ایران است. براساس متممی که به لایحه کاهش تهدید ایران و ارتقای حقوق بشر در سوریه افزوده شد، کشورهایی که با ایران معاملات کلان ارزی انجام می‌دهند، موظف به افتتاح حساب و اعطای اعتبار و نه ارز به ایران هستند. بر این اساس ایران اجازه دارد از این اعتبار تحت نظارت نهادهای بین‌المللی برای معاملات خارجی خود استفاده کند.

بر اساس این تحریم‌ها تمام خریداران نفت و حتی گاز ایران مانند ترکیه حق ندارند پولی به ایران پرداخت کنند و یا پولش را به دستور ایران جابه‌جا نمایند و فقط می‌توانند این پول را در داخل کشورشان نگه دارند و ایران باید از بازار داخلی آنها خرید کند که حتی شامل همه کالاها نیز نمی‌شود و تنها یک سری کالای مجاز تعیین شده است. از طرفی این کشورها، کشورهایی نیستند که ایران بتواند از آنها کالاهای سرمایه‌ای و

---

73 - Hard currency

صنعتی و اصلی وارد کند، پس عملاً کشور به سمت نفت در برابر غذا سوق می یابد. همانطور که در جداول (۶-۴) و (۶-۵) ملاحظه می‌شود، این نوع از تحریم موجب شد که تولید و صادرات نفت ایران کاهش یابد. آمار مربوط به تولید، صادرات و واردات نفت خام و گاز طی سال‌های ۸۹-۱۳۶۷، در جدول صفحه بعد آمده است:

جدول ۶-۴: تولید، صادرات، سوآپ و خوراک پالایشگاه نفت خام(میلیون بشکه معادل نفت خام)

سال	تولید	صادرات	وادرات سوآپ	خوراک پالایشگاه
۱۳۶۷	۹۳۳	۶۶۶/۹	-	۲۴۷
۱۳۶۸	۱۰۷۵	۷۴۳/۳	-	۳۰۵
۱۳۶۹	۱۱۹۲	۸۵۹/۷	-	۳۱۸
۱۳۷۰	۱۲۴۵	۸۹۷/۹	-	۳۶۱
۱۳۷۱	۱۳۴۸	۹۸۴/۰	-	۳۶۴
۱۳۷۲	۱۴۲۷	۱۰۰۹/۰	-	۴۱۶
۱۳۷۳	۱۴۱۱	۹۳۳/۳	-	۴۶۱
۱۳۷۴	۱۴۳۳	۹۳۴/۰	-	۴۷۵
۱۳۷۵	۱۴۱۷	۹۳۰/۰	۰/۵	۴۹۸
۱۳۷۶	۱۴۰۴	۸۵۴/۸	۰/۰۳	۵۳۵
۱۳۷۷	۱۴۱۰	۸۵۶/۷	۱/۷	۵۵۷
۱۳۷۸	۱۳۶۴	۷۳۷/۳	۳/۱	۵۸۷
۱۳۷۹	۱۴۲۰	۸۳۱/۰	۴/۶	۵۸۲
۱۳۸۰	۱۳۵۳	۷۵۷/۸	۲/۰	۵۷۴
۱۳۸۱	۱۳۲۸	۷۴۸/۳	۷/۲	۵۶۶
۱۳۸۲	۱۴۵۴	۸۹۱/۷	۲۶/۲	۵۶۷
۱۳۸۳	۱۴۶۳	۸۸۶/۱	۳۱/۴	۵۷۵
۱۳۸۴	۱۴۶۸	۸۶۶/۹	۴۰/۴	۵۸۳
۱۳۸۵	۱۴۸۱	۸۸۱/۶	۴۷/۸	۶۰۲
۱۳۸۶	۱۴۹۸	۹۰۸/۷	۳۸/۸	۶۰۰
۱۳۸۷	۱۴۷۰	۸۶۲/۷	۲۷/۲	۶۰۵
۱۳۸۸	۱۴۳۳/۵	۸۰۰/۰	۳۲/۸	۶۱۲/۲
۱۳۸۹	۱۴۳۹/۰	۸۳۱/۹	۵/۵	۶۰۷/۱

مأخذ: مروری بر ۲۳ سال آمار انرژی کشور(۸۹-۱۳۶۷)

همانطور که در جدول (۶-۴) مشاهده می‌شود تولید و صادرات نفت خام طی سال‌های ۸۸-۱۳۸۶ کاهش یافته و مجدد در سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است.

جدول (۶-۵) نیز نشان می‌دهد که صادرات نفت ایران به کشورهای واردکننده نفت در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است و کل صادرات ایران به طور متوسط از ۲,۵۱ میلیون بشکه در روز به ۱,۵۳ میلیون بشکه در روز تقلیل یافته است.

جدول ۶-۵: برآورد متوسط صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران در سال‌های ۲۰۱۱و ۲۰۱۲ (میلیون بشکه در روز)

کشور	متوسط صادرات ۲۰۱۱	متوسط صادرات ۲۰۱۲
ژاپن و کره	۰,۵۵	۰,۳۲
چین و هند	۰,۸۸	۰,۷۶
دیگر کشورهای غیر عضو IEA *	۰,۳۱	۰,۱۳
یونان،ایتالیا،اسپانیا،وترکیه	۰,۶۳	۰,۲۲
دیگر کشورهای اروپایی	۰,۱۴	۰,۰۲
کل صادرات	۲,۵۱	۱,۵۳

مأخذ: آژانس بین‌المللی انرژی، تجزیه و تحلیل لیود از بانک اطلاعات صادرات نفت خام[۷۴]

*کشورهای عضو IEA: استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، جمهوری کره، لوکزامبورگ، هلند، نیوزیلند، نروژ، لهستان، پرتغال،جمهوری اسلواکی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلستان،وایالات متحده.

٦-٤- روندهای صنعت نفت

پیش‌بینی تحریم‌ها به پیش‌بینی بازار نفت در آینده وابسته است و این مهم نیز به کمبودهای بازار، رشد اقتصادی کشورهای جهان، تقاضا در مناطق مختلف و ... بستگی دارد. در حال حاضر روندهای زیر در بازار نفت در حال وقوع است:

[74] -http://www.eia.gov/countries/cab.cfm?fips=IR

۱. *چشم‌اندازهای نه چندان مثبت درمورد نرخ رشد اقتصادی در جهان. اخیراً مشخص شده که نرخ‌های رشد پیش‌بینی شده توسط صندوق بین‌المللی پول*[۷۵] *و بانک جهانی در افق‌های دورتر بسیار خوشبینانه‌تر از واقعیت بوده است تا به نوعی خوش‌بینی را به بازار القا کنند و با گذشت زمان مدام به سمت پایین اصلاح می‌شوند.*

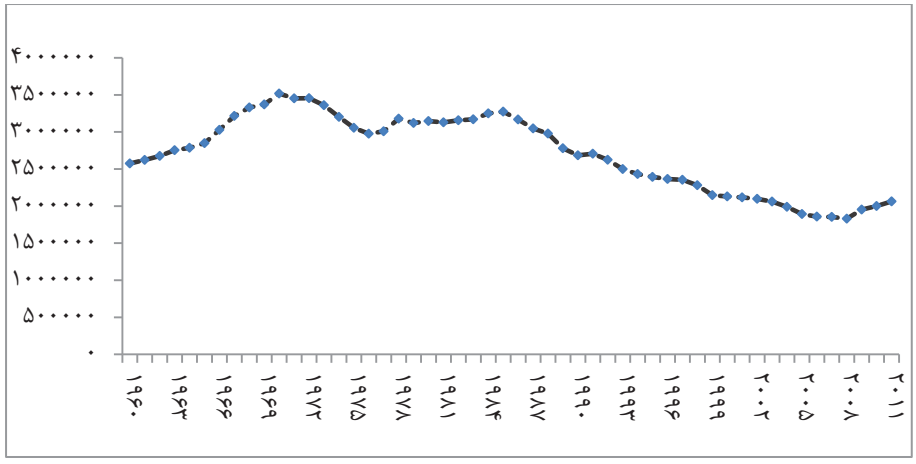
۲. *سرمایه‌گذاری‌های جدید در تولید انرژی‌های جایگزین و همچنین تولید نفت از منابع جدید.*

در گزارشی که آژانس بین‌المللی انرژی در مورد چشم‌انداز جهانی انرژی تا سال ۲۰۳۵ منتشر کرده، پیش‌بینی شده ایالات متحده در سال ۲۰۱۲ به یک صادرکننده خالص گازطبیعی بدل می‌شود. همچنین یکی از اقتصاددانان ارشد آژانس در مصاحبه‌ای که برای معرفی این چشم‌انداز برگزار شد، گفته است که ایالات متحده در حدود سال ۲۰۱۷ به اولین تولیدکننده نفت جهان تبدیل خواهد شد و از این جهت از روسیه و عربستان سعودی سبقت خواهد گرفت. آژانس پیش‌بینی نموده است که تولید نفت ایالات متحده در سال ۲۰۲۰ به ۱۱,۱ و در سال ۲۰۲۵ به ۱۰,۹ میلیون بشکه در روز برسد؛ البته براساس اینپیش‌بینی، عربستان سعودی مجدداً از سال ۲۰۳۰ با ۱۱,۴ میلیون بشکه در روز به جایگاه اول باز خواهد گشت و تولید نفت ایالات متحده در آن سال حدود ۱۰,۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود. نمودارهای صفحه بعد روند تولید نفت و گاز ایالات متحده را نمایش می‌دهد:

---

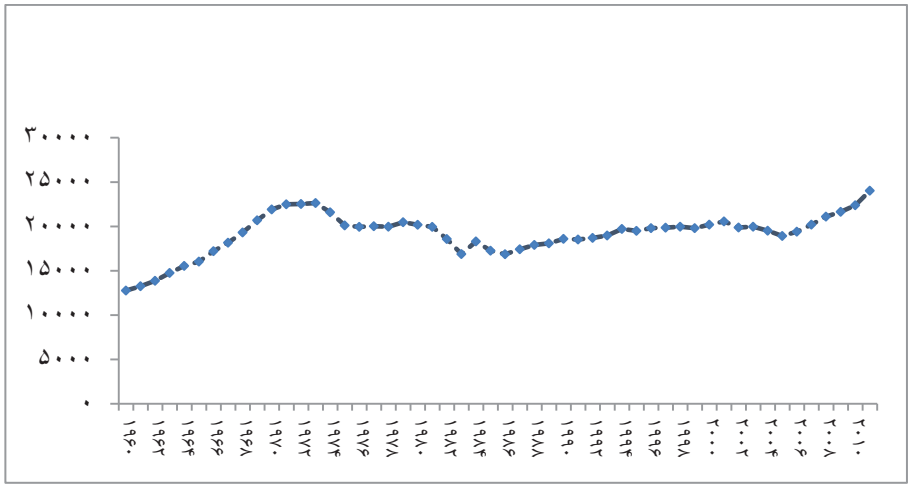
[75].- International Monetary Fund (IMF)

نمودار ۶-۱تولید نفت خام ایالات متحده امریکا(هزار بشکه در سال)



مأخذ: آژانس اطلاعات انرژی ایالات متحده امریکا[۷۶] (EIA)[۷۷]

نمودار ۶-۲تولید گاز ایالات متحده امریکا(میلیارد فوت مکعب در سال)



مأخذ: آژانس اطلاعات انرژی ایالات متحده امریکا (EIA)

76 - eia.gov/state/seds/seds-data-complete.cfm?sid=US#CompleteDataFile
77 - U.S. Energy Information Administration

همانطور که ملاحظه می‌شود تولید گاز ایالات متحده از سال ۲۰۰۵ و تولید نفت آن ازسال ۲۰۰۸ روند صعودی به خود گرفته‌اند. نکته قابل توجه این است که تمامی این افزایش تولید از منابع به اصطلاح غیرمرسوم نفت و گاز حاصل شده است. افزایش قیمت نفت در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸، موجب شد تا استخراج نفت از منابع غیرمرسوم که قبلاً فاقد توجیه اقتصادی بوده، اقتصادی شود و سرمایه‌گذاری عظیمی در این بخش صورت گیرد و این موضوع برای کشوری همانند امریکا که منابع مرسومش رو به اتمام است، بسیار سودمند بوده است، لذا امریکائی‌ها بعد از سال ۲۰۰۸ علیرغم بحران و رکود شدید اقتصادی، مشکل چندانی با قیمت‌های بالای نفت‌خام در دامنه ۸۰ تا ۱۰۰ دلار نداشته‌اند و طالب بازگرداندن قیمت جهانی نفت به دامنه قبل از ۲۰۰۴ نبوده‌اند. زیرا بازگشت قیمت‌ها به دامنه۳۰ تا ۴۰ دلاری قبل از ۲۰۰۴، سیاست‌های انرژی این کشور را دچار چالش می کند؛ علاوه‌بر این در شرایط رکود ساختاری، تحرک بخش نفت و گاز و انرژی به عنوان یک بخش مهم اقتصادی، به نوبه خود مغتنم است و این امتیازی است که امریکا و کانادا در مقایسه با سایر رقبای مهم اقتصادی خود در سازمان همکاری‌های اقتصادی، از آن برخوردارند.

آژانس بین‌المللی انرژی[۷۸] برآورد کرده است که ظرف ده سال آینده، خالص واردات نفت ایالات متحده به ۴ میلیون بشکه کاهش خواهد یافت، درحالی که این عدد در سال۲۰۱۱ حدود ۸,۷ میلیون بشکه در روز بوده است. همچنین این برآورد حاکی از آن است که ایالات‌متحده در سال ۲۰۳۵ از نظر انرژی کاملاً خودکفا خواهد شد و نیازی به واردات نخواهد داشت. ضمناً باید توجه داشت که بی‌نیازی ایالات‌متحده به منابع انرژی خارج از قاره امریکا خیلی سریع‌تر از سال ۲۰۳۵ و در ۱۰ تا ۱۲ سال آینده رخ خواهد داد که این موضوع برای ایران و آینده تحریم‌ها خطرناک است.

---

[78] -International Energy Agency(IEA)

۳ . افزایش ذخایر استراتژیک آمریکا

ذخایر استراتژیک به این معنی است که کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی موظفند حداقل معادل ۹۰روز متوسط نفت‌خام وارداتی سال قبل خود را ذخیره‌سازی نمایند تا در مواقع لازم و در صورت بروز بحران در عرضه نفت، بتوانند تا مدتی در مقابل بحران و تا فرونشاندن آن، مقاومت کنند که البته اغلب چه در امریکا و چه در دیگر کشورها، سطح ۹۰ روز رعایت نشده است.

براساس آخرین اطلاعات منتشره توسط اداره اطلاعات انرژی امریکا، کل ذخائر نفت و فرآورده موجود دراین کشور در روز پایانی سال ۲۰۱۲ میلادی حدود ۱/۷۸۵ میلیون بشکه بوده است که حدود ۶۹۵ میلیون بشکه آن ذخائر استراتژیک دولتی بوده است. همچنین بر اساس آخرین آمار منتشره توسط IEA برای ماه سپتامبر ۲۰۱۲ کل موجودی ذخائر سوخت مایع کشورهای عضو آژانس برای ۱۸۸ روز واردات این کشورها کفایت داشته است که ۷۶ روز از آن مربوط به ذخائر استراتژیک دولتی بوده است.

باید توجه داشت که در صورت کاهش بیشتر نفت‌خام وارداتی امریکا بر اساس چشم‌اندازهای اخیر منتشر شده توسط آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، قدرت مانور این کشور در استفاده از ذخائر استراتژیک نیز افزایش خواهد یافت. پیش‌بینی چشم‌انداز مذکور این است که خالص واردات هیدروکربن‌های مایع ایالات‌متحده ظرف ده سال آینده به کمتر از ۴ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت که در صورت تحقق آن، ذخائر موجود بیش از ۱۷۰ روز واردات این کشور را تأمین خواهد نمود. ضمن اینکه ممکن است امریکائی‌ها با ادامه روند افزایش تولید نفت خود، نسبت به کاهش تدریجی ذخائر خود و فروش آن اقدام نمایند که آثار آن نیز قابل بررسی است. همچنین IEA این امکان را فراهم کرده‌است که بعضی از کشورهای کوچک عضو که امکانات ذخیره‌سازی ندارند، ذخائر مورد تعهد خود را در کشورهای دیگر نگهداری کنند ولذا این امکان نیزوجود دارد که امریکائی‌ها در آینده بخشی از ذخائر خود را به‌دیگران بفروشند.

هیچ بعید نیست که در مقطعی آمریکا از تهدید ایران جهت بسته شدن تنگه هرمز استقبال هم بکند، از ۱۷ میلیون بشکه نفت عبوری از تنگه هرمز در سال ۲۰۱۱، ۱۵ میلیون بشکه به مقصد آسیا و ۲ میلیون بشکه به مقصد آفریقا و اروپا بوده و آمریکا هیچ سهمی‌نداشته است. واردات نفت آمریکا از خاورمیانه مربوط به نفت دریای سرخ و مدیترانه از طریق عربستان و یاعراق است، بنابراین آمریکا وابستگی به تنگه هرمز ندارد و شاید تمایل هم داشته باشد که در این رقابت اقتصادی هزینه‌های چین افزایش یابد.

٦-٥- پیش‌بینی بازار نفت در سال ۲۰۱۳

عوامل تأثیرگذار بر بازار نفت عوامل متعددی است که پیش‌بینی قطعی را ناممکن می‌نماید. ولی بر اساس الگوی کلی که ذکر شد، متناسب با توانایی مدیریت بازار و افزایش عرضه و کاهش تقاضا که روندهای عادی حاکی از افزایش عرضه غیراوپک و همینطور افزایش عرضه عراق از اوپک است و به شرط عدم وقوع رخداد جدید مثلاً نفوذ بهار عربی در عربستان و ... که منجر به کاهش عرضه و اثر بر انتظارات تقاضای موقت شده و برای ما فرصتی ایجاد می‌کند- فشارها افزایش خواهد یافت.

در گزارشی با عنوان "استراتژی آمریکا برای خلع سلاح خاورمیانه"، که توسط یکی از مراکز مطالعات استراتژیک در آمریکا منتشر شده است، در مورد ایران چنین آمده است که بر اساس بررسی‌های آمریکا، روند برنامه هسته‌ای ایران نشان می‌دهد که ایران تا جولای ۲۰۱۴ به اولین کلاهک هسته‌ای خود دست می‌یابد، بنابراین ۶ ماه قبل از این تاریخ یعنی دسامبر ۲۰۱۳ آخرین فرصت آمریکا است که اگر از طریق راهکارهای اقتصادی نتیجه‌ای حاصل نشد فرصت تصمیم‌گیری برای سایر اقدامات از جمله اقدام نظامی علیه ایران وجود داشته باشد.

در یکصد و دوازدهمین جلسه کنگره ایالات متحده باور نمایندگان بر این بود که تأثیر و هم‌افزایی تحریم های امریکا و سایر کشورها برای دستیابی به اهداف استراتژیکی

که مدنظر این کشور است کفایت نمی‌کند. این امر راه را برای تصویب تحریم های بیشتر علیه ایران از جمله قانون "کاهش تهدید ایران" هموار ساخت.

در ادامه لیستی از تحریم های آتی ارائه شده است. این تحریم‌ها در صورت تصویب به‌طور یکجانبه از سوی امریکا به اجرا گزارده خواهند شد:

۱. **تحریم کلیه مبادلات تجاری با ایران:** برخی سازمان‌ها از جمله "اتحاد علیه ایران هسته‌ای" طرح تحریم کلیه مبادلات تجاری با ایران غیر از دارو و غذا را دنبال می‌کنند. این درحالی است که چنین ممنوعیت‌هایی از مقبولیت بین‌المللی برخوردار نیستند و حتی برخی از متحدان کلیدی امریکا هم اعتقاد دارند نباید تحریم های یکجانبه در مورد کالاهای غیراستراتژیک و غیرنظامی از سوی امریکا اعمال شود.

۲. **ممنوعیت جامع مبادلات انرژی با ایران:** بسیاری از کارشناسان بر این باورند که مؤثرترین تحریم از سوی سازمان ملل، ممنوعیت خرید نفت خام از ایران خواهد بود. شواهدی در دست نیست که میزان مقبولیت چنین طرحی در شورای امنیت را در اختیار قرار دهد. با این حال اجرایتحریم های جدید از سوی سازمان ملل تا حد زیادی، رویکرد عمومی را به آنچه ایالات متحده دنبال می‌کند نزدیک کرده است و احتمال آن می‌رود که چنین لایحه‌ای در آینده در صحن عمومی سازمان ملل و شورای امنیت طرح شود.

۳. **ممنوعیت اعطای وام به ایران توسط نهادهای مالی بین‌المللی:** قطعنامه ۱۷۴۷ سازمان ملل، محدودیت‌هایی برای اعطای وام توسط نهادهای مالی بین‌المللی به ایران وضع کرده است. با این وجود برای تبدیل این محدودیت‌ها به ممنوعیت، ایالات متحده خواستار لغو عضویت ایران در صندوق بین‌المللی پول (IMF) شده است.

۴. **اعمال محدودیت بیمه ناوگان دریایی ایران**: یکی از گزینه‌هایی که به مدت طولانی توسط امریکا در حال پیگیری است، اعمال محدودیت جامع بیمه

کشتی‌های ایرانی است. از آنجا که نفتکش‌های ایرانی مشمول این تحریم‌ها می‌شوند از اهمیت بالایی برخوردار است. این گزینه در قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل بصورت اختیاری منظور شده است. به علاوه در تاریخ اول جولای ۲۰۱۲، اتحادیه اروپا ارائه خدمات بیمه‌ای به ناوگان دریایی ایران را ممنوع کرد و این درحالی است که شمار زیادی از بیمه‌گزاران اصلی دنیا در اروپا واقع شده‌اند.

۵. **ممنوعیت تأمین مالی تجاری یا ارائه خدمات بیمه‌ای در این زمینه:** این گزینه، جامعه بین‌الملل را از ارائه ضمانت اعتبارات تجاری منع می‌کند. این مورد به عنوان گزینه‌ای اختیاری در قطعنامه ۱۹۲۹ سازمان ملل لحاظ شده است و تعدادی از کشورها به اعمال این محدودیت می‌پردازند.

در مذاکراتی که به وضع قطعنامه ۱۹۲۹ انجامید، ممنوعیت سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه ایران هم لحاظ شده بود که برای جلب حمایت روسیه و چین، از این قطعنامه حذف شد.

لذا با توجه به روند فعلی و به شرط عدم وقوع حادثه جدید، در تابستان پیش رو فشارها علیه ایران بیشتر خواهد شد. همچنین پیش‌بینی می‌شود صادرات نفت به ۷۰۰-۸۰۰ هزار بشکه تقلیل یابد در عین حال که دسترسی به پول صادرات نفت هم دشوارتر خواهد شد.

٦-٦- صادرات غیرنفتی

تمام محدودیت‌هایی که در حوزه نفت ذکر شد ازقبیل دسترسی دشوار به پول نفت صادراتی، درمورد پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی نیز صادق است. وقتی صادرات غیرنفتی را آنالیز کنیم ۵۰٪ آن پتروشیمی است و ۵۰٪ پتروشیمی هم LPG است که همان فرآورده نفتی است. آمار مندرج در جداول زیر به شفاف‌تر شدن تأثیر تحریم‌ها بر صادرات نفتی و پتروشیمی، کمک می‌کند:

جدول ۶-۶: مقایسه وزنی فرآورده‌های نفتی صادرشده در دو ماه سال ۱۳۹۱ نسبتبه زمان مشابه در سال ۱۳۹۰

سال	وزن	ارزش ریالی	ارزش دلاری
۹۰	۵۰۲،۴۰۱،۳۷۵	۳،۰۱۷،۲۷۹،۲۲۳،۸۵۴	۲۸۹،۷۰۶،۰۷۲
۹۱	۴۹۴،۲۶۰،۲۶۷	۴،۳۸۴،۵۹۱،۰۶۲،۹۹۴	۳۵۷،۶۶۲،۹۴۹
نرخ تغییرات	-۱,۶۲٪	۴۵,۳۲٪	۲۳,۴۶٪

مأخذ: برگرفته از سایت صادرکنندگان محصولات نفت،گاز و پتروشیمی‌ایران http://www.opex.ir

جدول ۶-۷: مقایسه وزنی فرآورده‌های پتروشیمی صادرشده در دو ماه سال ۱۳۹۱ نسبت به زمان مشابه در سال ۱۳۹۰

سال	وزن	ارزش ریالی	ارزش دلاری
۹۰	۲،۴۵۷،۳۱۰،۳۸۳	۱۸،۷۶۸،۵۹۰،۷۲۲،۸۶۶	۱،۶۷۴،۶۴۲،۲۸۶
۹۱	۱،۳۱۷،۴۷۰،۳۲۵	۱۱،۳۸۵،۰۷۱،۹۵۹،۲۱۰	۹۲۹،۳۱۰،۴۴۴
نرخ تغییرات	-۴۶,۳۹٪	-۳۹,۳۴٪	-۳۹,۳۴٪

مأخذ: برگرفته از سایت صادرکنندگان محصولات نفت،گاز و پتروشیمی‌ایران http://www.opex.ir

٦-۷- اثرات تحریم بر تولید و صادرات نفت و گاز ایران

در تاریخ اول جولای ۲۰۱۲، تحریم های فرآورده‌های نفتی ایران توسط اتحادیه اروپا تأثیر عمده‌ای بر صادرات نفت ایران داشت، زیرا فروش نفت ایران به اتحادیه اروپا تقریباً حدود ۲۳ درصد از صادرات ایران را به خود اختصاص می‌داد. مجموع صادرات نفت ایران در ماه جولای حدود ۹۴۰ هزار بشکه تخمین زده شد که از ۱,۷ میلیون بشکه در روز در ماه ژوئن و ۲,۸ میلیون بشکه در روز در ماه جولای ۲۰۱۱ کم‌تر شده

است. درآمد صادرات نفت از ۹,۸ میلیارد دلار در جولای ۲۰۱۱ به ۲,۹ میلیارد دلار در جولای ۲۰۱۲ کاهش یافت.

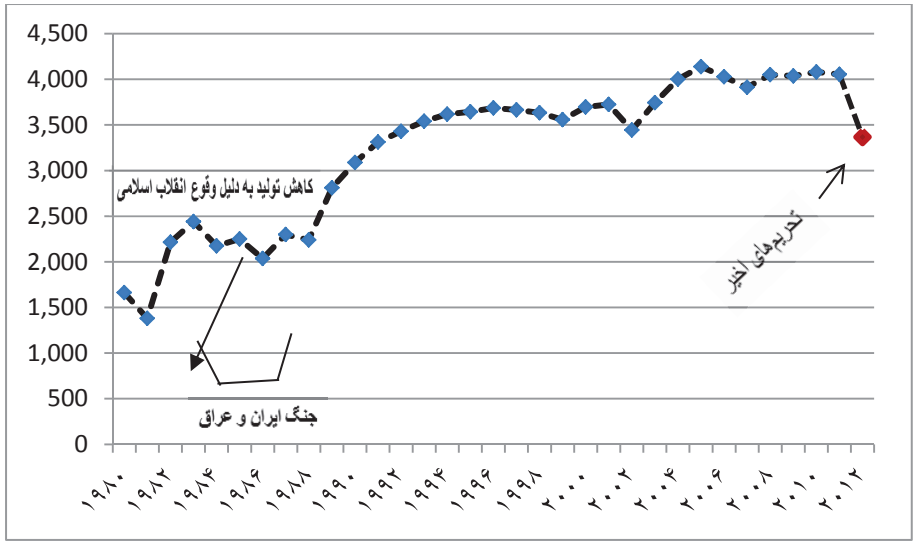
گزارش ماهانه بازار نفت آژانس بین‌المللی انرژی که در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲ منتشر شد، حاکی از کاهش تولید نفت خام ایران در نوامبر به ۲,۷ میلیون بشکه در روز بود. این گزارش هم چنین تخمین می‌زند که صادرات ایران در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال ۲۰۱۱، ۵۰ درصد کاهش یافته است،درحالی که واردات نفت ایران نسبت به ۱,۰۷ بشکه در روز در نوامبر ۲۰۱۲ به مرز ۱,۳ میلیون بشکه در روز در سپتامبر ۲۰۱۲ رسیده است. تحریم های امریکا برای ایجاد فشار بر واردکنندگان عمده باقی مانده نفت ایران نظیر چین، کره جنوبی، ژاپن، و هند همچنان ادامه دارد. با این حال هنوز هم معافیت و چشم‌پوشی قابل توجهی برای این کشورهاکه وابستگی رو به تزایدی به صادرات ایران دارند، در قبال تحریم‌ها وجود دارد. اما این کشورها نیز به تدریج سطح واردات خود را کاهش داده‌اند. چین که بزرگترین هدف صادرات ایران است، واردات خود را حدود ۲۲ درصد در سال ۲۰۱۲ کاهش داده است. هند، دومین مشتری عمده ایران، واردات خود را حدود ۱۵ درصد کاهش داده است و به زودی امسال واردات نفت خام ایران را کاملاً متوقف می‌کند. کره جنوبی واردات خود را حدود ۳۹ درصد کاهش داده است و امسال واردات ایرانی را حدود ۲۰ درصد کاهش خواهد داد؛ تا کنون سئول واردات خود را در مقایسه با یکسال گذشته ۳۰ درصد کاهش داده است. واردات ژاپن از ایران نیز ۱۸ درصد افت داشته و دولت متعهد شده است که واردات ایرانی را حدود ۱۵ درصد کاهش دهد[۷۹].این کاهش صادرات در جدول ۶-۸ مشاهده می شود.

همچنین کاهش در تولید و صادرات نفت ایران را نیز می‌توان در نمودارهای ۶-۱ و ۶-۲ ملاحظه کرد. این دو نمودار به ترتیب تولید و صادرات نفت ایران در فاصله زمانی سال ۲۰۱۲-۲۰۱۱ نشان می‌دهند.

---

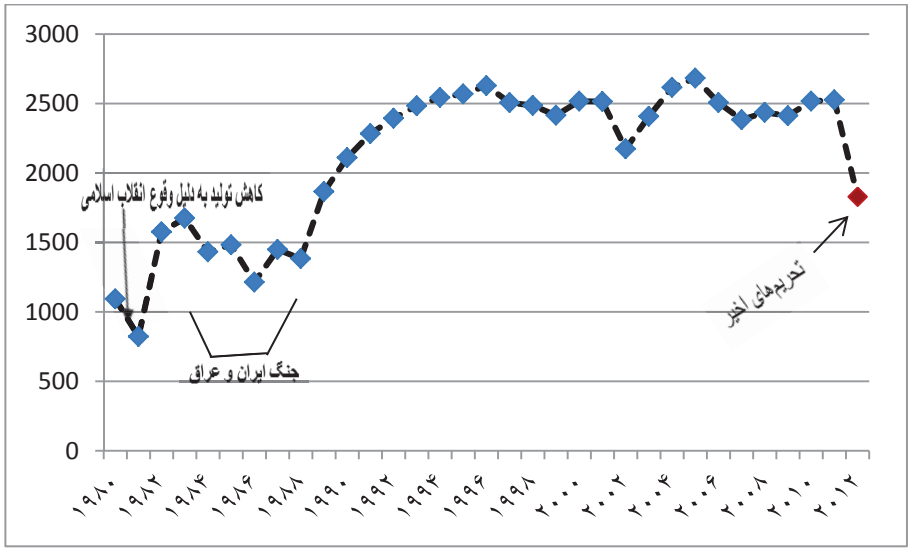
79 -Anthony H. Cordesman, U.S. and Iranian strategic competition, April 19, 2013,p III-V

نمودار ۶-۳:کل تولید نفت خام ایران ۲۰۱۲-۱۹۸۰ هزار بشکه در روز



مأخذ: سازمان اطلاعات انرژی ایالات متحده[۸۰]

نمودار ۶-۴:خالص صادرات نفت خام ایران ۲۰۱۲-۱۹۸۰



مأخذ: سازمان اطلاعات انرژی ایالات متحده[۸۱]

80 -www.eia.gov/countries/country-data.cfm?fips=IR#pet
81 -www.eia.gov/countries/country-data.cfm?fips=IR#pet

جدول ۶-۸:برآورد ماهانه و متوسط سالانه صادرات نفت و میعانات ایران در سال ۲۰۱۲ (میلیون بشکه در روز)

	ژانویه ۱۲	فوریه ۱۲	مارس ۱۲	آوریل ۱۲	مه۱۲	ژوئن ۱۲
ژاپن و کره	۰,۵۷	۰,۵۱	۰,۴۳	۰,۴۴	۰,۲۶	۰,۳۸
چین و هند	۰,۹۶	۰,۷۰	۰,۶۶	۰,۶۶	۰,۷۷	۰,۹۸
دیگر کشورهای غیرعضو IEA	۰,۱۲	۰,۲۶	۰,۳۲	۰,۱۵	۰,۰۹	۰,۰۷
یونان،ایتالیااسپانیاوترکیه	۰,۶۳	۰,۴۲	۰,۵۴	۰,۴۰	۰,۲۹	۰,۳۹
دیگر کشورهای اروپایی	۰,۰۶	۰,۰۴	۰,۰۲	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۰
کل صادرات	۲,۳۵	۱,۹۲	۱,۹۶	۱,۶۵	۱,۴۲	۱,۸۲

مأخذ: سازمان اطلاعات انرژی آمریکا[۸۲]

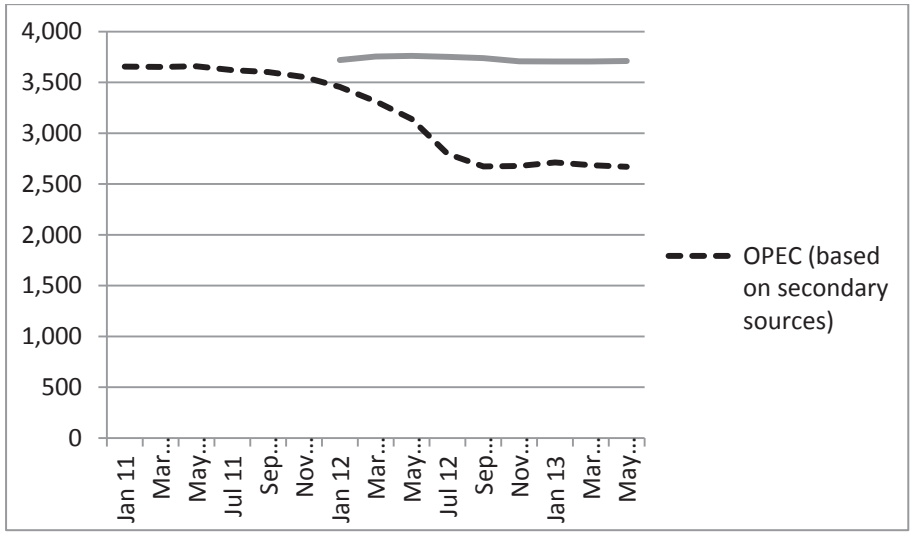
	جولای ۱۲	آگوست ۱۲	سپتامبر ۱۲	اکتبر ۱۲	نوامبر ۱۲	دسامبر ۱۲	متوسط ۲۰۱۲
ژاپن و کره	۰,۱۳	۰,۱۰	۰,۲۵	۰,۳۴	۰,۳۸	۰,۳۹	۰,۳۵
چین و هند	۰,۶۶	۰,۵۶	۰,۶۸	۰,۸۲	۰,۶۵	۰,۸۷	۰,۷۵
دیگر کشورهای غیرعضو IEA	۰,۰۹	۰,۱۳	۰,۰۳	۰,۰۰	۰,۳۳	۰,۰۹	۰,۱۴
یونان،ایتالیااسپانیاوترکیه	۰,۰۵	۰,۲۲	۰,۱۱	۰,۰۷	۰,۱۱	۰,۱۰	۰,۲۸
دیگر کشورهای اروپایی	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۱
کل صادرات	۰,۹۳	۱,۰۱	۱,۰۷	۱,۲۴	۱,۴۷	۱,۴۶	۱,۵۳

مأخذ: سازمان اطلاعات انرژی آمریکا[۸۳]

82 -http://www.eia.gov/countries/cab.cfm?fips=ir
83 -http://www.eia.gov/countries/cab.cfm?fips=ir

همانطور که در جدول ۶-۸ نیز ملاحظه می‌شود، کل صادرات از ۲,۳۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۱ به ۱,۴۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۲ تقلیل یافته است. نمودار ۶-۵ هم نشان می‌دهد تولید نفت ایران و در نتیجه صادرات آن از ابتدای سال ۲۰۱۲ و از زمان آغاز تحریم های جدید ایالات متحده و اتحادیه اروپا به سرعت کاهش یافته است. این امر نشان می‌دهد که تحریم منجر به کاهش تولید و صادرات نفتی ایران و در نتیجه کاهش درآمد و ذخایر ارزی دولت شده است.

نمودار ۶-۵: تولیدماهانه نفت ایران (۲۰۱۳-۲۰۱۱)از زمان اجرایت حریم های جدیدآمریکا واتحادیه اروپا



مأخذ: گزارش‌های ماهانه بازار نفت اپک[۸۴]

[84] -http://www.opec.org/opec_web/en/publications/338.htm

٦-٨-چالش‌های (غیرساختاری) ناشی از تحریم‌ها (راهبردهای کوتاه مدت)

بطور کلی چالش‌ها و راهبردها، به دو گروه طبقه‌بندی شده‌اند. در این بخش از پژوهش با توجه به اهمیت موضوع تحریم‌ها، صرفاً به چالش‌های مرتبط با تحریم‌ها پرداخته شده و بالطبع، راهبردهای ارائه شده در این بخش به منظور حذف یا کاهش اثرات تحریم در این حوزه راهبردی، طراحی شده است. این چالش‌ها در گروه "چالش-های غیرساختاری" طبقه‌بندی شده‌اند. بدیهی است با توجه به آنکه جنس چالش و راهبردهای متناظر با آن نشأت گرفته از فضای تحریمی حاکم بر هر حوزه راهبردی است، انتظار می‌رود که با تغییر شرایط تحریم (تشدید یا تحدید تحریم‌ها) هم چالش‌ها و هم راهبردهای متناظر با آن، دستخوش تغییر و دگرگونی شوند. از اینرو در این تحقیق در هر حوزه راهبردی، چالش‌های غیرساختاری، متناسب با شرایط موجود شناسایی شده و بر این اساس راهبردهایی پیشنهاد گردیده است. همچنین با توجه به سناریوهای منتخب و بدیل شناسایی شده در فصل چهارم پژوهش، میزان جذابیت هر راهبرد در ارتباط با سناریوهای مختلف با استفاده از تحلیل خبرگی، مورد ارزیابی قرار گرفته است. چالش‌های غیرساختاری حوزه راهبردی نفت و انرژی عبارتند از:

۶-۸-۱- چالش صادرات و واردات مواد نفتی (خاص شرایط تحریم و محدود شدن تجارت خارجی)

آژانس بین‌المللی انرژی اخیراً گزارش چشم‌انداز میان‌مدت خود را تا افق ۲۰۱۸ منتشر کرده است. مروری بر این چشم‌انداز نشان می‌دهد که عزم جدی غرب آن است که ایران را به‌طور کلی از بازار نفت کنار گذاشته و یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نقش آن را بسیار کم‌رنگ نماید. شواهد و قراین، میزان ظرفیت مازاد اوپک، توسعه تولید از "اویل‌شیل‌ها" و "شیل‌های‌گازی" و افزایش تولید کشورهای تولیدکننده، نیز امکان حادث شدن چنین سناریویی را برای کشور محتمل‌تر می‌نماید. عدم توجه به چنین

سناریویی با توجه به اتکاء شدید اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، صدمات جبران‌ناپذیری را بر پیکره اقتصاد وارد خواهد نمود. راهبردهای پیشنهادی مرتبط با این چالش عبارتند از:

- **ایجاد نهاد مدیریت صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی با رویکرد حل چالش‌های صادرات در شرایط تحریم**

این نهاد می‌تواند شامل شورایی متشکل از سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و بخش خصوصی باشد که از طرق زیر به مدیریت موفق تحریم‌ها در این بخش همت گمارد:

الف- مقررات‌زدایی و کاهش بوروکراسی اداری در شرایط تحریم با هدف جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی

ب- پایش مداوم وضعیت بازار محصولات صادراتی و وارداتی در این حوزه و آینده‌پژوهی متغیرهای کلیدی در این بخش

ج- ایجاد سازوکار مناسب بازاریابی در شرایط تحریم

د- حمایت از بخش خصوصی داخلی در صنعت نفت کشور و صنایع پایین‌دستی، صنایع و خدمات پشتیبان نفت و گاز، خدمات پیمانکاری و فنی و مهندسی با هدف حضور شرکت‌های ایرانی در بازارهای منطقه‌ای و جهانی

ه- ایجاد زمینه حضور و مشارکت صاحبنظران و خبرگان داخلی و خارجی عرصه انرژی در اصلاح ساختار قراردادهای نفتی با هدف حداکثرسازی منافع ملی

- **ارتقاء بهره‌وری در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی با تأکید بر ارتقاء کارایی مدیریتی**

با توجه به صدماتی که در سال‌های اخیر به سرمایه انسانی در بخش‌های مختلف اقتصادی وارد شد، این صدمات در بخش نفت، گاز و پتروشیمی به دلیل ظرافت و پیچیدگی‌های موجود در این صنعت و نیز نیاز کشورهای منطقه،

بویژه کشورهای رقیب در حوزه‌های مشترک نفت و گاز، ملموس‌تر بود. مهاجرت نیروهای متخصص صنعت نفت و بی‌انگیزه شدن نیروهای متخصص باقیمانده، راه را برای آسیب‌پذیری این صنعت در قبال تحریم‌ها، هموارتر نمود. توجه درخور به عنصر تخصص و استفاده از مدیران کارامد در این حوزه در کنار ثبات مدیریتی را می‌توان نخستین گام در مدیریت تحریم‌ها در این حوزه راهبردی، به شمار آورد.

- **تسریع در بهره‌برداری از پروژه پالایشگاه ستاره خلیج فارس**

در شرایط تحریمی فعلی، شاید بدون اغراق بتوان ادعا نمود که کلیدی‌ترین پروژه در بخش پائین‌دستی، پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس است. چون هر در فاز از پارس جنوبی حدود ۴۰ هزار بشکه میعانات تولید می‌شود که در شرایط تحریم با هزینه‌های مبادله سرسام‌آوری، زیر قیمت بازار به‌فروش می‌رسد و در مقابل بنزین وارداتی با قیمتی به مراتب بالاتر از بازار جهانی وارد کشور می‌شود. بهره‌برداری از پالایشگاه ستاره خلیج فارس، این امکان را فراهم می‌سازد تا حدود ۵۵ درصد میعانات تولید شده در پروژه پارس جنوبی به بنزین تبدیل شود و راه برای افزایش ارزش افزوده و تکمیل زنجیره تولید دراین بخش، فراهم گردد.[۸۵]

- **بهینه‌سازی مصرف انرژی با رویکرد تسهیل عرضه سوخت‌های جانشین بنزین (رفع تنگناهای عرضه در جایگاه‌هایCNG)**

با توجه به مزیت کشور در زمینه تولید سوخت CNG و نیز مشکلات مربوط به واردات بنزین و ارزبری آن و همچنین مسائل زیست‌محیطی بویژه در

[۸۵] - حسنتاش، غلامحسین(۱۳۹۲). "میزگرد: سه چالش بزرگ صنعت نفت". روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۹۲۶، ۲۸

کلان‌شهرها، تسهیل عرضه این سوخت جایگزین، می‌تواند از فشار تقاضا در این بخش بکاهد.

- **بررسی امکان LPG سوز کردن خودروها**

برخی تصمیمات که در شرایط عادی مبنای عقلایی و اقتصادی ندارند با تغییر شرایط، ممکن است کاملاً منطقی و اقتصادی شوند. یکی از این موارد بررسی امکان LPG سوز کردن خودروهاست. تصمیمی که در شرایط عادی کاملاً از چرخه اجرا خارج گردید. با توجه به تشدید تحریم های نفتی و کاهش امکان صادرات گاز مایع و یا فروش آن به قیمت‌های بسیار ناچیز و با صرف هزینه-های هنگفت، شاید اتکا به این منبع در تأمین انرژی مورد نیاز کشور بتواند بخشی از فشار تقاضا برای انرژی در این شرایط را بکاهد. تصمیمی که با توجه به تجربه اجرای آن در گذشته و انعطاف تغییر آن در آینده بسیار قابل اجراست.

- **بررسی تغییر مجدد سوخت نیروگاه‌ها به نفت کوره**

این راهکار نیز راهبردی مشابه راهبرد قبلی است با این تفاوت که اجرایی شدن آن قدری زمانبرتر بوده و می بایست همراه با ملاحظات زیست‌محیطی باشد. در گذشته سوخت اغلب نیروگاه‌های کشور نفت کوره بود اما در دوره‌ای تصمیم گرفته شد که سوخت نیروگاه‌ها به گاز تغییر کند. در شرایط فعلی با توجه به دشواری صدور نفت کوره و واردات گاز از کشور ترکمنستان، شاید بتوان بخشی از نفت کوره تولیدی در داخل کشور را در برخی از نیروگاه‌ها مورد استفاده قرار داد.

- **۶-۸-۲- کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنعت نفت**

هرچند تحریم‌ها، نقش مهمی را در محدود نمودن شرکت‌های نفتی برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، ایفا نموده است اما نباید نقش مدیریت سرمایه‌گذاری در عرصه صنعت نفت را نیز نادیده گرفت. استراتژی‌های پیشنهادی مرتبط با این چالش به ترتیب درجه اهمیت، عبارتند از:

- **تدوین راهبردهای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و مشخص نمودن اولویت‌ها و جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در صنعت نفت**

عدم شفافیت در برنامه‌های توسعه‌ای وزارت نفت و مشخص نبودن راهبردهای تأمین سرمایه سبب ایجاد سردرگمی در این حوزه شده است. تدوین راهبردهای بلندمدت و ایجاد شفافیت در اولویت‌های سرمایه‌گذاری و مکانیزم‌های تأمین مالی، علاوه بر کاهش هزینه‌های مبادله تأمین سرمایه، مدیریت صنعت نفت بر تکمیل پروژه‌های اولویت‌دار و تکمیل زنجیره تولید را تضمین خواهد نمود.

- **ارتقاء دیپلماسی نفتی:**

فعال نمودن دیپلماسی نفتی برای کاهش مشکلات صنعت نفت در کوتاه‌مدت از طریق: الف- اعضاء اوپک ، ب- مصرف‌کنندگان عمده نفت
می‌تواند راه را برای کاهش تأثیرگذاری تحریم‌ها، هموار نماید.

- **ایجاد شرایط سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی**

بهبود فضای کسب‌وکار، ایجاد شرایط عادلانه و شفاف برای انعقاد قرارداد و تضمین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، زمینه فعالیت بخش خصوصی را در عرصه صنعت نفت فراهم خواهد نمود.

- **برنامه‌ریزی برای تجمیع امکانات بانک‌ها و بخش خصوصی**

در شرایط تحریم که دسترسی به منابع خارجی امکان‌پذیر نیست باید تمام توان کشور را در بهره‌مندی از امکانات بانک‌ها و بخش خصوصی برای توسعه و حفظ صنعت نفت به کار گرفت.

- **استفاده از ابزارهای مالی و بیمه‌ای برای کاهش ریسک حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی**

- **تأسیس بانک توسعه انرژی**[۸۶]

کمبود منابع مالی، همواره –چه در شرایط تحریم و چه در شرایط غیرتحریمی- یکی از دلایل کند شدن یا توقف اجرای پروژه‌ها در کشور بوده است. از طرف دیگر تخصصی بودن این صنعت و نیاز به سرمایه‌های هنگفت جهت سرمایه‌گذاری، ایجاب می‌کند تا صنعت نفت نیز همانند سایر بخش‌های تخصصی، دارای بانک مختص به خود باشد. نمی‌توان بزرگترن صنعت کشور را بدون وابستگی به بانک توسعه داخلی جلو برد. این بانک حداقل نیاز به سرمایه اولیه ۱۰ میلیارد دلار دارد و حتماً هم در ابتدای کار باید دولتی باشد چون بخش خصوصی داخلی چنین توانی ندارد اما در مراحل بعدی می‌تواند از سرمایه خارجی استفاده کند.

[۸۶] - نعمت زاده، محمدرضا(۱۳۹۲). "میزگرد: سه چالش بزرگ صنعت نفت". روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۹۲۶، ۲۸

۶-۸-۳- ارزیابی جذابیت استراتژی‌ها در فضای سناریویی

با توجه به نتایج تحلیل سناریو در فصل چهارم، دو سناریوی منتخب و بدیل عبارتند از:

جدول ۶-۹: شرح سناریوهای منتخب و بدیل

سناریو	شرح	مشخصات
منتخب	بهبود انسجام سیاسی در محیط نزدیک و دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا (بدون حذف تحریم‌ها) در محیط دور	عدم تصویب تحریم های جدید
		آزادسازی برخی از دارایی‌های بلوکه شده ایران
		عدم حذف تحریم‌ها
بدیل	بهبود انسجام سیاسی در محیط نزدیک و دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا (با حذف برخی از تحریم‌ها) در محیط دور	عدم تصویب تحریم های جدید
		حذف برخی از تحریم‌ها (بازگشت به وضعیت قبل از تیرماه ۹۱)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر این اساس اولویت راهبردهای کوتاه‌مدت مدیریت تحریم در حوزه راهبردی نفت و انرژی، بر اساس میزان جذابیت آنها در چارچوب سناریوهای منتخب و بدیل که از تحلیل خبرگی حاصل شده است، بصورت جدول زیر خواهد بود:

جدول ۶-۱۰: اولویت راهبردهای مرتبط با چالش‌هایغیر ساختاری در سناریوهای منتخب و بدیل

راهبردها	اولویت در چارچوب سناریو	
	منتخب	بدیل
ارتقاء بهره‌وری در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی با تأکید بر ارتقاء کارایی مدیریتی	۱	۱
تسریع در بهره‌برداری از پروژه پالایشگاه ستاره خلیج فارس	۱	۱
ارتقاء دیپلماسی نفتی (هماهنگی راهبردی وزارت نفت، صنعت، معدن و تجارت و امور خارجه)	۱	۱
ایجاد شرایط سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی	۱	۱
برنامه ریزی برای تجمیع امکانات بانک‌ها و بخش خصوصی	۱	۱
استفاده از ابزارهای مالی و بیمه‌ای برای کاهش ریسک حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی	۱	۱
ایجاد نهاد مدیریت صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی با رویکرد حل چالش‌های صادرات در شرایط تحریم (بویژه با توجه به وضعِیت اشباع بودن بازار جهانی نفت)	۱	۲
بررسی امکان LPG سوز کردن خودروها	۲	۴
بررسی تغییر مجدد سوخت نیروگاه‌ها به نفت کوره	۲	۴
بهینه‌سازی مصرف انرژی با رویکرد تسهیل عرضه سوخت‌های جانشین بنزین (رفع تنگناهای عرضه در جایگاه-هایCNG)	۳	۳
تدوین راهبردهای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و مشخص نمودن اولویت‌ها و جذابیت‌های سرمایه‌گذاری در صنعت نفت	۴	۲
تأسیس بانک توسعه انرژی	۵	۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

٦-۹- چالش‌های (ساختاری) بسترساز اثربخشی تحریم‌ها (راهبردهای میان‌مدت و بلندمدت -کاهش نااطمینانی)

هرچند در نگاه اول شاید این موضوع به ذهن متبادر شود که این چالش‌ها بسیار تکراری بوده و حتی قبل از اعمال تحریم‌ها یا تشدید آنها نیز وجود داشته‌اند، اما با اندکی تأمل می‌توان دریافت که اصولاً وجود چنین چالش‌هایی که آنها را باید دردهای مزمن اقتصاد ایران محسوب نمود، زمینه را برای ایجاد نااطمینانی و یا تشدید اثرات آن، فراهم می‌نمایند. با نگاهی به روند تشدید تحریم‌ها و برنامه‌ریزی فرستندگان تحریم می‌توان دریافت که نوع و شدت تحریم‌ها به دو عامل کلیدی وابسته است:

۱- درجه سهولت وضع تحریم

۲- درجه تأثیرگذاری تحریم وضع‌شده

و با توجه به همین دو عامل است که حوزه راهبردی انرژی در اقتصاد ایران به عنوان بخش پیش‌قراول اقتصاد، در نبود مدیریت کارامد، مورد تحریم قرار می‌گیرد. این بخش از چالش‌ها در گروه چالش‌های ساختاری، طبقه‌بندی شده‌اند. چالش‌های ساختاری به چالش‌هایی اطلاق می‌شود که مختص به شرایط تحریم نبوده و از قدمت بیشتری برخوردار بوده، اما نقشی اساسی را در آسیب‌پذیری سیستم در قبال چالش‌های غیرساختاری ایفا می‌نمایند. لازم به ذکر است که راهبردهای این چالش‌ها در افق‌های زمانی میان‌مدت و بلندمدت قابل اجراست اما ارائه راهبرد و رفع آن از زمان حال ضروری است. با توجه به رابطه علی یک طرفه بین چالش‌های ساختاری و غیرساختاری و تأثیر چالش‌های ساختاری بر تقویت یا تحدید اثرگذاری چالش‌های غیرساختاری، بدیهی است که این چالش‌ها با تغییر شرایط و فضای تحریم‌ها، دستخوش تغییر نمی‌شوند. بنابراین چالش‌ها و راهبردهای ارائه شده در این بخش از ثبات بیشتری برخوردار بوده و در فضای تحلیل سناریویی مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند.

با توجه به نظرات خبرگان کلیدی این حوزه، ۳ اولویت با توجه به میزان تأثیر این چالش‌ها بر بخش انرژی، به شرح جدول زیر تعریف شده است:

جدول ۶-۱۱: **چالش‌های ساختاری حوزه راهبردی نفت و انرژی**

اولویت	چالش‌ها
اولویت اول	ضعف مدیریت و ساختار صنعت نفت
	ناکافی بودن نیروی متخصص
اولویت دوم	عدم اولویت‌بندی در توسعه میادین
	مصرف بی‌رویه انرژی
	پایین بودن کارایی صنعت پتروشیمی و عدم تکمیل زنجیره ارزش
	بومی‌نبودن صنعت نفت
اولویت سوم	فرسودگی تجهیزات و تأسیسات صنعت نفت
	ضعف سازمان قراردادهای توسعه میادین نفتی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تبیین هر چالش و راهبردهای مرتبط با هر چالش، به شرح زیر است:

٦-٩-١- ضعف مدیریت و ساختار صنعت نفت[۸۷]

الف- عدم‌ثبات مدیریت در بخش نفت

ثبات مدیریت یکی از مسایلی است که موجب پیشرفت و توسعه می‌شود، لذا یکی از دلایلی که موجب بروز مشکلات در صنعت نفت طی دولت‌های نهم و دهم شد، بی‌ثباتی مدیریت در صنعت نفت بوده است. امروز شبکه مدیریت نفت بسیار ضعیف شده است چراکه مدیران سطح پایین به کارهای بزرگ گمارده شدند درحالی که قادر به ایجاد تحول در صنعت نفت نبوده و نیستند.

۸۷ - میزگرد: سه چالش بزرگ صنعت نفت. روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۹۲۶،۲۸

ب- عدم وجود یک برنامه مدون

بی‌برنامه‌گی گسترده ای خصوصاً در بخش بالادستی وجود داشته است، اولویت‌ها مشخص نبوده و بدون توجه کارفرما به این مسائل شرکت‌هایی که توانایی نداشتند، به کار گرفته شده‌اند. به عنوان مثالطی دوسال گذشته (۹۱-۱۳۹۰)، قراردادهایی تحت عنوان HOA در صنعت نفت به کار گرفته شد که نوعی ساده‌سازی در توسعه بالادستی صنعت نفت بود. به اینمعنی که شرکت‌هایی با حفر یک یا دو چاه در یک میدان و کشیدن یک خط لوله، به مدت شش ماه تولید کنند و سپس نفت را به یک واحد بهره‌برداری تحویل دهند و بر اساس اطلاعات میدان و تولید شش‌ماهه طرح جامع توسعه میدان را تهیه کنند و آنگاه یا برای توسعه اصلی میدان با خودشان قرارداد بسته می‌شود و یا اینکه هزینه‌های آنها تسویه می‌شود. این شیوه که در مرحله اول یک کار حدودا ۳۰ یا ۴۰ میلیارد دلاری بود، موجب تشویق بسیاری از شرکت‌ها برای ورود به بخش بالادستی بدون توجه به محدودیت زیرساخت‌های مربوطه شد. نتیجه اینکه امروز بسیاری از شرکت‌ها کارهای نیمه‌تمامی را رها کرده‌اند و بسیاری هم با ضرر بیرون رفته‌اند و یک تعهد حقوقی و قراردادی هم روی میدان نفتی (یا گازی) سوار شده است. درچنین شرایطی که تصمیم و برنامه غلط براساس ساختار غلطی طراحی شده، طبیعی است که بازگشتن به شرایط اولیه مشکلات بسیاری به همراه خواهد داشت.

استراتژی های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- رعایت شرایط احراز در انتصاب‌های مدیریتی

در صورتی که شرایط احراز در انتصاب‌ها که در قوانین ذکر شده است، رعایت شود بسیاری از مشکلات صنعت نفت که ناشی از مدیریت نادرست در برنامه‌ریزی و اجرای آن است، حل خواهند شد.

۲- تفکیک حیطه‌های تصدی‌گری و بنگاه‌داری

اولاً بخش‌های حاکمیتی و تصدی درهم پیچیده بوده و قابل تفکیک نیستند و ثانیاً روابط خود بخش‌های تصدی هم مشخص نیست و این امر باعث ایجاد مشکلاتی شده

است به‌طوری که در حوزه تصدی آنقدر به هم پیچیده شده که روابط آنها با هم تعریف نشده و مسئولیت‌ها را لوث نموده است که به معنای عدم شفافیت و مشکل ساختار سازمانی است.

۳- شفاف‌سازی اطلاعات

شفاف‌سازی اطلاعات به خصوص در برگزاری مناقصات و روابط کارفرمایی می‌تواند فساد مالی و ادری را در صورت وجود، برطرف سازد. این امر چه در تعریف پروژه‌ها و چه در هزینه اجرای پروژه‌ها تأثیر قابل‌توجهی خواهد داشت.

۴- اصلاح ساختار صنعت نفت[۸۸]

ساختار وزارت نفت باید به چهار گروه نفت، گاز، پتروشیمی و سایر بخش‌ها تقسیم شود و میادین مستقل هر بخش به آن حوزه واگذار شود. این ساختار در شرکت گازپروم روسیه نیز قایل مشاهده است. بنابراین انجام مطالعه تطبیقی در این خصوص و استفاده از تجربیات موفق بین‌المللی بسیار مفید خواهد بود.

۵- واگذاری فعالیت‌های پیمانکاری

وجود شرکت‌های متعدد پیمانکاری در صنعتنفت که نظام تصمیم‌گیری آنها با بخش کارفرمائی تداخل دارد، ناکارآمدی گسترده نهادی را به دنبال داشته است. لذا واگذاری این فعالیت‌ها در حل این چالش مؤثر خواهد بود.

۶- برگزاری مجامع عمومی و عمل به وظایف محوله به امور مجامع

عدم تعهد مجامع عمومی شرکت‌های اصلی صنعت‌نفت (شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران و شرکت ملی صنایع پتروشیمی) به انجام وظایف خود از دیگر چالش‌ها است. سال‌هاست که مجامع عمومی صاحبان سهام این شرکت‌ها کاملاً حالت صوری پیدا کرده‌اند و به وظایف قانونی خود عمل نمی‌کنند. شرکت‌ها، بنگاه‌های اقتصادی هستند و مجامع عمومی آنها می‌توانند در صورت انجام وظایف قانونی و عرفی

---

[۸۸]. - قربان، نرسی(۱۳۹۲). "میزگرد: سه چالش بزرگ صنعت نفت". روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۹۲۶، ۲۸

و نظارتی و حسابرسی خود، زمینه داشتن برنامه مدون، شفافیت عملکرد، کاهش هزینه‌ها و ارتقاء کارائی را فراهم نمایند.صاحبان سهام سه شرکت اصلی صنعت نفت جمعی از وزارت‌خانه‌ها بوده و ریاست مجامع عمومی آنها به عهده رئیس جمهور است.

۷- تقویت نظام کارشناسی و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی

۸- تقویت نظام مدیریت پروژه

٦-۹-۲- ناکافی بودن نیروی متخصص

درحوزه تخصص، وضعیت فاجعه‌بار است وتعداد بسیار اندکی PHD در زمینهreserval engineering درکشور وجود داردکه درشرایط فعلی بدتر هم شده است و خروج نیروی متخصص روزبه‌روزبیشترمی‌شود.

مهم‌ترین راهبردهای پیشنهادی در جهت رفع این چالش عبارتند از:

۱- ارتقاء نظام انگیزشی برای نگهداری نیروهای متخصص

ارتقاء نظام انگیزشی برای نگهداری نیروهای متخصص نیز از جمله موارد مهم در این صنعت است. امید متخصصان ایرانی در به کارگیری تخصص آنها در صنعت نفت موجب می‌شود که در داخل کشور و در خدمت صنعت نفت ایران باقی بمانند.

۲- افزایش ظرفیت در رشته‌های مورد نیاز صنعت نفت

وزارت نفت از سال ۷۷ به فکر توسعه این رشته در ایران افتاده است، زیرا در آن زمان در دانشگاه‌های کشور رشته‌ای با عنوان مهندسی نفت وجود نداشت و همچنان با وجود حمایت‌های مادیو معنوی وزارت نفت هنوز هیچ یک از دانشگاه‌های کشور دوره لیسانس مهندسی نفت را ایجاد نکرده‌اند. چون این دیدگاه متأسفانه هنوز وجود دارد که فارغ‌التحصیلان اگر در وزارت نفت استخدام نشوند، بیکار می‌مانند. در حالی‌که شرکت شل اعلام کرده است که در ایران به ۲۰۰ نفر مهندس نفت نیاز دارد.

۳- توسعه رشته‌های جدید متناسب با نیاز صنعت نفت

به‌دلیل اینکه رشته‌های پایین‌دستی مثل پتروشیمی، شیمی و غیره در دانشگاه‌های دیگر تدریس می‌شد، دانشگاه صنعت نفت با وجود کمبودهای فراوان در زمینه استاد، به رشته‌های بالادستی روی آورد و در این رشته‌ها در تمام مقاطع تحصیلی لیسانس، فوق-لیسانس و دکترا به تربیت متخصص پرداخت. در دوره لیسانس تا حدودی ظرفیت دانشجو افزایش یافته است،به‌طوری که تعداد پذیرش برای مهندسی نفت در سال جاری به ۲۷۰ نفر رسیده است. در دوره فوق‌لیسانس نیز با حمایت‌های وزارت نفت، دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر و صنعتی‌شریف اقدام به راه‌اندازی دوره فوق‌لیسانس مهندسی نفت کرده اند که این کار از سه سال پیش انجام می‌شود.

در این راستا تعدادی از افراد نیز برای تحصیل به خارج از کشور اعزام می‌شوند.تا سال ۱۳۸۱، ۶۰ نفر از اعزام‌شدگان به خارج از کشور، به کشور بازگشته‌اند و ۱۵۰ نفر دیگر در حال تحصیل هستند. وزارت نفت می بایست طبق برنامه, طی ۳ سال حدود ۳۰۰ نفر را به خارج از کشور اعزام می‌کرد که البته تمام این رقم تحقق نیافته است.

۴- ایجاد مقاطع کارشناسی‌ارشد و دکتری مهندسی مخازن نفتی

از آنجایی که مهندسی مخازن نفتی از جمله رشته‌های دانشگاهی است که در صنعت نفت مورد نیاز است لذا ایجاد این رشته در مقاطق فوق‌الذکر به حل این چالش کمک خواهد کرد.

٦-۹-۳- عدم اولویت‌بندی در توسعه میادین

در شرایط تحریم که فشار آن نیز روزافزون است، صنعت نفت قادر نیست که تمام میادین را توسعه بدهد و لذا مشخص نبودن اولویت‌ها باعث می‌شود که امکانات کشور تجزیه شده و کارها نیمه‌تمام باقی بماند. حداقل در شرایط تحریم و با توجه به امکانات موجود، می بایستاولویت بر میادین مشترک گذاشته شود. البته حتی در میادین مشترک نیز به طور کامل نمی‌توان همه را همزمان توسعه داد چون کار کردن برروی همه میادین مشترک مقدور نیست. اولویت‌بندی در سطح میادین مشترک نیز باید بر

اساس وضعیت استخراج رقبا و سرمایه‌گذاری آنها در میادین مشترک باشد. راهبردهای پیشنهادی برای حل این چالش به شرح زیر است:

۱- اولویت دادن به سرمایه‌گذاری در میادین مشترک

درمواقعی که مخازن نفت یا گاز در تقاطع مرزهای دو یا چند کشور یافت می‌شود مسأله حاکمیت یا مالکیت بر آن و بهره‌برداری از مخازن مذکور، به لحاظ طبیعت فرار مواد هیدروکربنی، بسیار مورد توجه و بحث برانگیز است. ویژگی این مخازن آن است که چنانچه هر یک از دو کشور ذینفع در مخزن، از داخل مرز خود اقدام به حفاری نماید، می‌تواند بخشی از نفت یا گاز موجود در مخزن مشترک را استخراج کند.

ایران نیز با برخی از کشورهای همسایه خود دارای میادین مشترک نفتی است، این کشورها عبارتند از:

- عراق
- عربستان
- کویت
- قطر
- امارات متحده عربی
- عمان

در حال حاضر بیش از ۱۵ مخزن نفتی مشترک بین ایران و این کشورها وجود دارد؛ مخازن مشترک واقع در خشکی در همجواری کشور عراق و امارات قرار دارد و سایر مخازن در خلیج فارس و دریای عمان واقع شده اند.

اولویت صنعت نفت مشخص است، در بهترین شرایط ، باید توان مدیریتی و پیمانکاری در صورت وجود، روی میادین مشترک گذاشته شود زیرا در حوزه‌های مشترک قانونی به نام"قاعده تسلط" وجود دارد و به این معنی است که هر کشوری در حد توانش می‌تواند برداشت داشته باشد بدون اینکه سقفی برای آن تعریف شود.

در همه برنامه‌های توسعه، اولویت بر میادین مشترک گذاشته شده اما در عمل اصلاً اجرا نشده است لذا سوءمدیریت صنعت نفت بسیاراثرگذارتر از تحریم‌ها بوده است.

قطر همین روزها جشن رسیدن به تولید یک میلیارد بشکه از لایه مشترک نفتی را برگزار می‌کند و در همین مراسم نیز قراردادهایی برای افزایش تولید میدان از ۵۲۵ هزار بشکه فعلی به ۷۰۰ هزار بشکه تنظیم خواهد کرد، درحالی که ایران هنوز از این میدان یک بشکه نفت هم برداشت نکرده است..[۸۹]

۲- ترسیم نقشه راه توسعه بخش بالادستی صنعت نفت

متأسفانه در صنعت‌نفت در بعد از انقلاب یک نقشه راه و اولویت‌بندی برای توسعه منابع هیدورکربنی وجود نداشته است. به همین دلیل ترسیم نقشه راه توسعه بخش بالادستی صنعت نفت کشور، یک ضرورت انکار ناپذیر است.

۳- توقف طرح‌های توسعه پروژه‌های هیدروکربنی غیراولویت‌دار

با توجه به این که در شرایط تحریم، صنعت نفت قادر به توسعه تمامی میادین با توجه به محدودیت‌های جدی پیش‌رو نیست، مشخص نبودن اولویت‌ها باعث می‌شود که امکانات کشور تجزیه شده و کارها نیمه تمام باقی بماند، بنابراین باید طرح‌های توسعه پروژه‌های هیدروکربنی غیراولویت‌دار را متوقف نمود تا به توسعه پروژه‌های اولویت‌دار مثل میادین مشترک آسیبی وارد نشود.

۴- تجمیع توانائی‌های ملی برای توسعه میادین مشترک

میادین مشترک همانطور که در بالا نیز بیان شد جزء اولویت‌های اساسی برای توسعه هستند لذا لازم و ضروری است که تمام توان ملی به کار گرفته شود تا این میادین توسعه یابند.

۵- الویت‌بندی میادین مشترک

---

[۸۹]. - حسنتاش، سید غلامحسین (۱۳۹۲). "میزگرد: سه چالش بزرگ صنعت نفت". روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۹۲۶، ۲۸

در میادین مشترک نیز به طور کامل نمی‌توان همه را همزمان توسعه داد چون کار کردن برروی همه میادین مشترک مقدور نیست. به همین دلیل توسعه میادین مشترک نیز باید اولویت‌بندی شوند. در حال حاضر ۱۶ میدان مشترک وجود دارد که اولویت اول میدان پارس جنوبی است چون بزرگترین میدان گازی جهان است، رقیب قطری ۱۰ سال زودتر از ایران شروع به بهره‌برداری کرده است و هم اکنون نیز تولیدش بیش از ۲ برابر تولید ایران است و در کل تا کنون بصورت تجمعی بیش از ۳ یا ۴ برابر ایران تولید کرده است. بنابراین اولویت اول، میدان پارس جنوبی است که هرگونه توان مالی، مدیریتی و پیمانکاری درصورت وجود، باید بر این میدان متمرکز شود. اولویت دوم سرمایه‌گذاری نیز با توجه به حجم سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته و برداشت‌های انجام شده توسط رقیب قطری، باید بر لایه نفتی پارس جنوبی متمرکز شود. توسعه سایر میادین مشترک نیز بر اساس قاعده بازی رقیب در سرمایه‌گذاری و برداشت استوار شود. در صورت تولید همگن رقبا در میادین مشترک، صرفاً باید به ایجاد امکانات نرم‌افزاری برای حضور مؤثر و به موقع در توسعه میادین مذکور، اکتفا نمود.

٦-٩-٤- مصرف بی‌رویه انرژی

مسئله نامطلوب بودن شاخص شدت انرژی و مصرف بالای حامل‌های انرژی و فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی در کشور از چالش‌های مهم صنعت‌نفت است. هرچند ادعاهای زیادی در خصوص تأثیر طرح هدفمندییارانه‌ها بر مصرف انرژی در کشور بیان شد، اما دلایل متعددی خلاف این ادعا را اثبات می‌نماید. اول آنکه کشش قیمتی تقاضای انرژی در تمامی کشورهای دنیا بسیار کم است که دلیل آن را باید در ضروری دانستن این کالا جستجو نمود. در ایران به دلیل سیاست‌های انحصاری در بیشتر بخش‌های اقتصادی و بویژه در بخش خودرو که با وجود تحریم‌ها، شدت بیشتری نیز یافت، انتظار می‌رود که کشش‌های قیمتی تقاضا بسیار کمتر از کشورهای توسعه‌یافته باشد که خود مؤید این مطلب است که اصلاح ساختار قیمت‌ها به تنهایی نمی‌تواند گره

از مشکل مصرف بی‌رویه انرژی در کشور بگشاید. شاهد این مدعا، گزارش تراز هیدروکربوری سال ۹۰ است که نشان می‌دهد کاهش مصرف انرژی، ناشی از کنترل مصرف نبوده، بلکه به علت کاهش تقاضای بخش تولید اتفاق افتاده است.

جدول ۶-۱۲: تراز انرژی سال ۱۳۸۹ کل کشور (میلیون بشکه معادل نفت خام)

شرح	نفت‌خام و فرآورده‌های نفتی	گاز طبیعی	زغال سنگ	منابع تجدیدپذیر قابل‌احتراق (۱)	انرژی آبی	انرژی خورشیدی و بادی	کل‌برق	کل‌انرژی
عرضه کل انرژی اولیه	۶۱۹,۱	۹۰۹,۸	۷,۷	۵,۶	۵,۶	۰,۱	-۲,۲	۱۵۴۵,۸
کل مصرف نهایی	۴۶۷,۲	۵۵۹,۹	۱,۸	۵,۶	-	-	۱۰۹,۴	۱۱۴۳,۸
خانگی، عمومی و تجاری	۶۵,۷	۲۹۴,۸	۰,۱	۵,۶	-	-	۵۵,۸	۴۲۲,۰
صنعت	۵۷,۲	۱۸۷,۲	۰,۱	-	-	-	۳۷,۱	۲۸۱,۵
حمل ونقل	۲۵۷,۱	۳۴,۹	-	-	-	-	۰,۲	۲۹۲,۲
کشاورزی	۲۸,۳	۳,۰	-	-	-	-	۱۴,۲	۴۵,۵
سایر مصارف	-	-	-	-	-	-	۲,۱	۲,۱
مصارف غیرانرژی	۵۸,۹	۴۰	۱,۷	-	-	-	-	۱۰۰,۵

۱) شامل بیوماس جامد و بیوگاز می‌گردد.

مأخذ: ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۰

جدول ۶-۱۳: تراز انرژی سال ۱۳۹۰ کل کشور (میلیون بشکه معادل نفت خام)

شرح	نفت‌خام و فرآورده‌های نفتی	گازطبیعی	زغال سنگ	منابع تجدیدپذیر قابل‌احتراق (۱)	انرژی آبی	انرژی خورشیدی وبادی	انرژی هسته‌ای	کل‌برق	کل‌انرژی
عرضه کل انرژی اولیه	۶۱۹,۴	۹۶۲,۵	۸,۵	۵,۹	۷,۱	۰,۱	۰,۶	-۲,۹	۱۶۰۱,۲
کل مصرف نهایی	۴۲۱,۳	۶۵۲,۱	۲,۲	۵,۹	-	-	-	۱۱۱,۴	۱۱۹۲,۸
خانگی، عمومی و تجاری	۵۵,۵	۳۱۸,۱	۰,۱	۵,۹	-	-	-	۵۰,۷	۴۳۰,۲
صنعت	۳۸,۵	۲۱۴,۳	۰,۱	-	-	-	-	۴۰,۷	۲۹۳,۶
حمل ونقل	۲۵۷,۱	۳۹,۳	-	-	-	-	-	۰,۲	۲۹۶,۶
کشاورزی	۲۴,۳	۳,۹	-	-	-	-	-	۱۷,۷	۴۵,۸
سایر مصارف	-	-	-	-	-	-	-	۲,۲	۲,۲
مصارف غیرانرژی	۴۵,۹	۷۶,۴	۲	-	-	-	-	-	۱۲۴,۳

۱) شامل بیوماس جامد و بیوگاز می‌گردد.

مأخذ ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۰

همانطور که در ترازهای انرژی سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ مشاهده می‌شود کل مصرف انرژی در سال ۹۰ نسبت به سال ۸۹، کاهش یافته اما بررسی اجزاء مصرف، حاکی از کاهش شدید مصرف انرژی در بخش صنعت نسبت به بخش‌های دیگر است. این در حالیست که این کاهش مصرف انرژی با توجه به نبود وقفه زمانی، نمی‌تواند ناشی از نوسازی صنایع و بهبود بهره‌وری در این بخش باشد.

۱- استفاده از ابزارهای غیر قیمتی:

در بیشتر کشورهای دنیا، ابزار قیمتی تنها یکی از ابزارهای مورد استفاده در تنظیم تقاضاست. در کنار این ابزار، از ابزارهای غیرقیمتی متعددی همانند توسعه زیرساخت‌ها و ناوگان حمل‌ونقل عمومی، ارائه یارانه به این بخش، ترغیب شهروندان به استفاده بیشتر از دوچرخه، افزایش هزینه پارک خودروهای شخصی در خیابان، کاهش تعرفه واردات خودرو برای خودروهای کم‌مصرف، افزایش عوارض برای سازندگان خودروهای پرمصرف و استفاده‌کنندگان از این وسایل نقلیه، و ... از جمله این سیاست‌های غیرقیمتی است. هرچند در خصوص سیاست‌های قیمت‌گذاری نیز در این بخش می‌توان از سیاست‌های تبعیض قیمتی، بهره برد.

۲- قرار دادن سیستم اعتبار انرژی به جای یارانه نقدی

شاید بهترین تجربه در این خصوص مجوزهای قابل مبادله باشد که در حوزه محیط‌زیست در سطح بین‌المللی از آن استفاده می‌شود. در بخش یارانه‌ها نیز یکی از راهکارها، استفاده از سیستم کارت اعتباری انرژی است. با استفاده از این کارت اعنباری، خانوارها یا بنگاه‌های تولیدی قادر بودند تا نسبت به بهسازی ساختار مصرف انرژی خود اقدام نمایند و در صورت عدم نیاز، آن را به افراد یا بنگاه‌های دیگر واگذار نمایند. این شیوه می‌توانست تأثیر زیادی بر اثربخشی طرح هدفمندی یارانه‌ها در دستیابی به هدف کاهش مصرف انرژی داشته باشد.

۳- مشخص کردن شاخص‌ها و استانداردهای مصرف انرژی برای فعالیت‌های مختلف

تدوین استانداردها و شاخص‌های مصرف انرژی و ارائه سنجه‌های قابل مقایسه در فعالیت‌های مختلف اقتصادی و رصد نمودن تغییرات آن در طول زمان، می‌تواند به عنوان مبنایی برای سنجش عملکرد و بهره‌وری واحدهای مختلف اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

۴- ایجاد واحدهای نمونه صنعتی برای الگوبرداری و مقایسه

Benchmarking و ارائه لیستی از Best Practice ها می‌تواند ضمن تشویق بنگاه‌های اقتصادی و استفاده تبلیغاتی از این رهگذر یا بهره‌مند شدن از کارت اعتباری انرژی متناسب با میزان صرفه‌جویی در مصرف انرژی، زمینه مناسبی برای الگوبرداری بنگاه‌های اقتصادی غیربهره‌ور در زمینه مصرف انرژی، را فراهم سازد.

٦-۹-۵- پایین بودن کارایی صنعت پتروشیمی و عدم تکمیل زنجیره ارزش

هرچند صنعت پتروشیمی رابايد گل سرسبد صنعت نفت به حساب آورد اما صنعت پتروشیمی کشور نیز دچار چالش‌های بزرگی است.گزارشی که اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرده، نشان می‌دهد که این صنعت، زیان‌ده است. بنگاه‌های پتروشیمی کماکان یارانه می‌گیرند و اخیراً مشکل رانت نرخ ارز هم به این یارانه اضافه شده است. این بنگاه‌ها از یارانه و رانت نرخ ارز ارتزاق می‌کنند و به ضرر اقتصاد ملی سود نشان می‌دهند و اگر قیمت سوخت و خوراکشان واقعی و شفاف شود و رانت‌ها و یارانه‌ها حذف شود، زیان‌دهی اغلب آنها آشکار خواهد شد. صنعت پتروشیمی ایران از پیش از انقلاب فاقد نقشه راه مشخص و منطقی بوده است و در این راستا نیاز است تا بازنگری جدی در توسعه صنعت پتروشیمی، اتفاق بیافتد.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که مبتنی بر آمارهای صنعت پتروشیمی و آمار گمرکات کشور است، در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۲ میلیون تن محصولات پایه پتروشیمی و کودشیمیائی به ارزش ۸/۵ میلیارد دلار صادر و در مقابل ۲ میلیون تن محصولات نهائی پتروشیمی به ارزش ۵/۵ میلیار دلار وارد شده است. همچنین این گزارش نشان می‌دهد که متوسط ارزش محصولات صادراتی پتروشیمی هر تن ۸۰۶ دلار بوده است در صورتی که ۵۵ درصد خوراک پتروشیمی میعانات گازی باشد که هر تن آن در آن سال بیش از ۹۰۰ دلار بوده است، تجدیدنظر در زنجیره ارزش و

روند توسعه صنعت پتروشیمی را کاملاً توجیه‌پذیر می‌نماید.راهبردهای پیشنهادی مرتبط با این چالش عبارتند از:

۱- تکمیل زنجیره ارزش محصولات پتروشیمی به محصولات نهائی

برای مثال در پتروشیمی محصولات میانی‌ای تولید می‌شود که باید در زنجیره بعدی به محصولات نهایی مانند بنزن تبدیل شوند، اما اکنون این محصولات از پتروشیمی گرفته می‌شود و در تولید بنزین استفاده می‌شود که منجر به تولید بنزین بی‌کیفیت می‌شود؛ بر اساس استانداردهای شرکت ملی نفت، که از استانداردهای جهانی نیز پایین‌تر است، حد مجاز بنزن و مواد اروماتیکی در بنزین به ترتیب می بایست ۱٪ و ۳۷٪ باشد، درحالی که میزان فعلی این مواد در بنزین ۵٪ و ۴۵٪ می باشد.

۲- سرمایه‌گذاری در دانش فنی و طراحی واحدهای پتروشیمی

سرمایه‌گذاری در اتقاء دانش فنی و طراحی واحدهای پتروشیمی با تعریف قطب‌های مختلف در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور می‌تواند راه را برای تکمیل زنجیره ارزش در بخش پتروشیمی کشور، باز نماید.

۳- ارتقاء کارائی واحدهای پتروشیمی موجود

با توجه به آنکه صنعت پتروشیمی ایران برمبنای یک نقشه راه مشخص و منطقی، توسعه نیافته، لازم است تا مطالعه‌ای با هدف ارتقاء کارایی و بهره‌وری در این بخش صورت گرفته و با انجام اصلاحات لازم در زمینه‌های مدیریتی، سرمایه انسانی و تکنولوژی، زمینه ارتقاء بهره‌وری در این بخش فراهم شود.

۴- برندسازی در صنعت پتروشیمی

فعالیت در دنیای مدرن، نیازمند استفاده از دانش روز است. این اهمیت زمانی دوچندان می‌شود که بیشتر کشورهای تولیدکننده نفت با استفاده از حجم سرمایه‌گذاری‌های عظیم و نیروی متخصص از اقصی نقاط جهان و حتی کشور ایران، در صدد استحکام نقش خود در بازارهای بین‌المللی هستند و یکی از ابزارهای نیرومند برای توسعه بازار، توسعه محصول و رسوخ در بازارهای جدید توجه به برندینگ است.

٦-۹-٦- بومی‌نبودن صنعت نفت

یکی از چالش‌های پیش روی صنعت نفت بومی‌نبودن آن است[۹۰]. بومی‌شدن صنعت نفت به این معناست که مدیران و کارشناسان و متخصصین داخلی بتوانند صنعت‌نفت را اداره و راهبری کنند و صنایع کشور بتوانند تجهیزات مورد نیاز صنعت‌نفت را بسازند و پیمانکاران ایرانی بتوانند پروژه‌های صنعت‌نفت را اجرا کنند.

این امر هزینه‌های زیادی برای ایران به دنبال داشته است.

به منظور بومی شدن صنعت نفت نیاز جدی برای پرداختن به بخش پژوهش احساس می‌شود.

همچنین حمایت ازشرکت‌های داخلی به شدت مورد نیاز است تا بتوان فاصله میان ملی شدن تا بومی شدن راپرکرد.[۹۱]استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱- بازتعریف جایگاه صنعت نفت در توسعه اقتصادی کشور
۲- تدوین طرح توسعه بلندمدت صنعت نفت
۳- جهت‌گیری انتقال تکنولوژی در تأمین کالاها وخدمات مورد نیاز صنعت نفت
۴- تربیت و استفاده از متخصصین داخلی

٦-۹-۷- ضعف سازمان قراردادهای توسعه میادین نفتی

بوروکراسی ادارای و زمانبر بودن فرایند عقد قراردادها، بلاتکلیفی تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای منعقد شده که بعضاً منجر به شکایت علیه ایران در مراجع داوری بین‌المللی نیز شده است از دیگر چالش‌های صنعت نفت است.

راهبردهای پشنهادی مرتبط با این چالش عبارتند از:

۱- رقابتی شدن فضای عقد قراردادها و رعایت ضوابط مناقصات و غیره

---

[۹۰] - حسنتاش، سیدغلامحسین(۱۳۹۱)،نفت ملی شد اما بومی نشد" ،، آرمان ۹۱/۱۲/۲۸،

[۹۱] - حسینی، عماد (۱۳۹۱). "درحسرت بومی شدن نفت". روزنامه آرمان، ۲۱۵۳، ۱۰

۲- افزایش توان کارفرمائی در مذاکرات قراردادی و نظارت بر اجرای قراردادها
۳- کاهش بوروکراسی عقد قراردادها
۴- انعقاد قراردادها متناسب با نوع میدان نفتی و گازی و ریسک‌های آن

درصنعت‌نفتبرای سرمایه‌گذاری دربخش بالادستی ۳ نوعقراردادوجوددارد:

۱- قراردادهای امتیازی مثل همان قرارداد دارسی.
۲- قراردادهای مشارکت در تولید مثل قراردادهایی که بعد از نهضت ملی خصوصاً در فلات قاره متداول شد.
۳- قراردادهای خدماتی که بیع متقابل شکلی از آن است.

در هیچ یک ازاین ۳ نوع قرارداد که از نظر حاکمیت ملی قراردادهای امتیازی بدترین آن و قراردادهای خدماتی بهترین آن تلقی می‌شوند، مالکیت میدان به سرمایه‌گذار منتقل نمی‌شود. اگر دولت انگلستان که بعدها اکثریت سهام دارسی را خرید و در زمان ملی شدن نفت، طرف قرارداد ایران بود، مالک میادین حوزه قرارداد بود، دراینصورت به شکایت به دادگاه‌های بین‌المللی و درخواست عدم‌النفع اکتفا نمی‌کرد و شاید حتی حق داشت که برای دستیابی به ملک خود به ایران حمله کند. تفاوت این قراردادها در مالکیت میدان و مخزن نیست، تفاوت در میزان اراده دولت (مالک مخزن) و سرمایه‌گذار در تصمیم‌گیری‌ها در مورد میدان، سهم دولت و سرمایه‌گذار از درآمد، طول مدت قراداد، میزان سهم از نفت تولیدی وامثال آن است.[۹۲]

با توجه به انواع قراردادهای که در بالا ذکر شد می‌بایست انعقاد قراردادها متناسب با نوع میدان نفتی و گازی و ریسک‌های مرتبط با آن منعقد شود. چرا که در هر نوع قرارداد آنچه مهم است این است که آیا دولت به عنوان مالک مخزن، از اعمال حاکمیت و مالکیت بر میدان و کنترل و نظارت برطرف قرارداد آگاهی دارد یا خیر، که در صورت نداشتن دانش لازم، در هر نوع قراردادی امکان مغبون شدن وجود دارد.

---

[۹۲] - حسنتاش، سید غلامحسین (۱۳۹۱). "نفت ملی شد اما بومی نشد".روزنامه آرمان، ۲۱۵۳، ۱۰

٦-۹-۸- فرسودگی تجهیزات و تأسیسات صنعت نفت

فرسودگی بسیاری از تأسیسات صنعت‌نفت در کنار بی‌نظمی در برنامه‌های تعمیر و نگهداری و ناتوانی در تأمین قطعات یدکی، منجر به افزایش روزافزون سوانح در سال‌های اخیر شده است که نیازمند رسیدگی برنامه‌ریزی شده است.

استراتژی‌های پیشنهادی برای حل این چالش عبارتند از:

۱- ارتقاء نظام تعمیر و نگهداری بر اساس استانداردهای بین‌المللی

۲- تقویت ارتباط صنعت نفت با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی

۳- تقویت ارتباط صنعت نفت با بخش صنعت

۴- ارتقاء انگیزه برای جذب متخصصین ایرانی خارج از کشور

فصل هفتم

چالش‌ها و راهبردهای حوزه پول، بانک و بازار مالی

فصل هفتم

چالش‌ها و راهبردهای حوزه پول، بانک و بازار مالی

مقدمه

یکی از مهمترین بخش‌های اقتصاد هر کشور، بخش مالی است. در واقع سیستم مالی با شبکه‌ای از بازارهای مالی، تجار، خانوارها، دولت و مؤسساتی که در سیستم مشارکت می‌کنند، با انتقال جریان پول، سپرده‌ها و اوراق بهادار، ابزارهای پول و سرمایه به گروه‌های مختلف کارگزاران بازار در بخش حقیقی اقتصاد، تزریق کننده حیات به این بخش است.

به علاوه مجموعه مذکور از طریق فراهم آوردن خدمات لازم برای پرداخت‌ها، تجهیز پس‌اندازها، تخصیص اعتبار و ایجاد وسایل لازم برای مقابله با خطرات تجاری (و تولیدی) و نوسانات قیمت، عملاً فعالیت‌های حقیقی اقتصاد را تسهیل نموده و در جریان این فعالیت‌ها (هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی) تغییر و تحول ایجاد می‌کنند.

اهمیت بخش مالی از آنجا نشأت می‌گیرد که بخش مالی کارآمد، نقشی اساسی در تجهیز منابع مالی برای سرمایه‌گذاری، تشویق ورود و تجهیز سرمایه خارجی و بهینه‌سازی سازوکار تخصیص منابع ایفا می-کند. در این راستا سیستم‌های مالی کارآمد می‌توانند از طریق کسب اطلاعات درباره فرصت‌های سرمایه-گذاری، تجمیع و تجهیز پس‌اندازها، نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها و اعمال حاکمیت شرکتی، تسهیل مبادله کالاها و خدمات و توزیع و مدیریت ریسک، با کاهش هزینه‌های مبادله و کسب و تحلیل اطلاعات، موجب تخصیص بهتر منابع و در نهایت، افزایش رشد اقتصادی شوند. همچنین سیستم‌های مالی کارآمدتر، موانع تأمین مالی خارجی را کاهش داده و با تسهیل شرایط دسترسی واحدهای تولیدی و صنعتی به سرمایه‌های خارجی، زمینه گسترش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بیشتر را فراهم می‌سازند.

۷-۱- اهمیت و جایگاه بخش مالی

به‌طورکلی ترتیباتی که برای ایجاد و مبادله مطالبات به کار می‌رود و به‌طور مشخص موجباتی را فراهم می‌آورد تا وجوه از پس‌اندازکنندگان به تقاضاکنندگان منتقل شود، اصطلاحاً به نظام مالی موسوم است. نظام‌های مالی شامل مؤسساتی هستند که در چارچوب نهاد بازار مالی با یکدیگر به دادوستد مطالبات مالی می‌پردازند.[۹۳]

بازار پول همان بازار وجوه کوتاه‌مدت است و وظیفه پاسخگویی به تقاضای وجوه کوتاه‌مدت بخش خصوصی و بخش دولتی را بر عهده دارد. فعالان این بازار در درجه اول، افراد یا واحدهای دارای مازاد نقدینگی هستند که عموماً به‌عنوان پس‌اندازکننده از طریق سیستم بانکی، منابع مورد نیاز واحدهای اقتصادی دیگر را در اختیارشان می‌گذارند. به این ترتیب مهمترین وظیفه بازار پول ایجاد تسهیلات برای واحدهای

[۹۳] - "گسترش بازارهای مالی و رشد اقتصادی"، محمود ختایی ، ۱۳۷۸

اقتصادی جهت رفع نیاز نقدینگی (کوتاه‌مدت) و نیز تأمین سرمایه در گردش می باشد. مهمترین ویژگی‌های بازار پول عبارتند از:

- بالا بودن درجه اطمینان نسبت به بازپرداخت اصل و فرع
- سرعت انجام معاملات مالی در این بازارها
- استفاده از ابزارهایی با درجه بالای نقدینگی
- اعمال کنترل مقامات پولی (بانک مرکزی) با استفاده از ابزارهای سیاست پولی

بازار سرمایه بازار دادوستدهای بلندمدت مالی است. منظور از بلندمدت، مطالبات مالی با سررسید بیش از یک سال می‌باشد. بازار سرمایه به دو شکل بازار اولیه و ثانویه می‌باشد. بازار اولیه به بازاری اطلاق می‌شود که در آن اوراق بهادار جدید، برای اولین بار از طرف یک سازمان منتشر می‌شود. انتشار اوراق بهادار در این بازار با هدف تأمین مالی صورت می‌گیرد. بازار ثانویه به ترتیباتی اطلاق می‌شود که از طریق آن خریداران و فروشندگان می‌توانند به روشی متفاوت و به قیمت‌های قابل قبول برای طرفین، اوراق بهاداری که دوره عرضه آن در بازار اولیه به اتمام رسیده را، معامله کنند. بازار ثانویه خود به دو بخش غیرسازمان یافته خارج از بورس و سازمان یافته تقسیم می‌شود .بازار بورس به‌عنوان نهادی از بازار سرمایه، ترتیباتی برای انجام معاملات ثانویه روی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس است. بنابراین قبلاً باید سرمایه‌گذاری مشخصی روی تأسیس یک شرکت یا کارخانه‌ای انجام شده باشد (بازار اولیه) و با تأمین شرایط مشخصی، این شرکت در بورس پذیرفته شده باشد تا بتوان آن را روی میز بورس معامله کرد (بازار ثانویه). نقش و اهمیت نظام مالی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشورها به صورتی است که می‌توان تفاوت اقتصادهای توسعه یافته و توسعه نیافته را در درجه کارآمدی و کارآیی نظام مالی آنها جستجو نمود. مزایای بازارهای مالی عبارتند از:

۱ .در شرایط رونق بازارهای مالی، جریانی از بازار پول به طرف بازار سرمایه به وجود می‌آید.

۲ .بازارهای مالی در صورت عملکرد درست، می‌توانند اثر مثبت و قابل ملاحظه‌ای بر روی متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشند. توسعه بازارهای مالی، نقش بسزایی در فرآیند رشد اقتصادی هر کشوری دارد، زیرا بازارهای مالی کارآمد و مناسب، امکان جمع‌آوری و هدایت پس‌اندازها از منابع مختلف را به سمت فعالیت‌های تولیدی فراهم می‌کنند.

۳ .بازار مالی، سرمایه‌ها را برای سرمایه‌گذاری در فناوری بسیج می‌کند. بازارهای مالی این امکان را فراهم می‌سازند تا با عرضه سهام شرکت در بازار بورس و یا عقد قرارداد با بانک‌های سرمایه‌گذار، منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین کرده، در عوض سرمایه‌گذاران را در عواید مالی پروژه خود سهیم کنند .بازارهای مالی، از یک طرف با تأمین پول مورد نیاز کارآفرین به رشد فناوری و تجاری شدن ایده او کمک کرده، از طرف دیگر تشویق کننده‌ای برای سرمایه‌گذاران کوچک، برای سرمایه‌گذاری درفرصت-های گوناگون هستند.

۴ .بازارهای مالی در زمینه فرصت‌های سرمایه‌گذاری، اطلاعات ایجاد می‌کنند.

۵ .بازارهای مالی نقش نظارتی قوی‌ای برای شرکت‌های بزرگ فراهم می‌سازند . بهای سهام یک شرکت، شاخصی است که رابطه تنگاتنگی با ارزش بنیادی شرکت دارد . بنابراین عملکرد مدیریت شرکت، به سرعت خود را در بهای سهام شرکت منعکس می‌کند .بازارهای مالی با عمومی کردن اطلاعات، تشویق شرکت‌های موفق و تنبیه شرکت‌های زیان‌ده، نقش نظارتی قوی‌ای را ایفا می‌کنند که از بسیاری از سیستم‌های نظارت بوروکراتیک مؤثرتر عمل می‌کنند .با توجه به عدم تقارن‌های اطلاعاتی که در بازارهای مالی وجود دارد و باعث می‌شود تا مؤسسات وام‌دهنده اطلاعات کافی از کیفیت شرکت وام‌گیرنده نداشته باشند، این نقش بازارهای مالی تأثیر مهمی در کاهش شکست‌های بازار در بخش وام و اعتبارات ایفا می‌کند.

۶ .بازارهای مالی، ریسک سرمایه‌گذاری را تقسیم می‌کنند. اگر سرمایه‌گذاران مجبور باشند که خودشان در پروژه‌ها سرمایه‌گذاری کنند، قدرت تنوع‌سازی آنها به شدت

کاهش می‌یابد. حال آنکه نقدشوندگی بالاتر در بازار سهام و امکان خرید سبد متنوعی از سهام، این امکان را فراهم می‌سازد تا سرمایه‌گذاران خود را در برابر ریسک شرکتی، مصون کنند. این ویژگی تمایل برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مرتبط با توسعه فناوری یا محصولات نوآورانه را که به‌گونه‌ای طبیعی با ریسک بالا همراه هستند افزایش داده، در نهایت به رشد فناوری در جامعه کمک می‌کند .از طرف دیگر نهادهای مالی که ماهیت بین نسلی دارند (مثل صندوق‌های بازنشستگی) این امکان را فراهم می‌کنند تا ریسک‌های ناشی از تحولات اقتصاد کلان که ممکن است تأثیرات منفی روی یک نسل خاص برجای گذارد، به یک نسل ویژه منتقل نشود و بدینگونه تمامی نسل‌ها از جریان مالی هموارتری برخوردار شوند.۹۴

با توجه به اهمیت بازارهای مالی در اقتصاد که بدان اشاره گردید، جدول زیر، نشان‌دهنده سهم خدمات مؤسسات مالی و پولی در تولید ناخالص داخلی کشور طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۳ است.

جدول ۷-۱: سهم خدمات مؤسسات مالی و پولی از تولید ناخالص ملی (درصد)

سال	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
سهم خدمات مؤسسات مالی و پولی از تولید ناخالص ملی (درصد)	۱,۷۲	۱,۷۶	۱,۹۹۳	۱,۹۹۷	۱,۹۰	۲,۲۰	۲,۲۴	۲,۰۶

مأخذ: گزارش تحولات اقتصادی ایران در بخش واقعی بانک مرکزی

[۹۴]- جهانی شدن و بازارهای مالی، پرستو برومند فر، ۱۳۸۷

چنانچه مشاهده می‌شود سهم خدمات مؤسسات پولی و مالی از تولید ناخالص ملی طی سالهای ۱۳۸۳-۱۳۹۰ روند صعودی ملایم داشته است و فقط در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰ کاهش یافته است.

۷-۲- مروری بر تحریم های مالی علیه ایران

در میان تحریم هایی که از سالیان گذشته فضای اقتصاد را ملتهب نموده، تحریم بانک-ها بیش از دیگر تحریم‌ها، فعالیت‌های اقتصادی و بالاخص فعالیت بخش خصوصی را تحت-الشعاع قرار داده است.[۹۵]

شاید دوران کنونی برای فعالان اقتصادی تجربه‌ای بس ناگوار باشد؛ چرا که رونق سرمایه‌گذاری و تولید این بخش بیش از هر چیز نیازمند فضای امن و باثبات است که تحریم اقتصادی و تحریم بانک‌ها، ریسک کشوری و هزینه‌های تحمیل شده را افزایش داده و امنیت و آرامش را از اقتصاد کشور سلب نموده است. در ادامه به تحریم های مالی صورت گرفته علیه ایران توسط آمریکا، سازمان ملل و اتحادیه اروپا اشاره می شود.

۷-۲-۱- تحریم های مالی آمریکا علیه ایران

سابقه نخستین تحریم های آمریکا علیه ایران به سال ۱۳۵۸ بازمی‌گردد. از جمله دکترین‌هایی که علیه ایران در ایالات متحده به تصویب رسیده و اجرا شده است، دکترین "سیاست مهار"۹۶ریگان است که یکی از مهمترین ارکان آن، محدود کردن کشور هدف در بعد اقتصادی و کاهش قدرت مالی آن کشور است. پس از اعمال اولین تحریم‌ها علیه ایران، در دولت‌های بعدی که در ایالات متحده آمریکا بر سر کار آمدند این تحریم‌ها علیه ایران ادامه یافت.

---

[۹۵]- "اثرات تحریم بانک‌ها بر اقتصاد و سیستم بانکی"، ساناز وصالی و مهرنوش ترابی

[96]-containment policy

در ادامه سناریوی تحریم‌ها نوبت به بانک‌ها رسید. نخستین بار در دی‌ماه سال ۱۳۸۵ آمریکا بانک ایرانی سپه را با ذکر اتهام‌هایی نظیر ارتباط با یک مؤسسه مرتبط با فناوری موشکی در کره شمالی مورد تحریم های یک جانبه قرار داد، امری که سه ماه بعد مبنای اعمال تحریم های بین‌المللی گسترده‌ای از سوی شورای امنیت علیه این بانک شد. در اواخر سال ۱۳۸۵ بزرگترین بانک‌های آسیای جنوب شرقی در اقدامی تعجب‌برانگیز، از موارد ذکر شده در قطعنامه‌های شورای امنیت هم فراتر رفتند و اقدام به مسدود کردن تمام مراودات خود با بانک‌های ایران و حتی مسدود کردن حساب‌های ایرانیان در بانک‌های خود کردند.

در ادامه تکمیل پروسه تحریم بانک‌های ایران، در مهرماه سال ۱۳۸۷ وزارت خزانه‌داری آمریکا سه بانک ملی، ملت و صادرات را مشمول چنین تحریم هایی قرار داد. این وزارتخانه، بانک صادرات ایران را به خاطر انتقال پول به حزب‌الله لبنان، جنبش حماس و سازمان جهاد اسلامی فلسطین و بانک ملی را به دلیل ارائه خدمات مالی به شرکت‌های مرتبط با بر نامه موشکی و هسته‌ای ایران، تحریم کرد و در ادامه تحریم‌ها نوبت به بانک ملت رسید. بر اساس ادعاهایی نظیر تخصیص میلیون‌ها دلار به برنامه هسته‌ای ایران و تسهیل در انتقال پول برای این منظور، ابتدا بانک پرشیا لندن و سپس شعبه مالزی بانک ملت مشمول این تحریم‌ها شدند. هم اکنون نیز بیش از ۲۰ بانک خصوصی دیگر کشور، به لیست بانک‌های تحریم‌شده توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا پیوسته‌اند.

اما از سال ۱۳۸۹، آمریکا با هدف قراردادن سیستم‌های مالی و تجاری ایران، بر منزوی کردن ایران به لحاظ اقتصادی تمرکز کرده است. در این راستا، آمریکا امیدوار است مانع ارتباطات ایران با بازارهای بین‌المللی شده و ابزارهای مبادلات اقتصادی ایران را از بین ببرد. این تحریم‌ها با توجه به ترکیب تولید ناخاص داخلی ایران است که شامل:

- صنعت، شامل نفت و محصولات پتروشیمی، که ۴۰,۲٪ از GDP را شامل می‌شود.
- خدمات، شامل خدمات بانکی و خدمات مربوط به تجارت است که ۴۹,۵ ٪ از GDP را شامل می‌شود.

در واقع ، تحریم های آمریکا بر تعدادی از بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران اثرگذار بوده است، که به طور مداوم تعداد و حوزه سایر تحریم های ملی و بین‌المللی را افزایش می‌دهد. در جدول زیر به تحریم های صورت گرفته توسط آمریکا علیه ایران اشاره شده است:[۹۷]

[97] -" U.S. AND IRANIAN STRATEGIC COMPETITION", Anthony H. Cordesman, Bryan Gold, Sam Khazai, and Bradley Bosserman, April 19, 2013

جدول ۷-۲: تحریم های مالی آمریکا علیه ایران

سال	نوع تحریم
۱۳۵۸	مسدود شدن کلیه اموال مربوط به بانک مرکزی و دولت ایران در آمریکا
۱۳۵۹	ممنوعیت کلیه معاملات مالی شهروندان آمریکایی با ایران
۱۳۷۴	ممنوعیت هرگونه تجارت و سرمایه‌گذاری آمریکایی در ایران
۱۳۷۵	تحریم شرکت‌های خارجی که با ایران تجارت می کنند.
۱۳۸۴	مسدود شدن دارایی‌های ۸ سازمان و نهاد خارجی به اتهام حمایت از فعالیت‌های هسته‌ای ایران.
۱۳۹۰	آبان ماه: تحریم های جدید یک جانبه وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه صنعت پتروشیمی، بخش مالی و بانک مرکزی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل ایران، اضافه شدن نام ده‌ها فرد به فهرست افراد تحریم‌شده و ممنوعیت مؤسسات در انجام هرگونه تجارت با بانک‌های ایرانی از جمله بانک مرکزی و مؤسسات وابسته آن. -دی ماه: ممنوعیت بانک‌های خارجی در افتتاح حساب در آمریکا در صورتی که بانک مذکور به نحوی در فرآیند پرداخت پول نفت از طریق بانک مرکزی ایران باشد. -اسفند ماه: گسترش تحریم‌ها علیه فعالیت مؤسسات مالی خارجی که به طور آگاهانه مسبب انجام یا تسهیل مبادلات مالی با بانک مرکزی ایران یا مؤسسات مالی ایرانی که آمریکا مشخص کرده است.
۱۳۹۱	مسئولیت شرکت‌های آمریکایی در قبال شرکت‌های تابعه خارجی خود در مشارکت در فعالیت‌های تحریمی، افزایش حداقل تحریم های لازم برای تحمیل از سه به پنج شامل ممنوعیت توسعه منابع نفتی، صدور خدمات تعهدی یا بیمه‌ای برای کشتی‌های حمل‌کننده نفت ایران، یا خرید یا تسهیل مسئله بدهی مالی به دولت ایران آبان ماه: الزام به ماندن وجوه پرداختی بابت نفت ایران در حساب بانکی کشور خریدار و استفاده فقط به منظور تجارت اقلام غیرتحریم که عمدتاً مربوط به غذا و واردات پزشکی است. نتیجه این امر ورود دشوارتر ارز به ایران است که و دشواری ایران در پرداخت بابت سایر واردات مشمول تحریم می‌باشد. آذرماه: آغاز تحریم های جدید آمریکا علیه ایران، که بر اساس این تحریم های جدید دارایی‌های دولت ایران مسدود و انتقال، پرداخت، صادرات و برداشت کلیه دارایی‌های مالی ایران در ایالت متحده ممنوع می‌باشد. همچنین بانک‌های آمریکایی وجوه مربوط به آن دسته از اتباع موجود در لیست (SDN) را تصرف کند حتی اگر این وجوه به مقصد یک شرکت یا نهاد آمریکایی نباشد. پیش از این بانک‌های آمریکایی مانع از مبادله شده و وجوه را به فرستنده برمی‌گرداندند. این دستور به‌طور مؤثری مانع استفاده ایرانیان از سیستم بانکی آمریکا می‌شود.
۱۳۹۲	مسدود شدن اموال و تحمیل حداقل پنج تحریم بر سازمان‌هایی که تأمین‌کننده کالاها یا خدمات به انرژی، کشتی‌سازی، حمل‌ونقل، عملیات بنادر و یا تأمین‌کننده بیمه برای این فعالیت‌ها هستند و بانک-های خارجی لیست سیاه که این خدمات را با استفاده از سیستم بانکی آمریکا فراهم می‌کنند و جلوگیری از ایران برای بازگرداندن پول فروش نفت و اجازه به ایران تنها برای خرید کالاهای غیرتحریمی

۷-۲-۲- تحریم های مالی سازمان ملل علیه ایران

در جدول زیر به تحریم های صورت گرفته توسط سازمان ملل علیه ایران اشاره شده است:

جدول ۷-۳: تحریم های مالی سازمان ملل علیه ایران

سال	نوع تحریم
۱۳۸۵	مسدود شدن دارایی‌های افراد و سازمان‌هایی که با فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ارتباط بوده اند.
۱۳۸۷	تشدید محدودیت‌های مسافرتی و مالی برای افراد و شرکت‌های مشخص ایرانی

۷-۲-۳- تحریم های مالی اتحادیه اروپا علیه ایران

از سال ۱۳۸۹ تحریم های اتحادیه اروپا نیز علیه ایران شدت گرفته است و اتحادیه اروپا ۶ تحریم علیه ایران اعمال کرده است. یکی از مهمترین اقدامات اتحادیه اروپا علیه ایران مستقیماً در ارتباط با سوئیفت و قطع خدمات ارتباطی به مؤسسات مالی ایرانی تحت تحریم اروپا بوده است. در اسفندماه سال ۱۳۹۰، اتحادیه اروپا، سوئیفت خدمات ارتباطی خود به مؤسسات مالی ایرانی را قطع می‌کند. سوئیفت برای بانکداری بین‌المللی ایران ضروری می‌باشد، چرا که ارتباطات امنی را برای بیش از ۱۰۰۰۰ مؤسسه و شرکت مالی در ۲۱۰ کشور فراهم می‌نماید.

به گزارش سوئیفت در سال ۲۰۱۰ ، ۱۹ بانک و ۲۵ مؤسسه مالی ایرانی در طول سال، بیش از ۲ میلیون بار از شبکه استفاده کرده‌اند، این مؤسسات شامل بانک مرکزی ایران و دیگر بانک‌های بزرگ ایرانی از جمله بانک ملی، ملت، تجارت، رفاه، آینده، بانک بین‌المللی پرشیا، پست بانک و Europäisch-Iranische Handelsbank می‌باشد. برخلاف تحریم های واردات، ایران هیچ جایگزینی برای استفاده از سوئیفت ندارد و بدین ترتیب کلیه مبادلات بانکی با ایران، پوشش بیمه بین‌المللی در ایران، حمل‌ونقل نفت

ایران و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد.[۹۸] در جدول زیر به تحریم های صورت گرفته توسط اتحادیه اروپا اشاره شده است:

جدول ۷-۴: تحریم های مالی اتحادیه اروپا علیه ایران

سال	نوع تحریم
تیر ۱۳۸۹	ممنوعیت انتقال پول بیش از ۴۰۰۰۰ یورو بدون مجوز و انتقال بیش از ۱۰۰۰۰ یورو بدون اطلاع‌رسانی ممنوعیت حضور بانک‌های ایرانی در اتحادیه اروپا و هرگونه رابطه‌ای با بانک‌های اتحادیه اروپا. ممنوعیت فروش، خرید و یا تسهیل اوراق قرضه عمومی یا تضمینی دولتی به یا از دولت ایران یا هر نوع بانک ایرانی. ممنوعیت ارائه بیمه به دولت ایران یا هرگونه نهاد مرتبط.
فروردین ۱۳۹۰	مسدود شدن منابع مالی و جلوگیری از ورود افراد مسئول نقض حقوق بشر به اروپا
دی ۱۳۹۰	ممنوعیت سرمایه‌گذاری‌های مالی و بیمه در ایران، مسدود شدن دارایی‌های اروپایی بانک مرکزی ایران و ممنوعیت مبادله طلا و سایر فلزات بین اروپا و بانک مرکزی ایران. ممنوعیت تحویل اسکناس و مسکوکات جدید
اسفند ۱۳۹۰	قطع خدمات SWIFT برای ایران و ممنوعیت ارائه خدمات پیام‌رسانی مالی به هرگرنه مؤسسه مالی مشمول تحریم های اتحادیه اروپا
مهر ۱۳۹۱	ممنوعیت هرگونه معاملات بین بانک‌های اروپایی و ایرانی به جز در موارد مجاز و تحت شرایط سختگیرانه. توقیف وام‌ها و اعتبارات کوتاه‌مدت، وثیقه‌ها و بیمه. تحریم ۳۴ مؤسسه ایرانی و مسدود شدن دارایی‌های آنها شامل وزارتخانه‌های نفت و انرژی، بانک مرکزی و بسیاری از شرکت‌های نفت و پتروشیمی ایرانی

98-" U.S. AND IRANIAN STRATEGIC COMPETITION", Anthony H. Cordesman, Bryan Gold, Sam Khazai, and Bradley Bosserman, April 19, 2013

۷-۳- اندازه‌گیری آثار تحریم های بخش مالی

در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری آثار تحریم های مالی بر اقتصاد ایران از روند تغییرات شاخص قیمت‌ها و قدرت برابری ریال در مقابل دلار استفاده شده است.

۷-۳-۱- شاخص قیمت‌ها

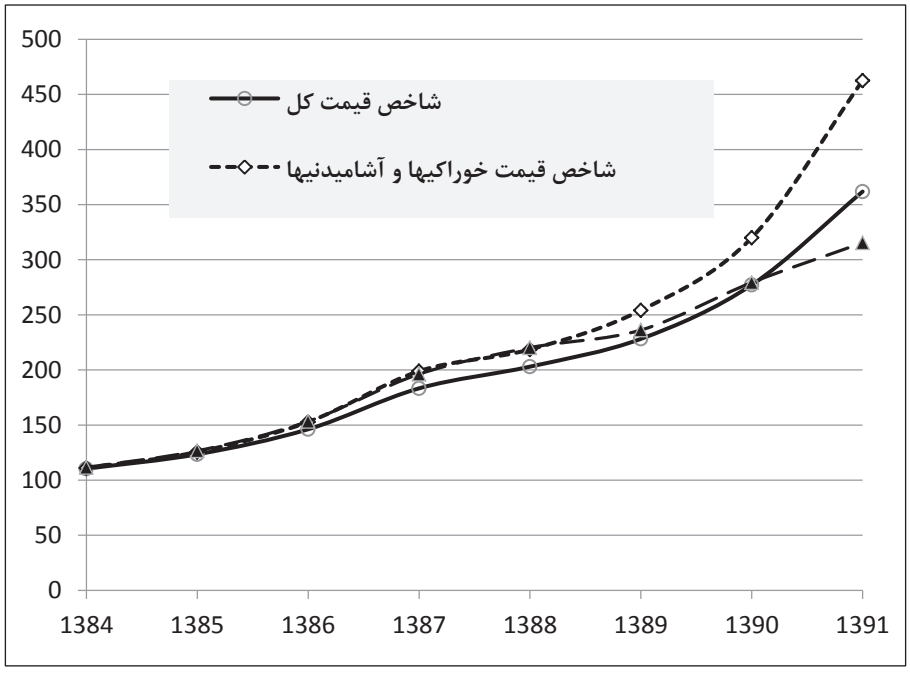
روند تغییرات شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی شامل شاخص کل، شاخص خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و شاخص مسکن طی سال‌های ۹۱-۱۳۸۴ در جدول زیر آمده است.

جدول ۷-۵: شاخص بهای کالاها وخدمات مصرفی درمناطق شهری ایران (۱۰۰=۱۳۸۳)

دوره	شاخص کل	خوراکی ها و آشامیدنی‌ها	شاخص مسکن، آب و برق و گاز و سایر سوخت‌ها
۱۳۸۴	۱۱۰,۴	۱۱۱,۱	۱۱۱,۶
۱۳۸۵	۱۲۳,۵	۱۲۵,۶	۱۲۶,۶
۱۳۸۶	۱۴۶,۲	۱۵۲,۸	۱۵۳,۴
۱۳۸۷	۱۸۳,۳	۱۹۸,۹	۱۹۶,۲
۱۳۸۸	۲۰۳,۰	۲۱۸,۶	۲۲۰,۲
۱۳۸۹	۲۲۸,۲	۲۵۴,۱	۲۳۶,۲
۱۳۹۰	۲۷۷,۲	۳۲۰,۰	۲۷۹,۳
۱۳۹۱	۳۶۱,۹	۴۶۲,۶	۳۱۵,۴

مأخذ: بانک مرکزی

نمودار ۷-۱: روند تغییرات شاخص قیمت‌ها طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۴



چنانچه در نمودار فوق مشاهده می‌شود، از سال ۱۳۸۹ با تشدید تحریم های مالی علیه ایران، که در بخش قبل به آنها اشاره گردید، شاخص قیمت کل، مواد غذایی و مسکن به صورت فزاینده افزایش یافته است که در مورد شاخص قیمت مواد غذایی این افزایش شدیدتر بوده است و این شاخص طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۹ نرخ رشد ۸۲٪ را تجربه کرده است.

به منظور بررسی دقیق‌تر آثار تشدید تحریم‌ها بر شاخص‌های قیمت طی سال‌های اخیر ، شاخص بهای ماهانه کالاها و خدمات مصرفی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۹ در جدول بعد آمده است.

جدول ۷-۶: شاخص بهای ماهانه کالاها وخدمات مصرفی درمناطق شهری ایران طی دوره ۱۳۹۱:۴-۱۳۸۹:۱ (۱۰۰=۱۳۸۳)

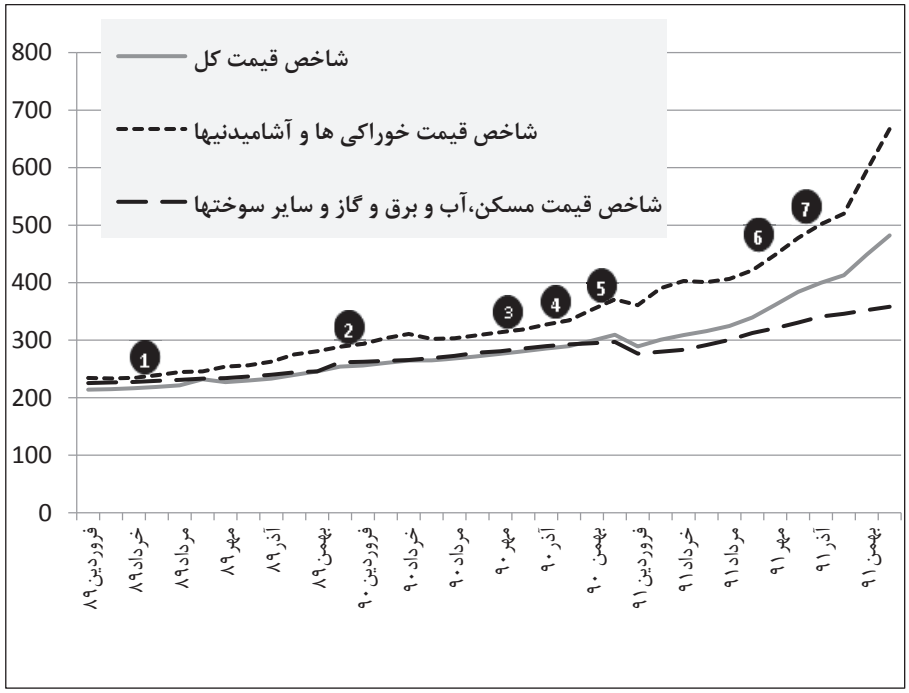
سال	ماه	شاخص کل	خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها	شاخص مسکن، آب و برق و گاز و سایر سوخت‌ها
۱۳۸۹	فروردین	۲۱۴	۲۳۴,۴	۲۲۵,۴
	اردیبهشت	۲۱۴,۹	۲۳۳,۵	۲۲۶,۴
	خرداد	۲۱۶,۴	۲۳۴,۷	۲۲۷,۳
	تیر	۲۱۸,۸	۲۳۸,۹	۲۲۹,۲
	مرداد	۲۲۱,۵	۲۴۴,۵	۲۳۱,۱
	شهریور	۲۳۲,۲	۲۴۵,۸	۲۳۳,۱
	مهر	۲۲۷,۲	۲۵۴	۲۳۳,۹
	آبان	۲۲۹,۸	۲۵۶,۴	۲۳۶,۹
	آذر	۲۳۳,۳	۲۶۲,۶	۲۴۰
	دی	۲۳۹,۶	۲۷۵,۱	۲۴۴
	بهمن	۲۴۵,۶	۲۸۰,۸	۲۴۵,۶
	اسفند	۲۵۴	۲۸۸,۶	۲۶۱,۶
۱۳۹۰	فروردین	۲۵۶,۱	۲۹۳,۶	۲۶۲,۵
	اردیبهشت	۲۶۰,۴	۳۰۳,۵	۲۶۴
	خرداد	۲۶۴,۷	۳۱۰,۹	۲۶۵,۵
	تیر	۲۶۴,۹	۳۰۲,۱	۲۶۸,۹
	مرداد	۲۶۷,۶	۳۰۳,۴	۲۷۲,۶
	شهریور	۲۷۲,۳	۳۰۸,۶	۲۷۸,۲
	مهر	۲۷۶,۳	۳۱۳,۸	۲۸۰,۹
	آبان	۲۸۰,۶	۳۱۸,۷	۲۸۵,۴
	آذر	۲۸۵,۶	۳۲۷,۱	۲۸۹,۸
	دی	۲۸۹,۷	۳۳۴,۴	۲۹۲,۷
	بهمن	۲۹۹	۳۵۳,۲	۲۹۴,۷

سال	ماه	شاخص کل	خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها	شاخص مسکن، آب و برق و گاز و سایر سوخت‌ها
	اسفند	۳۰۹,۳	۳۷۰,۹	۲۹۶,۹
۱۳۹۱	فروردین	۲۸۹,۱	۳۶۰,۸	۲۷۶,۷
	اردیبهشت	۳۰۰,۸	۳۹۰,۳	۲۷۹,۸
	خرداد	۳۰۸,۹	۴۰۲,۹	۲۸۳,۳
	تیر	۳۱۵,۸	۴۰۰,۹	۲۹۱,۵
	مرداد	۳۲۴,۹	۴۰۶,۶	۳۰۰,۴
	شهریور	۳۳۹,۶	۴۲۱,۵	۳۱۲,۴
	مهر	۳۶۱,۴	۴۴۸,۴	۳۲۰,۸
	آبان	۳۸۳,۹	۴۷۷,۷	۳۳۰,۵
	آذر	۳۹۹,۸	۵۰۱,۸	۳۴۱,۱
	دی	۴۱۲,۸	۵۲۰,۰	۳۴۶,۰
	بهمن	۴۴۸,۸	۵۹۵,۱	۳۵۲,۲
	اسفند	۴۸۲,۲	۶۶۷,۶	۳۵۸,۱

مأخذ: بانک مرکزی

در نمودار بعد روند تغییرات ماهانه شاخص قیمت کل، شاخص قیمت مواد غذایی و شاخص قیمت مسکن طی دوره دو ساله ۱۳۹۱-۱۳۸۹ نشان داده شده است. در کنار روند تغییرات این شاخص‌ها طی سال‌های فوق، تاریخ تحریم های مالی وضع شده علیه ایران نیز در نمودار نشان داده شده است.

نمودار ۷-۲: روند تغییرات شاخص بهای ماهانه کالاها و خدمات مصرفی وتحریم های مالی وضع شده علیه ایران طی دوره ۱۳۹۱:۴- ۱۳۸۹:۱



۱: (تیر ۸۹) تحریم اتحادیه اروپا: ممنوعیت حضور بانک‌های ایرانی در اتحادیه اروپا و هرگونه رابطه‌ای با بانک‌های اتحادیه اروپا. ممنوعیت انتقال پول بیش از ۴۰۰۰۰ یورو بدون مجوز و انتقال بیش از ۱۰۰۰۰ یورو بدون اطلاع‌رسانی، ممنوعیت فروش، خرید و یا تسهیل اوراق قرضه عمومی یا تضمینی دولتی به یا از دولت ایران یا هر نوع بانک ایرانی. همچنین ممنوعیت ارائه بیمه به دولتی ایران یا هرگونه نهاد مرتبط.

۲: (فروردین ۹۰) تحریم اتحادیه اروپا: مسدودیت منابع مالی و جلوگیری از ورود افراد مسئول نقض حقوق بشر به اروپا.

۳: (آبان ۹۰) تحریم آمریکا:تحریم های جدید یک جانبه وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه صنعت پتروشیمی، بخش مالی و بانک مرکزی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل

ایران. اضافه شدن نام ده‌ها فرد به فهرست افراد تحریم‌شده و ممنوعیت مؤسسات در انجام هرگونه تجارت با بانک‌های ایرانی از جمله بانک مرکزی و مؤسسات وابسته آن.

۴: (دی ۹۰) ۱-تحریم اتحادیه اروپا: ممنوعیت تحویل اسکناس و مسکوکات جدید. ۲-**تحریم آمریکا:** ممنوعیت بانک‌های خارجی در افتتاح حساب در آمریکا در صورتی که بانک مذکور در فرآیند پرداخت پول نفت از طریق بانک مرکزی ایران باشد.

۵: (اسفند ۹۰): ۱- تحریم اتحادیه اروپا: قطع خدمات سوئیفت برای ایران، ممنوعیت ارائه خدمات پیام‌رسانی مالی به هرگونه مؤسسه مالی مشمول تحریم های اتحادیه اروپا. **۲- تحریم آمریکا:** گسترش تحریم‌ها علیه فعالیت مؤسسات مالی خارجی که به‌طور آگاهانه مسبب انجام یا تسهیل مبادلات مالی با بانک مرکزی ایران یا مؤسسات مالی ایرانی که آمریکا مشخص کرده است.

۶ (مهر ۹۱) تحریم اتحادیه اروپا: ممنوعیت هرگونه معاملات بین بانک‌های اروپایی و ایرانی به جز در موارد مجاز و تحت شرایط سختگیرانه. توقیف وام‌ها و اعتبارات کوتاه‌مدت، وثیقه‌ها و بیمه. تحریم ۳۴ مؤسسه ایرانی و مسدود شدن دارایی‌های آنها از جمله بانک مرکزی

۷: (آذر ۹۱) تحریم آمریکا: مسدود شدن دارایی‌های دولت ایران و ممنوعیت انتقال، پرداخت، صادرات و برداشت کلیه دارایی‌های مالی ایران در ایالات متحده.

همانگونه که مشاهده می‌شود روند تشدید تحریم های مالی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران که از سال ۱۳۸۹ آغاز شده بود، در اواخر سال ۱۳۹۰ (ماه‌های آبان، دی و اسفند) شدت گرفته و منجر به سرعت گرفتن روند صعودی شاخص قیمت ها - به خصوص شاخص قیمت مواد غذایی- از آغاز سال ۱۳۹۱ شده است.

در ماه‌های مهر و آذر سال ۱۳۹۱ نیز با اعمال تحریم های مالی جدیداتحادیه اروپا و آمریکا، شاخص قیمت‌ها روند صعودی شتابان خود را ادامه داده است.

۷-۳-۲- نرخ برابری ریال و دلار

یکی دیگر از متغیرهایی که به منظور ارزیابی اثرات تحریم‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، نرخ برابری ریال و دلار طی سال‌های اخیر می‌باشد.

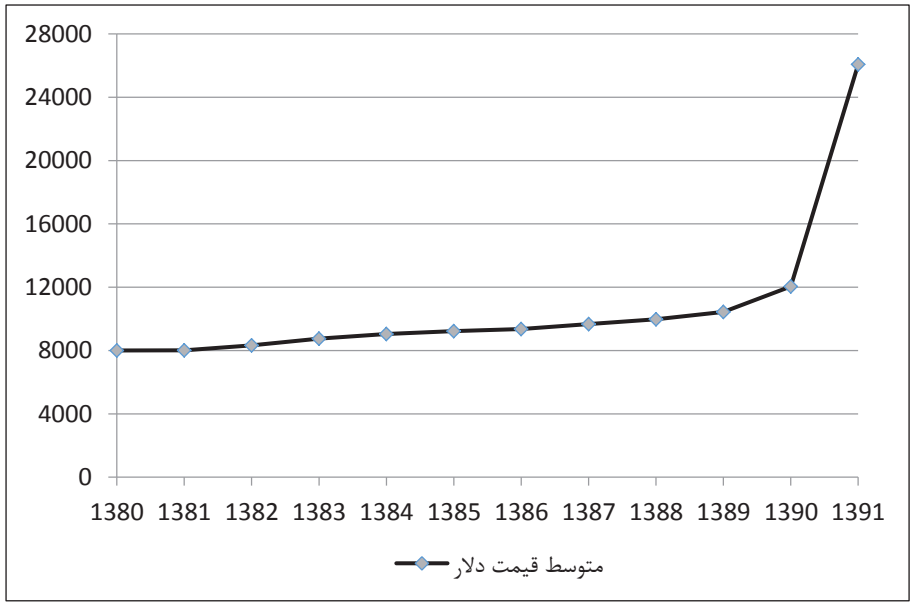
جدول ۷-۷: متوسط سالانه قیمت دلار طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۰

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
متوسط قیمت دلار (ریال)	۸۰۰۹	۸۰۱۹	۸۳۲۵	۸۷۴۸	۹۰۴۲	۹۲۲۶	۹۳۵۸	۹۶۶۷	۹۹۷۹	۱۰۴۴۲	۱۲۰۴۷	۲۶۰۷۸

مأخذ: بانک مرکزی

چنانچه مشاهده می‌شود، نرخ برابری ریال و دلار که طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۰ تقریباً یکسان بوده و متوسط نرخ رشد ۳,۵ درصدی را طی این سال‌ها تجربه کرده بود، طی دوره دو ساله ۱۳۹۱-۱۳۸۹ شاهد نرخ رشد متوسط سالانه ۷۵ درصدی می‌باشد و در سال ۱۳۹۱ ارزش ریال در برابر دلار آمریکا به کمترین میزان خود طی سال‌های اخیر رسیده است.

نمودار ۷-۳: روند تغییرات نرخ دلار طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۰ (ریال)



به منظور بررسی دقیق‌تر تغییرات نرخ برابری ریال و دلار و ارتباط این تغییرات با تحریم های مالی اعمالی، نرخ ماهانه دلار از سال ۱۳۸۹ که آغاز تشدید تحریم های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران بوده است تا سال ۱۳۹۱ در جدول زیر آمده است .

جدول ۷-۸: نرخ برابری ریال و دلار طی دوره ۱۳۹۱:۴- ۱۳۸۹:۱

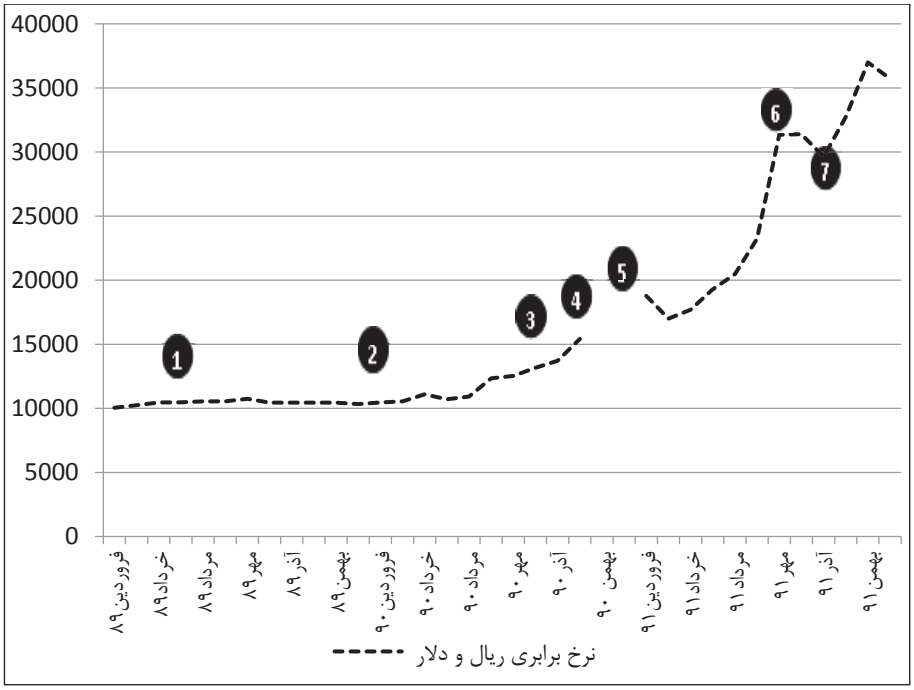
سال	ماه	متوسط قیمت فروش دلار دربازار آزاد شهرتهران(ریال)
۱۳۸۹	فروردین	۱۰۰۴۴
	اردیبهشت	۱۰۲۴۴
	خرداد	۱۰۴۶۳
	تیر	۱۰۴۷۰
	مرداد	۱۰۵۴۷
	شهریور	۱۰۵۵۲
	مهر	۱۰۷۴۴
	آبان	۱۰۴۵۳
	آذر	۱۰۴۴۶
	دی	۱۰۴۴۸
	بهمن	۱۰۴۴۲
	اسفند	۱۰۳۳۷
۱۳۹۰	فروردین	۱۰۴۶۳
	اردیبهشت	۱۰۵۴۲
	خرداد	۱۱۱۰۰
	تیر	۱۰۷۰۹
	مرداد	۱۰۹۱۷
	شهریور	۱۲۳۴۶
	مهر	۱۲۵۲۸
	آبان	۱۳۱۶۹
	آذر	۱۳۷۱۵
	دی	۱۵۴۱۳
	بهمن	-

سال	ماه	متوسط قیمت فروش دلار دربازار آزاد شهرتهران(ریال)
	اسفند	
۱۳۹۱	فروردین	۱۸۷۷۲
	اردیبهشت	۱۶۹۹۷
	خرداد	۱۷۷۰۱
	تیر	۱۹۲۹۱
	مرداد	۲۰۴۷۱
	شهریور	۲۳۲۳۴
	مهر	۳۱۳۵۱
	آبان	۳۱۴۰۱
	آذر	۲۹۶۳۳
	دی	۳۲۷۲۵
	بهمن	۳۶۹۹۴
	اسفند	۳۵۷۳۰

مأخذ:گزارش شاخص‌های ماهانه اقتصادی بانک مرکزی

در نمودار زیر روند تغییرات ماهانه قیمت دلار، طی دوره ۱۳۹۱-۱۳۸۹ نشان داده شده است. در کنار روند تغییرات این نرخ طی سال‌های فوق، تاریخ تحریم های مالی وضع شده علیه ایران نیز در نمودار نشان داده شده است.

نمودار ۷-۴: روند تغییرات نرخ دلارو تحریم های مالی وضع شده علیه ایران طی دوره ۱۳۹۱:۴- ۱۳۸۹:۱



۱: (تیر ۸۹) تحریم اتحادیه اروپا: ممنوعیت حضور بانک‌های ایرانی در اتحادیه اروپا و هرگونه رابطه‌ای با بانک‌های اتحادیه اروپا. ممنوعیت انتقال پول بیش از ۴۰۰۰۰یورو بدون مجوز و انتقال بیش از ۱۰۰۰۰ یورو بدون اطلاع‌رسانی،ممنوعیت فروش، خرید و یا تسهیل اوراق قرضه عمومی یا تضمینی دولتی به یا از دولت ایران یا هر نوع بانک ایرانی. همچنین ممنوعیت ارائه بیمه به دولتی ایران یا هرگونه نهاد مرتبط.

۲: (فروردین ۹۰) تحریم اتحادیه اروپا: مسدودیت منابع مالی و جلوگیری از ورود افراد مسئول نقض حقوق بشر به اروپا

۳: (آبان ۹۰) تحریم آمریکا:تحریم های جدید یک جانبه وزارت خزانه‌داری آمریکا علیه صنعت پتروشیمی، بخش مالی و بانک مرکزی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل

ایران. اضافه شدن نام ده‌ها فرد به فهرست افراد تحریم‌شده و ممنوعیت مؤسسات در انجام هرگونه تجارت با بانک‌های ایرانی از جمله بانک مرکزی و مؤسسات وابسته آن.

۴: (دی ۹۰): ۱- تحریم اتحادیه اروپا: ممنوعیت تحویل اسکناس و مسکوکات جدید. ۲- **تحریم آمریکا:** ممنوعیت بانک‌های خارجی در افتتاح حساب در آمریکا در صورتی که بانک مذکور در فرآیند پرداخت پول نفت از طریق بانک مرکزی ایران باشد.

۵: (اسفند ۹۰): ۱- تحریم اتحادیه اروپا: قطع خدمات SWIFT برای ایران، ممنوعیت ارائه خدمات پیام‌رسانی مالی به هرگونه مؤسسه مالی مشمول تحریم های اتحادیه اروپا. ۲- **تحریم آمریکا:** گسترش تحریم‌ها علیه فعالیت مؤسسات مالی خارجی که به‌طور آگاهانه مسبب انجام یا تسهیل مبادلات مالی با بانک مرکزی ایران یا مؤسسات مالی ایرانی که آمریکا مشخص کرده است.

۶ (مهر ۹۱) تحریم اتحادیه اروپا: ممنوعیت هرگونه معاملات بین بانک‌های اروپایی و ایرانی به جز در موارد مجاز و تحت شرایط سختگیرانه. توقیف وام‌ها و اعتبارات کوتاه‌مدت، وثیقه‌ها و بیمه. تحریم ۳۴ مؤسسه ایرانی و مسدود شدن دارایی‌های آنها از جمله بانک مرکزی.

۷: (آذر ۹۱) تحریم آمریکا: مسدود شدن دارایی‌های دولت ایران و ممنوعیت انتقال، پرداخت، صادرات و برداشت کلیه دارایی‌های مالی ایران در ایالت متحده.

چنانچه در نمودار فوق نشان داده شده است با تشدید تحریم‌ها در ماه‌های آبان، دی و اسفند سال ۱۳۹۰، نرخ برابری دلار و ریال که از شهریورماه روند صعودی خود را با سرعت ملایمی آغاز کرده بود، شتاب بیشتری گرفته و با آغاز سال ۱۳۹۱ روند فزاینده خود را با سرعت بیشتری پی می‌گیرد. به طوریکه بعد از تحریم آمریکا در آذرماه ۱۳۹۱، نرخ ریال در برابر یک دلار آمریکا به بیشترین میزان خود طی این سال‌ها یعنی ۳۶۹۹۴ ریال در بهمن ماه رسید.

۷-۳-۳- اثر درآمدهای نفتی بر نرخ تورم

هرچند تحریم نظام بانکی و مالی ایران، اثرات معنی‌داری بر نرخ تورم و قدرت برابری ریال در مقابل دلار داشت، اما با توجه به نقش نفت در تأمین ارز، درک ارتباط دقیق وکمی بین قیمت های نفت و به تبع آن درآمدهای نفتی ونرخ تورم برای سیاست‌گذاری اقتصادی در زمینه کاهش نرخ تورم بسیارحائز اهمیت است.

بررسی اثر تغییر قیمت نفت و درآمدهای نفتی بر نرخ تورم در ایران حاکی از اثر بزرگ و مثبت افزایش قیمت نفت و درآمدهای نفتی بر نرخ تورم در بلندمدت و اثر منفی و کوچک افزایش درآمدهای نفتی بر نرخ تورم در کوتاه‌مدت می باشد.[۹۹]

با عنایت به اینکه ایران کشوری صادرکننده نفت بوده و وابستگی زیادی به درآمدهای نفتی دارد، با افزایش قیمت نفت در سال‌های اخیر، قسمت زیادی از درآمدهای نفتی ایجاد شده صرف واردات کالاهای مختلف (عمدتاً مصرفی) از کشورهای با تورم پایین شده است و این واردات گسترده باعث معکوس عمل کردن اثرات افزایش قیمت نفت بر تورم در کوتاه‌مدت شده است. همچنین در بلندمدت، سیاست واردات برای کنترل تورم ناکارامد شده و اثرات تورمی افزایش قیمت نفت مشخص خواهد شد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش درآمدهای نفتی به عنوان ابزاری برای مهار تورم مورد استفاده قرار گرفته است و افزایش تحریم‌ها با مختل نمودن این ابزار، زمینه را برای بروز تورم شدید در اقتصاد فراهم نموده است. به عبارت دیگر تکیه دولتمردان به درآمدهای سرشار نفتی و تخصیص بخش قابل ملاحظه‌ای از این درآمدها به واردات، ضربه‌پذیری اقتصاد کشور در شرایط تحریم را دو چندان نموده است و این مهم شاید وجه تمایز بارز آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در دو دوره تحریمی جنگ تحمیلی و تحریم های مرتبط با مناقشه انرژی هسته‌ای باشد.

---

[۹۹]- "اندازه گیری اثر شوک قیمتی انرژی (نفت) برنرخ تورم در ایران"، سیدصفدرحسینی ومرتضی تهامی پور، ۱۳۸۸

۷-٤- چالش‌های غیرساختاری ناشی از تحریم (راهبردهای کوتاه مدت)

بطور کلی چالش‌ها و راهبردها، به دو گروه طبقه‌بندی شده‌اند. در این بخش از پژوهش با توجه به اهمیت موضوع تحریم‌ها، صرفاً به چالش‌های مرتبط با تحریم‌ها پرداخته شده و بالطبع، راهبردهای ارائه شده در این بخش به منظور حذف یا کاهش اثرات تحریم در این حوزه راهبردی، طراحی شده است. این چالش‌ها در گروه "چالش‌های غیرساختاری" طبقه‌بندی شده‌اند. بدیهی است با توجه به آنکه جنس چالش و راهبردهای متناظر با آن نشأت گرفته از فضای تحریمی حاکم بر هر حوزه راهبردی است، انتظار می‌رود که با تغییر شرایط تحریم (تشدید یا تحدید تحریم‌ها) هم چالش‌ها و هم راهبردهای متناظر با آن، دستخوش تغییر و دگرگونی شوند. از اینرو در این تحقیق در هر حوزه راهبردی، چالش‌های غیرساختاری، متناسب با شرایط موجود شناسایی شده و بر این اساس راهبردهایی پیشنهاد گردیده است. همچنین با توجه به سناریوهای منتخب و بدیل شناسایی شده در فصل چهارم پژوهش، میزان جذابیت هر راهبرد در ارتباط با سناریوهای مختلف با استفاده از تحلیل خبرگی، مورد ارزیابی قرار گرفته است. چالش‌های غیرساختاری حوزه راهبردی پولی، مالی و بانکی عبارتند از:

۷-٤-۱-کاهش درآمدهای ارزی دولت

تحریم‌ها از طریق اعمال نفوذ بر بازار نفتی ایران نیز بر بازار ارز اثر می‌گذارند.از آنجایی که اقتصاد ایران تک محصولی و وابسته به فروش نفت است و از طرفی انحصار بازار ارز نیز در دست دولت است، بنابراین زمانی که ایران نتواند نفت صادر کند و یا وجوه نفت‌صادرشده را دریافت کند، عرضه ارز به شدت کاهش پیدا می‌کند و قیمت آن نیز افزایش می‌یابد. همانطور که در جدول بعد آمده است درآمدهای ارزی دولت از صادرات نفت و گاز در سال ۱۳۹۰ به نصف کاهش یافته است.

جدول۷-۹: درآمدهای ناشی از صدور نفت و گاز ایران (میلیارد دلار)

سال	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
درآمدهای نفتی	۸۴,۵۱	۸۶,۶۲	۶۹,۸۳	۸۶,۰۵	۱۱۰	۴۰

مأخذ: بانک مرکزی

با توجه به کاهش درآمدهای ارزی کشور، دولت به‌صورت شتابزده اقدام به اتخاذ تدابیری نمود که خود آنها به عامل تعمیق بحران در این حوزه منجر شد. راهبردهای نامناسب دولت برای مدیریت بخش ارزی کشور عبارتند از:

- **برخوردهای امنیتی با معضلات ارزی و عدم مواجهه کارشناسی با بازار ارز**

یکی از چالش‌های بازار ارز برخوردهای امنیتی با معضلات ارزی و عدم مواجهه کارشناسی با بازار ارز می‌باشد که به تشدید نوسانات این بازار منجر شد.

- **تأسیس اتاق مبادلات و پورتال ارزی**

برخی چالش‌ها و مسائل مرتبط با اتاق مبادلات ارزی عبارتند از:

- ایجاد اتاق مبادلات تأثیری در تسهیل روند تجارت خارجی نداشته است. پیش از تأسیس اتاق مبادلات روند کار به این صورت بود که موارد مورد نیاز برای گشایش اعتبار به سازمان توسعه تجارت ارائه می‌شد و پس از تأیید آن به بانک عامل ارجاع می‌شد. بعد از این مرحله بانک عامل به میزان ارز مورد نیاز درخواست لازم را به بانک مرکزی ارائه می‌کرد و پس از آن در صورت تأیید، گشایش اعتبار صورت می‌گرفت. با تأسیس اتاق مبادلات ارزی همین مراحل با اضافه شدن یک مرحله دیگر همراه بود که عملاً روند تجارت را بامرحله جدیدی روبه‌رو می‌کرد. در واقع مرکز مبادلات ارزی تنها بروکراسی طولانی

خرید و فروش ارز را به وجود آورده و مردم و فعالان اقتصادی را از مبادی رسمی و بانک‌ها به سمت بازار غیر رسمی سوق داده است.

- از جمله اهدافی که در زمان تأسیس اتاق مبادله عنوان می‌شد، نزدیک کردن نرخ ارز مرجع و آزاد به یکدیگر بود که البته این هدف نیز محقق نشده است. اگر بانک مرکزی برنامه‌ای برای تک نرخی کردن ارز داشت این مسأله که در حیطه بازار پولی کشور است به راحتی از طریق این نهاد قابل انجام بود و در واقع ایجاد اتاق مبادله ارزی در این میان تأثیری نداشته است.
- درمرکز مبادلات ارزی، هیچ کس حق ورود و معامله ارز را ندارد و فقط اشخاصی که نیازمند واقعی ارز هستند می‌توانند از این امکان بهره‌مند شوند.اما اینکه چه مرجعی و بر طبق چه ملاکی اشخاص نیازمند ارز را از دیگران تفکیک می‌کند، مشخص نیست. همین بخش از کار دو مشکل ایجاد رانت و ظهور رانت‌خواران جدید وهدایت بخش اعظمی از نیازمندان ارز به بازارهای غیررسمی و در نتیجه زمینه‌سازی افزایش نرخ ارز را به وجود آورده است.
- یکی از مشکلات حال حاضر فعالان اقتصادی نحوه انتقال ارز به خارج از کشور جهت برخی از خریدها می‌باشد. از این رو طبق ارتباط و اعتماد تنگاتنگی که بین فعالان اقتصادی و صرافان وجود دارد خرید و فروش ارز و نقل‌وانتقال از کانال صرافان به سهولت و سرعت انجام می‌شود در صورتیکه در مرکز مبادلات ارزی فقط به تقاضای خرید ارز عده‌ای خاص و تخصیص ارز جهت ورود کالاهای ویژه رسیدگی می‌شود و از خدمات دیگر خبری نیست.
- وجود مرکز مبادلات ارزی نیز هیچگونه مزیت خاصی برای صادرکنندگان ایجاد ننموده است، در مرکز مبادلات ارزی فقط به نیاز فعالان اقتصادی اشاره شده و هیچ بحثی از مردم عادی و سایر نیازمندان غیر حقوقی به میان نیامده و در واقع وجود این مرکز منفعت عمومی برای اکثر مردم ایران نداشته است.

- در ابتدای شکل‌گیری این مرکز، ادعا می‌شد که که ارز اکثر واردکنندگان از طریق مرکز مبادلات ارزی تأمین خواهد شد اما به مرور زمان اولویت‌بندی کالاها مطرح شد و خود به‌خود بخشی از واردکنندگان که در اولویت نبودند از دریافت ارز مبادلاتی محروم شدند. سپس طبق سیاست جدید دولت، تخصیص ارز مبادلاتی به واردات برخی از کالاهای اساسی تعلق گرفته که رفته رفته کالاهای اساسی هم دسته‌بندی شدند و بخشی با ارز مرجع و بخشی دیگر با ارز مبادلاتی بود که نهایتاً نیز منجر به حذف ارز مرجع گردید و امرور ارز مبادلاتی فقط به کالاهای اساسی تعلق گرفته وباز هم واردکنندگان باید منتظر ظهور سازمانی جدید با ارز و نرخ بالاتر از ارز مبادلاتی باشند.

- **تغییر مداوم در قوانین ارزی و صدور بخشنامه‌های جدید**

این مشکلات باعث شده تا قوانین ارزی بانک مرکزی مرتباً تغییر کند و به این نوسانات دامن بزند. در حقیقت تدابیر مسئولان بخش پولی در خصوص تعیین نرخ سود سپرده و تسهیلات، فروش همزمان سکه در بازار آزاد و بانک‌ها، فروش همزمان ارز در بانک‌ها و بازار آزاد، سیاست‌های تکلیفی به بانک‌ها علی‌رغم خصوصی شدن و... همه و همه زمینه‌ساز بی‌ثباتی گردیده و تحریم‌های اعمالی نیز مزید بر علت شده و اثرات آن را برجسته‌تر نموده است.در ادامه بخشنامه‌های ارزی صادره توسط بانک مرکزی و تغییر قوانین ارزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰ در جدول نشان داده شده است.

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۱۹ خرداد ۱۳۹۰	بخشنامه بانک مرکزی به بانک‌ها مبنی برتأمین ارزموردنیاز متقاضیان اعم ازحواله ویا اسکناس به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ،این بانک طی بخشنامه‌ای به کلیه بانک‌ها (دولتی، غیردولتی) اعلام کرددرراستای تأمین ارزتمامی متقاضیان ترتیبی اتخاذنمایند تادرچارچوب موارد پیش‌بینی شده دربخشنامه‌ها ومقررات ارزی بانک مرکزی،ارزموردنیاز متقاضیان اعم ازحواله ویااسکناس راتأمین نموده وهیچگونه وقفه‌ای دراین زمینه ایجادنگردد. دراین بخشنامه آمده است واحدهای ارزی وشعب بانک‌ها بایدنرخ فروش درهم امارات متحده عربی راحداکثر ۱۰ ریال بیش ازنرخ مرجع بانک مرکزی تعیین نمایند. شایان ذکراست درمورد سایر اسعار،حاشیه سودموردنظربانک‌هابرمبنای مبلغ فوق ومتناسب با نرخ های برابری اسعار یادشده دربرابر درهم امارات تعیین واعمال خواهدشد.
۱۶ مرداد ۱۳۹۰	واردکنندگان و تولیدکنندگان مجاز شدند،حواله ارز تا مبلغ ۵۰۰هزار دلار به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اینبانک طی نامه شماره ۶۰/۱۰۱۴ مورخ ۱۳۹۰/۰۵/۱۵ با اصلاح بند «د -۲ «مقررات ارزی واردات کالاو خدمات به شبکه بانکی اعلام کرد: حواله ارز تا معادل مبلغ پانصد هزار دلار به منظور ورود کالا به داخل کشور مجاز می-باشد. لازم به یادآوری است واردکنندگان و تولیدکنندگان در گذشته صرفاً مجاز بودند تا مبلغ یکصدهزار دلار حواله نمایند. در این بخشنامه آمده است: واردات کالا با کسب مجوزهای قانونی و طی مراحل ثبت سفارش در وزارت بازرگانی و رعایت سایر ضوابط و مقررات مربوطه تا معادل مبلغ پانصد هزار دلار از طریق حواله،مستقیماً در وجه ذینفع بلامانع است. در این صورت اخذ تعهد از متقاضی مبنی بر ارائه مدارک مثبته حاکی از ورود و ترخیص کالا حداکثر ظرف مهلت شش ماه از تاریخ حواله الزامی است.

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۷ مهر ۱۳۹۰	شعب مرکزی بانک‌های دولتی و خصوصی مجاز به فروش ارز مسافرتی شدند به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، این بانک طی بخشنامه‌ای به کلیه بانک‌های دولتی و خصوصی اعلام کرد: علاوه بر شعب ارزی بانک-های ملی، ملت،صادرات در سراسر ایرانو صرافی‌ها و بانک‌های مستقر در مبادی خروجی کشور (فرودگاه‌های بین‌المللی و...) شعب مرکزی سایر بانک‌ها نیز مجاز به فروش ارز مسافرتی می‌باشند .برابر بخشنامه یاد شده که در تاریخ ۹۰/۷/۷ به بانک‌ها ابلاغ گردیده استمتقاضیان ارز مسافرتی می‌توانند برای تأمین ارز مورد نیاز خود به شعب مرکزی بانک‌ها نیز مراجعه نمایند.

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۱۰ آذر ۱۳۹۰	دستورالعمل جدید ارزی به بانک‌ها ابلاغ شد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی بخشنامه شماره۲۱۳۹۶۱ /۹۰مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۱۰به بانک‌های ملی، توسعه صادرات، سپه، کشاورزی، صنعت و معدن، مسکن، صادرات، ملت، تجارت و رفاه کارگران اعلام کرد: بانک‌های مذکور مجاز به فروش ارز به ارزهای رایج در شبکه بانکی کشور به هر میزان به نرخ فروش رسمی ارز در سرزمین اصلی به واردکنندگان کالا و خدمات در جهت مصارف آتی آنها به شرح ذیل می باشند: ۱- در زمان فروش ارز، حساب ارزی متقاضی به میزان ارز فروخته شده بستانکار گردد. ۲- وجوه ریالی ارزهای فروخته شده جهت خرید ارز می‌بایست تا پایان همان روز کاری به حساب بانک مرکزی واریز گردد. ۳- در صورت خرید ارز طبق بندهای (۱) و(۲) پس از ارایه مدارک لازم طبق مقررات جهت واردات کالا و خدمات از طریق گشایش اعتبار اسنادی / ثبت سفارش برات اسنادی /حواله، در موقع پرداخت وجه، مراتب را به اداره بین‌الملل بانک مرکزی مبنی بر تأمین وجه مربوط، منعکس و همزمان حساب ارزی مشتری به همان میزان بدهکار گردد. ۴-ارزهای فروخته شده و واریزی به حساب های ارزی واردکنندگان ، قابل استفاده و برداشت توسط آن بانک و مشتری نبوده و صرفاً توسط خود صاحب حساب (بدون حق واگذاری و توکیل به غیر) جهت واردات کالا و خدمات براساس مقررات سرزمین اصلی قابل استفاده می باشد. ۵- استفاده از ارز فوق‌الاشاره منوط به نگهداری مبالغ مربوط به مدت حداقل شش ماه در حساب مشتری بوده و قبل از سررسید شش ماه، صرفاً امکان بازخرید ارز مذکور به نرخ روز فروش ارز به مشتری وجود خواهد داشت بدیهی است چنانچه خریدار ارز به هر دلیلی امکان استفاده از ارز مذکور را جهت واردات کالا و خدمات نداشته باشد، در صورت تقاضا، بانک عامل نسبت به بازخرید ارز مورد اشاره به نرخ فروش ارز به مشتری اقدام و حساب مشتری به همان میزان تسویه خواهد شد. ضمناً تأمین ارز مورد نیاز واردکنندگان کالا و خدمات از طریق بانک‌ها نیز کماکان به قوت خود باقی است

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۱۲ آذر ۱۳۹۰	مکانیزم پیشین تأمین ارز مورد نیاز واردکنندگان به قوت خود باقی است صدور بخشنامه جدیدی ارزی بانک مرکزی مبنی بر الزام شماری از بانک‌ها به فروش ارز مورد نیاز واردکنندگان کالا و خدمات،انعکاس وسیعی در سطح رسانه‌ها داشت. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی،آقای امیررحیمی مدیرکل سیاست‌ها و مقررات ارزی بانک مرکزی در این رابطه خاطرنشان ساخت: طی این بخشنامه که به ۱۰ بانک کشور ابلاغ شده است ، مکانیزم فروشارزهای رایج در شبکه بانکی کشور مشخص گردیده است و بر این اساس، به منظورایجاد اطمینان برای واردکنندگان کالا و خدمات، بانک‌های عامل موظف شده‌اندارز مورد تقاضای گروه مذکور را به هر میزان، جهت مصارفی که در آیندهخواهند داشت به فروش برسانند. این مقام مسئول در بانک مرکزی با توضیحاین مورد که در بخشنامه اخیر ارزی، هر زمان واردکنندگان کالا و خدمات قصدفروش ارز خریداری شده خود را داشته باشند، می‌توانند تمام و یا قسمتی ازارز خریداری شده را به بانک مربوطه بفروشند و در ازای آن ریال خود رادریافت نمایند،افزود: لازم به یادآوری است که تأمین ارز مورد نیازواردکنندگان کالا و خدمات طبق مکانیزم قبلی به قوت خود باقی وکماکان ازطریق بانک‌ها انجام می‌شود. شایان ذکر است بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ۱۳۹۰/۹/۱۰طی بخشنامه‌ای به بانک‌های ملی، توسعه صادرات،سپه، کشاورزی، صنعت و معدن، مسکن، صادرات، ملت، تجارت و رفاه‌کارگران مکانیزم تأمین ارز مورد نیاز واردکنندگان کالا وخدمات را به هر میزان ابلاغ کرد

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۱۷ آذر ۱۳۹۰	روش ارز نامحدود به وارد کنندگان کالا و خدمات به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، این بانکدر تاریخ ۱۳۹۰/۹/۱۰ طی بخشنامه‌ای به ۱۰ بانک کشور، مکانیزم فروش ارزهای رایج در شبکه بانکی کشور را مشخص نموده و به واردکنندگان کالا و خدمات اطمینان داده که بانک‌های عامل موظف شدند ارزمورد تقاضای گروه مذکور را به هر میزان جهت مصارفی که در آینده خواهند داشت به فروش برسانند.درهمین رابطه، بانک مرکزی پیرو بخشنامه فوق‌الذکر و همچنین بخشنامه شماره ۹۰/۲۱۸۳۳۷۷مورخ ۱۳۹۰/۹/۱۶ به بانک‌های ملی، توسعه صادرات، سپه، کشاورزی، صنعت و معدن،مسکن، صادرات ایران، ملت، تجارت و رفاه کارگران اعلام کرد "بازخرید تمام یا قسمتی از ارزهای فروخته شده به متقاضیان، با نرخ خرید رسمی ارز در سرزمین اصلی در روز مراجعه متقاضی به آن بانک خواهد بود." ضمناً طبق اطلاعیه قبلی، فروش ارز به هر میزان امکان‌پذیر بوده و مبلغ مربوطه به همان میزان به حساب ارزی مفتوحه با مکانیزم تعیین شده در اطلاعیه قبلی منظور می‌گردد.

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۲۹ دی ۱۳۹۰	راهکارهایی برای سامان‌دهی ارز در دست اشخاص بانک مرکزی طی نامه‌ای با اشاره به بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۲۹مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۲ به کلیه بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسه اعتباری توسعه اعلام کرد؛ بانک‌ها مجازند که در صورت اظهار ارز به هر میزان توسط اشخاص با احراز هویت و ثبت دقیق و کامل اطلاعات متقاضی به یکی از طرق ذیل اقدام نماید خرید ارز به نرخ بازار فرعی و فروش آن جهت مصارف ارزی آن بانک در چارچوب مجموعه مقررات ارزی به نرخ مزبور افتتاح حساب ارزی: درصورت افتتاح حساب ارزی، بانک‌ها مکلفند ضمن اجتناب از اخذ هرگونه تعهد مبنی بر «پرداخت ارز در حد مقدورات و یا پرداخت معادل ریالی آن»، درصورت تقاضای برداشت اصل سپرده از حساب ارزی ، نسبت به پرداخت عین ارز به متقاضی اقدام نماید. تبصره: سود متعلقه به حساب‌های ارزی مزبور، در سررسید به‌صورت ارزی و قبل از سررسید، به‌صورت ریالی و به نرخ بازار فرعی قابل پرداخت می‌باشد. کلیه حساب‌های ارزی مفتوحه تا قبل از صدور این بخشنامه، مشمول ضوابط مندرج در قسمت «ج»از بخش سوم مجموعه مقررات ارزی بوده و تمدید سررسید حساب‌های ارزی قبلی تابع مقررات جدید و با رعایت تبصره این بخشنامه امکان‌پذیر خواهد بود

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۶ بهمن ۱۳۹۰	بخشنامه بانک مرکزی به صرافان سراسر کشور به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، این بانک طی بخشنامه‌ای به صرافان سراسر کشور اعلام کرد، در راستای اجرای سیاست یکسان-سازی نرخ ارز از تاریخ ۹۰/۱۱/۸ ، صرافان سراسر کشورمجازند با در نظر گرفتن هزینه‌های مربوط به نقل و انتقالات ارزی (حواله)، نرخ فروش ارز را حداکثربه میزان۲درصد بالاتر از نرخ مرجع بانک مرکزی تعیین نمایند ضمناً نرخ فروش نقدی ارز به صورت اسکناس نیز با در نظر گرفتن هزینه‌های تأمین اسکناس، حداکثر به میزان یک درصد بالاتر از نرخ مرجع این بانک خواهد بود.صرافان سراسر کشور مکلفند، نسبت به ثبت دقیق اطلاعات مربوط به حواله، اسکناس و هزینه‌های مربوطه در سامانه سنا اقدام نموده ،همچنین نرخ خرید و فروش ارز با شرایط فوق‌الذکر را بطور روزانه در تابلوی صرافی درج نمایند. در دستورالعمل یاد شده تأکید شده است صرافانی که بخشنامه ابلاغی این بانک را از تاریخ ۹۰/۱۱/۸ رعایت ننمایند، مسئولیت آن متوجه صرافی خواهد بود.
۱ اسفند ۱۳۹۰	به استناد تبصره (۲) ماده (۲) "آئین نامه صدور ضمانت نامه و ظهرنویسی از طرف بانک ها" کمیسیون اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در هفتاد و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۸ خود، که به تأیید ریاست کل محترم بانک مرکزی نیز رسیده است، مقرر نمود "ضمانت‌نامه‌های اعتباری (ارزی – ریالی) صادره توسط''صندوق ضمانت صادرات ایران''، به عنوان وثیقه صدور ضمانت‌نامه بانکی مورد قبول می باشد."
۱۷ اسفند ۱۳۹۰	ممنوعیت اعطای وام به صرافی‌ها برای خرید ارز و سکه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی بخشنامه ای به کلیه بانک‌های دولتی ، غیردولتی ، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسه اعتباری توسعه اعلام کرد :«اعطای هرگونه تسهیلات (اعم از ارزی و ریالی) توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی به صرافی‌ها در رابطه با خرید و فروش ارز و مسکوکات طلا » ممنوع است

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۱۶ فروردین ۱۳۹۱	واردات شمش طلا، نقره و پلاتین فقط با اعتبار اسنادی دیداری و ارز متقاضی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی بخشنامه‌ای، به کلیه بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسه اعتباری توسعه اعلام کرد :پیرو بخشنامه های شماره ۶۰/۱۰۲۰ مورخ ۱۳۹۰/۷/۳۰ و ۶۰/۰۳۸ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۴ ، واردات شمش طلا با استاندارد حداقل عیار ۰/۹۹۵ و نقره و پلاتین صرفاً به صورت اعتبار اسنادی دیداری و با ارز متقاضی امکان‌پذیر می باشد.
۵ تیر ۱۳۹۱	علاوه بر تسهیلات ،تعهدات مشتریان نیز مستلزم اخذ تسویه حساب مالیاتی خواهد بود بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی بخشنامه ای به بانک های دولتی ، غیردولتی ، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسه اعتباری توسعه «ضوابط اجرایی تبصره ۱ ماده ۱۸۶ قانون مالیات های مستقیم اصلاحی مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷»را به همراه آخرین تغییرات و اصلاحات جهت اجرا ابلاغ کرد. در این بخشنامه آمده است:اعطای تسهیلات و ایجاد تعهدات نظیر گشایش اعتبار اسنادی و ضمانت نامه‌های بانکی اعم از ارزی و ریالی توسط بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی مشمول این ضابطه خواهد بود.

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۲۵ مرداد ۱۳۹۱	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی بخشنامه ای پیرو نامه عمومی شماره ۹۱/۱۱۴۵۳۵ مورخ ۱۳۹۱/۵/۳ و باتوجه به توافقات بعمل آمده با وزارت صنعت ، معدن و تجارت به مدیریت امور بین‌الملل شبکه بانکی کشور اعلام کرد: *کلیه ثبت سفارش هایی که قبل از تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱۸ توسط وزارت صنعت ، معدن و تجارت صادرشده و تاکنون تعیین گروه (اولویت) نگردیده اند، می بایستی جهت تعیین گروه کالایی(اولویت بندی) به وزارت مذکور مراجعه نمایند *کلیه ثبت سفارش هایی که از تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱۸ الی ۱۳۹۱/۵/۲ توسط وزارت صنعت ،معدن و تجارت صادر و گروه کالایی (اولویت بندی) آنها اول تا پنجم می باشد ، از سوی آن بانک قابل پذیرش بوده و نیازی به مراجعه متقاضی به وزارت مذکور جهت تعیین گروه (اولویت) نمی باشد *در مواردی که نیاز به کنترل اصالت اوراق ثبت سفارش به لحاظ گروه کالایی (اولویت بندی) می‌باشد، آن بانک می‌تواند به سامانه پرتال ارزی مراجعه نماید. شایان ذکر است، سایر مفاد نامه عمومی پیروی صدرالذکر کماکان به قوت خود باقی است
۲۰ مهر ۱۳۹۱	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد ؛ کلیه شعب ارزی بانک‌های کشور مطابق با بخشنامه صادره موظفند پس از اختصاص کد تخصیص ارز و واریز وجه ریالی توسط واردکنندگان به حساب بانک عامل، در اسرع وقت نسبت به خرید ارز اختصاص یافته از طریق اتاق معاملات بانک‌ها و انتقال آن به بانک کارگزار خارجی اقدام نمایند
۲۶ مهر ۱۳۹۱	اختصاص ارز به نرخ مبادله‌ای به تمامی گروه‌های کالایی هشت‌گانه به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی؛ بنا به تصمیمات اتخاذ شده جهت پاسخگویی هرچه بیشتر به متقاضیان مقرر شد به تمام اولویت‌های کالایی هشت گانه در مرکز مبادلات ارزی ، ارز مورد نیاز اختصاص یابد شایان ذکر است ، ارز مربوط به بخش خدمات مطابق بخشنامه‌های اخیر بانک مرکزی به نرخ مبادله‌ای علاوه بر شعب ارزی بانک‌های تجارت و ملت در تهران و شهرستانها در مرکز مبادلات ارزی نیز اختصاص می یابد براین اساس ،متقاضیان پس از اخذ فیش مربوطه (کد تخصیص ارز) در مرکز مبادلات ارزی جهت دریافت وجه مربوطه می توانند به شعب ارزی موردنظر مراجعه نمایند

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۶ آذر ۱۳۹۱	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی بخشنامه‌ای به کلیه بانک‌های دولتی، غیردولتی ومؤسسه اعتباری توسعه در زمینه اجرای کامل مقررات ارزی ابلاغ شده از سوی این بانک تأکید کرد در این بخشنامه آمده است : « دارندگان ارز (اسکناس) می‌توانند با مراجعه به بانک-های عامل نسبت به افتتاح حساب ارزی درقالب سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) و سرمایه‌گذاری (مدت دار)اقدام نمایند.بدیهی است سود متعلقه به حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت دار بایستی به ارزمحاسبه و پرداخت گردد. لازم به ذکر است ، دراین گونه موارد چنانچه متقاضی درخواست دریافت سود متعلقه یا بخشی از سپرده مفتوحه و یا انسداد حساب را داشته باشد ، بانک مکلف است عین ارز وصول شده یا معادل آن به سایر ارزهای جهان روا (با موافقت متقاضی) را از محل منابع ارزی آن بانک به صورت نقدی (اسکناس) به صاحب حساب پرداخت نماید. ضمناً اخذ هرگونه تعهد توسط بانک عامل از دارندگان حساب مبنی بر پرداخت ارز در حد مقدورات یا معادل آن به ریال جهت افتتاح حساب ، مجاز نمی‌باشد».

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۱۴ آذر ۱۳۹۱	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی بخشنامه‌ای بر اساس تصمیمات متخذه کارگروه ستاد ویژه اقتصادی و در راستای ساماندهی بازار ارز موارد زیر را در مورخ سیزدهم آذرماه سال جاری به بانک-های عامل ابلاغ نمود : ۱-با توجه به الزام عرضه درآمدهای ارزی وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه های موضوع بند (۲۷) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور در مرکز مبادلات ارزی کشور، بانک‌های عامل مکلفند ارزهای مربوطه را به نرخ مبادله‌ای خریداری نمایند. ۲-خرید ارز از صادر کنندگان به نرخ مبادله ای و ارائه اعلامیه خرید ارز به صادرکنندگان به منظور استفاده از جایزه ، مشوق های صادراتی و معافیتهای مالیاتی بلامانع می‌باشد .ضمناً صادرکنندگان می توانند علاوه بر فروش ارز صادراتی در مرکز مبادلات ارزی کشور ، منابع ارزی خود را جهت واردات مطابق با گروه های کالایی(اولویت بندی وارداتی) مصرف نمایند، اعم از اینکه واردات توسط صادرکننده صورت گیرد یا ارز مربوطه به واردکننده دیگر ارائه شود. همچنین می توانند سپرده‌گذاری ارزی نموده یا برای پرداخت بدهی ارزی خود استفاده نمایند. بدیهی است تصمیمات فوق سبب تقویت بیشتر جانب عرضه ارز در بازار ارز کشور و متعاقباً تأمین بیشتر تقاضاهای وارداتی بر مبنای اولویت بندی کالایی خواهد شد شایان ذکر است، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت پوشش تقاضای ارز مصارف خدماتی طی بخشنامه ای در روز سیزدهم آذر ماه سال جاری فروش ارز بابت مصارف خدماتی ذیل را به نرخ مبادله ای مجاز اعلام نمود ارز مسافرتی (حداکثر۳۰۰ دلار) یک بار در سال برای کلیه مقاصد به مسافرین هوایی، زمینی، ریلی و دریایی ارز درمانی - ارز ماموریت - ارز دانشجویان آزاد یا غیر بورسیه(مقطع فوق لیسانس و بالاتر) - فرصت‌های مطالعاتی و هزینه‌های درمانی هیات علمی - حق عضویت و حق ثبت نام درسازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و محافل علمی و هزینه چاپ مقالات علمی - هزینه شرکت در نمایشگاه‌های خارج کشور - حق الوکاله در رابطه با دعاوی خارجی - اصل و سود سرمایه گذاری خارج - بابت کارمزدها - هزینه دفاتر خارج از کشور هزینه اجاره و اشتراک شبکه‌های اطلاعاتی (اینترنت ، رویتر و...) - هزینه برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی هزینه انجام آزمایش‌های علمی و فنی انتشار آگهی در خارج کشور و دریافت گواهی‌های بین‌المللی (استاندارد، کیفیت و...) - هزینه خرید امتیاز پخش فیلم و دریافت‌های ماهواره‌ای و ارتباط هزینه‌های سوخت، هندلینگ، لندینگ، حقوق خدمه خارجی و حق بیمه شرکت‌های هواپیمایی ایران فروش و انتقال ارز بابت شرکت‌های بیمه ایرانی - فروش ارز به شرکت‌های منتخب برای اعزام زائرین به عمره مفرده و عتبات عالیات (عراق) - فروش ارز جهت بازپرداخت تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی(دولتی و خصوصی)، فاینانس غیرخودگردان، بانک توسعه و تجارت (بانک اکو)، بانک جهانی و بانک توسعه اسلامی - بانک‌های عامل درخصوص ۱۹ قلم مصارف خدماتی می‌توانند با توجه به تقاضاهای مشتریان به نرخ مبادله‌ای جهت تأمین تقاضاها از بانک مرکزی ارز خریداری نمایند. تصمیم اخیر بانک مرکزی در هدایت عمده تقاضاها به سیستم بانکی و تعمیق بازار بین بانکی نقش چشمگیری داشته و سبب همگرایی بیشتر نرخ ارز در شبکه صرافی های مجاز کشور با نرخ مبادله‌ای خواهد شد.

جدول۷-۱۰: بخشنامه‌های ارزی صادر شده توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰

تاریخ	بخشنامه
۱۶ بهمن ۱۳۹۱	فروش ارز به نرخ اعتبار یا برات اسنادی در زمان دریافت وجه ریالی از مشتری قطعی تلقی می‌شود. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ «صمد کریمی »سخنگوی مرکز مبادلات ارزی کشور با اعلام مطلب فوق افزود: پیرو بخشنامه های قبلیدر خصوص تعهدات ارزی بانک ها و تصمیمات اخیر شورای پول و اعتبار در اینخصوص، در مواردی که معادل کل مبلغ اعتبار یا برات اسنادی به صورت یکجا یابه دفعات از متقاضی توسط بانک های عامل دریافت شده باشد، فروش ارز به نرخ اعتبار یا برات اسنادی در زمان دریافت وجه ریالی از مشتری قطعی تلقی میشود، به طوری که بانک های عامل موظفند تعهدات ارزی خود را انجام داده واسناد، مدارک و وثایق مربوطه را بدون هیچ گونه قید و شرطی به متقاضی یا مشتری تحویل نمایند

مأخذ: بانک مرکزی

همچنین این تغییر قوانین در زمینه ارائه ارز مسافرتی نیز به چشم می‌خورد، که به بی ثباتی بیشتر در بازار ارز منجر گردید. در ادامه بخشنامه‌های متفاوت و بعضاً متناقض صادره توسط بانک مرکزی در زمینه ارز مسافرتی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۰ آورده شده است:

جدول ۷-۱۱: بخشنامه‌های صادر شده در زمینه ارز مسافرتی توسط بانک مرکزی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۱

تاریخ	بخشنامه
۹خرداد ۱۳۹۰	روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد، این بانک به منظور تأمین ارز مورد نیاز مسافران در چارچوب ضوابط و مقررات مربوطه، علاوه بر شعب بانک‌های تجاری و صرافی‌های مجاز، نسبت به فروش ارز مسافری از طریق صرافی بانک‌ها نیز اقدام می نماید.
۲۴مرداد ۱۳۹۰	روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: پیرو بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۱۰ مورخ ۱۳۹۰/۴/۶ به اطلاع می‌رساند، فروش ارز مسافرتی علاوه بر شعب بانک‌ها و صرافی‌های مستقر در مبادی خروجی کشور (فرودگاه‌های بین‌المللی و...) از طریق کلیه شعب ارزی بانک‌های ملی ایران، ملت و صادرات ایران در سراسر کشور نیز امکان‌پذیر می‌باشد. از این رو، فروش ارز مسافرتی توسط سایر صرافی‌ها و بانک‌های کشور مجاز نیست.
۵مهر ۱۳۹۰	روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: به منظور رفاه حال هموطنان عزیز، کماکان امکان خرید ارز مسافرتی در فرودگاه بین‌المللی حضرت امام خمینی (ره) فراهم است. گفتنی است از چندی پیش فروش ارز مسافرتی علاوه بر شعب بانک‌های ملی، ملت و صادرات در سراسر ایران، در بانک‌ها و صرافی‌های مستقر در فرودگاه حضرت امام خمینی (ره) نیز امکان‌پذیر می‌باشد.
۷مهر ۱۳۹۰	به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، این بانک طی بخشنامه‌ای به کلیه بانک‌های دولتی و خصوصی اعلام کرد: علاوه بر شعب ارزی بانک‌های ملی، ملت، صادرات در سراسر ایران و صرافی‌ها و بانک‌های مستقر در مبادی خروجی کشور (فرودگاه‌های بین‌المللی و...) شعب مرکزی سایر بانک‌ها نیز مجاز به فروش ارز مسافرتی می‌باشند. برابر بخشنامه یاد شده که در تاریخ ۹۰/۷/۷ به بانک‌ها ابلاغ گردیده است متقاضیان ارز مسافرتی می‌توانند برای تأمین ارز مورد نیاز خود به شعب مرکزی بانک‌ها نیز مراجعه نمایند.

۱۲مهر ۱۳۹۰	روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: به موجب بخشنامه اداره سیاست‌ها و مقررات ارزی این بانک، فروش ارز مسافرتی در هر سفر و برای هر یک از مسافران هوایی به مقصد تمامی کشورها (به استثنای عراق و سوریه) مبلغ ۲۰۰۰دلار و برای مسافران زمینی، ریلی و دریایی مبلغ ۵۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها می‌باشد. در این بخشنامه همچنین آمده است: فروش ارز مسافرتی هوایی، زمینی، ریلی و دریایی کشورهای عراق و سوریه نیز ۵۰۰ دلار می‌باشد و فروش ارز مسافرتی برای ایرانیان مقیم خارج از کشور به میزان ۵۰ درصد مبالغ فوق خواهد بود.
۱۰آبان ۱۳۹۰	براساس اطلاعات واصله در ماه‌های گذشته و پس از آنکه اختلاف بین نرخ رسمی ارز با بازار غیررسمی زیاد شد، بانک مرکزی تصمیم گرفت با پیش‌بینی مکانیزم‌هایی، از سوءاستفاده برخی افراد سودجو و فرصت‌طلب جلوگیری کند. به همین منظور ارائه ویزای کشور مقصد، بلیت مسافرت، اصل فیش پرداخت عوارض خروج از کشور، تعهد کتبی مسافر مبنی بر خرید ارز مسافرتی فقط از یک منبع را الزامی و به بانک‌ها اعلام کرد تا صفحه آخر گذرنامه و همچنین فیش پرداخت عوارض را به مهر« ارز مسافرتی پرداخت گردید»ممهور کنند. به جز مراتب عنوان شده، ازدحام مسافرین غیرواقعی در بانک‌ها و کمیاب شدن بلیت مسافرتی برای مسافرین واقعی، بانک مرکزی را بر آن داشت تا در راستای یکی از وظایف مهم این بانک؛ یعنی صیانت از منابع ارزی و جلوگیری از به هدررفتن آن، بخشنامه اخیر مبنی بر ارائه ارز مسافرتی بر پایه نرخ بازار فرعی ارز را صادر نماید.
۱۴دی ۱۳۹۰	روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: این بانک طی بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۲۹مورخ ۱۲/۱۰/۱۳۹۰ به کلیه شعب ارزی بانک‌ها اعلام کرد: فروش ارز مسافرتی برای هریک از مسافران هوایی به مقصد تمام کشورها (به استثنای عراق و سوریه که ۴۰۰ دلار است) به میزان ۱۰۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها و فروش ارز مسافرتی به مسافرین زمینی، ریلی و دریایی کلیه کشورها به میزان۴۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها می‌باشد. ضمنا در کلیه موارد فوق، فروش ارز مسافرتی به نرخ بازار فرعی و یکبار در سال صورت می‌گیرد.

براساس این بخشنامه، فروش ارز مسافرتی به مسافرین با سن قانونی کمتر از ۲ سال امکان‌پذیر نبوده و برای سنین ۲ تا ۱۲ سال به میزان ۵۰ درصد در هر یک از حالات فوق خواهد بود.	
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی بخشنامه‌ای به کلیه شعب ارزی بانک‌های‌ملی ایران و ملت اعلام کرد: شعب ارزی بانک‌های ملی و ملت برای فروش ارز مسافرتی ضمن رعایت کامل مقررات ارزی، پس از دریافت معادل ریالی مربوطه، به جای پرداخت ارز به متقاضی نسبت به صدور سند حسابداری یا رسید که در متن آن مبلغ، نام متقاضی، کد ملی، شماره پاسپورت و سایر اطلاعات مرتبط درج شده باشد، اقدام کرده و سند حسابداری / رسید که ممهور به مهر و امضای شعبه می‌باشد را به متقاضی تحویل نمایند. ضمنا شعبه / باجه بانک‌های ملی ایران و ملت مستقر در مبادی خروجی فرودگاه (پس از گیت خروجی)، در مقابل دریافت سند حسابداری یا رسید مزبور نسبت به پرداخت ارز مسافری مربوطه اقدام خواهند کرد.	**۸بهمن ۱۳۹۰**
به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران این بانک با توجه به سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز ترتیبات خرید و فروش ارز را به شرح ذیل جهت اجرا به کلیه شعب ارزی بانک‌ها ابلاغ نمود: ۱- از تاریخ شنبه ۹۰/۱۱/۸ سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز اعمال می شود. در این راستا فروش ارز به بانک‌ها صرفا به نرخ رسمی (مرجع) بانک مرکزی خواهد بود، بنابراین نرخ بازار فرعی از مکانیزم فروش ارز حذف خواهد شد. بدیهی است کلیه مصارف ارزی که طبق مقررات به نرخ بازار فرعی تعیین می‌شد با نرخ رسمی اعلامی از سوی بانک مرکزی تأمین خواهد شد. ۲- نرخ رسمی (مرجع) بانک مرکزی برای هر دلار آمریکا از روز شنبه ۱۳۹۰/۱۱/۸ در سطح ۱۲۲۶۰ ریال تعیین و کلیه نیازهای ارزی بانک‌ها در چارچوب مقررات و بخشنامه‌های این بانک صرفا با نرخ رسمی (مرجع) تأمین خواهد شد. ۳- ارز مسافرتی براساس بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۳۱مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۵ بانک مرکزی در فرودگاه حضرت امام خمینی (ره) به مسافر تحویل داده	**۹بهمن ۱۳۹۰**

	می شود. تأکید می‌شود نرخ فروش ارز مسافرتی، نرخ مرجع بانک مرکزی بوده و میزان ارز مسافرتی براساس بخشنامه‌های قبلی بانک مرکزی خواهد بود. ضمنا برای برخی کشورها با توجه به بعد مسافت امکان افزایش ارز مسافرتی تا سقف ۱۵۰۰ دلار برنامه‌ریزی شده و طی بخشنامه جداگانه‌ای ابلاغ خواهد شد.
۱۱بهمن ۱۳۹۰	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پیرو بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۳۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۶ درخصوص فروش ارز مسافرتی (موضوع بند ۱ از قسمت «ب» بخشنامه شماره ۶۰/۱۰۲۹ مورخ۱۳۹۰/۱۰/۱۲) اعلام کرد: ۱- فروش ارز مسافرتی برای هر یک از مسافران هوایی (به استثنای سوریه، عراق، آذربایجان، ارمنستان، پاکستان، افغانستان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی) به مقصد کشورهای ترکیه، ترکمنستان، کویت، قطر، بحرین و عمان به میزان ۱۰۰۰دلار یا معادل آن به سایر ارزها و در مورد سایر کشورها به میزان ۱۵۰۰دلار به نرخ رسمی (مرجع) خواهد بود. ۲- فروش ارز مسافرتی به هریک از مسافران هوایی به مقصد کشورهای آذربایجان، ارمنستان، پاکستان، افغانستان و امارات متحده عربی به میزان ۴۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها به نرخ رسمی(مرجع) خواهد بود. ۳- ۳- مسافرانی که قبلا از ارز مسافرتی هوایی استفاده کرده‌اند، می‌توانند در دو نوبت از ارز مسافرتی بابت سفر به سوریه، عراق یا عربستان (عمره مفرده) استفاده نمایند. بدیهی است فروش ارز مسافرتی هوایی به مسافرانی که دو نوبت از ارز مسافرتی مربوط به سوریه، عراق یا عربستان (عمره مفرده) استفاده نموده‌اند، نیز مجاز خواهد بود.

روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: هموطنان عزیزی که عازم مسافرت خارج از کشورهستند، می‌توانند ارز موردنیاز خود را از شعب بانک‌های مستقر در مبادی خروجی فرودگاه‌ها تهیه کنند. این گزارش می‌افزاید: متقاضیان دریافت ارز مسافرتی پس از پرداخت معادل ریالی ارز مورد نیاز خود به شعب ارزی بانک‌های ملی و ملت در سطح شهر و دریافت سند حسابداری یا رسید مربوطه به شعبه بانک‌های یادشده مستقر در مبادی خروجی فرودگاه (پس از گیت خروجی) مراجعه و در مقابل ارائه سند حسابداری یا رسید، نسبت به دریافت ارز مسافری خود اقدام کنند. در سند حسابداری یا رسید باید مبلغ، نام متقاضی، کد ملی، شماره پاسپورت و سایر اطلاعات مرتبط درج و ممهور به مهر و امضای شعبه باشد	**۲۷بهمن ۱۳۹۰**
روابط عمومی بانک مرکزی به منظور پاسخگویی به سوالات آن دسته از هموطنانی که عازم سفر خارج از کشور هستند و در راستای رفع ابهامات موجود در زمینه میزان و نحوه فروش ارز مسافرتی، دستورالعمل‌های مربوطه را بار دیگر در اختیارهموطنان عزیز قرار داده است. سفر هوایی به مقصد کشورهای ترکیه، ترکمنستان، کویت، قطر، بحرین و عمان به میزان ۱۰۰۰دلار یا معادل آن به سایر ارزها و یکبار در سال. سفر هوایی به مقصد کشورهای آذربایجان، ارمنستان، پاکستان، افغانستان و امارات‌متحده‌عربی به میزان ۴۰۰دلار یا معادل آن به سایر ارزها و یکبار در سال. سفر هوایی به مقصد کشورهای عراق، سوریه و عربستان «عمره‌مفرده» به میزان ۴۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها و دو نوبت در سال. سفر هوایی به مقصد سایر کشورها به میزان ۱۵۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها و یک بار در سال. -سفرهای زمینی به مقصد کشورهای عراق، سوریه و عربستان «عمره‌مفرده» به میزان ۴۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها و دو نوبت درسال. سفرهای زمینی به مقصد سایر کشورها به میزان ۴۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها و یک بار در سال.	**۱۷اسفند ۱۳۹۰**

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به منظور تأمین نیازهای ارزی متفرقه متقاضیان،جلسه‌ای با کانون صرافی‌ها در بانک مرکزی تشکیل شد. به صرافی‌های مجاز که مجوز خود را از بانک مرکزی اخذ نموده‌اند اجازه داده شد تا راسا نسبت به خرید و فروش ارز و تأمین نیازهای مشتریان بر اساس مکانیزم عرضه و تقاضای بازار در مقابل صدور فاکتور اقدام نمایند.	**۲۳اسفند ۱۳۹۰**
به‌منظور تأمین نیازهای متقاضیان اعم از مسافرین، دانشجویان، بیماران، واردکنندگان و صادرکنندگان به مبادلات ارزی از تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۲۳ به کلیه صرافی‌های دارای مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مجهز به سامانه سنا اجازه داده می‌شود تا نسبت به خرید و فروش ارز با نرخ توافقی اقدام کنند. تبصره ۱ :تاقبل از تعیین حداقل و حداکثر کارمزد توسط کانون، تعیین و اخذ کارمزد با توجه به عرف بازار و به صورت توافقی، بلامانع است	**۲۸اسفند ۱۳۹۰**
تصمیمات کمیسیون ارز درخصوص فروش ارز مسافرتی به ایرانیان مقیم خارج از کشور، میزان ارز مسافرتی به مقصد کشورهای آذربایجان، ارمنستان، پاکستان، افغانستان، امارات‌متحده‌عربی، لبنان، عراق، سوریه و عربستان، فروش ارز مسافرتی صرفا به زائرین عتبات عالیات که از طریق کاروان‌های تحت پوشش سازمان حج و زیارت اعزام می‌شوند و... به شرح زیر به اطلاع هموطنان گرامی می‌رسد: سفرهای هوایی به مقصد کشورهای ترکیه، ترکمنستان، کویت، قطر، بحرین و عمان به میزان ۱۰۰۰دلار یا معادل آن به سایر ارزها و یکبار در سال. سفرهای هوایی به مقصد کشورهای آذربایجان، ارمنستان، پاکستان، افغانستان، امارات‌متحده‌عربی و لبنان به میزان ۴۰۰دلار یا معادل آن به سایر ارزها و یکبار در سال. سفرهای هوایی به مقصد کشورهای عراق، سوریه و عربستان «عمره‌مفرده» به میزان ۴۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها و دو نوبت در سال. سفرهای هوایی به مقصد سایر کشورها به میزان ۱۵۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها و یک بار در سال. سفرهای زمینی، ریلی و دریایی به مقصد کشورهای عراق، سوریه و عربستان «عمره‌مفرده «به میزان ۴۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها و دو نوبت درسال. سفرهای هوایی به مقصد سایر کشورها به میزان ۴۰۰ دلار یا معادل آن به سایر ارزها و یک بار در سال.	**۵فروردین ۱۳۹۱**

۷ مرداد ۱۳۹۱	بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی بخشنامه ای به مدیریت امور بین الملل شبکه بانکی، حذف ارز مسافرتی به غیر از عتبات عالیات، سوریه و عمره مفرده را ابلاغ کرد.در این بخشنامه آمده است: ۱ـ فروش ارز مسافرتی هوایی، زمینی، ریلی و دریایی به مقصد کلیه کشورها به استثناء کشورهای عراق (عتبات عالیات)، سوریه و عربستان سعودی (عمره مفرده) مجاز نمی‌باشد. ۲ـ فروش ارز مسافرتی به مقصد عراق (عتبات عالیات) به مبلغ ۲۰۰ دلار، سوریه ۲۰۰ دلار و عربستان سعودی (عمره مفرده) ۲۰۰ دلار و مجموعاً یک بار در سال با رعایت سایر ضوابط مندرج در بند ۱ از قسمت "ب" بخش سوم مجموعه مقررات ارزی امکان‌پذیر خواهد بود. ۳ـ فروش ارز مسافرتی به مسافرین با سن قانونی کمتر از ۱۲سال امکان‌پذیر نمی‌باشد. ۴-فروش ارز به بیماران و همچنین دانشجویان کماکان به قوت خود باقی است

مأخذ: بانک مرکزی

- **دستور به انحلال صرافی بانک‌ها**

در شرایطی که، شبکه صرافی‌های کشور - بویژه صرافی‌های بانک‌ها- در غیاب یک نظام فعال و کارامد در نظام بانکی بین‌الملل، می‌توانست به مثابه سیستمی جایگزین، عمل نماید، دستور به تعطیلی این صرافی‌ها با هدف کاهش نرخ ارز در کشور، عملا با تأثیر بر مؤلفه عرضه ارز کشور، راه را برای افزایش نرخ ارز در بازار و همچنین دشوارتر شدن بازرگانی خارجی، فراهم نمود.

- **استراتژی‌ها**

استراتژی‌های مرتبط با چالش کاهش درآمدهای ارزی دولت، عبارتند از:

۱- به رسمیت شناختن بحران ارزی[۱۰۰]

شاید یکی از علل اصلی ناکارآمدی نظام تصمیم‌گیری در شرایط فعلی اقتصاد کشور، به رسمیت نشناختن وجود شرایط غیرمعمول و بعضاً بحرانی در اقتصاد کشور است. نظام ارزی کشور نیز از این آسیب، مستثنی نبوده است. به نظر می‌رسد برای اخذ تصمیمات مهم، نخست باید جایگاه نظام ارزی را در شرایط فعلی با دقت تمام، ترسیم نموده و به رسمیت شناخت. پناه بردن به سیاست‌های شعاری آن هم در بالاترین سطوح مدیریتی بانک مرکزی و تزریق ذخایر بانک مرکزی با هدف ثبات داشتن ارز، آفتی بود که نتیجه آن در نظام ارزی کشور بوضوح قابل مشاهده است.

۲- هماهنگی نهادی دستگاه‌های مرتبط با تجارت خارجی

چنانچه محدودیت عرضه ارز در کشور به رسمیت شناخته شود، گام بعدی مدیریت تقاضای ارز است. یکی از راهکارهای مرتبط با مدیریت تقاضای ارز در کشور، تجمیع و هماهنگی قوانین مرتبط با تجارت خارجی است. بدون شک عدم‌هماهنگی بین نهاد صادرکننده مجوز واردات و نهاد تأمین ارز وارداتی، تخصیص غیربهینه منابع ارزشمند ارزی در شرایط فعلی کشور را در پی خواهد داشت. این هماهنگی نهادی هم در عرصه قوانین و مقررات مرتبط با تجارت خارجی و هم در ارتباط با اقدامات و تصمیات اتخاذ شده در این حوزه است.

۳- ایجاد نظام تخصیص بهینه ارز

در شرایطی که محدودیت ورود ارز به کشور، عرضه ارز را با چالشی جدی مواجه ساخته است، اتخاذ سیاست تک‌نرخی ارز آن هم در نرخ‌های تورم نزدیک به ۴۰ درصد،

---

[۱۰۰] - بحران ارزی به شرایطی گفته می‌شود که در آن ارزش ارز بی‌ثبات شده و استفاده از ارز به عنوان وسیله مبادله دشوار می‌گردد. بحران ارزی نوعی بحران مالی محسوب می‌شود، در این حالت سقوط ناگهانی و غیرمنتظره در ارزش پول ملی روی می‌دهد.

معقول نیست. تحدید تقاضای ارز با افزایش قیمت ارز در بازار، کالاهای ضروری مورد نیاز جامعه در شرایط رکود تورمی عظیم، امکان‌پذیر نخواهد بود. در این شرایط ایجاد سیستم تخصیص بهینه ارز - البته سیستمی با حضور ذینفعان مختلف، اعم از تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و دولت- از ضروریات اجتناب‌ناپذیر است. هرچند امکان ادامه چنین سیاستی در بلندمدت با وجود نرخ‌های چندگانه، زمینه بروز فساد و رانت را در بدنه این نظام فراهم خواهد نمود. از اینرو باید به این سیاست نگرشی کوتاه‌مدت داشت و رسیدن به ثبات نسبی اقتصادی زمینه تک نرخی شدن ارز را فراهم نمود.

۷-٤-۲- افزایش ریسک اعتباری مراودات با ایران

ریسک اعتباری یکی از مهم‌ترین عوامل تولید ریسک در بانک‌ها و شرکت‌های مالی است. این ریسک ناشی از عدم توانایی بازپرداخت اقساط بدهی توسط دریافت‌کنندگان این تسهیلات است. به طور کلی‌تر ریسک اعتباری را می‌توان به عنوان ضرر محتمل که در اثر یک رخداد اعتباری اتفاق می‌افتد، بیان کرد. رخداد اعتباری زمانی واقعی شود که توانایی طرف قرارداد در تکمیل تعهداتش تغییر کند.در واقع ریسک مربوط به زیان‌های ناشی از عدم بازپرداخت یا بازپرداخت با تأخیر اصل یا فرع وام از طرف مشتری است.

از زمان شروع اولین تحریم علیه بانک‌های ایرانی به دلیل نگرانی از بابت امنیت صادرات، ریسک اعتباری مراودات با ایران بالارفته و نرخ پوشش بیمه صادرات کالابه ایران رو به افزایش است که این مورد منجر به افزایش هزینه ها و قیمت نهایی کالاهای صادراتی به ایران می شود.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱. تدوین سیاست‌های منسجم و با ثبات در حوزه تجارت و پرهیز از سیاست‌ها و دستورات خلق‌الساعه و غیرکارشناسی

با توجه به محدودیت ارزی، هماهنگی سیاست‌های تجاری بین بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. اولویت‌بندی شرکاء تجاری با رویکرد سطح همکاری‌های تجاری و تسهیل قوانین و مقررات بازرگانی فی‌مابین

به منظور حداکثرسازی منافع تجارت آزاد، اولویت بندی شرکا تجاری از اهمیت بالایی برخوردار است. در این حوزه، اقتصاددانان متخصص در حوزه اقتصاد بین‌الملل، ۳ پارامتر اصلی را به عنوان ملاک‌های انتخاب شریک تجاری آزاد بر می‌شمرند:

- میزان اشتراکات فرهنگی و کیفیت مناسبات سیاسی دو کشور؛
- فاصله فیزیکی دو کشور (نظریه پل کروگمن)؛
- میزان مکمل بودن مزیت‌های اقتصادی دو کشور

در مورد عوامل سه‌گانه یاد شده، عامل اول مسئله‌ای بدیهی به نظر می‌رسد. چرا که پیمان تجارت آزاد به منزله افزایش شدید پیوندهای اقتصادی دو کشور بوده و طبیعتاً اگر این پیوند اقتصادی به وسیله پتانسیل‌های کافی در زمینه اشتراکات فرهنگی و نقطه نظرهای کمابیش همسوی سیاسی پشتیبانی نشود، شانس اندکی برای موفقیت خواهد داشت. به ویژه آن که افزایش مبادله کالا و خدمات بین دو کشور، ناگزیر با گسترش رفت و آمد و مجاورت نیروی انسانی همراه خواهد بود.

در مورد عامل دوم، یعنی تأثیر نزدیکی جغرافیایی کشورها بر موفقیت توافق‌نامه تجارت آزاد که به ویژه توسط اقتصاددانان مشهوری همچون «پل کروگمن»مورد اشاره قرار گرفته، لازم است به دو نکته توجه شود:

وجود مرز مشترک بین دو کشور طرف تجارت آزاد، به منزله هزینه پایین حمل‌ونقل کالا بین دو کشور بوده و در نتیجه پتانسیل سرمایه‌گذاری مشترک بین بخش خصوصی دو کشور و تولید محصول بازار مشترک (محصولی که بخشی از آن در یک کشور و

بخشی دیگر در یک کشور دیگر تولید می‌شود) را، افزایش می‌دهد؛ مسئله‌ای که متناظر با افزایش اتحاد اقتصادی دو کشور خواهد بود.

وجود مرز مشترک بین طرفین تجارت آزاد، رونق تجاری مناطق مرزی را در پی داشته و با کاهش نیاز دولت‌های دو کشور به اختصاص بودجه برای کنترل مرزها، منافع دوجانبه را مستحکم‌تر می‌سازد.

اما عامل سوم، یعنی مکمل بودن مزیت‌های اقتصاد دو کشور، مسئله‌ای است که باید جزو مؤلفه‌های اصلی تصمیم‌گیری ایران برای انتخاب شریک تجارت آزاد در بین کشورهای همسایه، مدنظر قرار گیرد. برای مثال با توجه به اینکه کشور ایران کشوری نفت‌خیز و در نتیجه بیشتر فروشنده نفت و گاز یا محصولات مشتقه آن مانند محصولات پتروشیمی است، طبیعتاً اتحاد اقتصادی با کشورهای حاشیه خلیج فارس که خود صادرکننده نفت و گاز و محصولات پتروشیمی هستند، نمی‌تواند چندان مفید باشد.

۷-٤-۳- افزایش هزینه‌های مبادله و تأثیر آن بر هزینه تولید و واردات

بنا به تعریف، هزینه‌های مبادله شامل کلیه هزینه‌های آشکار و پنهانی است که در جریان یک مبادله به وجود می‌آید. اهمیت این هزینه‌ها به اندازه‌ای است که کارشناسان عملکرد کلی اقتصاد کشورها رابطه مستقیمی با هزینه‌های مبادله دارد.هر مبادله به مفهوم نوعی توافق - یا قرارداد - میان دو طرف مبادله است. توافق طرفین قرارداد نیز بستگی به هزینه‌هایی دارد که هر طرف پیش‌بینی می‌کند. آنها این هزینه‌ها را برای تحقق کامل اهداف حقوقی که بر اساس قرارداد (نوشته یا نانوشته، رسمی یا غیررسمی) متعلق به آنهاست، می‌باید متحمل شوند. این هزینه‌ها، مازاد بر قیمت یا ارزشی است که برای تحقق شکلی مبادله باید رد و بدل شود .

یکی از چالش‌های اساسی بخش بانکی که با اعمال تحریم‌ها تشدید شده است، افزایش هزینه‌های مبادلاتی می‌باشد.در واقع با دشوار تر شدن مراودات مالی ایرانیان با

شعب خارج از کشور و همین‌طور دشوار شدن مراودات مشتریان خارجی با این شعب، هزینه‌های مبادله افزایش یافته است.

از طرفی تحریم های فوق باعث شده شرکت‌های ایرانی که در حیطه خرید و فروش کالابا کشورهای خارجی فعالیت می‌کنند، ناگزیر شوند در فقدان پشتوانه بانکی، مشکلات را دور زده و از طریق واسطه‌ها و دلالان کشورهای ثالث گشایش اعتبار کنند. مستقیم‌ترین پیامد چنین کاری، بالارفتن هزینه مبادله، صرف زمان طولانی‌تر برای رسیدن به اهداف و تأثیر منفی بر کیفیت و زمانبندی آنها است.

از طرف دیگر، تمایل شرکای خارجی به مبادله با دلار و یورو بوده در حالی که بانک مرکزی در پرداخت دلار و یورو محدودیت دارد و سایر ارزها را ارائه می‌دهد، که طرف خارجی هزینه تبدیل این ارزها به دلار و یورو را نیز روی قیمت تمام شده محاسبه می-کند که این امر نیز منجر به افزایش قیمت تمام شده کالاها می‌شود.

این وضعیت علاوه بر ایجاد بار تورمی، تولیدکنندگان را تحت فشار قرار داده و از حاشیه سود آنها می‌کاهد و حتی چه بسا هزینه‌های تمام شده برای آنان بیش از قیمت فروش باشد. طبیعی است که در چنین شرایطی تولیدکنندگان نتوانند طبق انتظارات قبلی به تعهدات مالی خود به بانک‌ها عمل نمایند و باز پرداخت تسهیلات دریافتی با تأخیرمواجه شود.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱. معطوف کردن تسهیلات به سمت تولید

بدون تردید معطوف کردن تسهیلات به سمت تولید،زمینه ساز رشد سرمایه‌گذاری و اشتغال، استفاده از ظرفیت‌های خالی تولید، رشد درآمد سرانه و جذب نقدینگی سرگردان سیستم اقتصادی شده و مانع از ورود این سرمایه‌ها به بازارهای ارز و طلا و ... به منظور اهداف سوداگرایانه خواهد شد.

۲. تأمین ارزی کارمزد حواله‌ها و پرداخت‌های خارجی توسط بانک مرکزی

در حال حاضر تولیدکنندگان و واردکنندگان برای تأمین نیازهای ارزی مرتبط با کارمزد حواله‌های بانکی و پرداخت‌های خارجی، ناچارند تا به بازار غیر رسمی ارز مراجعه نمایند که این موضوع هم تقاضای ارز در بازار غیررسمی را افزایش داده و سبب افزایش نرخ ارز در بازار غیررسمی می‌شود و هم هزینه تأمین ارز تولیدکنندگان و واردکنندگان را افزایش خواهد داد که خود سبب افزایش قیمت کالاها در داخل کشور شده و افزایش نرخ تورم را در پی خواهد داشت.

۷-٤-٤- محدود شدن تولیدکنندگان در تأمین نیازهای وارداتی و گشایش اعتبارات اسنادی:

مرسوم‌ترین روش جهت انجام واردات از سایر کشورها در دنیای امروزی، استفاده از اعتبارات اسنادی است که گشایش اعتبارات اسنادی بر عهده بانک‌ها می باشد. حساب اعتبار اسنادی یا به اصطلاح ال‌سی[۱۰۱]،تعهد غیرقابل برگشت بانک گشایش‌کننده به منظور پرداخت یا قبول پرداخت وجه اعتبار در مقابل ذینفع اعتبار(فروشندهکالا وخدمات) است،مشروط بر آنکه ذینفع، اعتبار شرایط و مقررات مندرج در اعتباراسنادی را رعایت و اسناد لازم را در موعد مقرر جهت استفاده متقاضی اعتبار(خریدارکالا و خدمات) ارائه داده باشد.تأمین ارز جهت گشایش اعتبار اسنادی به یکی از شیوه‌های زیر امکان پذیر است:

- ارزیابی توافقی(خرید ارز بانک با ارائه معادل ریالی توسط متقاضی)
- ارز متقاضی برداشت مستقیم از حساب ارزی متقاضی
- تسهیلات ارزی از منابع بانک(در صورت داشتن مصوبه اعطای تسهیلات)
- حساب ذخیره ارزی
- تسهیلات ارائه شده از سوی بانک‌های خارجی

---

[101]- Letter of Credit

در شرایط کنونی هیچ یک از بانک‌های اروپایی با ایران همکاری نمی‌کنند و ایران تنها قادر است با یک بانک ترکیه‌ای مبادله داشته باشد. در حالیکه پیشاز اعمال تحریم‌ها، حوزه عمل تجار بسیار وسیع بود. در آغاز، تحریم‌ها بصورت افزایش مبلغ حساب اعتبار اسنادی بود که این افزایش مبلغ این حساب را به ۱۰۰ درصد قرارداد رساند که موجب کاهش گردش پول تاجران نیز گردید و هم اکنون از آنجا که تمام بانک‌های ایران مشمول تحریم شده‌اند و امکان انتقال وجه به طرف خارجی وجود ندارد، گشایش این حساب ممکن نمی باشد.

از طرفی همانطور که اشاره شد یکی از راه‌های تأمین ارز حساب اعتباری اسنادی، استفاده از تسهیلات ارائه شده از سوی بانک‌های خارجی بود. پیش از اینتجار جهت واردات می‌توانستند از خطوط اعتباری سایر کشورها برای گشایش ال سی، وام مدت‌دار گرفته،کالای مورد نظر را وارد وپس از فروش و کسب سود، مبلغ وام و سود را در سررسید وام، یکجا پرداخت کنند ولی پس از تحریم‌ها تمامی‌خطوط اعتباری برای ایران مسدود شده است.

در واقع شرکت‌ها در تأمین منابع ارزی مورد نیاز خود از بانک‌ها و تأمین‌کنندگان سرمایه داخلی نیز دچار مشکل شده‌اند، لذا تولیدکنندگانی که منابع مورد نیاز خود را از طریق فاینانس[۱۰۲] و یوزانس[۱۰۳]تأمین می‌کنند با تنگنا مواجه شده و به دلیل مکمل

---

[۱۰۲]-فاینانس(اعتبار اسنادی بلند مدت): در مواقعی که فروشنده کالا حاضر به قبول اعتبار اسنادی مدت دار نمی‌گردد و خریدار به خاطر فقدان نقدینگی قادر به افتتاح اعتبار اسنادی نمی باشد معمولاً خریدار از یک مؤسسه مالی درخواست می‌کند که وارد معامله شود و وجه معامله را به فروشنده نقداً پرداخت کند.معمولاً این تسهیلات بلندمدت است . قرارداد این نوع اعتبارات در صورت وجود خط اعتباری فعال، بین بانک ایرانی و خارجی (اعتبار دهنده) و تحت نظارت بانک مرکزی منعقد می‌شود. این تسهیلات بلندمدت بوده و بانک خارجی تا ۸۵٪ مبلغ ژروفرما را به متقاضی برای پرداخت وجه اسناد گشایش یافته تخصیص می‌دهد. از نظر فروشنده/ذینفع، این نوع اعتبار دیداری (نقدی) می‌باشد.

[۱۰۳]- یوزانس (اعتبار اسنادی مدت‌دار): اعتباری است که وجه اعتبار بلافاصله پس از ارائه اسناد از سوی ذینفع ، پرداخت نمی‌شود بلکه پرداخت وجه آن، بعد از مدت تعیین شده صورت می‌گیرد.در واقع فروشنده به خریدار مهلت می‌دهد که بهای کالا را پس از دریافت و فروش آن بپردازد.

بودن تسهیلات ارزی و ریالی در فرآیند تولید، نمی‌توانند محصولات خود را طبق زمانبندی پیش‌بینی شده تولید نمایند. از این رو احتمال می‌رود به دلیل عدم تحقق منابع مالی لازم و به تبع آن، عدم تحقق درآمدهای انتظاری، قادر به بازپرداخت تسهیلات بانکی در موعد مقرر نبوده و پرداخت تسهیلات ریالی آنها نیز با تعلل مواجه شود.

در کل می‌توان گفت که نداشتن پشتوانه بانکی محدودیت‌های جدی برای صاحبان صنایع و دست‌اندرکاران واردات و صادرات کالادر ایران ایجاد نموده است. از طرفی بر اثر تحریم های اعمال شده، شرکت‌ها مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز وارداتی خود را با چندین واسطه (ارتباطات چند لایه) تهیه نموده و هزینه تمام شده محصول آنها چندین برابر می‌گرددکه بدون شک بر تقاضای این محصولات تأثیر منفی داشته و به رغم اینکه شرکت‌ها را در تأمین مالی منابع مورد نیاز خود دچار مشکل می‌نماید، آنها را در بازپرداخت منابع بانکی (فعلی و آتی) نیز با بحران مواجه خواهد نمود.

استراتژی‌های حل این چالش عبارتند از:

۱. اولویت‌بندی کالاهای وارداتی در تخصیص ارز با تأکید بر تخصص‌گرایی و همگرایی نهادهای ذینفع
۲. شفاف سازی مکانیزم تخصیص ارز بر اساس اولویت‌بندی‌های صورت گرفته

۷-٤-٥-کاهش سرمایه در گردش تولیدکنندگان

چنانچه پیشتر نیز به آن اشاره شد تحریم‌ها تأثیرات بسیاری در حوزه واردات برای تولید گنندگان داشتهاست که کاهش گردش سرمایه نیز یکی دیگر از این پیامدهاست.

با توجه به گشایش اعتبارات با ۱۰۰٪ به جای ۱۰٪ قرارداد در شرایط فعلی، گردش سرمایه و دفعات واردات مواد اولیه تولیدکنندگان به شدت کاهش یافته است که به تعطیلی کامل بسیاری از بنگاه‌های تولیدی و یا تولید با کارائی بسیار پایینباین تولیدکنندگان انجامیده است.

استراتژی‌های پیشنهادی مرتبط با این چالش به ترتیب درجه اهمیت، عبارتند از:

۱. پرداخت یارانه‌های تولید به تولیدکنندگان
۲. پرداخت یارانه افزایش ظرفیت تولید

۷-٤-٦- بلاتکلیفی کالاهای گشایش اعتبار شده از محل حساب ذخیره ارزی:

طرح ایجاد حساب ذخیره ارزی در قالب ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشوردر سال ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و متعاقباً آیین‌نامه اجرایی آن نیز در آبان ماه همان سال از سوی هیئت وزیرانبه تصویب رسید.به موجب بند(ه) ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه (مصوب ۱۷ فروردین ماه سال ۱۳۷۹ و ۱۹ مهرماه سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی)، آئین نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشورو بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایرانو وزارت امور اقتصادی و داراییحداکثر ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ تصویب این قانون، به تصویب هیئت وزیران رسید.همچنین به موجب ماده ۸ آئین نامه اجرایی ماده ۶۰ اصلاحی قانون برنامه سوم توسعه، هیأتی مرکب از رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی و ۴ نماینده به انتخاب رئیس جمهوری (حداقل ۲ نفر از بین وزیران) به عنوان هیئت امنای حساب ذخیره ارزی جهت حسن اجرای قانون و اتخاذ تصمیم در موارد تعیین شده در این آئین نامه و موارد دیگری تشکیل شد.

ایجاد ثبات در میزان درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، تبدیل دارایی‌های حاصل از فروش نفت خام به دیگر انواع ذخایر و توسعه فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری و تأمین بخشی از اعتبار موردنیاز طرح‌های تولیدی و کارآفرینی بخش غیر دولتی و فراهم کردن امکان تحقق فعالیت‌های پیش‌بینی شده در برنامه را می‌توان از اهداف ایجاد حساب ذخیره ارزی به شمار آورد.

بر اساس قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه، دولت در صورتی مجاز به برداشت از این حساب است که درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام نسبت به ارقام پیش‌بینی شده کاهش پیدا کند. همچنین برداشت از حساب ذخیره ارزی برای تأمین کسری ناشی از عواید غیر نفتی بودجه عمومی، ممنوع است.

در قانون پنج‌ساله چهارم توسعه مقرر شده‌است به منظور سرمایه‌گذاری و تأمین بخشی از اعتبارات موردنیاز طرح‌های تولیدی و کارآفرینی بخش غیر دولتی که توجیه فنی و اقتصادی آن‌ها به تأیید وزارتخانه‌های تخصصی ذی‌ربط رسیده باشد تا ۵۰ درصد حساب ذخیره ارزی از طریق شبکه بانکی داخلی و بانک‌های ایرانی خارج از کشور به صورت تسهیلات با تضمین کافی تخصیص یابد.

در حقیقتحساب ذخیره ارزی در برنامه‌های سوم و چهارم با دو وظیفه «ثبات بخشی به بودجه در مواقع کاهش درآمدهای نفتی و جلوگیری از آسیب رساندن شوک‌های نفتی به تعادل اقتصاد کشور» و «پس‌انداز بخشی از درآمد حاصل از نفت برای نسل‌های آینده با تبدیل درآمدهای نفتی به سرمایه‌گذاری مولد» ایجاد شد.[۱۰۴].

فلسفه شکل‌گیری این حساب در ایران بیشتر در راستای تعدیل فشارهای ناشی از نوسان قیمت نفت بر اقتصاد ملی بوده تا ایجاد حساب پس‌انداز برای نسل‌های آینده کشور و حاکمیت این نگرش بر دیدگاه دولتمردان و برنامه‌ریزان کشور نحوه عملکرد این حساب را به صورت مستقیم تحت تأثیر قرار داده‌است.

---

[۱۰۴]- گزارش دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱

از اولین روز تحریم در اولین بانک ایرانی (سپه)، کلیه پرداخت‌های حساب ذخیره ارزی اعتبارات گشایش شده و فعال تحت تأثیر این تحریم قرار گرفته، به این دلیل که فروشندگان از ارسال کالاهای مورد قرارداد به علت عدم امکان معامله اسناد و دریافت وجه خودداری می‌نمایند. در نتیجه، کالاهای گشایش اعتبار شده از محل حساب ذخیره ارزی بلاتکلیف مانده‌اند و بانک مرکزی به دنبال جایگزین می‌باشد.

استراتژی‌های پیشنهادی مرتبط با این چالش به ترتیب درجه اهمیت، عبارتند از:

۱. تدوین برنامه عملیاتی تسویه تسهیلات و گشایش اعتبار با همکاری بانک مرکزی و اتاق بازرگانی
۲. ایجاد جذابیت برای شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی برای حمل کالا به مقصد ایران
۳. تسویه مطالبات فروشندگان خارجی و ایجاد بانک اطلاعاتی واردکنندگان
۴. همکاری بیشتر بانک مرکزی و نهادهای متولی سیاستگذاری خارجی در زمینه یافتن راه‌ها و کارگزاران جدید در کشورهای کم ریسک

۷-٤-۷- سردرگمی در خصوص نحوه تسویه تسهیلات ارزی

در واقع سردرگمی در خصوص نحوه تسویه تسهیلات ارزی که از محل منابع داخلی بانک‌ها و با نرخ مرجع در اختیار تجار قرار داده شده است نیز یکی دیگر از چالش‌های پیش روی سیستم بانکی می‌باشد.

استراتژی پیشنهادی مرتبط با این چالش عبارت است از:

۱. تدوین و ابلاغ آئین‌نامه تسویه تسهیلات ارزی با همکاری بانک مرکزی، شبکه بانکی کشور و اتاق بازرگانی

۷-٤-۸- افزایش ریسک صنعت بیمه[۱۰۵]

اعمال تحریم بر صنعت بیمه باعث شده تا بیشتر بیمه‌های اتکایی به داخل کشور معطوف شود و این موضوع باعث افزایش ریسک صنعت بیمه در کشور می‌شود و شرکت های بیمه‌ای می‌توانند از طریق افزایش ظرفیت بیمه‌گری و انتقال ریسک بر این مشکل غلبه کنند.

اثر تحریم بر صنعت بیمه کشور از دو کانال قابل بررسی و محاسبه است. اولین کانال یا اثر مستقیم تحریم بر صنعت، از اعمال محدودیت بر واگذاری اتکایی به شرکت‌های خارجی و اعمال محدودیت در ارتباط با شرکت‌های خارجی بر صنعت بیمه کشور ایجاد می‌شود .دومین کانال اثرگذاری غیرمستقیم تحریم بر صنعت، از طریق فشار بر متغیرهای کلان اقتصادی و در نتیجه تأثیرپذیری صنعت بیمه داخل از این متغیرهاست. متغیرهایی مانند واردات و صادرات محصولات و تأثیر بر تولید ناخالص ملی، نرخ ارز و نرخ تورم داخلی در این زمینه دارای، اهمیت هستند و صنعت بیمه کشور نیز مانند هر صنعت فعالی در کشور، از این متغیرها تأثیر می پذیرد. اثر مستقیم اعمال تحریم‌ها باعث کاهش حق بیمه واگذاری شرکت‌های بیمه‌ای داخلی شده و باعث می‌شود درصدی از این مقدار به داخل کشور و به شرکت‌های بیمه‌ای داخلی واگذار شود.

در مجموع انتظار می‌رود با افزایش تحریم‌ها، بزرگترشدن بازار بیمه داخل کشور به اندازه ۲۰۲۰ میلیارد ریال روی دهد. با این حال تأسیس شرکت‌های بیمه داخلی می‌تواند ظرفیت اتکایی داخلی را افزایش دهد و این موضوع به نفع اقتصاد و صنعت بیمه کشور است. اثرگذاری غیرمستقیم تحریم بر صنعت بیمه نیز، از طریق اثرگذاری رشد اقتصادی و در نتیجه، تأثیرپذیری صنعت بیمه داخل از این کاهش رشد اقتصادی است.

---

[۱۰۵]- "اثر تحریم‌های اقتصادی بر صنعت بیمه کشور"، اداره مطالعات و بررسی‌های اقتصادی بیمه ملت

استراتژی‌های پیشنهادی مرتبط با این چالش به ترتیب درجه اهمیت، عبارتند از:

۱. افزایش سرمایه شرکت‌های بیمه ای
۲. گسترش همکاری‌ها با شرکت‌های جنوب شرق آسیا و کشورهای عضو اکو جهت انجام بیمه‌گری اتکایی و توزیع ریسک عملیات بیمه‌ای
۳. تأسیس صندوق‌های بیمه‌ای مشترک با صنایع بزرگ مانند نفت و فولاد
۴. چاپ و فروش اوراق قرضه مخاطره پذیر از طریق بازار سرمایه

۷-۵- ارزیابی جذابیت استراتژی‌ها در فضای سناریویی

با توجه به نتایج تحلیل سناریو در فصل چهارم، دو سناریوی منتخب و بدیل عبارتند از:

جدول ۷-۱۲: شرح سناریوهای منتخب و بدیل

سناریو	شرح	مشخصات
منتخب	بهبود انسجام سیاسی در محیط نزدیک و دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا (بدون حذف تحریم-ها) در محیط دور	عدم تصویب تحریم های جدید
		آزادسازی برخی از دارایی‌های بلوکه شده ایران
		عدم حذف تحریم‌ها
بدیل	بهبود انسجام سیاسی در محیط نزدیک و دستیابی به یک تفاهم محدود بر سر مسئله هسته‌ای و خروج از انزوا (با حذف برخی از تحریم‌ها) در محیط دور	عدم تصویب تحریم های جدید
		حذف برخی از تحریم‌ها (بازگشت به وضعیت قبل از تیرماه ۹۱)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر این اساس اولویت راهبردهای کوتاه‌مدت مدیریت تحریم در حوزه راهبردی پولی، مالی و بانکی، بر اساس میزان جذابیت آنها در چارچوب سناریوهای منتخب و بدیل که از تحلیل خبرگی حاصل شده است، بصورت جدول بعد خواهد بود:

جدول ۷-۱۳: اولویت راهبردهای مرتبط با چالشهای غیرساختاری در سناریوهای منتخب و بدیل

راهبردها	اولویت در چارچوب سناریو	
	منتخب	بدیل
ایجاد نظام تخصیص بهینه ارز	۱	۱
معطوف کردن تسهیلات به سمت تولید	۱	۱
اولویت‌بندی کالاهای وارداتی در تخصیص ارز با تأکید بر تخصص‌گرایی و همگرایی نهادهای ذینفع	۱	۲
هماهنگی نهادی دستگاه‌های مرتبط با تجارت خارجی	۲	۲
همکاری بیشتر بانک مرکزی و نهادهای متولی سیاستگذاری خارجی در زمینه یافتن راه‌ها و کارگزاران جدید در کشورهای کم ریسک	۲	۲
تدوین و ابلاغ آئین‌نامه تسویه تسهیلات ارزی با همکاری بانک مرکزی، شبکه بانکی کشور و اتاق بازرگانی	۲	۲
شفاف‌سازی مکانیزم تخصیص ارز بر اساس اولویت‌بندی‌های صورت گرفته	۲	۲
به رسمیت شناختن بحران ارزی	۲	۳
اولویت‌بندی شرکاء تجاری با رویکرد سطح همکاری‌های تجاری و تسهیل قوانین و مقررات بازرگانی فیمابین	۲	۳
تأمین ارزی کارمزد حواله‌ها و پرداخت‌های خارجی توسط بانک مرکزی	۲	۳
ایجاد جذابیت برای شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی برای حمل کالا به مقصد ایران	۲	۳
گسترش همکاری‌ها با شرکت‌های جنوب شرق آسیا و کشورهای عضو اکو جهت انجام بیمه‌گری اتکایی و توزیع ریسک عملیات بیمه‌ای	۲	۳
تدوین سیاست‌های منسجم و با ثبات در حوزه تجارت و پرهیز از سیاست‌ها و دستورات خلق‌الساعه و غیرکارشناسی	۳	۳
پرداخت یارانه‌های تولید به تولیدکنندگان	۳	۳
پرداخت یارانه افزایش ظرفیت تولید	۳	۳
تدوین برنامه عملیاتی تسویه تسهیلات و گشایش اعتبار با همکاری بانک	۳	۳

راهبردها	اولویت در چارچوب سناریو	
	منتخب	بدیل
مرکزی و اتاق بازرگانی		
تسویه مطالبات فروشندگان خارجی و ایجاد بانک اطلاعاتی واردکنندگان	۳	۳
چاپ و فروش اوراق قرضه مخاطره پذیر از طریق بازار سرمایه	۳	۳
افزایش سرمایه شرکت‌های بیمه ای	۳	۴
تأسیس صندوق‌های بیمه‌ای مشترک با صنایع بزرگ مانند نفت و فولاد	۳	۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۷-٦- چالش‌های (ساختاری) بسترساز اثر بخشی تحریم‌ها (راهبردهای میان مدت و بلند مدت کاهش نااطمینانی)

هرچند در نگاه اول شاید این موضوع به ذهن متبادر شود که این چالش‌ها بسیار تکراری بوده و حتی قبل از اعمال تحریم‌ها یا تشدید آنها نیز وجود داشته‌اند، اما با اندکی تأمل می‌توان دریافت که اصولاً وجود چنین چالش‌هایی که آنها را باید دردهای مزمن اقتصاد ایران محسوب نمود، زمینه را برای ایجاد نااطمینانی و یا تشدید اثرات آن، فراهم می‌نمایند. با نگاهی به روند تشدید تحریم‌ها و برنامه‌ریزی فرستندگان تحریم می‌توان دریافت که نوع و شدت تحریم‌ها به دو عامل کلیدی وابسته است:

۱. درجه سهولت وضع تحریم
۲. درجه تأثیرگذاری تحریم وضع شده

و با توجه به نقش نظام پولی، مالی و بانکی در تمام اقتصادهای توسعه یافته و درحال توسعه که به عنوان بخشی مؤثر در مبادلات پولی و مالی، در نبود مدیریت کارامد، مورد تحریم قرار می‌گیرد. این بخش از چالش‌ها در گروه چالش‌های ساختاری، طبقه‌بندی شده‌اند. چالش‌های ساختاری به چالش‌هایی اطلاق می‌شود که مختص به

شرایط تحریم نبوده و از قدمت بیشتری برخوردار بوده، اما نقشی اساسی را در آسیب‌پذیری سیستم در قبال چالش‌های غیرساختاری ایفا می‌نمایند. لازم به ذکر است که راهبردهای این چالش‌ها در افق‌های زمانی میان‌مدت و بلندمدت قابل اجراست اما ارائه راهبرد و رفع آن از زمان حال ضروری است. با توجه به رابطه علی یک طرفه بین چالش‌های ساختاری و غیرساختاری و تأثیر چالش‌های ساختاری بر تقویت یا تحدید اثرگذاری چالش‌های غیرساختاری، بدیهی است که این چالش‌ها با تغییر شرایط و فضای تحریم‌ها، دستخوش تغییر نمی‌شوند. بنابراین چالش‌ها و راهبردهای ارائه شده در این بخش از ثبات بیشتری برخوردار بوده و در فضای تحلیل سناریویی مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند.

با توجه به نظرات خبرگان کلیدی این حوزه، ۴ اولویت با توجه به میزان تأثیر این چالش‌ها بر بخش پولی، مالی و بانکی، به شرح جدول زیر تعریف شده است:

جدول ۷-۱۴: چالش‌های ساختاری حوزه راهبردی بانک، پول و بازارهای مالی

اولویت	چالش‌ها
اولویت اول	سیاست های پولی و ارزی ناکارآمد
اولویت دوم	فقدان ارتباطات مؤثر مالی بین‌المللی
اولویت سوم	افزایش مطالبات بانکی
	کاهش اعتماد فروشندگان بین المللی به سیستم بانکی ایران
	افزایش ریسک سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی
اولویت چهارم	کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در ادامه چالش‌های ساختاری حوزه بانک، پول و بازارهای مالی بر اساس اولویت و درجه اهمیت مطرح شده، و در هر مورد استراتژی‌های حل این چالش‌ها نیز بیان می‌شوند.

۷-٦-۱- سیاست‌های پولی و ارزی ناکارآمد

برای پی بردن به اهمیت سیاست‌های پولی، شاید جمله معروف "جان مینیارد کینز" بسیار خواندنی باشد. وی معتقد است که برای واژگون کردن اساس یک مملکت، هیچ وسیله‌ای ظریف‌تر و مطمئن‌تر از کاهش ارزش پول رایج نیست. تنزل ارزش پول رایج، تمام نیروهای پنهان اقتصادی را در راستای نابودی به کار می‌گیرد و این عمل را به گونه‌ای انجام می‌دهد که حتی یک نفر از میلیون‌ها نفر نیز متوجه آن نمی‌شوند.

عدم پایبندی دولت به قواعد پولی اعلام‌شده در زمینه رشد نقدینگی، نرخ سود تسهیلات و نرخ رشد اعتبارات، هر چند بصورت کم و بیش، وجه تشبیه دولت‌های مختلف بوده است، اما شاید بتوان آن را بارزترین ویژگی سیاست‌های پولی دولت‌های نهم و دهم برشمرد.

حفظ ارزش پول ملی را باید یکی از مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی هر کشوری به شمار آورد. اما نگاهی به انتشار اسکناس در دولت‌های نهم و دهم نشان می‌دهد که حجم اسکناس و مسکوک منتشره توسط بانک مرکزی از ۴,۸هزار میلیارد تومان در سال ۸۳ به ۳۳,۸ هزار میلیاردتومان در سال ۱۳۹۰ رسیده است که حاکی از ۵۷۰ درصد رشد در چاپ اسکناس دردوران فعالیت دولت‌های نهم و دهم است، البته بدون لحاظ آمارهای سال ۹۱ که هنوز به طور کامل از سوی بانک مرکزی منتشر نشده اند[۱۰۶].

انتشار اسکناس بی پشتوانه تنها دلیل رشد نقدینگی در کشور نبوده است. رشد تجارت پول در افزایش حجم شبه پول در مقایسه با پول در سرجمع نقدینگی قابل

---

[۱۰۶]- گزارش نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی، شماره ۶۹، سه ماهه دوم سال ۱۳۹۱

توجه است. تغییرات اجزای نقدینگی نشان می‌دهد که طی سال‌های ۸۴ تا سال ۹۱ حجم خلق نقدینگی توسط سیستم مالی کشور اعم از بانک‌ها،مؤسسات مالی، صندوق‌های قرض‌الحسنه و شرکت‌های لیزینگ و دیگر مجموعه‌های واسطه‌گری پول،نیز به شدت افزایش یافته و این مسئله به آنچه از آن به عنوان "تجارت پول" نام برده می‌شود، دامن زده است.

جدول ۷-۱۵: ارقام عمده پولی اعتباری ۱۳۹۱-۱۳۸۳(میلیارد ریال)

	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
پول	۲۵۲۸۱۵,۱	۳۱۷۹۱۹,۴	۴۱۴۵۴۴,۹	۵۳۵۷۰۷,۳	۵۲۵۴۸۲,۵	۶۰۱۶۹۷,۰	۷۵۸۷۱۶,۶	۹۲۵۷۴۷,۰	۱۱۳۶۷۱۷,۷
شبه پول	۴۳۳۰۵۲,۱	۶۰۳۱۰۰,۰	۸۶۹۵۴,۵	۱۱۰۴۵۸۵,۷	۱۳۷۵۸۸۳,۵	۱۷۵۴۱۹۲,۱	۲۱۹۰۱۵۷,۶	۲۶۴۴۹۷۹,۴	۳۴۷۰۲۱۸,۲
نقدینگی	۶۸۵۸۶۷,۲	۹۲۱۰۱۹,۴	۱۲۸۴۱۹۹,۴	۱۶۴۰۲۹۳,۰	۱۹۰۱۳۶۶,۰	۲۳۵۵۸۸۹,۱	۲۹۴۸۸۷۴,۲	۳۵۷۰۷۲۶,۴	۴۶۰۶۹۳۵,۹

مأخذ: بانک مرکزی

در حال حاضر تعداد شعب بانک‌ها در برخی از مناطق از تعداد واحدهای صنفی خرده فروشی بیشتر شده و این به خوبی گویای سود بالای دلالی پول است. در نهایت آنچه در آینه آمار دیده می شود چیزی نیست به غیر از بازی با ارزش پول ملی، چیزی

که مبنای اقتصادی کشور را به چالشی جدی کشیده است و تبعات اجتماعی آن مانند گسترش فساد در دستگاه‌های دولتی تا رشد شکاف طبقاتی کاملاًملموس است.

مهم‌ترین متغیر در تعیین حجم پول و نقدینگی، پایه پولی است و مهم‌ترین منابع پایه پولی نیز شامل دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی است. در ایران نیز رشد مضاعف نقدینگی و تورم را به ویژه در سال‌های اخیر، می‌توان از محل همین عوامل دانست.

جدول ۷-۱۶:خلاصه متغیرهای پولی و اعتباری (۹۱-۱۳۸۷) (هزار میلیارد ریال)

	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی	۵۶۲،۶۶۳	۶۵۵،۳۰۰	۶۱۵،۴۸۳	۷۴۸،۶۱۸	۷۵۵،۰۹۰
بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی	۲۳۹،۶۹۶	۱۶۸،۹۳۲	۳۲۹،۷۲۵	۴۱۸،۶۲۲	۴۷۸،۹۵۸
بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی	۱۶۱،۲۸۰	۲۲۹،۶۷۴	۳۳۰،۷۵۹	۴۵۸،۷۰۴	۵۳۲،۰۷۰
پایه‌ی پولی	۵۳۹،۴۰۶	۶۰۳،۷۸۴	۶۸۶،۳۹۸	۷۶۴،۵۶۹	۹۷۲،۵۳۱
نسبت مطالبات بانک مرکزی از دولت به پایه‌ی پولی (درصد)	۳۰	۳۸	۴۸	۶۰	۵۵

مأخذ: بانک مرکزی

(*بدهی دولت به بانک مرکزی در سال ۹۱ تا پایان آذرماه است.)

آمار مندرج در جدول فوق نشان می‌دهد که خالص دارایی‌های بانک مرکزی و بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی، دائماً افزایش یافته و از سوی دیگر، نسبت این دو عامل به پایه پولی نیز طی این سال‌ها کاملاً روندی صعودی را پیموده است.

همچنین نتایج نشان می‌دهد آنچه در دوره ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ رخ داد، موجب حرکت منابع بانکی به سوی بخش دولتی از یک طرف و افزایش دارایی‌های خارجی بانک

مرکزی (از محل فروش درآمدهای ارزی به بانک مرکزی و نیز بازپرداخت بخشی از بدهی دولت به بانک مرکزی از محل حساب ذخیره‌ی ارزی) و رشد سالانه‌ی پایه پولی از سوی دیگر، شده است. اما مهم‌ترین دلیلی که برای نتیجه فوق حاصل می‌شود عدم اختیار بانک مرکزی در محدود کردن نیازهای مالی دولت است.

تأثیر تحریم‌ها بر بازار ارز در شرایط کنونی اقتصاد کشور به صورت مطرح‌تری قابل بررسی است. براساس سیاست‌های تعیین شده در سال ۱۳۹۰، نرخ سود سپرده‌های بانکی کاهش یافت ولذا بسیاری از منابع از سیستم بانکی خارج و به سمت بازارهایی مانند طلا و ارز روانه شد. عوامل فوق زمینه ساز نوسان و افزایش کاذب قیمت‌ها در بازارهای مذبور گردید و به بی‌ثباتی بازار ارز و پریشانی فعالان حوزه صادرات و واردات انجامید.

نتایج مطالعات تجربی نشان می‌دهد که کسری تراز پرداخت‌ها به عنوان یک محدودیت برای رشد اقتصادی عمل کرده است. بدین صورت که کشورهایی که دارای کسری ترازپرداخت‌ها بوده اند، سرمایه‌گذاری کمتر و رشد کندتری داشته اند. همچنین کسری تراز پرداخت‌ها و میزان دیون زیاد خارجی به نااطمینانی محیط اقتصادی می‌انجامد، زیرا عاملان اقتصادی نمی‌دانند که موقعیت آینده چگونه خواهد شد. نااطمینانی بیشتر نیز، اثر معکوس بر سرمایه‌گذاری و بنابراین بر رشد می گذارد.

تغییرات مداوم نرخ ارز باعث شده تا ضمن نامساعد شدن فضای کسب‌وکار، برای بنگاه‌های اقتصادی خرید و فروش ارز عملاً به فعالیتی پرسود بدل شود و خود به تشدید نااطمیانی نرخ ارز منجر شود.

هرچند بر اساس تئوری‌های اقتصادی، تغییرات نرخ ارز از دو طریق، صادرات (کانال درآمدی) و قیمت نهاده‌ها و کالاهای سرمایه‌ای وارداتی (کانال هزینه‌ای) بر سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارد. به‌طوری که افزایش نرخ ارز واقعی، باعث کاهش نسبی قیمت کالاهای صادراتی در بازارهای جهانی می‌شود و صادرات را افزایش و در نتیجه حاشیه سود و سرمایه‌گذاری را می‌افزاید. همچنین افزایش نرخ ارز باعث گرانی کالاهای

سرمایه ای وارداتی و افزایش هزینه‌های وارداتی می‌شود و در نتیجه با کاهش حاشیه سود، منجر به کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. اما با وجود وابستگی شدید بنگاه‌های اقتصادی به تأمین مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای از خارج کشور و نیز نامساعد بودن فضای کسب و کار، عملا نمی‌توان به افزایش درآمد ناشی از افزایش صادرات کالاهای ایرانی در بازارهای جهانی به دلیل عدم تطابق کیفیت این کالاها با خواست‌ها و نیازهای مشتریان چشم دوخت و این افزایش ارزش صادرات می‌تواند صرفاً ناشی از افزایش قیمت ریالی ناشی از افزایش نرخ ارز باشد.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱. کنترل رشد نقدینگی
۲. بهبود فضای کسب‌وکار برای جذب سرمایه‌های سرگردان در فعالیت‌های مولد
۳. تثبیت نرخ ارز

۷-۶-۲- فقدان ارتباطات مؤثر مالی بین‌المللی

به طور کلی در بورس ایران سرمایه‌گذاری خارجی موجود نبوده و FPI[۱۰۷] که لازمه بازار سرمایه است، وجود نداشته است. شرکت‌های ایرانی نیز در بورس‌های خارجی حضور ندارند و با اعمال تحریم‌ها روند ورود شرکت‌های ایرانی به بازارهای بین‌المللی نیز متوقف شده است.

فقدان ارتباطات مؤثر مالی با مجامع بین‌المللی، به عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده شرایط تحریم برشمرده می‌شود. در دوره‌های قبل ده‌ها شرکت فعال درخارج از ایران وجود داشت که بر اساس حکم سازمان بازرسی همه تعطیل شدند و در واقع ارتباطات بین‌المللی قطع شده است.

---

[107]- Foreign Portfolio Investment

کمبود کارشناسان آگاه به زبان مالی بین‌المللی جهت بهبود ارتباطات کشور، عدم توجه به مباحث مالی طی سال‌های اخیر ، عدم درک درست از روابط بین‌المللی و عدم حضور جدی در مجامع مالی بین‌المللی و ضعف در ایجاد ارتباطات و شبکه‌های جهانی همگی موجب انزوا و پرداخت هزینه‌های اضافی برای کشور شده است.

چه بسا در صورت وجود تعدادی شرکت بزرگ با مراودات بالا، در خارج از کشور ، اعمال این تحریم‌ها علیه ایران به راحتی امکان‌پذیر نبود. بی‌شک خودتحریمی در این زمینه باعث شده که اثر تحریم های خارجی تشدید شده و هزینه‌ها افزایش یابد.

در واقع چشم‌انداز آتی تحریم‌ها حاکی از آن است که در صورتی عدم تأمین سرمایه خارجی، دسترسی به تکنولوژی خارجی و عدم توانایی در فروش محصولات، قطعاً در بلندمدت آهنگ رشد کشور کندتر از حال خواهد شد.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱. توانمندسازی کارشناسان مالی خبره جهت تقویت ارتباطات مؤثر با مجامع مالی بین‌المللی

همانطور که پیشتر نیز به آن اشاره شد عدم درک درست از روابط بین‌المللی و عدم حضور جدی در مجامع مالی بین‌المللی و ضعف در ایجاد ارتباطات و شبکه‌های جهانی همگی موجب انزوا و پرداخت هزینه‌های اضافی برای کشور شده است. تربیت کارشناسانی که زبان مالی بین‌المللی بدانند و بتوانند در نهادهای مالی بین‌المللی همچون بانک توسعه اسلامی حضور یابند به بهبود روابط کشور کمک بزرگی خواهد نمود.

۲. ارتقاء نظام انگیزشی برای نگهداری نیروهای متخصص

۷-٦-۳- افزایش مطالبات بانکی

با اعمال تحریم و محدودیت شرکت‌ها در تأمین منابع ارزی موردنیاز خود از طریق بانک‌ها، مشتریانی که منابع مورد نیاز خود را از طریق گشایش اعتبار تأمین می‌کنند دچار مشکل شده و به دلیل مکمل بودن تسهیلات ارزی و ریالی در فرآیند تولید، نمی‌توانند محصولات خود را طبق زمانبندی پیش‌بینی شده تولید نمایند. از این رو به دلیل عدم توانایی در بازپرداخت تسهیلات خود، بانک‌های تحریم شده در کوتاه‌مدت با افزایش مطالبات مواجه می‌گردند. هرچند پیش‌بینی می‌شود در بلندمدت، به دلیل کاهش مراودات ارزی و کاهش چشمگیر گشایش اعتبارات اسنادی، روند صعودی افزایش مطالبات ارزی بانک کاهش یابد. آمار مندرج در جدول زیر به خوبی گویای روند روبه تزاید حجم مطالبات معوق و سررسیدگذشته نظام بانکی است:

جدول ۷-۱۷: حجم معوقات بانکی طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۴ (میلیارد تومان)

سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵		۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰ ماه۱۱
جمع کل مانده تسهیلات بانکی	۸۳۲۸۳	۱۱۷۹۷۲	**از سال ۸۶ به بعد در آمارهای بانک مرکزی سه عنوان خرید دین، اموال معاملات و مطالبات معوق ذیل عنوان "سایر" در آمارهای رسمی منتشر شده است.**	۱۶۱۷۹۱	۱۸۱۳۲۵	۲۱۰۳۹۲	۲۹۰۳۴۸	۳۳۵۱۱۳
خرید دین	۱۰۷	۲۰۰		۱۷۷۴۰	۳۰۰۷۹	۳۸۴۰۱	۴۲۲۳۳	۵۹۰۱۰,۴
اموال معاملات	۳۶۷	۸۳۷						
مطالبات معوق و سررسید گذشته	۶۹۸۲	۱۰۸۹۲						
جمع	۷۴۵۵	۱۱۹۲۵		۱۷۷۴۰	۳۰۰۷۹	۳۸۴۰۱	۴۲۲۳۳	۵۹۰۱۰
نرخ رشد		٪۶۰		٪۴۹	٪۷۰	٪۲۸	٪۱۰	٪۴۰
سهم سایر (خرید دین، اموال، معاملات، معوقات) در مانده کل	٪۹	٪۱۰		٪۱۱	٪۱۷	٪۱۸	٪۱۵	٪۱۸

مأخذ: بانک مرکزی

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱. اجرای نظام سنجش اعتبار جهت تفکیک مشتریان بدحساب از خوش حساب
۲. توسعه بانکداری الکترونیک و شفاف سازی مالی و بانکی و انتقال سریع اطلاعات درسیستم بانکی
۳. ضابطه‌مند شدن اعطای تسهیلات به اشخاص حقیقی و حقوقی
۴. شفافیت در حساب و اعطای تسهیلات

۵. آنلاین کردن وام‌ها و مانیتور کردن آنها
۶. ایجاد بانک اطلاعات جامع از دریافت‌کنندگان تسهیلات با هدف ایجاد شفافیت در نظام بانکی
۷. ارتقاء هماهنگی بین دستگاهی با تمرکز بر بانک مرکزی، گمرک و وزارت صنعت، معدن و تجارت

۷-٦-٤- کاهش اعتماد فروشندگان بین‌المللی به سیستم بانکی:

اعتماد فروشندگان بین‌المللی نسبت به بانک‌های ایرانی به شدت کاهش یافته به طوری که به عدم انجام مراودات با این بانک‌ها تأکید می‌کنند و اشاعه این موضوع در سطح وسیع، جبران ناپذیر خواهد بود.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱. تلاش همه جانبه به منظور تسویه مطالبات معوق بانک‌های تجاری به فروشندگان خارجی
۲. ارتقای نقش بانک‌های خصوصی در اقتصاد

هر چند که در شرایط فعلی تحریم، بانک‌های خصوصی نیز تحت فشار بوده و مشمول تحریم‌ها واقع شده‌اند اما به نظر می‌رسد تقویت نقش و عملکرد این بانک‌ها بالاخص در عرصه فعالیت‌های ارزی و بین‌المللی بتواند تا حدودی از مشکلات تعاملات بانکی بین‌المللی بکاهد، که البته نیازمند دقت ویژه در انجام عملیات بین‌المللی و رعایت مقررات مربوطه است.

۳. ارتقای کیفیت خدمات بانکی

اهمیت این موضوع، در آن است که پس از رفع تحریم، سیستم بانکی با سرعت بیشتری بتواند فعالیت گذشته خود در عرصه عملیات بانکی بین‌المللی از سر گرفته و خود را با شرایط روز تطبیق دهد.

۴. نظارت بر نحوه عملکرد صرافی بانک‌ها به عنوان تسهیل‌کنندگان مبادلات ارزی
۵. تسهیل و تضمین سرمایه‌های خارجی در نظام بانکی

۷-٦-٥- بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی:

با اعمال تحریم، سرمایه‌گذاران خارجی و سایر مؤسسات تأمین مالی خارجی به لحاظ افزایش ریسک که از این بابت در کشور ایجاد خواهد شد، از سرمایه‌گذاری در کشور اکراه خواهند داشت.

واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست، برای تعیین ریسک سرمایه‌گذاری هر کشور از ۱۰معیار ذیل استفاده می‌کند: ریسک امنیتی، ریسک ثبات سیاسی، ریسک کارایی دولت، ریسک نظام حقوقی و قوانین، ریسک اقتصاد کلان، ریسک تجارت و پرداخت‌های خارجی، ریسک سیاست مالیاتی، ریسک بازار کار، ریسک مالی و ریسک زیرساختاری.

بر اساس گزارش‌های جهانی اکونومیست و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)، شاخص ریسک‌پذیری ایران طی سال‌های اخیر افزایش یافته است. شاخص ریسک‌پذیری ایران طی سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۰۱، در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۷-۱۸: شاخص ریسک پذیری ایران

سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۲	۲۰۱۳
شاخص ریسک‌پذیری ایران	۴	۴	۴	۴	۵	۶	۶	۶	۶	۶	۷

مأخذ: گزارش‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه(OECD)

بنا بر گزارش‌هایی که سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تهیه و ارائه می‌کند، درجه ریسک سرمایه‌گذاری کشورها عددی بین صفر و ۷ است.درجه ریسک صفر یعنی کمترین ریسک و درجه ریسک سرمایه گذاری ۷ نشان‌دهنده میزان بالاترین ریسک‌پذیری است.

همانطور که در جدول نشان داده شده این شاخص در سال ۲۰۰۱ برای ایران حدود ۴ بوده که طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۶ نیز در سطح ۶ ثابت مانده است، اما بر اساس اطلاعات این سازمان شاخص ریسک‌پذیری ایران از ۲۷ ژانویه سال ۲۰۱۲ از ۶ به ۷ تغییر یافته که تا ۲۸ ژوئن سال ۲۰۱۳ نیز همچنان در بالاترین مقدار ممکن یعنی ۷ باقی مانده است.

در شرایطی که حرکت به سمت یک اقتصاد پویای تولیدی و البته بدون اتکای صرف به نفت یکی از اولویت‌های اقتصادی به شمار می‌آید و از سوی دیگر کشور در شرایط تعامل سخت با اقتصاد بین‌المللی است، در این فضا هدایت سرمایه‌های داخلی به سمت سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و جذب سرمایه‌های خارجی و به ویژه سرمایه ایرانیان مقیم خارج از کشور از ضرورت‌های انکارناپذیر رشد و تعالی اقتصاد ملی است.

در این فضا یکی از مهمترین و کلیدی ترین اقدامات، ایجاد زمینه‌های مساعد برای جذب سرمایه‌ها به ایران و پشتیبانی از تولید است. بدیهی است مهمترین زمینه مساعد، کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری در ایران و تأمین نقدینگی است که بیمه و بانک و بازار سرمایه به عنوان سه نهاد متولی می‌توانند نقش بسیار اساسی در این امر خطیر برعهده گیرند.

با توجه به افزایش ریسک سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در کشور در اثر تحریم، اتخاذ سیاست‌های پولی تشویقی از طریق کاهش نرخ بهره نیز می‌تواند مشوقی برای افزایش سرمایه‌گذاری خارجی باشد که جبرانی برای کمبود منابع ارزی کشور نیز هست.

توسعه امکانات تأمین مالی در کشور امری حائز اهمیت است که می‌تواند شرایط سرمایه‌گذاری را تسهیل کند. در واقع با طراحی ابزارهای مالی متنوع(ریسک‌گریز، ریسک‌پذیر یا ترکیبی از این دو) می‌توان بخشی از سرمایه‌ها را به سمت بازار سرمایه سوق داد.

استراتژی‌های حل این چالش به شرح زیر است:

۱. ایجاد شرایط سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی
۲. تضمین بازگشت سرمایه با تدوین قوانین شفاف و جذاب برای سرمایه‌گذاران خارجی (تأسیس صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری خارجی)
۳. هماهنگی نهادی به منظور ایجاد وحدت رویه در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی (قوای مجریه، مقننه و قضائیه)
۴. ثبات اقتصاد کلان کشور
۵. چشم انداز باثبات نرخ ارز

۷-٦-۸- کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی:

شاید یکی از چالش‌های نظام بانکی؛ کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی در داخل کشور و خروج بیشتر سرمایه از کشور به دلیل افزایش زمان و هزینه (در قسمت ورود کالاو خدمات از طریق گشایش‌ها) و تسری آن به سایر بخش‌ها به خصوص در بخش تولید باشد. چالشی که در صورت عدم توجه به آن روزبروز وسعت بیشتری یافته و در بلندمدت گریبان نظام بانکی را خواهد گرفت.

استراتژی‌های پیشنهادی مرتبط با این چالش به ترتیب درجه اهمیت، عبارتند از:

۱. بهبود نظام اعتبارسنجی مشتریان
۲. ارتقای کیفیت خدمات بانکی

۳. جایگزینی نظام اطلاع‌رسانی رسمی به جای نظام اطلاع‌رسانی غیررسمی در انتشار اخبار نظام بانکی
۴. تسهیل ارائه تسهیلات به کارآفرینان خرد با تکیه بر تجارب بین‌المللی
۵. شفافیت در حساب‌ها و کارکرد نظام بانکی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

چالش‌های پیش‌روی حوزه راهبردی پول، بانک و بازارهای مالی، با توجه به افق زمانی ایجاد و همچنین دوره زمانی مورد نیاز برای حل آنها به دو گروه چالش‌های ساختاری و چالش‌های غیرساختاری طبقه‌بندی گردیدند. چالش‌های غیر ساختاری که متأثر از شرایط تحریمی حاکم بر کشور است، عبارتند از:

- کاهش درآمدهای ارزی دولت
- افزایش ریسک اعتباری مراودات با ایران
- افزایش هزینه‌های مبادله و تأثیر آن بر هزینه تولید و واردات
- محدود شدن تولیدکنندگان در تأمین نیازهای وارداتی و گشایش اعتبارات اسنادی
- کاهش سرمایه در گردش تولیدکنندگان
- بلاتکلیفی کالاهای گشایش اعتبار شده از محل حساب ذخیره ارزی
- سردرگمی در خصوص نحوه تسویه تسهیلات ارزی
- افزایش ریسک صنعت بیمه

در گام بعد راهبردهای متناظر با هر چالش با استفاده از رویکرد فرصت–چالش و با تکیه بر تحلیل خبرگی استخراج و میزان جذابیت هر راهبرد در چارچوب دو سناریوی منتخب و بدیل، مورد ارزیابی قرار گرفت.

مرحله بعد بر تعیین چالش‌های ساختاری استوار گردید. چالش‌هایی که از آنها به عنوان بسترساز اثربخشی تحریم‌ها یاد شد. این چالش‌ها از قدمت بیشتری نسبت به چالش‌های پیشین برخوردار بوده و راهبردهای مربوط به آنها، در دوره زمانی میان‌مدت و بلندمدت اثربخش است. این چالش‌ها را در حوزه راهبردی پول، بانک و بازارهای مالی، می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- سیاست‌های پولی و ارزی ناکارآمد
- فقدان ارتباطات مؤثر مالی بین‌المللی
- افزایش مطالبات بانکی
- کاهش اعتماد فروشندگان بین‌المللی به سیستم بانکی ایران
- افزایش ریسک سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خارجی
- کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی

سپس این چالش‌ها بر اساس میزان اهمیت، رتبه‌بندی شده و ذیل هر چالش، راهبردهایی ارائه گردیده است.

منابع و ماخذ

منابع و ماخذ

۱. برومند فر، پرستو (۱۳۸۷). **"جهانی شدن و بازارهای مالی"**. تهران، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۹۳.

۲. پایگاه آماری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران www.cbi.ir

۳. پایگاه آماری مرکز آمار ایران www.amar.org

۴. پایگاه اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده امریکا (EIA): www.eia.gov

۵. **ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۰** (۱۳۹۲). معاونت امور برق و انرژی (دفتر برنامه‌ریزی کلان برق و انرژی)، ۳۸-۳۷

۶. جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۰). **مروری بر ۲۳ سال آمار انرژی کشور (۸۹-۱۳۶۷)**. معاونت امور برق و انرژی (دفتر برنامه‌ریزی کلان برق و انرژی).

۷. حسن‌تاش، سید غلامحسین (۱۳۹۱). **"نفت ملی شد اما بومی نشد"**.روزنامه آرمان، ۲۱۵۳، ۱۰

۸. حسن‌تاش، سید غلامحسین، نعمت زاده، محمدرضا و قربان، نرسی (مصاحبه شوندگان، ۱۳۹۲). **"میزگرد: سه چالش بزرگ صنعت نفت"**. *روزنامه دنیای اقتصاد*، ۲۹۲۶،۲۸.

۹. حسینی، عماد (۱۳۹۱). **"درحسرت بومی شدن نفت"**. روزنامه آرمان، ۲۱۵۳، ۱۰ .

۱۰. حشمت زاده، مدیر قمی، حسن تاش، درخشان (۱۳۸۹). **"میزگرد: پنجاه سال اوپک، فرصت‌ها و چالش‌ها"**. اقتصاد انرژی، ۱۲۸، ۱۹-۱۱.

۱۱. حشمتی مولایی، حسین (۱۳۸۳). "**عوامل موثر بر توسعه مالی در نظام بانکداری ایران**"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۳، ص ۵۵ .

۱۲. ختایی، محمود (۱۳۷۸). "**گسترش بازارهای مالی و رشد اقتصادی**"، تهران: موسسه پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

۱۳. دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۸). "**کالبد شکافی بخش بازرگانی**".

۱۴. رنانی، محسن. (۱۳۹۲). **اقتصاد سیاسی مناقشه هسته‌ای ایران**. Available from: http://www.renani.ir

۱۵. زمان زاده، حمید، (۱۳۸۹). "**مدیریت نرخ ارز در اقتصاد ایران**". فصلنامه تازه های اقتصاد، شماره ۱۳۰.

۱۶. سایت صادرکنندگان محصولات نفت، گاز و پتروشیمی ایران: www.opex.ir

۱۷. عظیمی، حسین (۱۳۶۵). "**دورنمای بازار نفت و آینده اقتصاد ایران**". فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱، ۱۲-۹ .

۱۸. گزارش جهانی اکونومیست و سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD)، (۲۰۰۹).

۱۹. گزارش دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۱).

۲۰. ماهنامه گستره انرژی(۱۳۸۸). "**پیش بینی صادرات نفت خام ایران تا سال ۱۴۲۰: ایران بازار نفت دنیا را ترک می کند؟**". ۳۰ و ۳۱ (سال سوم)، ۱۲-۱۰.

۲۱. محنت‌فر، یوسف و خاکپور، حسین (۱۳۸۴)."**ارزیابی میزان صادرات غیرنفتی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران:یک تحلیل تجربی (۱۳۸۳-۱۳۵۵)**". ماهنامه مجله اقتصادی، ۵۱ و ۵۲ (سال پنجم)، ۱۱۲-۹۱.

۲۲. مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۸). "**آینده صادرات نفت خام ایران و منافع ملی**". فصلنامه اقتصاد انرژی: ۱۲۰، ۴۸-۴۵.

۲۳. معاونت برنامه‌ریزی و امور بازرگانی وزارت بازرگانی(۱۳۸۵). "**راهبرد استراتژیک در بخش بازرگانی (چالش‌ها و دغدغه‌ها)**".

۲۴. نعمت زاده، محمدرضا(۱۳۹۰). "**باید از تجربیات مشاوران خارجی استفاده کنیم**". سایت تحلیلی خبری عصر ایران. ۱۸۳۳۳۴ Available from: http://www.asriran.com/fa/print/

۲۵. وصالی، ساناز و ترابی، مهرنوش (بهمن ۱۳۸۹). "**اثرات تحریم بانک ها بر اقتصاد و سیستم بانکی**". تهران، فصلنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۱.

۲۶. یاوری، کاظم و محسنی، رضا، (۱۳۸۹). "**آثار تحریم های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی**". تهران، مجلس و پژوهش، شماره ۶۱.

27. Anthony H. Cordesman, Bryan Gold, Sam Khazai, and Bradley Bosserman (2013)."**U.S. and Iranian Strategic Competition: Sanctions, Energy, Arms Control, and Regime Change**".
28. Chen-yuan, Tung (2006). "**China's Economic Leverage and Taiwan's Security Concerns with Respect to Cross-Strait Economic Relations**".chapters: 3&5.
29. Heeley, Laicie and Usha Sahay (2013). "**Are Sanctions on Iran Working?**" A Report by the Center for Arms Control and Non-Proliferation.
30. http://www.asriran.com/fa/print/183334
31. http://www.opex.ir
32. Hufbauer, G. Clyde, Schott, J. Jeffrey, Elliott, K. Ann, Oegg Barbara (2001). "**Economic Sanctions: New**

Directions for the 21st Century". United States: Peterson Institute for International Economics.

33. Kenneth Katzman (2013). "**Iran Sanctions**", Congressional Research Service (CRS) Report for Congress. Available from: http://www.fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf
34. Vidal, A. H. (2010). "**The Impact of Economic Sanctions on Growth**". Master's Thesis, Tilburg School of Economics and Management, Department of Economics.